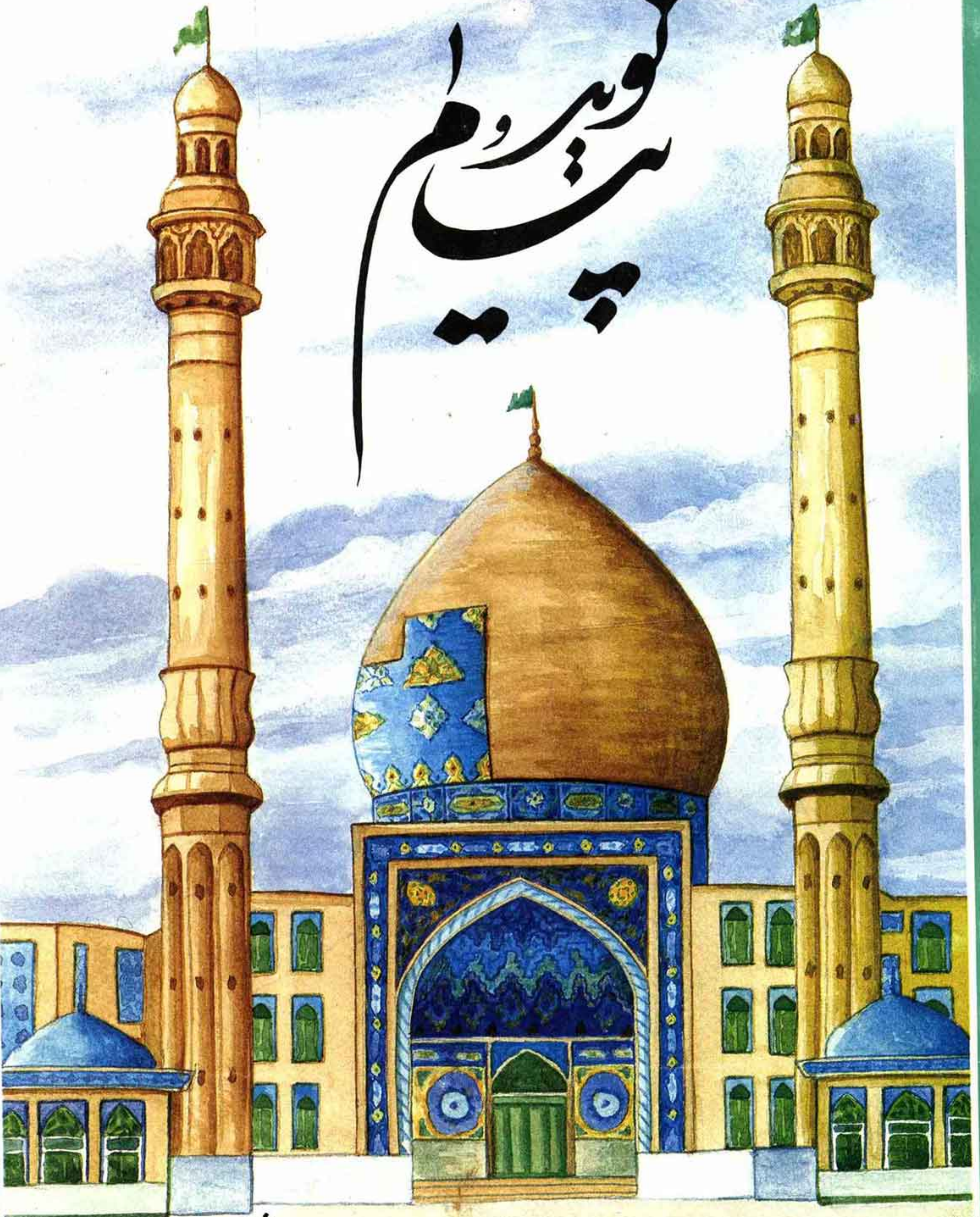


# نوبتِ پرستش



خانم سادات شیراز

# نوید و پیام

شامل:

سلسله مقالات، خوابهای رحمانی

و سروده‌ها پیرامون ظهور

حضرت مهدی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

تألیف:

سادات شیرازی



مؤسسه انتشارات رسالت



مؤسسه انتشارات رسالت

قم - خیابان ارم، پاساژ قدس، تلفن ۷۳۴۰۴۷

نوید و پیام

بدرالسادات محقق

چاپ اول / پاییز ۷۴

حروفچینی مؤسسه رسالت

تیراژ: ۱۲۰۰ جلد / ۲۴۰ صفحه وزیری

چاپخانه: نهضت

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَ أَعْنِ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

### مقدمه:

به نام الله: قادر بی همتا و خالق که وعده‌اش را عملی می‌سازد هر چند که مجرمان و ستمگران را ناگوار آید.

به نام الله: سبحان عزیزی که دیدگان غمبار منتظران را روشن می‌نماید، و فروغ و روشنایی بی مثل و مثال عنایت می‌فرماید.

به نام الله: مفتح الأبواب، مقلب القلوب و الأبصار که نابود کننده باطل است و بر پای دارنده حق و عدالت.

به نام الله: غیاب المستغیثینی که نور خود را محافظت می‌نماید و به وسیله او کاخهای ستم و بیداد و ظلم را سرنگون می‌کند، و آنچه را که خود اراده نماید و در لوح محفوظش ثبت باشد به انجام می‌رساند.

به نام الله: یاری دهنده و یآوری کننده‌ای که ظلمت و تیرگی غم افزای را به طلوع فجر و پیروزی بدل کرده، بانگ روح افزای:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ

را در تمامی کره خاک طنین انداز کرده، آیین اسلام را بر تمامی ادیان پیروز می‌گرداند.

سلام و درود خالصانه بر نبی اکرم حضرت محمد بن عبدالله خاتم الانبیاء والمرسلین.  
سلام و درود همیشگی بر جانشین بر حق آن حضرت اسدالله الغالب حضرت علی بن ابی طالب و دیگر ائمه معصومین - سلام الله علیهم اجمعین - .

سلام و درود بی شائبه بر جمیع انبیای الهی و خاندان گرامی آنان.  
سلام بر جمیع فرشتگان مقرب الهی و دیگر ساجدان پروردگار که با خلوص و خشوع و خضوع تمام، سر بر آستان کبریایی ذات اقدس حق گذاشته، او را سجده و ستایش می نمایند.

سلام و درود بر منصوره آسمان، فاطمه زمین، عابده تورات، و مخدومه انجیل، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام که از همه بانوان اشرف و برتر است.

و سلام بر حجّت و داعی و باقی حق، مهدی عزیز - ارواحنا له الفداء - سلام بر او که خاتم اوصیاء و مفخر اولیاست، و ولی و حاکم جهانمان.

سلام بر شمس الظلام و بدر التمام و مصلح جهانی که با انقلاب بی نظیرش بساط ظلم و ستم و تباهی و فساد و طغیانگری را بر می چیند، و طومار زندگی جنایتکاران شرق و غرب را در هم می پیچد.

سلام بر شمس جهان و خورشید تابان، که در عین پنهان بودن حقیقتی است آشکار.  
سلام بر قلب مبارکش به گاه نیایش و دعا و قیام و انجام رسالت الهی.  
سلام بر او که باقی مانده نور است و مایه امید مستضعفان و مظلومان.  
سلام بر پرچمدار و امام عصر محبوبی که برپا کننده حق است و از بین برنده باطل، هر چند بر مجرمان ناخوش آید.

سلام بر رازدار و غمخوار و منور و مطهری که انوار خیر و برکت و رحمت خود را بر زوایای قلب شیفتگان خود تابانده، نوید رهایی و آزادی را سر می دهد.



## چرا این مجموعه را تألیف نمودم؟

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصْدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا» (۱)

«خدایی جز او که حقاً آفریننده همه عالم هستی است، وجود ندارد، آری، او بر حق است، از روی ایمان و صادقانه به خداوندی او اعتراف می‌کنم.

به علل زیادی نخستین اثر قلمی اینجانب به حضرت بقیة الله الأعظم اختصاص دارد که از میان آنها علل و عوامل زیر را متذکر می‌شوم:

۱ - خواست خدای بزرگ و عنایات کریمانه حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء در امر ارشاد و بیداری مردم.

۲ - هدایت و رهبری در پرتو آیات قرآن مجید و احادیث خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام.

۳ - برخورداری از کتب هدایتگر مؤلفان و نویسندگان عزیز در روشن نمودن افکار حقیر و بیداری و آگاهی من در ارتباط با آنها.

۴ - ادای جزئی از حقوق بیکران آن حضرت علیه‌السلام.

۵ - غریب و تنها بودن امام عصر ارواحنا له الفداء در میان ما انسانها و کمی یاران و اعوان.

۶ - دور بودن آن حضرت از خاندان و وطن و شهر و دیارش و تمایل به بازگشت آن عزیز.

۷ - برخورداری از فیوضات الهی حضرت با عنایات خاصه پروردگار، و بقای ما انسانها به علت وجود شریف آن حضرت.

۸ - پی بردن به این حقیقت که فرج همه مؤمنین و مستضعفین به دست توانمند آن

۱ - بحار: ۸۶ / ۱۵۴، مصباح المتهجد: ۱۵۰ و بحار: ۵۲ / ۳۹۱. (این دعا بخشی از اولین

قسمت دعائی است که حضرت ولی عصر روحی له الفداء در روزهای اول ظهور بیان می‌دارند).

سرور است.

۹ - طولانی بودن دوران درد و رنج و محنت آن صبور، و غفلت اکثر مسلمانان، مخصوصاً جامعه شیعه از آن وجود مقدس گرامی.

۱۰ - ندامت و پشیمانی از غفلت از آن امام و انجام رسالت آموزگاری و شیعه بودن و سادات بودن و توجه دادن مردم به آن سرور.

۱۱ - نداشتن شناخت کافی از آن حضرت و مجهول بودن چهره واقعی و نورانی آن عزیز در میان مردم و غفلت عموم مسلمانان مخصوصاً شیعیان از آن وجود مقدس.

۱۲ - تبلیغات زهراگین دشمنان علیه آن حضرت و جهالت جاهلان و توانا نمودن دوستان در برابر آنان.

۱۳ - مظلومیت و غصب حقوق آن مظلوم.

۱۴ - ادای حق پدری، برادری، آقایی، اربابی، عالمی، و امامی آن حضرت برگردن من و دیگران.

۱۵ - به کار بردن توصیه آن حضرت در امر دعا برای تعجیل در امر فرج و ظهور و توجه به حقیقت نهفته در آن.

۱۶ - نگرستن به دورنمای جهان بعد از ظهور و پیروزی مستضعفین بر مستکبرین، و تفاوت آن دورنما با جهان پرفتنه و آشوب و بلا و ظلم و ستم کنونی، و رهایی و آزادی در دولت حق آن حضرت.

۱۷ - به انحراف کشیده شدن مردم به چپ و راست و تقصیر آنان در متابعت از ناحق.

۱۸ - طولانی شدن امر غیبت و بالا گرفتن موج فتنه و بلا و آشوب و جنگ و لبریز شدن کاسه صبر مشتاقان حضرت.

۱۹ - دفاع از حق و کوبیدن ناحق و باطل.

۲۰ - ادای اجر رسالت جد بزرگوارم نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و جواب دادن به احسان و خیرخواهی ایشان.

۲۱ - محترم شمردن صله رحم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و مقدم داشتن آن بر صله رحم

خویشان نزدیک.

۲۲ - از بین بردن هم و غم و اندوه آن حضرت و به کار بردن سفارشات مؤکد رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت گرامیش درباره زنده نگهداشتن امر آن حضرت.  
 ۲۳ - علاقه به خونخواهی جد بزرگوارم حضرت حسین به علی عَلَيْهِ السَّلَام و انتقام‌گیری آن حضرت در این زمینه.

۲۴ - توجه به امر رجعت خاندان کریمه و تمایل به بازگشت آنان.

۲۵ - ایمان به حقیقت آن حضرت و دفاع از او در حد توانایی.

۲۶ - جلب رضایت پروردگار و انبیای الهی و ائمه معصومین و فرشتگان مقرب حق و بندگان صالح خداوند.

۲۷ - رستگاری به شفاعت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دخت گرامی او فاطمه زهرا - سلام الله علیها - و دیگر ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام ان شاء الله.

۲۸ - یأس مردم از برنامه‌های سازمانهای بین‌المللی مانند سازمان ملل و مجامع دیگر.

۲۹ - غربت قرآن و خاندان رسالت و امامت و متروک ماندن قوانین حیاتبخش اسلام در عصر حاضر و عدم توجه جهانیان به این امر.

۳۰ - ویژگیهای قیام حضرت بقیه الله الأعظم عَلَيْهِ السَّلَام و برنامه‌های جامع و حیاتبخش دولت کریمه آن سرور، و بشارتهای مؤکد و متواتر رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین و حضرت زهراى مرضیه سلام الله علیهم اجمعین و دیگر انبیاء الهی، مانند حضرت موسی و عیسی و داود عَلَيْهِمُ السَّلَام در مورد ظهور حتمی آن سرور و نزدیک شدن نشانه‌های ظهور و امید رسیدن دنیا به امنیت و عدالت و رفاه عمومی و برچیده شدن بساط ظلم و خودسری و احقاق حقوق الهی و سایر عوامل دیگر.

به امید اینکه همه مؤمنین و دوستان حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام در آزمون الهی سربلند و پیروز بیرون آمده و همگی یکصدا با هم یوسف ناپیدای فاطمه زهرا سلام الله علیها را صدا بزنیم و او را به یاری بطلبیم تا به خواست حضرت حق یاور مستضعفان و مظلومان، پناه بی پناهان، یار دردمندان، دواى درد بشریت محروم از حقوق خود، مرهم دل



و نور دیده رنجدیدگان مشتاق، خورشید تابان هدایتگر و زنده کننده احکام قرآن مجید، کوه پر صلابت ایمان و تقوا و استواری، منتقم خون سرور شهیدان کربلا حضرت ابا عبدالله حسین بن علی علیه السلام، میوه دل نبی اکرم و فاطمه زهرا و نور دیدگان ائمه هدی علیهم السلام، حافظ و نگهبان قرآن احمدی، حبیب و خلیل و آخرین ذخیره پروردگار با شمشیر و تیغ بران ذوالفقار از راه برسد و دولت حق را برپا نماید و پرونده سیاه قدرتهای استکباری شرق و غرب و عوامل محرک جنگ و فتنه و آشوب و ویرانگری و نابودی را بسته، به زندگی ننگین و نکبت بار آن لثیمان خاتمه داده، آلام درونی مؤمنان مشتاق، مبارز، متعهد و دلسوز و فداکار و رنجیده را التیام بخشیده، غبار غم از دیدگان غمبار مستضعفان پاک کرده، همه خلق در بند و مشتاق جهان را شادمان نماید. آری به امید آن روز، روز موعود، روز رهایی و آزادی، روز نابودی جهل و جهالت و تاریکی، روز شادی و امید، روز سربلندی و افتخار و عزت مؤمنین، روز بهار پیروزی، روز فرداهای بهتر و باز هم بهتر همه راهیان راه عشق و مشتاقان حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا له الفداء را به خداوند منان سپرده، چشم به راه روز موعود می‌دوزیم.

منتظر به راهش گام بگذار و مشتاقانه اهداف الهی اش را دنبال کن، که پیروزی آن عزیز، پیروزی اسلام و مسلمین است و نابودی کفر جهانی.

﴿اللَّهُ يَنْصُرُكُمْ وَيُثَبِّتُ أَقْدَامَكُمْ﴾

«ان شاء الله»

## بخش اوّل

### چگونه بیدار شدم؟

به نام قادر بی‌همتا، به نام ربّ العالمین و ربّ السّموات و الأرض و ما بینهما الرّحمن. به نام خداوندی که انسان را به اندام آفرید، و او را قدرت بخشید، و او را لباس عزّت و کرامت عطا نمود، و به فرشتگان امر نمود تا آدم را سجده نمایند که او خود انسان را بزرگ مقام کرد و عقل و خردش داد تا راه و مسیر مستقیم را بگیرد و به او بیوندد که او بهشت و نعمتهای وافرش را نصیب نیکان و خالصان می‌کند، زیرا بخشنده و مهربان است حال اگر انسانی این مقام را درک ننمود و تذکرات الهی را نادیده گرفت و راهنمایی انبیای الهی و ائمه معصومین و صاحبان امر را نپذیرفت و شیطان را دوست خود گرفت و از خشم خداوند خود را آسوده دید و بیم ننمود، و آیات الهی را یا تکذیب کرد و یا نادیده گرفت، و تبعیت از هوای نفس اماره نمود و فرمان و رهنمودهای حجّتهای الهی را که همان انبیاء و اوصیاء و ائمه معصومین هستند، به کار نبست و اطاعت نکرد، و در نتیجه «سیر الی الله» را نپیمود و به مقرّ اصلی خود بهشت برین برنگشت، مقصّر خود اوست نه دیگران.

امیدواریم این حقیقت محض را همیشه در نظر داشته باشیم که:

زندگی بشر از ابتدای خلقت او تا عرصه قیامت از حجّت‌های خدا خالی نمی‌ماند و در همه حال ما در محضر او هستیم و مورد آزمونش.

حال برای داشتن نفسی مطمئن باید نفس اماره را سرکوب کنیم و بدانیم اگر شیطان و

وسوسه‌های او وجود دارد در مقابل قدرت خداوند بزرگ هم وجود دارد که قدرت او محیط بر جهان هستی و شیطان است و شیطان لازمه عدل الهی است برای آزمایش از نفوس آدمیان پس برای جلب رضایت پروردگار هشدارهای او را توجه می‌نمائیم و ان شاء الله از رهنمودهای آخرین سفیر و حجّت و صفیّ او پیروی می‌کنیم تا در آزمون الهی موفق گردیم.

و حال از خود می‌گوییم و از بیداریم، و از یگانه سمیع و رؤف و علیمی که می‌شنود ندای بندگانش را، و اجابت می‌فرماید دعای آنان را. بارالها تو خود شاهد برگفتار و پندارم هستی که آنچه را بیان می‌دارم و می‌نویسم جز با عنایات خاصّه خودت نیست. آری من بیداری را می‌خواستم و تو ای عزیز حکیم بیدارم نمودی، که دوست داری هدایت و بیداری بندگانت را، آری چه نیک تمام عوامل بیداری و هدایت را مهیا و آماده نمودی، که از آن جمله بهره‌بری از عقل - این پیامبر درونی - استفاده از رهنمودهای پیامبران و اوصیاء الهی، و پیروی از فطرت درونی خداجوئی، فرشتگان محافظ و مراقب، آیات هشدار دهنده و بیم دهنده و مژده دهنده، و از همه مهمتر لطف و مهربانی و نظارت ذات پاک خودت، که کاملاً بر اوضاع ما تسلط داری و نیازهای ما را می‌دانی، آری ای مهربان‌ترین مهربانان، نیروی تو و مراقبات از هر طرف ما را احاطه کرده، زبان و دست و دیگر اعضای پیکرمان، پوست بدنمان، فرشته راست و چپ ملازمان، رقیب و عتید که در حال تلقی و ثبت اعمال ما هستند، همه و همه بر افکار و اعمال ما گواهی می‌دهند، و بیش از پیش مسؤولیت خطیر اشرف مخلوقات بودن و انسان بودن را به ما می‌فهمانند. اما و اما اندگی همّت می‌خواهد که از درون بیرون آیی و برون را بنگری، از جای برخیزی و با دیده تفکر و تعمق به خود و اطراف بنگری، و برای بلند شدن و برخاستن باید چشم دل و جسم را به کارگیری و از حواس استفاده نمائی و چون خود را جمع نمودی، به او توکل کنی به ریسمان الهی چنگ بزنی و در همه حال او را ناظر بر تمامی حالات خود ببینی و به خاطر هر خطا و لغزشی خودت را سرزنش کنی و موقف حساب و قیامت را در نظر مجسم کنی و کاملاً در حال محاسبه و مراقبه باشی، و به ظاهر و باطن خود بنگری و خود را در قبضه قدرت خدا بدانی، و این حقیقت را لمس کنی که او از رگ قلب به تو نزدیکتر است و بین تو و قلب تو قرار دارد

و با تو است و از افعال و گفتار و اندیشه‌ها و حتی نیت‌ها و وسوسه‌های قلبت باخبر است، آنوقت است که از ناخود بیرون می‌آیی و به سوی خدا می‌روی، از خود شناسی به سوی خداشناسی می‌روی، از عالم بی‌خبری و بی‌تفاوتی به سوی آگاهی و تعهد و شناخت وظائف و تقواگام برمی‌داری، و تازه در اینجا می‌بینی که نقطه آغاز است، و شروع راهی از علق به سوی نور و معرفه‌الله، و در این سیرالی الله جز با توکل بر او و خودسازی و تهذیب و مراقبت نمی‌توانی موفق شوی، و قادر نخواهی بود رضای او را به دست آوری و صاحب نفس مطمئنه شوی.

به هر حال من هدایتیم را از او خواستم، او هم مرا هدایت کرد و به راه خود خواند و دعایم را به اجابت رساند و آگاهم نمود. اینجاست که درک می‌کنیم اگر کسی با خلوص نیت و با تمامی وجود و تضرع درونی و پنهانی او را به یاری بطلبد، او هم عنایت نموده، لطف کرده، بیدار می‌نماید، چون دوست دارد بیداری و آگاهی بندگانش را. و مایل است انسانها از او بخواهند تا او هم حجابها و پرده‌ها را کنار بزند، تا حقایق را بنگرند و او را بشناسند و اطاعت و بندگی کنند. و در این هر چه از او به ما می‌رسد رحمت و لطف است، نه اینکه او نیاز به اطاعت و بندگی ما داشته باشد. این لطفی است از سوی او به ما، که اگر ما از اطاعت و بندگی او سربتابیم تمام آنچه که در آسمانها و زمین و مابین آنهاست با خشوع و خضوع او را ستایش می‌کنند. و هرگز از این اطاعت خسته و ملول نمی‌شوند. آری هر چه از حق به ما می‌رسد همه لطف و عنایت و رحمت است. به هر حال در امر هدایت، «خواستن» مهم است و ایمان آوردن، آگاهی یافتن، توجه نمودن، و با دقت عمل کردن و مراقبت از خود نمودن، و در نهایت ان‌شاءالله به او رسیدن.

و در مهمترین مرحله، یعنی «خواستن» که مقدمه از جا برخاستن است، باید از تمام نیروی عقل خود بهره بگیریم و از تمامی عوامل بیداری استفاده نمائیم، تا آگاهی لازم را به دست آوریم و از خدای مهربان بخواهیم که ما را هدایت کند و چون هدایت نمود ما را در راه راست، ثابت و استوار نگهداری و محافظت نماید، و در سیر به سوی خود کمک نماید. و این مفهومی ندارد جز تقاضای هدایت که تنها به قدرت او انجام می‌گیرد، که هدایت بشر

زسوی اوست، و اوست نزدیکتر از ما به ما.

برای اینکه در امر هدایت اهمیت دعا و خواستن را دریابیم، و به مفاهیم گسترده آن در حدّ توان توجه نمائیم همگی با هم گوش می‌سپاریم به ترجمه‌ای چند از آیات کتاب نور و هدایت:

خداوند در این آیات چنین می‌فرماید:

«بگو خداوند به شما اعتنا نمی‌کند اگر نیایشتان نباشد»<sup>(۱)</sup>

و «نیایش نیایش‌کننده را اجابت می‌کنم هنگامی که مرا بخواند»<sup>(۲)</sup>

می‌بینیم که در این آیات رسای قرآنی خداوند مهربان توصیه می‌فرماید که تنها او را بخوانیم و از او بخواهیم که نیازهای ما را برطرف سازد. آری دعا وسیله تقرّب به سوی حق است و کانال ارتباطی ما با قدرت بی‌نهایت و مطلقه جهان هستی است، و از این باب است که حضرت رسالت پناه اسلام حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند:

«دعا مغز و روح عبادت است. هیچ دعائی بی‌اثر نمی‌ماند، و لا اقل کفاره بعضی از گناهان واقع می‌شود».

«بنابراین در دعا سخت بکوشید، چه آنکه حقتعالی از اعطاء خسته نمی‌شود این ما هستیم که از خواستن خسته می‌شویم».

از امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت است که فرمود:

«خداوند از خواسته‌های دل بسندگان آگاه است، ولی دوست دارد نیازها به

پیشگاهش عرضه شود. پس هر گاه دعا می‌کنی تمام حاجت‌هایت را نام ببر».

که ان‌شاءالله برآورده می‌سازد، همچنانکه دعا در اجابت نمود و نیازم را پاسخ گفت

و بیدار نمود.

حال برای آنکه بیشتر با تأثیرات دعا در برآوردن نیازها آشنا شویم گوش می‌سپاریم

به سخنان گهربار ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام در این زمینه:

۱ - «دعا سپر مؤمن (در مقابل بلاها) است. و اگر درب خانه‌ای را زیاد بکوبی عاقبت به رویت باز می‌شود. خداوند دوست دارد بندگان را از او درخواست کنند. پاداش دعای آنان در روز قیامت مانند عطاهاى دیگرش بهشت خواهد بود».

[ امام علی علیه السلام ]

۲ - «دعا برترین عبادتهاست دعا کنید و بر آنچه تشویق شدید رغبت بورزید دعوت خدا را اجابت کنید تا رستگار شوید و از عذابش نجات یابید».

[ امام باقر علیه السلام ]

۳ - «دعا همان عبادتی است که خدا اعراض کننده را وعده عذاب داده، حتماً دعا را ترک ننمائید. زیرا وسیله‌ای بهتر از آن برای تقرّب به سوی حق نیست. از دعا کردن به جهت کوچکی حاجت خودداری نکنید، زیرا برآورنده حاجتهای بزرگ و کوچک یک مقام است. بنابراین ابدأً از دعا خسته نشوید زیرا دعا در نزد حق تعالی منزلتی بس بزرگ دارد».

[ امام صادق علیه السلام ]

۴ - «پیش از طلوع و غروب آفتاب در دعا کردن بکوش، و هیچ امری نباید ترا از این کار مانع بشود البته هرگز نباید بگویی خواسته من مهم است، شاید برآورده نشود، از خدا بخواه و گمان مبر که کار از کار گذشته است».

۵ - «دعا کلید نجات است. بهترین دعا آن است که از سینه‌ای پاک و دلی ترسناک برآید، مناجات سبب پاکی نیت و وسیله رهائی است. پس هرگاه ناراحتی‌ها هجوم آورد به خدا پناه ببرید».

[ امام صادق علیه السلام ] (۱)

آری شنیدیم سخنان با ارزش پیشوایان، هادیان و راهیان راه حق را، که جزئی بود از دریای کلمات حکمت آموز آنان. حال امیدوارم بیش از پیش در دعا کردن کوشش کنیم، و

آن را راه‌گشای مسائل و مشکلات خود بدانیم همانطور که من به وضوح این مسأله را درک نمودم و به حقیقت آن پی بردم. که دعا نمودم و آن یگانه علیم سمیع دعایم را اجابت نمود. آری هیچ وقت آن غروب زیبای پاییز سال ۷۰ را فراموش نمی‌کنم و نخواهم کرد.

غروب‌بی که برایم طلوع فجر و روشناییها بود، غروب‌بی که در اوج غم و اندوه برایم زیباییها را به ارمغان آورد و دریافت معارف و حقایق را، و از من انسانی ساخت متحوّل و آگاه، که این همه را از برکت لطف و عنایت او می‌دانم.

هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم آن لحظه‌ای را که سر بر آستان پروردگارم گذاشتم، و در خلوت با تضرّع و خشوع و گریه او را خواندم و بیان نمودم:

«بارالها بیدارم نما و مرا در حضور جدّه بزرگوارم فاطمه زهرا - سلام الله علیها - روسیاه و خوار مگردان، که من از ساداتم و دگرگونی را می‌خواهم».

آری من مایل نبودم همچنان در لاک خود باشم، دوست داشتم پرواز کنم، دوست داشتم از درون خود بیرون آیم، مشتاق بودم با نور حقیقت آشنا شوم، و در نهایت کلمه بیداری را خواستار بودم، و خداوند مهربان و رئوف بر مخلوقات، آن عزیز همیشه بیدار و شنوا، رو به من حقیر و نادم سراپا تفصیر کرد و دعایم را اجابت نمود.

شاید تعجب کنید از اینکه بیان داشتم (رئوف بر مخلوقات) ممکن است در حدّ تصوّر ما نگنجد، ولی با توجه به مفاهیم قرآنی همه چیز در حدّ قراردادی خود دارای نوعی شعور و درک است.

جانوران همچون ما طوایفی هستند، آنچه در آسمانها و زمین است به ستایش خداوند مشغولند و ... و مگر نه اینکه در قرآن می‌خوانیم که حضرت داوود پیامبر علیه السلام با کوهها، صبحگاهان و شامگاهان، خداوند را راز و نیاز می‌نمود. و مگر نه اینکه در قرآن می‌خوانیم که خداوند امر و کار آسمانها و زمین را به آنان محوّل نمود و آنان پاسخ دادند شنیدیم و فرمانبرداریم. مگر نه اینکه خداوند به زنبور عسل وحی نمود و روش زندگی و آشیانه ساختن و گرفتن شهد از گلها را به او آموخت.

برای بهتر درک نمودن واقعیتهای موجود گوش می‌سپاریم به ترجمه آیه ۷۴ از سوره

مبارکه بقره:

«پس از آن دلهای شما چون سنگ سخت گردید، حتی سخت تر از سنگ، که از سنگ گاهی جویها روان شود و چون شکافته شود، آب از آن بیرون جهد و گاه از ترس خدا از فراز به نشیب فرو غلتد و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست».

آری پروردگار عزیزمان در قرآن برای آگاهی ما انسانها مثالهای گوناگون می‌زند و تذکر می‌دهد، در عمق آیات بیندیشیم و فکر کنیم و بیابیم حقایق موجود را. لازم به تذکر است که آیه ذکر شده را پروردگار در مورد قوم نابکار یهود می‌فرماید، که به حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ایمان نمی‌آوردند و کلام خدا را می‌شنیدند و حقیقت آن را می‌یافتند و تحریفش می‌نمودند، و با توجه به آن آگاهی نفاق می‌کردند. به خداوندی خدا سوگند این آیه همچون آیات دیگر الهی که هشدار دهنده است، آنچنان مرا از خود بی خود کرد که سرم را به دیوار گذاشتم و های های گریه نمودم و قلبم با شنیدن این آیه رسای قرآنی شکست و با خدایم گفتم: بارالها من که سیده‌ام و قلبم از سنگ نیست و مسلمانم، بیدارم نما و منورم ساز و روشنم کن. آن یگانه بی‌همتای علیم که همه امور جهان را زیر نظر دارد و به تعبیر خودش برگگی از درخت نمی‌افتد مگر با اذن و اجازه او، و اینکه او همه چیز را می‌داند و بر همه چیز احاطه دارد [چه آنهایی که به تصور ما می‌آیند و چه آنهایی که خارج از تصور و اندیشه بشری ما می‌باشند] از این رهگذر لطف نمود و بنده چهل ساله خود را از خواب غفلت بیدار نمود که او از خواسته بندگانش با اطلاع است، مگر نه اینکه با او عرضه می‌داشتم: آنچه از گذشته بر من طی شده به تبعیت از هوای نفس و شیطان بوده، آنچه از آینده برایم به وجود خواهد آمد تو بساز، او هم ندای بنده‌اش را پاسخ گفت و رویایی رحمانی را بر او پدیدار کرد.

اگر دوست دارید آن رؤیای الهی را بدانید برایتان بازگو می‌کنم:

شبی قبل از خواب به دلم گذشت که روزه بگیرم. در آن شب حال و وضع عجیبی داشتم دلم در ولولای عجیبی بود، تا اینکه بین خواب و بیداری تصمیم گرفتم غذائی را بخورم و روزه بگیرم، که یک دفعه در آن حالت که نه خواب بودم و نه بیدار جرعه‌های آب خنک و گوارایی را نوشیدم و سپس به خواب رفتم. در عالم خواب زنی را در پوشش سیاه



حجاب دیدم که صورتش برایم قابل شناسائی نبود او به طرف من اشاره نمود که روزه بگیرم در حالیکه ماه رمضان نبود، رو به روی او میز بزرگی بود که قرآن مجیدی در روی آن قرار داشت. در عالم خواب دیسی از حلوا را روی میز دیدم، با دیدن این صحنه و آن الهام دل، با خودم نجوا می کردم: حالا که وقت روزه گرفتن نیست، بعد گفتم: می گیرم. بعد از بیداری حدود چهل روز روزه گرفتم و در این گیر و دار به مرور با قرآن روان سروش که به شکلی جدید به چاپ رسیده [متن آیات در یک طرف صفحه و ترجمه های آن به شکل جمله بندیهای شماره ای و به ترتیب پشت سر هم قرار دارد] آشنا شدم. حقایق موجود در این کتاب آسمانی مرا منقلب می نمود و به گریه انداخته و به تفکر و امید داشت و تکان می داد. بعد از گذشت مدتی احساس می نمودم قلبم روشن و روشنتر می شود و جهان را به گونه دیگری می دیدم، و به هر پدیده ای با دیده تعمق می اندیشیدم و به آیات الهی فکر می کردم و به فکر تحوّل درونی می افتادم. در نتیجه با غفلت نکردن از قرآن و توجه به خلقت خود و تدبّر در آیات و نشانه های خداوند و امداد از ندای فطرت و وجدان الهی و عمل به رهنمودهای الهی در امر خودسازی و تهذیب نفس احساس می نمودم که حقایق و واقعتهائی را لمس می کنم و به تدریج که جلورفتم متوجه شدم بینش و دید دیگری نسبت به جهان آفرینش و حقایق نهفته در آن پیدا کرده ام. به هر حال لطف پروردگار مهربان هدایت کننده و متصل شدن به ریسمان الهی موجب ایستادگی و مقاومت و صبر و توکل بر خداوند منان را فراموش نکردم و همچنان راهم را ادامه دادم تا به مرحله ای رسیدم که نیاز به نوشتن پیدا کردم. به هر حال نتیجه آن تحوّلات درونی ابتدا موجب سرودن شعری شد با عنوان: «بیداری» که آن را در بخش سروده ها آورده ام، و سپس سروده های دیگر و نهایتاً مجموعه «نوید و پیام» امیدوارم خداوند مهربان این خدمت ناچیز را از من بپذیرد و همچنین دیگر اساتید فن هم از موارد ایراد صرف نظر کرده، عذر مرا بپذیرند. باشد که خداوند مهربان هشدار دهنده آگاه توبه پذیر عذر ما را بپذیرد، و از خطای ما درگذرد که همانا اوست یاور بی پناهان. حال ای عزیزان همگی با هم دست به دعا بر می داریم و اینگونه با خالق عزیزمان سخن می گوئیم:

«بارالها هدایت و رهبری تنها از تو است نه غیر، عنایت فرما و ما را هدایت کن.  
 بارالها به هر جا می‌رویم سرانجام به سوی تو برمی‌گردیم، حال می‌گوئیم: ترا به حق  
 دعای خوبان و پاکان و مقربان درگاهت، آنچنان شناختی به ما عنایت نما تا در امامت  
 امامان ثابت قدم بوده، با دوستانش دوستی و با دشمنانش دشمنی کنیم.  
 بارالها اختلاف و پراکندگی صفوف مسلمین را وحدت بخش، و ما را از یاوران  
 حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا له الفداء قرار ده و مایوس و محرومان مگردان.  
 پروردگارا ما را از مشتاقان لقای خود قرار ده تا رضای تو را به دست آورده، در جوار  
 رحمت قرار گیریم.  
 بارالها ما را از شرّ اشرار و جاهلان و دشمنان محفوظ بدار و مکر آنان را به خودشان  
 برگردان. آمین یا رب العالمین».

هو الحبيب

هو الحبيب من هو الحبيب

هو الحبيب من هو الحبيب

هو الحبيب من هو الحبيب

کرده است بیشتر موصوفان

«پسروردگارا! ما در انتظار دولت  
کریمه‌ای هستیم که در پرتو آن اسلام و  
اسلامیان را عزیزگردانی، نفاق و  
منافقان را خوار نمایی، ما را در آن  
دولت کریمه از منادیان فرمان تو و  
پیشروان راه خود قرار داده، کرامت  
دنیا و آخرت را به ما عطا فرمایی.»<sup>(۱)</sup>

## بخش دوم

### مختصری از شرح حال حضرت بقیة الله الأعظم

نام مبارک آن حضرت «م - ح - م - د» و کنیه آن حضرت «ابوالقاسم» است،  
ولادت باسعادت آن حضرت در شب جمعه پانزدهم شعبان ۲۵۵ هجری قمری است. پدر  
بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است تاریخ شهادت امام حسن عسکری علیه السلام  
روز هشتم ربیع الاوّل سال ۲۶۰ هجری قمری است. بنابراین در حین وفات پدر بزرگوارش  
۵ ساله بود که به مرتبه امامت نائل شدند در حقیقت تاریخ شهادت امام عسکری و انتصاب  
سفیر اوّل در یک روز اتفاق افتاده است.

بنابراین دوره وکالت نُوّاب اربعه از روز هشتم ربیع الاوّل سال ۲۶۰ ه. ق شروع  
می شود و با وفات سفیر چهارم (ابوالحسن علی بن محمد سَمُرّی) در نیمه شعبان سال  
۳۲۹ ه. یعنی مدّت ۶۹ سال و پنج ماه و هفت روز پایان می پذیرد.

وکلائی چهارگانه عبارتند از:

- ۱ - عثمان بن سعید عَمْرُوی. ۲ - فرزندش محمد بن عثمان عَمْرُوی.
  - ۳ - ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی. ۴ - ابوالحسن علی بن محمد سَمُرّی.
- پس از آن دوره غیبت کبری می باشد.

مادر آن حضرت «ملیکه» دختر بشوعا فرزند قیصر روم از نسل شمعون بن نون صفا، ملقب به «نرگس خاتون».

به فرمان خداوند قادر متعال فرمان ظهور صادر می شود و جمعی از بندگان خالص خداوند رجعت می کنند و انتقام همه خونهای به ناحق ریخته شده در راستای تاریخ را از ستم پیشگان می گیرند.

## چگونگی ولادت امام زمان عجل الله فرجه الشریف

### بسمه تعالی

هنگامی که وجود منورش تولد یافت روی دست راست آن حضرت نوشته شده بود:

﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾

«که حق آمد و باطل نابود شد، به درستی که باطل نابود شدنی است».

حجت خدا بلافاصله پس از تولد به سجده افتاد و خداوند را به عظمت یاد کرد،

سپس به روی زانو نشسته، انگشت سبابه اش را به سوی آسمان بلند کرده عرضه داشت:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيُّ اللَّهِ وَ

وَ صِيٌّ رَسُولِهِ ...».

یعنی: «شهادت می دهم به یگانگی خداوند متعال، که جز او خدائی نیست و

شهادت می دهم به نبوت جدّم رسول الله خاتم الأنبياء و شهادت می دهم به امامت پدرم

علی مرتضی امیر المؤمنین که وصی و جانشین رسول خداست» آنگاه به امامت یکایک

ائمّه شهادت داد، سپس برای خود این گونه دعا کرد:

«خداوندا! به وعده های که به من داده ای وفا کن و امر قیام مرا تمام فرما. قدمهایم را

ثابت بدار و در سایه قیام من جهان را پر از عدل و داد کن».<sup>(۱)</sup>

حکیمه خاتون عمّه گرامی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که در وقت وضع

حمل نرجس خاتون مادر گرامی امام زمان ارواحنا له الفداء حاضر بود. می فرماید: همین که مولود عزیز نظرش بر پدر گرامی اش افتاد سلام کرد و پدر او را با شادی در برگرفت و دست مبارکش را بر سر آن سرور کشید و بر کف دست چپ نشانید و با دست راست بر پشت و گوش و بندهایش کشید و فرمود: «فرزندم به قدرت الهی سخن بگو».

حضرت پس از سلام و صلوات بر حضرت رسالت پناه و حضرت امیرالمؤمنین و جمیع امامان و پدر بزرگوار خویش علیه السلام استعاذه نمود و این آیه شریفه را تلاوت فرمود:

﴿می خواهیم منت بگذاریم بر جماعتی که در زمین به ضعف کشیده شده اند، و ایشان را پیشوا قرار دهیم، و بگردانیم ایشان را وارثان زمین، و تمکین بخشیم ایشان را در زمین، و بنماییم به فرعون و هامان و لشکرهای ایشان از امامان آنچه را که از آن حذر می کردند﴾. (۱)

و آنگاه برای دوستان و افراد مضطرّ دعا کردند که خداوند فرج ایشان را نزدیک گرداند.

آری سرانجام ان شاء الله بندگان خاصّ خداوند بر فراغنه و جبّاران غالب خواهند شد و دشمنان خداوند به هر مرحله ای از قدرت که برسند سرانجام از میان خواهند رفت و انتظار به پایان خواهد رسید و وعده الهی تحقّق خواهد یافت.

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مَنَهْجَهُ»:

«خدایا تعجیل کن در فرج او و آسان ساز ظهورش را و وسعت بخش راهش را».

«حق با ما و در دست ماست. بجز ما هر که این داعیه بر زبان آرد دروغگو و افتراگو و گمراه و گمگشته است»

[از فرمایشات حضرت حجّة بن الحسن المهدی عجل الله فرجه الشریف] (۲)

امام زمان عدل قرآن است و از جهات فراوانی وجه تشابه بین ایشان و قرآن هست:

۱ - قرآن، «حبل الله المتین» است. همچنین قائم علیه السلام حبل الله المتین است.

- ۲ - قرآن را خداوند به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عطا کرد، در مقابل همه آنچه به اهل دنیا عطا کرد، و قائم عَلَيْهِ السَّلَام نیز همینطور است.
- ۳ - درباره قرآن خداوند می فرماید:
- ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾<sup>(۱)</sup> همچنین است قائم عَلَيْهِ السَّلَام.
- ۴ - در قرآن بیان هر چیز است ﴿تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾<sup>(۲)</sup> وجود حضرت صاحب نیز بیانگر هر چیز است.
- ۵ - قرآن را خداوند وسیله خروج از ظلمات به سوی نور قرار داده، همچنین امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را نیز خدا ظاهر می سازد تا مردم را از تاریکی های ظاهر و باطن نجات دهد و به نور برساند.
- ۶ - قرآن شفای جسم و جان مؤمنین است. حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام نیز شفای جسم و جان مؤمنین است.
- ۷ - قرآن بر ظالمین خسران و طغیان است و کفرشان را زیاد می کند، امام زمان نیز چنین است.
- ۸ - قرآن معجزه و حجّت باقیه است، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام نیز همین گونه است.<sup>(۳)</sup>
- ۹ - قرآن شفاعت کننده قاری در قیامت است، امام زمان نیز تابع و پیرو خود را شفاعت می کند.<sup>(۴)</sup>
- ۱۰ - و صدها وجه تشابه دیگر که در کتاب ارزشمند «قرآن و حجّت پروردگار» آمده است.<sup>(۵)</sup>

۱ - سورة حجر، آیه ۹.

۲ - سورة نحل، آیه ۸۹.

۳ - شیفتگان حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ج ۱ ص ۶۳.

۴ - مکیال المکارم ج ۱ ص ۳۳۱.

۵ - به قلم آیت الله حاج شیخ رضا توحیدی.

ویژگیهای حضرت مهدی علیه السلام

مطابق صدها روایت معتبر که از طریق شیعه و سنی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیده است، امام زمان ارواحنا له الفداء دارای ویژگیهای زیادی است که قسمتی از آنها را در اینجا می آوریم:

- ۱- مهدی علیه السلام از عرب است.
- ۲- مهدی علیه السلام از امت اسلامی است.
- ۳- مهدی علیه السلام از کنانه است.
- ۴- مهدی علیه السلام از قریش است.
- ۵- مهدی علیه السلام از بنی هاشم است.
- ۶- مهدی علیه السلام از اولاد عبدالمطلب است.
- ۷- مهدی علیه السلام از اولاد ابوطالب است.
- ۸- مهدی علیه السلام از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.
- ۹- مهدی علیه السلام از عترت است.
- ۱۰- مهدی علیه السلام از اهل بیت است.
- ۱۱- مهدی علیه السلام از ذوی القربی است.
- ۱۲- مهدی علیه السلام از اولاد علی علیه السلام است.
- ۱۳- مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه علیها السلام است.
- ۱۴- مهدی علیه السلام از اولاد سبطین است.
- ۱۵- مهدی علیه السلام از اولاد امام حسین علیه السلام است.
- ۱۶- مهدی علیه السلام نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است.
- ۱۷- مهدی علیه السلام از اولاد حضرت صادق علیه السلام است.
- ۱۸- مهدی علیه السلام از اولاد حضرت رضا علیه السلام است.
- ۱۹- مهدی علیه السلام فرزند حسن عسکری علیه السلام است.
- ۲۰- مهدی علیه السلام فرزند بلافصل حضرت عسکری علیه السلام است.



- ۲۱ - مهدی علیه السلام شباهت کامل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد.
- ۲۲ - مهدی علیه السلام اسم و کنیه اش همان نام و کنیه پیامبر است.
- ۲۳ - مهدی علیه السلام دو غیبت دارد: صغری و کبری.
- ۲۴ - مهدی علیه السلام مهدی موعود در عالم یکی است. (۱)

### نسب شریف حضرت مهدی علیه السلام در احادیث اهل سنت

در احادیث اهل سنت در مورد نسب حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء مشخصات زیر به صراحت آمده است:

- ۱ - مهدی از قریش است.
  - ۲ - مهدی از بنی هاشم است.
  - ۳ - مهدی از اهل بیت است.
  - ۴ - مهدی از تبار رسول اکرم است.
  - ۵ - مهدی از نسل حضرت علی است.
  - ۶ - مهدی از اولاد حضرت فاطمه است.
  - ۷ - مهدی از اولاد امام حسین است.
- و در برخی تصریح شده که نهمین فرزند اوست.
- ۸ - مهدی از امامان اهل بیت است.
- و در برخی تصریح شده که دوازدهمین آنها است. (۲)

۱ - شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱ ص ۴۴.

۲ - ینابیع المودة ص ۲۵۸.

## چهره تابان حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف و اندام موزون آن حضرت

سلام بر سرور عدالت گستر و فاتحمان. سلامی دائمی و همیشگی خدمت آن حضرت و دیگر انوار الهی. آری گرچه او از نور است و از نور باید تنها نور صحبت کند و سبوتی را جای بحر نیست و نخواهد بود اما در این مجموعه در حدّ توان آنچه آنچنان که دیگران بیان نموده‌اند سیمای تابناک آن حضرت را ترسیم می‌کنیم. آری آن امام خوب و آراسته به جمیع صفات و ملکات فاضله هستند. با قامتی رسا و استوار و چهره‌ای درخشانده و منور که هیچ کس را یارای نگریستنش نیست. او شبیه‌ترین شخص به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و از نور آن حضرت به وجود آمده است. آری آن حضرت نه فقط از بُعد جسمی زیبا است، بلکه از ابعاد مختلف روحی هم زیبایی مخصوصی را دارا هستند. و تمام کسانی که در عهد امام حسن عسکری علیه السلام یا در غیبت صغری و یا در زمان غیبت کبری به محضر مقدّس آن حضرت تشرف یافته‌اند، در این موضوع متفق القول هستند که هرگز انسانی را به این زیبایی و درخشندگی ندیده‌اند و به حقّ که باید او را «طاووس اهل جنت» نامید که او مظهر نور خدائی است و باید هم چنین باشد.

آری به اذن حقّ - جلّ جلاله - می‌آید یوسف زهرای گشاده دندان، سرمه گون دیده، معتدل اندام.

آری به لطف ارحم الراحمین حجّت خدا می‌آید، سفید رخساره پیشانی بلند، خوش سیما، ابروان به هم پیوسته، خال بر چهره.

آری می‌آید آن تک سوار دوران، شیرمرد شجاع بیسه‌های نبرد، تا طومار زندگی خیانتکاران و جنایتکاران را در هم پیچد و به انتظار پیروان راستین ادیان الهی و عاشقانش خاتمه دهد و روح و جسم زجر کشیدگان را مرهم گذارد و چه خوش است آن لحظه برای راهیان کوی عشق و ایثار و شرف و انسانیت.

بارالها تو را به حقّ پنج تن آل عبا، تو را به حقّ مقربان درگاهت، تو را به سوز سینه زینب عزیزت تو را به قلب شکسته فاطمه محنت کشیده‌ات، عزیز آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را از زندان غیبت رهایی بخش و به رنج و اندوه بک هزار و یکصد و شصت و یک ساله آن عزیز خاتمه ده و دیدگان تاریکمان را با فروغ جمالش روشن گردان و توبه ما خاطئان و نادمان را بپذیر و هدایتمان فرما، تا دولت حقّه آن مهر تابان را درک کنیم و رضای تو را به دست آوریم.

بسم الله الرحمن الرحيم

والتواضع  
فانها من صفات  
العلماء

العلماء  
العلماء هم  
العلماء

مردود به کسب و تقوی

## بخش سوم

درد دلی با هموطن عزیزم

به نام خداوند قادر مَنَّان، سمیع و مهربان، و با سلام بر انبیاء الهی و ائمه معصومین و دیگر مقربان درگاه الهی بازگو می‌کنم غمهای نهانی دلم را که می‌دانم مؤثر واقع خواهد شد، بله از امام سخن می‌گویم که شناختن او را در حدّ توانم، چرا ننویسم که بر من چه می‌گذرد؟ و چه سؤالاتی از مغزم خطور می‌کند؟ که تا بدین حدّ امانم را ربوده است. از امامی سخن می‌گویم که مظلوم است و رنج دیده، پس سعی نمای تا خود را خالص گردانی و او را دوست بداری و از او و حقّ او دفاع کنی.

خواننده گرامی! ابکاش می‌دانستی که من از موج بیداری خود چه کشیدم؟! و چقدر از خودم شرمگین شدم که امام عزیزم ارواحنا له الفداء را با شناخت فعلی از یاد برده بودم، تا اینکه خدایم عنایت فرمود مرا از جهالت و نادانی به طرف نور و روشنایی هدایت نمود و از این رهگذر است که سؤالات گوناگون به مغزم خطور می‌کند، و چون جوابی برای آنها نمی‌یابم، نگران و محزون می‌شوم، و برای مصائب امام و حتی شناخت در حدّ لازم از ایشان و غریب بودن آن سرور اشک می‌ریزم، کیست جز پروردگارم و حجّت عزیزش و فرشتگان مأمور احوالم، که ناظر بر افکارم و احوالم هستند و در این غم با من شریکند. آری بارها و بارها در بحر تفکرات خود غوطه‌ور می‌شوم و سؤالات گوناگون از ذهنم می‌گذرد و هنوز جوابی به اولی نداده سؤال دوّمی رشته افکارم را به خود می‌گیرد، از خود می‌پرسم

چرا ما اطلاعات محدودی از پیشوای خود داریم؟ چرا با امام و نشانه‌های ظهور و مجموعه فرمایشات ایشان در مورد وظایف ما در دوران غیبت آشنا نیستیم؟! چرا با وظیفه الهی خود با توجه به متن کتاب نور و هدایت آشنا نیستیم و از آن بی‌خبریم؟ چرا همگی ما همصدا و هم‌نوا در روزی معین، مثل نیمه شعبان هر سال، ندای آزادی و رهایی و «یا مهدی ادرکننا و اغثنا» سر نمی‌دهیم تا با این فریاد کاخهای ظالمان و مستکبران و جنایتکاران شرق و غرب به لرزه بیفتد؟ چرا با توجه به آمدن نشانه‌های ظهور بر خود لازم نمی‌بینیم که خود را آماده و مهیای همکاری با سرورمان در پیاده کردن احکام الهی بکنیم چرا این همه مصائب جهانی داریم، مشکلات و دردهای روزافزون داریم ولی امامان را به دست فراموشی سپرده‌ایم؟ آیا مشکلات و ناملایمات و فشارهای روحی از جهان‌خواران بین‌المللی کافی نیست که بی‌خبری ما از وجود آن سرور هم غمی عظیم بر غمهای آن حضرت باشد؟

آیا به عنوان یک انسان آگاه و مسؤول و مسلمان می‌توانیم بی‌توجه باشیم و تنها انتظار بکشیم که دیگران به فکر امامشان باشند؟ آیا امام، امام همه نیست و همه نباید به او بیندیشند؟ پس چرا زمینه عدل الهی را به وجود نمی‌آوریم و به سادگی از کنار وقایع و حقایق موجود می‌گذریم؟ بارالها! ای یگانه ناظر بر احوال بندگان! تو خود شاهدی و بهترین گواهی که آنچه را که بیان می‌دارم به تحریک فرد و یا افرادی نیست و تنها سخن دلم را می‌گویم و فریاد بیداری خود را سر می‌دهم. آری آنچنان بیدار شدم و به هوش آمدم که توان ایستادنم نبود، حالت انسان سیلی خورده‌ای را داشتم که چون چشم باز می‌کند و پیرامونش را می‌بیند دوباره بی‌هوش می‌شود. آری خداوند قادر و متعال دستم را گرفت و از عالم بی‌خبری مرا بیرون آورد و پرده‌های غفلت و بی‌خبری را از برابر دیدگانم کنار زد و به من آموخت چگونه بودن و چگونه ماندن و چگونه شدن را، که اوست هدایت‌کننده مهربان و اوست اجابت‌کننده دعای مضطرّ. و نیک می‌دانیم که از رگ گردن به ما نزدیکتر است و در قلب و اعماق وجود ما قرار دارد اما ما خود دیده حق بین نداریم و او را با تمام ظهورش حس نمی‌کنیم و حقایق موجود را لمس نمی‌کنیم و می‌گوییم: در رنجیم، در گرفتاری هستیم، بلاهایمان روزافزون است و ...

همه این عوامل به این جهت است که ما خداوند و حجّت عزیزش را فراموش کرده‌ایم

و کفران نعمت الهی را کرده و می‌کنیم، مصائب و مشکلات را به گردن این و آن می‌اندازیم.

در اینجا نظر خوانندگان گرامی را به ترجمه آیاتی از قرآن کریم جلب می‌کنم:

❖ هر کس را خدا بخواهد که هدایت کند دلش را برای اسلام می‌گشاید و هر کس را که بخواهد گمراه نماید قلبش را چنان فرو می‌بندد که گویی می‌خواهد که در آسمان بالا رود. بدین سان خدا به آنهایی که ایمان نمی‌آوردند پلیدی می‌نهد. این است راه راست پروردگار، آیات را برای مردمی که پند می‌گیرند به تفصیل بیان کرده‌ایم. (۱)

❖ هر کس را که خدای راه نماید، راه خویش بیابد و آنان را که گمراه سازد، زیانکار شوند. (۲)

❖ هر کس را که خدا گمراه کند هیچ راهنمایی برایش نیست و آنان را می‌گذارد تا همچنان در سرکشی خویش سرگردان بمانند. (۳)

و حال باید دید چرا با این همه حقایق موجود قرآنی بیداری و آگاهی‌مان را از خداوند نمی‌خواهیم و از شرّ شیطان به او پناه نمی‌بریم و وسوسه‌های شیطان را می‌پذیریم که او به ما تلقین می‌کند که ظهور بسیار دور است و سالها طول می‌کشد تا کعبه مقصود ظهور کنند و ما را مأیوس می‌کند از اینکه ظهور در زمان ما انجام گیرد! و حال باید گفت: چرا ما نباید هر زمان منتظر ظهور سرورمان روحی له الفداء باشیم؟

و خود را آماده بدانیم و بیان نمائیم درد و مصائب و مشکلات وجود دارد، اما دادرس نداریم! بلی ما دادرس داریم ولی او را فراموش کرده‌ایم چرا؟ چون قرآن و عترت و اهل بیت پیامبر را از یاد برده‌ایم و نسبت به دو امانت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بی‌توجهی نموده‌ایم، و لذا در وادی حیرت درمانده شده‌ایم. می‌پرسید چرا؟ می‌گوییم: چون آیات الهی را از یاد برده‌ایم و از نشانه‌های ظهور سرورمان آگاهی نداریم، بهتر است در این رابطه گوش بسپاریم به ترجمه آیه‌ای از قرآن کریم:

❖ هر آینه شما را بوسیله ترس، گرسنگی، نقص در مالها و جانها و میوه‌ها می‌آزماییم

۱ - سوره انعام، آیه ۱۲۵.

۲ - سوره اعراف، آیه ۱۷۸.

۳ - سوره اعراف، آیه ۱۸۶.

و صبرکنندگان را بشارت باد ﴿(۱)﴾.

محمد بن مسلم در تفسیر این آیه شریفه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «پیش از قیام قائم نشانه‌هایی است جهت آزمایش از جانب خداوند نسبت به بندگان مؤمنش، عرض کردم: آن نشانه‌ها چیست؟ فرمود: آن گفتار خداوند عزوجل است که فرموده: ﴿هر آینه بیازماییم شما مؤمنان را به مقداری ترس [از ملوک بنی فلان (بنی عباس) در پایان زمامداریشان] و گرسنگی [به خاطر بالا بودن قیمتها] و کاستی از مالها [فساد تجارتها] و جانها [مرگ سریع] و محصولات [کم شدن کشاورزی و کمبود برکت محصولات] و بشارت ده صابران را [در چنین وقت به خروج قائم علیه السلام]﴾ سپس به من فرمود: ای محمد! این است تأویل فرمایش خداوند عزوجل که می‌فرماید: ﴿نمی‌داند تأویل قرآن را جز خداوند و پایداران در دانش﴾. ﴿(۲)﴾.

با توجه به این روایت اسلامی، و آیا مگر گرسنگی قحطی در بعضی از کشورهای جهان بیداد نمی‌کند؟ و روزانه چند صد هزار نفر از گرسنگی نمی‌میرند؟ مگر قحطی در حال حاضر در بعضی از قسمتهای آفریقا و هندوستان مشهود نیست؟ مگر موجود نیست فساد در تجارت و بازرگانی و کمبود درآمد بعضی از اقشار جامعه و تلفات جانی و جنگ در سطح جهان و نقصان زراعت و میوه‌جات ناشی از آفات و کمی خیر و برکت آنها، اگر اندکی حجاب دل‌مان را کنار بزنیم مشاهده می‌نماییم حقایقی وجود دارد که ما از آن غافلیم. البته مواردی را که متذکر شدم جزئی بود از کل، نشانه‌هایی که به وقت ظهور سرورمان وجود دارد، بسیار فراوان است در کتاب «روزگار رهائی» بیش از ۶۰۰ نشانه ظهور آمده است.

در همین مجموعه نگارشی «نوید و پیام» با بعضی از نشانه‌های ظهور آشنا می‌شوید که از جمع‌بندی چندین روایت در این زمینه امیدوارم همگی ما جو موجود جهانی را بشناسیم و انتظار ظهور منجی عزیزمان روحی له الفداء را مشتاقانه بکشیم و خدای ناکرده خیال نکنیم که اگر امام عصر ارواحنا له الفداء ظهور فرمایند در حالی که پرونده ما آلوده است نخست گردن ما را می‌زنند، آیا واقعاً دید و نظریک مسلمان از امامش باید به این گونه

باشد؟! چرا ما سعی نمی‌کنیم به جای ترس و رعب و وحشت از ایشان، هدایتمان را از خداوند تبارک و تعالی بخواهیم و در نتیجه مهر و محبت عزیز زهرای اطهر سلام الله علیها را بدل راه بدهیم، همه این غفلت‌ها به علت این است که حضرت را نور خدایی نمی‌دانیم و درک نمی‌کنیم که اوست که داد مظلومان تاریخ را از ظالمان و خونخواران و مستکبران می‌گیرد و در تمامی این احوال از هوای نفس و شیطان ملعون تبعیت می‌کنیم، و تصور می‌نماییم امر ظهور در زمان ما انجام نمی‌گیرد و در زمانهای بسیار دور تحقق می‌پذیرد، و یا اگر تصویری هم از ظهور آن سرور عزیز به مغزمان خطور کند توأم با اوهام بی‌اساس است که با خیال بافیهای دور از واقعیت خودمان آنها را ایجاد می‌کنیم، مثل اینکه تصور نماییم، دنیا را باید کفر بگیرد تا امام ظهور نماید، در جواب این گروه می‌گوییم: اگر شما چنین تصویری دارید، تکلیف گروه منتظران و عاشقان آن سرور چه می‌شود؟ آیا آنها هم باید نعوذبالله کافر شوند تا امام عزیز ارواحنا له الفداء ظهور نمایند، مگر در روایات متعدد نیامده که خداوند مؤمنان را ثابت قدم نگه می‌دارد و ایمان را بر دل آنان زده، مؤمنان یاوران آن حضرتند، آیا این یاوران هم کافران خواهند بود؟! وای بر ما که نمی‌دانیم در تمامی احوال مورد آزمایش الهی هستیم. وای بر کسانی که ایمان آوردنشان به روز پیروزی و فتح سودی بحالشان ندارد و مهلتشان از دست رفته است، خوشا به حال کسانی که ایمانشان موجب نجاتشان می‌شود و خداوند آنان را قدر و منزلت عطا نموده و پاداش عنایت می‌کند و حال امیدوارم همگی ما شناخت لازم را پیدا کنیم و مسئولیت خود را در برابر وقایع و حوادث و رویدادهای الهی بدانیم و ان شاء الله اگر زنده ماندیم و ظهور سرورمان نزدیک گردید صدای جبرئیل امین فرشته مقرب حق را به وقت صبح پاسخ گوئیم و با مهدی آل محمد ارواحنا له الفداء بیعت ببندیم و تخلف نپذیریم و در دام شیطان نیفتیم و بدانیم اوست که افراد ضعیف‌الایمان و سست عقیده را هدف قرار می‌دهد و از حیرت و سرگستگی مردم سوءاستفاده کرده و آنان را به دام خود می‌کشاند، می‌دانید چرا؟ چون می‌داند عمرش به آخر رسیده، چون تا وقت معلوم به او مهلت داده شده، نه بیشتر، و «وقت معلوم» زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف است که عمر آن ملعون در روز ظهور به پایان می‌رسد و چون چنین امری را می‌داند مذبحخانه تلاش می‌کند و دست و پا می‌زند و در پایان روزی که جبرئیل امین



حضرت مهدی ارواحنا له الفداء را با نام و نسب صدا می‌زند و مردم را به بیعت با او دعوت می‌کند، او هم از نقشهٔ حلیه گرانهٔ خود غفلت نمی‌ورزد و بر مردم بانگ می‌زند تا مردم دچار شک و تردید شوند، آری نه تنها خود را نابود می‌کند بلکه پیروان خود را هم که با او انس گرفته‌اند نابود می‌نماید. که کار او عناد و دشمنی با انسانها است. می‌داند که خود و پیروانش محکوم به فنا هستند، بارالها شکر می‌گویم تو را که شناختم امام را البته در حدّ توان [ چون امام روحی له الفداء را با آن ابعاد روحی الهی فقط خداوند می‌شناسد و نه من ] و شکر می‌گزارم که به دلم رساندی که زمان ظهور نزدیک است سپاس تو را به جای می‌آورم از اینکه در تمامی لحظات بیاد سرورم هستم و مصائب آن عزیز را مصائب خودم می‌دانم، آری تو را به عظمت و اسعادت سجده می‌کنم که خفته‌ای را از خواب جهالتها و نادانیها بیرون آوردی و هشیارم ساختی و وقایعی را در نظرم مجسم نمودی، که قبلاً برایم قابل لمس نبود من نابینا بودم و نمی‌دیدم و لمس نمی‌کردم حقایق موجود را، آری آن حضرت همچون خورشید پنهان در پشت ابر به دیگران بهره می‌رساندند و من کور بودم و نمی‌دیدم و حال به شکرانهٔ این عنایات خاصه با زبانی قاصر شکرگزار نعمتهای بی‌کرات هستم و می‌دانم که می‌دانی که دانای علیم که دوست می‌دارم هم وطنانم را هر کجا که باشد و از هر قشر و طبقه‌ای که باشد چون دوست دارم آنان را و می‌خواهم فریاد بیداریم را همه بشنوند، و کلام و سخنم را در این زمینه پذیرا باشند، و ندایم را شعار ندانند، بخداوندی خودت سوگند دوست دارم دست هر منتظر قیامی را بوسه بزنم و با فریادی از اعماق وجود بگویم: خواهرم، برادرم، هموطنم، دوران انتظار به سرآید، امام محبوبمان از پردهٔ غیبت به در آید، شب و روز منتظر باش، ساعت ظهورش را ثانیه‌شماری کن که او محبوب خاص پروردگار عالمیان است، او چراغ افروختهٔ هدایت و رهبری است، او پیک رهایی و آزادی و مرهم زخم و جراحت دل و توتیای چشم و فروغ دیدگان غمبار و مشکل‌شناس مصائب است، اگر دوستش داری فریاد برآور مهدیم بیا، که انتظار طولانی‌ات مرا کشت. بیا ای عزیز بهتر از جانم بیا، ای نور دیدگان فاطمه زهرایم بیا تا از فراق غمبارم با تو سخن بگویم، بیا تا از ظلم و ستم قدرتهای استکباری از جنگ و آتش‌افروزی جهانخواران بین‌المللی برایت بگویم، بیا تا از سوختنها و ساختنها و مصائب و دردها سخن بگویم، می‌دانم که تو همهٔ وقایع را می‌دانی

و ناظر بر تمامی احوال ما بوده و هستی، ولی بگذار فریاد من هم بلند شود و از رنج جانسوزم برایت بگویم، شاید هم وجود مطهر تو آرام گیرد و هم من تسکین پیدا کنم، بیا تا به گاه آمدنت وجود شریف و مطهر و خوشبوی تو را غرق اشک کنم و بیایت گریه‌ها کنم. بیا ای جان میلبونها انسانهای در بند تا به گاه آمدنت ناله‌ها کنم و بیایت افتم و خاک پا و جای گامهایت را بوسه بزنم و دامن مطهرت را چنگ زده، آنچنان با سوز ناله سردهم تا عرشیان و قدسیان از بیداد ظالمان و فجایع جنگها و نامردمیها برای ما گریه کنند، بگذار بر خاک بیفتم و در خاک بغلطم و بر سر بزنم که آقا و مولایم یکهزار و یکصد و شصت و یکسال دوران غیبت را چگونه گذراندی؟ و چه دردی را تحمل نمودی؟! و چه قلب تپنده و مهربانی داشتی که دائم به فکر ما بودی و دمی از ما غفلت نکردی و مصائب را با صبر و بردباری تحمل کردی، و در همه حال شکرگزار نعمتهای الهی بودی و با خدایت راز و نیاز می‌کردی و تسلیم اوامر او بودی، ای امام بزرگوار چه بی‌مهری‌ها از ما می‌بینی و صبر می‌نمایی، می‌دانم که همچون اجداد بزرگوارت صبور و پرطاقت هستی، و لذا خدایت تو را برترین خلق کرده و تو را از همه مخلوقاتش بیشتر دوست دارد و نور تو را پرفروغ نگه می‌دارد و محافظت می‌کند.

امیدوارم ان شاء الله هر چه زودتر روز موعود فرا رسد، حجّت خدا در کنار خانه خدا با سپاه خدا به فرمان خدا برای اجرای فرامین خدا قیام کند و جهان را از پلیدی شرک و الحاد پاک سازد و تیرگی را از چهره گیتی بزدايد و پرونده جنایتکاران و ظالمان و سمتگران سیاه‌دل را مسدود نماید.

بارالها ای یگانه عالم پناهمان ده که ناتوانیم و درمانده و غافل، بار پروردگارا حجاب دیده و دل و افکارمان را محو و نابود کن، تا انوار حق و یقینت را جذب نمایم و بیدار و بیدار شویم، بار خدایا آنچه کردیم به تبعیت از هوای نفس سرکش و شیطان ملعون بود، ولی آنچه بکنی به مهر تو می‌کنی، توبه ما خاطیان و غافلان را بپذیر و بر ما خشم مگیر، و از گناهمان بگذرای مهربان‌ترین مهربانان.

بارالها تو را به اجابت دعای انبیاء الهی و ائمه معصومین و دیگر مقربان درگاهت شرّ اشرار نابکار و خائن و خونخوار و ظالم و فاسد و جانی و شیطان صفت را از سرکره خاکی ما بردار و آنان را به سوی جایگاه ابدی خود جهنم سرنگون ساز که تو برحقّی و خلاف وعده

نمی‌کنی و شیطان صفتان را نابود و خوار می‌کنی و نور خود را خاموش نمی‌کنی، و او را محافظت می‌فرمایی.

بارالها به حکومت مستکبران و تسلط ننگین آنان خاتمه ده، و ظهور دوست بخشنده و گرانمایه ما را نزدیک بگردان و پرچم صلح و عدالت را در سر تا سر کره زمین به اهتزاز درآور و به پریشانی جهانی خاتمه ده و بشریت را به خوشبختی و کامروایی برسان و همه را تسلیم امر او کن و دل مؤمنان و منتظران را شاد گردان و جراحتهای دل آنان را مرهم بگذار و بندگان نیکوکار را عزت داده و دشمنان خود و اهل بیت پیامبرت را خوار گردان.

به امید پیروزی اسلام در سطح جهان و پیاده شدن احکام الهی:

﴿ای اهل ایمان، در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن باشید و از خدا بترسید، باشد که پیروز و رستگار شوید﴾. (۱)

### شکوه از بیداد ظالمان و نوید نابودی آنان

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین سیما ناموس  
الذهر و امام العصر الحجة بن الحسن العسکری روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء  
و عجل الله تعالی فرجه الشریف و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی یوم الدین.  
با سلام و درود بر خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر اوصیا و  
اولیا و انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر فرشتگان و  
مقربان پروردگار سلام الله علیهم اجمعین، که راه عشق را پیمودند و می‌پمایند و با سلامی  
ابدی و خالصانه به عظمت عرش الهی و حقایق موجود عالم هستی بر حضرت بقیة الله  
الأعظم ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء که درهم کوبنده کاختهای ظلم و ستم و برپاکننده  
عدل الهی است.

همواره در طی تاریخ جامعه بشر درگیر نیروهای حق و نیروهای باطل بوده،

خبرخواهان جهانی در زمینه تشکیل حکومت واحد جهانی به بحث و گفتگو نشسته‌اند و برای از بین بردن نابسامانیها و رفع گرفتاریها و دفع هرج و مرجها تلاش نموده‌اند که نتیجه تشکیل این جلسات و گردهماییها تأسیس «سازمان ملل» و تدوین اعلامیه به اصطلاح «حقوق بشر» است که تنها حقی را اعاده نمی‌نمایند بلکه عملاً در نابودی ملت‌ها و تضييع حقوق آنان به کار گرفته می‌شوند، آری این سازمان از بدو تأسیس عملاً نشان داد که کاری نمی‌تواند از پیش ببرد، زیرا ابرجنایتکاران دارای حق «وتو» شدند، و عملاً دست سازمان ملل را بستند و دیدیم چگونه جنگها براه انداختند و جنایتها نمودند و خونها ریختند و حقوق حقه ملت‌های مظلوم دریند را نادیده گرفتند. هر جا نابودی بلا، گرفتاری، ظلم و جنایت و کشتار بود رد پای آن خون آشامان و جهانخواران و جنایتکاران هم دیده می‌شد. آری آنان نه تنها مشکلی را حل نکردند بلکه بر مشکلات بی‌شمار افزودند. از اینجاست که اندیشمندان و عاقلان بر سر دوراهی قرار گرفته‌اند و دوراه را در نظر گرفته‌اند:

۱- تشکیل حکومت واحد جهانی.

۲- ادامه وضع فعلی

وضع دوم را که بررسی نمودیم و عملاً ملاحظه نمودیم که این سازمان تا به حال چه اقداماتی را انجام داده است بنابراین با اندکی تفکر عاقلانه مورد دوم را کنار می‌گذاریم و می‌پردازیم به مورد اول یعنی تشکیل حکومت واحد جهانی که به دست توانمند دوران مصلح کل جهان حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء انجام می‌گیرد و اوست که می‌داند باید چه کرد و کجا رفت و چگونه عمل کرد و از چه نیرویی مدد گرفت و چگونه مشکلات را برطرف نمود. بنابراین کلیه ملت‌های مستضعف و دربند باید او را خواهان باشند تا عدل را بر ایشان برپا کند و باطل را نابود و خوار نماید چرا چون معصوم است و ستم نمی‌کند و منافع خود را بر منافع دیگران ترجیح نمی‌دهد و به احدی ظلم روا نمی‌دارد و یأس و نومیدی و محرومیت و فساد و ظلم و ستم و کفر را از بین می‌برد و نور و روشنایی و امیدواری و حق را با خود به ارمغان می‌آورد. چرا که او توانا، مصون از اشتباه، عاری از خودخواهی، به دور از تعصبات جاهلی و آراسته با فضایل انسانی است آری و چون چنین است همه ملت‌های دربند باید او را صدا بزنند و امر ظهورش را عاجزانه از خداوند تقاضا

نمایند تا مصلح جهانشان قرآن، آن کتاب نور و هدایت و تنها قانون اساسی جهان را اجرا نماید و عدالت و صلح جهانی را برقرار سازد، تا محرومیت و ظلم از بین برود و حق برپا شود. بارالها ما خواهان حکومت و عدل جهانی هستیم تو را به حق مهدی عزیزت ظلم و جنایت، کشت و کشتار، فساد و تباهی و خرابی و ویرانگری، را به دست توانمند آن حجّت عزیزت ریشه کن فرما.

بارالها زندگی فرعونها، نمرودها، قارونها، اقوام ظالم و ستمگر و سرکش تاریخ درس عبرتی برای نادانان و جاهلان نشد و هشدارهای تو را اهمیت ندادند، تو را به عزّت و جلالت سوگند باران بلا و عذاب را بر سر آنان نازل کن و قلب مستضعفان را شاد بنما.

بارالها ملت‌های فاسد شیعی‌ترین و پلیدترین روابط غیر انسانی را انجام داده و می‌دهند، بلای اقوام پیشین، چون عاد و ثمود را بر سر ایشان نازل کن و آنان را نابود نما که فرمانت را نادیده گرفتند و خود هر چه مایل بودند کردند و خشم تو را موجب شدند.

بارالها جنایتکاران غرب و شرق ملت‌ها را در برابر هم قرار می‌دهند، جنگ‌ها به راه می‌اندازند، ندای حق‌گویی را در گلو خفه می‌کنند، هر کس دم از اسلام می‌زند و ندای رهایی را سر می‌دهد او را به اسارت گرفته، در سیاهچال‌های مخوف زندانی می‌نمایند، و شکنجه می‌دهند و آزار می‌نمایند تو را به حق پنج نور منور عالم عرشت آنان را خوار و ذلیل و نابود بفرما.

بارالها امر ظهور پیشوای مستضعفین و مظلومین و محرومین جهان، آرامش بخش دل، نور هدایت، خورشید تابان هدایتگر، منتقم خون مظلومان، برپا کننده عدل و احکام الهی را نزدیک بگردان، تا غبار غم از دیدگان معصوم و مطهرش پاک کنیم و با گل‌واژه‌های محبت عاشقانه او را به سوی خود بخوانیم و خاک رهش را توتیای چشم کنیم.

بارالها پیش از آنکه روزی بیاید که راه برگشتی نداشته باشیم و عذری از ما پذیرفته نشود، توبه ما را بپذیر و از خطای ما بگذر و هدایمان نما، تا ندای جبرئیل امینت را در صبح روز ظهور لبیک بگوییم و پیرو شیطان نباشیم.

خدایا تو خود شاهدی که من آنچه را بیان می‌نمایم به لطف واسعه تو و عنایت خاصه حجّت عزیزت و حقیقت محض است و خلاف نمی‌گویم، لطف نما حجابهای

دل و دیده را پاره نما تا لمس کنیم حقایق موجود را.

بارالها ای مهربان ترین مهربانان، ای خالق عزیزمان، تو بزرگی و قادری به هر کار، تو را به اجابت دعای پاکان و مؤمنان و صدیقان و خالصان و مقربان درگاہت توبه ما را بپذیر، گامهایمان را استوار ساز، بلندمان کن، پرده‌های غفلت و بی خبری را از برابر دیدگانمان محو و نابود ساز و سوختنمان ده، آنچنان سوختنی که خود را بیابیم و بدانیم که هستیم و به عنوان اشرف مخلوقات چه وظایفی داریم، تا با نفسی مطمئن و خاطری آسوده به سوی تو بیاییم، در حالیکه صفت‌های رذیله خودخواهی و غرور و خودپسندی و تکبر را در خود از بین برده‌ایم. آری ما را به صراط نور و هدایت رهنمون فرما، تا متصل به چهارده معصوم گردیم و از نیروی آنان کمک گرفته، از عنایات آن عزیزان بهره بگیریم.

بارالها چون به خود آمدیم از ذات عزیزت می‌خواهیم ما را از مغضوبان و گمراهان قرار نداده و بر ما خشم‌نگیری که صراط ما از علق به سوی نور و بهشت موعود تست.

بارالها پیام الهی تو در قرآن کریم در محدوده زمان و مکان معین نیست بلکه پیامی است رسا و مربوط به تمامی اعصار و قرون و دورانها، به ما لطف بنما و ما را با مفاهیم قرآن آشناساز تا تو را بخوانیم و از تو کمک بگیریم و از شیطان تبعیت نکنیم.

بارالها هدایت‌مان کن تا از حجّت‌های تو بر زمین که آخرین آنان حضرت بقیّة الله الأعظم - ارواحنا له الفداء - است تبعیت و پیروی کنیم و سرانجام به مقرّ اصلی خود بهشت برین وارد آوریم و این حقیقت محض را قبول نماییم که اگر از تو کناره گرفتیم و خدای ناکرده شیطان را تبعیت نمودیم و جز صراط تو راه دیگری پیمودیم خود مقصّریم که هشدارهایت را نادیده گرفتیم و تو را گذاشته و شیطان را ولیّ خود گرفتیم.

بارالها ایمانمان ده و بر ایمانمان بیفز تا صراط نور را ببینیم و به وظیفه خود عمل نمائیم و در برابر انبیای الهی و شخص رسالت پناه اسلام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السلام و آخرین حجّت تو حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - سربزه زیر و خجالت زده نباشیم.

بارالها اگر ظالمان ظلم می‌کنند، خون می‌ریزند، جنگ می‌کنند، کشتار می‌نمایند، فساد و تباهی می‌کنند مستضعفین که گناهی ندارند حق را به آنان برگردان و غاصبان

حقوقشان را نابود بنما و به حکومت سراسر ظلم و گناه و فساد و تباهی آنان خاتمه ده. تو خود می فرمایی: ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را». (۱) بارالها نادان بودیم و جهالت کردیم و غفلت ورزیدیم، ما را به خود بیاور و خانه دلمان را محلّ استقرار ایمان و آرامش و اطمینان قرار ده و جیوش شیطانی را عقب رانده، لشکر رحمانی را مستقر ساز.

بارالها به هر کجا رویم و به هر گریزگاهی که فرار کنیم و به هر که رو کنیم، نهایتاً به سوی تو برمی گردیم و اختیاری از خود نداریم، بارالها ایمانمان ده تا ولیّ امرت را بشناسیم و به راهش گام بگذاریم و خشم تو را موجب نشویم و در عذابت نسوزیم.

بارالها قدرتهای استکباری شرق و غرب، غاصبان حقوق بین المللی، این نابکاران پلید کوره خاکی ما را قرنهایست میدان تاخت و تاز خود قرار داده اند و بمبهای مخرب درست کرده اند و نقشه های شوم استعماری کشیده اند و منابع، ثروت کشورهای فقیر و محروم را به یغما و غارت برده اند و دین و آیین را نادیده گرفته اند. آنان را نابود نما و به آرزوهای دور و دراز آنان خاتمه ده، که فکر نکنند با جنگ ستارگان، فتح کرات دیگر منظومه، می توانند پرده بر روی اعمال خود بکشند با خودخواهی و غرور و تکبر بگویند: ما متمدنیم و قادر بر هر کار، آری آنان را نیست و نابود بگردان، که پیام الهی تو را در کتب آسمانیت نادیده گرفتند و قیامت را باور نکردند و قدرتت را فراموش نمودند.

بارالها چه چیز موجب شده انسانهای جاهل گمراهی را به جای هدایت، خشم را به جای مهر و محبت، عذاب را به جای آمرزش، بی ایمانی را به جای ایمان، باطل را به جای حقیقت برگزینند؟! آخر طغیان و سرکشی و تبعیت از هوای نفس و شیطان تا کی؟

بارالها توفیق ذکر را بر ما عنایت فرما و ما را مشمول الطاف بیکران خود بفرما، و ما را از عذاب دردناکت رهایی داده، حساب را بر ما آسان بگردان، و حبّ دنیا را از دل ما برده ما را در مسیر تکامل هدایت بفرما و نقشه شوم دشمنانت را نقش بر آب کرده، مکر آنان را به خودشان برگردان. آمین، آمین، یا ربّ العالمین و یا ارحم الراحمین.

«من زمانی قیام می‌کنم که بیعت هیچ  
طاغوتی را برگردن نخواهم داشت».  
[ حضرت حجّت عجل الله فرجه ] (۱)

## بخش چهارم

### شمه‌ای از مصائب و مشکلات انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام

به نام حیّ مقتدر جهان هستی به نام دانای دانایان و پناهگاه مظلومان و با  
سلام و درود بر انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام به ویژه آخرین ذخیره الهی حضرت  
بقیة الله الأعظم ارواحنا له الفداء و جودی که در طی قرون و اعصار شاهد نامردیها، ظلمها و  
ستمها بوده، مصائب و دردها را تحمل نموده، به تقدیر الهی راضی بوده است.  
آری او در یوم الله ظهور می‌آید تا به همگان ثابت شود که نور خداوند ماندنی و پیروز  
است، زیرا خداوند نمی‌گذارد نور خدا را با دهانهای خودشان پیروان باطل خاموش کنند،  
هر چند این امر بر کافران ناگوار بیاید. آری صحبت از مصائب و مشکلات و انبیای الهی است.  
اگر چه در این زمینه گفتنیها را گفته‌اند و آنچه را باید بنویسند نوشته‌اند، ولی از جهت  
یادآوری مجدد در این مجموعه به طور اختصار شرحی از مصائب آن عزیزان را بیان  
می‌داریم. از آغاز خلقت انسان تا کنون اولیای حق و حجتهای خداوند بلاها و گرفتاریهای  
زیادی را تحمل نموده‌اند ابتدا در عصر نبوت آدم قابیل به برادر خود هابیل که میراث نبوت  
را برده بود، حسادت کرد تا جایی که دست به خون او آلوده نمود و هابیل نخستین کسی  
بود که در کره زمین کشته شد و سپس این جنایت در راستای تاریخ ادامه پیدا کرد و هابیلیان



به دست قابیلیان کشته شدند، در عهد حضرت ادریس عذاب و شکنجه وجود داشت و این شکنجه‌ها و عذابها به جایی رسید که پادشاه سمتگر قوش تصمیم گرفت او را از بین ببرد، اما خداوند حافظ است، بنابراین او را اطلاع داد و او به غار کوهی پناهنده شد و از خدای تبارک و تعالی تقاضا نمود تا باران رحمت خود را به شهر نازل نکند، بعد از این تقاضا خداوند دعای او را اجابت نمود و پادشاه و زنش را در چنگال مرگ گرفتار نمود و سلطنت را از دستشان گرفت، بعد از این بلا به مدت ۲۰ سال حتی قطره‌ای باران نبارید و تمام زراعتها از بین رفت و باغستانها از بی‌آبی خشکید، مردم که این بلاها را دیدند توبه نمودند و خداوند مهربان توبه آنان را پذیرفت، زیرا او توبه پذیر و مهربان است.

در عهد حضرت نوح علیه السلام نیز همین مصائب ادامه داشت، به او می‌گفتند: تو نیز چون ما بشر هستی، چرا خداوند به جای تو فرشته‌ای نفرستاد. اگر خداوند این کار را می‌کرد ما هم به سخن او توجه می‌نمودیم و دعوتش را اجابت می‌کردیم. آری او را مسخره می‌نمودند و به او می‌گفتند: تو نجار شده‌ای، شاید از شغل رسالت بیزاری و مایل به نجاری هستی؟! و یا می‌خواهی کشتی خود را به وسیله گاوها به حرکت درآوری؟! یا می‌خواهی او را پرواز دهی؟! اما آن بزرگوار مهربان و پرطاعت صبر می‌نمود و دم نمی‌زد، آزار و اذیت آنان به جایی رسید که حضرت نوح علیه السلام دیگر طاقت نیاورد و از خداوند درخواست عذاب و هلاکت قوم خود را نمود، خداوند هم دعای پیامبرش را اجابت کرد و قوم او را نابود کرد، که توجهی به سخنان دلسوزانه پیامبرشان نداشتند و از جهالت و نادانی جامه‌ها را بر سر می‌کشیدند و انگشتهای خود را به گوشهای خود می‌کردند و سرکشی می‌نمودند، لعنت ابدی بر آنان باد.

در عهد حضرت هود علیه السلام نیز از قوم عاد جز ظلم و ستم و بت‌پرستی و جهل و نادانی چیزی به جای نماند، آنها با حماقت تمام در برابر بت‌ها چهره بر خاک می‌گذاشتند و از آنها استمداد و یاری می‌طلبیدند و در صورت رسیدن خیر و خوشی از آنان تشکر می‌نمودند، و در برابر هود علیه السلام که از آنها می‌خواست خداوند یکتا را ستایش کنند، می‌گفتند: تو بی‌خرد و کم‌عقلی چرا ما را از عبادت بتها منع می‌کنی. تو مانند ما غذا

می‌خوری مثل ما زندگی می‌کنی، چرا خدا تو را پیغمبر نمود و برای رهبری تو را انتخاب کرد تو در غگوی و زندگی دیگری در کار نیست و جز طبیعت و دهر چیزی ما را هلاک و نابود نمی‌کند. تو اگر راست می‌گویی، عذابی که وعده می‌دهی بر ما نازل کن و سرانجام در اثر سرکشی و طغیان باد شدید، پر سر و صدا و سردی وزید که بنیان‌کن بود و ریگهای بیابان را بر آنها پاشید و هفت شبانه روز این وضع ادامه داشت، سپس مانند ریشه‌های درخت خرما برکنده بر خاک هلاکت افتادند. نفرین بر آنان باد بعد از آن قوم نوبت قوم ثمود رسید، آنها هم چون قوم عاد پیامبرشان حضرت صالح علیه‌السلام را آزار می‌نمودند و وقاحت را به جایی رساندند که تصمیم گرفتند پیامبرشان را به قتل برسانند، ولی خداوند مکرشان را به خودشان بازگرداند، این قوم هم چه بر سر پیامبرشان که نیاوردند ناقه<sup>۱</sup> او را پی کردند و آن شتر بی آزار را که موجب خیر و برکت بود گرفته، ساق پای او را درهم شکستند و با شمشیر غضب پای او را قطع نمودند و گلویش را بریدند، بر آنان هم نفرین ابدی باد که عذاب الهی گریبانشان را گرفت و بر اثر صاعقه<sup>۲</sup> مرگباری در خانه‌هایشان بی‌جان شدند<sup>(۱)</sup> و صیحه<sup>۳</sup> و صدای شدید آسمانی آنان را به صورت گیاهان خشک کوبیده‌ای درآورد، در عهد فهران توحید حضرت ابراهیم خلیل الله علیه‌السلام نیز با او رفتار و قیحانه‌ای انجام دادند، آن از خدا بی‌خبران هیزمها را برافروختند و آتشی براه انداختند که شعله‌های آن سر به آسمان کشید و ابراهیم عزیز خلیل خدا را با منجنیق به میانه آتش پرتاب نمودند، که شعله‌های آتش دلشان را سرد نمایند و نای حق‌گوی او را در گلو خفه کنند، اما آتش به فرمان خداوند بر ابراهیمش سرد گشت و ابراهیم علیه‌السلام سالم بیرون آمد، ولی مگر آنها درک و فهم داشتند که پس از مشاهده این آیت بزرگ الهی دست از عناد و سرکشی بردارند. هر چه ابراهیم خلیل الله علیه‌السلام با آنان صحبت کرد و موعظه نمود، نصایحش را نادیده گرفتند و کار به جایی رسید که نمرود ملعون دستور داد او را از شهر بیرون کنند، تا کسی پیرو او نشود و به دین او در نیاید، در

۱ - کشتن ناقه طبق روایات به دست قداره بن سالف به نمایندگی و رضایت از قوم خودخواه و

سرکش و لجوج ثمود انجام گرفت.

نتیجه او هم به سوی شام و بیت المقدس حرکت کرد، سپس در چند نوبت به حجاز سفر نمود و در طول دوره زندگی به مبارزه بی امان خود ادامه داد و با بت پرستان مبارزه کرد و در راه انجام رسالت پیامبری خود از بذل جان دریغ نورزید و به حدی عاشقانه خدایش را دوست داشت که هر بلایی را به جان خرید و استقامت و پایداری او در راه خدا بدانجا رسید که پروردگارش او را خلیل خود نامید، درود بر او و بر سایر پیامبران الهی باد.

در عهد حضرت لوط پیامبر علیه السلام نیز قوم نابکار او فحاشی، فماریازی، و نوازندگی می کردند، با سر انگشت سنگ بر رهگذران می زدند و وقاحت و بی شرمی را تا به جایی پیش برده بودند که زنان را رها کرده، با مردها عمل ناشایست انجام دادند و بی شرمی را از حد گذارنده، تصمیم گرفتند به فرشتگان الهی هم تعرض نمایند، که به حضرت لوط علیه السلام گفتند: مهمانانت را به ما بده تا با آنها دمی خوش باشیم، اما خداوند صابر زلزله سختی را بر آنان وارد کرد و بارانی از سنگریزه بر آنان باریدن گرفت و قوم منحرف با زلزله ویرانگر و بادی عقیم و هلاک کننده به جزای اعمال زشت خود رسیدند.

حضرت یعقوب و یوسف علیهم السلام نیز در انجام دادن رسالت خود سختی های زیادی را تحمل نمودند.

حضرت یوسف علیه السلام رنجهای زیادی کشید و با مصائب ساخت، آن حضرت در تمامی حالات به پروردگارش می اندیشید و از شرّ شیطان به او پناه می برد، خدایش او را مدد کرد و در عرصه آزمون الهی بسیار پیروزمندانه توفیق یافت. درود فراوان بر آن حضرت که به ما آموخت درس حیا و شرم و پاکی و شکیبایی و صبر در مصائب و مشکلات عفو و گذشت، محبت و ایثار، توکل به خدا در تمامی لحظات، پیروی نکردن از هوای نفس طغیانگر و شیطان منفور و مطرود، امانداری و عدالت و حق جویی، رحمت واسعه الهی بر آن حضرت و دیگر انبیای الهی باد.

آری تاریخ مبارزات پیامبران همچنان تکرار می شد، تا نوبت به شعیب پیامبر رسید، او را هم مسخره می کردند و به او می گفتند: تو دورغگویی، اگر راست می گویی و پیامبر می باشی، ما را هلاک نما تا سرانجام خداوند گرمای سختی بر آنها مسلط نمود، بطوریکه

تمام آبها به جوش آمد و سرانجام به قطعه ابری پناه بردند که از آن آتش بارید و آن قوم منحرف را بسوزانید، نفرین ابدی بر آنان باد.

آنگاه نوبت پیامبری به حضرت موسی علیه‌السلام کلیم خداوند رسید، فرعونیان با او چه‌ها که نکردند، قومش را به اسارت گرفتند، شلاق زدند تا سرانجام از دست آن جانی نجات پیدا کردند، ولی بجای شکر الهی در غیبت پیامبرشان گوساله پرست شدند و به تبعیت از هوای نفس سامری را اطاعت نمودند، تا سرانجام خداوند سامری را به عذاب خود گرفتار کرد و او را آواره بیابانها نمود تا بعد هم به عذاب دردناک آخرت او را گرفتار نماید. و بعد از این بلا سامری قومش را به مدت چهل سال روانه بیابانها کرد، تا سرانجام موسی و هارون علیهم‌السلام در بیابان از دنیا رفتند و وصی آن حضرت، یوشع بن نون علیه‌السلام آنان را به فلسطین رسانید و با مردانگی آنجا را تصرف کرد. درود فراوان و دائمی ما بر او و وصی گرامیش باد.

بعد از موسای کلیم نوبت به ایوب علیه‌السلام رسید و صبر طاقت‌فرسای آن حضرت در تحمل مصائب و بلاها شیطان را بیچاره و مأیوس ساخت. درود ما بر او، که به ما آموخت چگونه باید صبور و بردبار باشیم و از زحمات الهی مأیوس نشویم.

بعد از چندی حضرت داود و سپس سلیمان علیهم‌السلام به پیامبری رسیدند، درود بر آن راست قامتان تاریخ که اطاعت نمودند فرمان پروردگار را و یادگار گذاشتند از خود نام نیک را، آری جهان محلّ آزمون انسانهاست و خداوند در کلیه اعصار و دورانها انسانها را می‌آزماید.

بعد از این دو پیامبر حضرت یونس علیه‌السلام به رسالت برگزیده شد، او قوم خود را به حق دعوت نمود و آنان خودداری کردند تا اینکه پیامبرشان از آنان مأیوس گشت و از سرزمین نینوا (عراق کنونی) به پیشنهاد عابدی که در میان آنان زندگی می‌کرد، بیرون رفته، آنان را نفرین نمود، در حالیکه در همان وضعیّت مرد عالم و دانشمندی به او پیشنهاد نمود که باز هم آنان را ارشاد و هدایت نماید و مأیوس نشود، اینجاست که اهمیّت یک مشاور آگاه و دلسوز مشخص می‌شود، چون همین عالم بعد از رفتن مأیوسانه یونس علیه‌السلام از میان

قومش با چاره‌اندیشی به موقع، قوم خود را از عذاب پروردگار رهایی داد.  
برای روشن شدن جریان نزول عذاب الهی بر قوم یونس علیه السلام خلاصه‌ای از آن  
جریان را در اینجا نقل می‌نماییم:

بعد از پیشنهاد عابد به یونس علیه السلام او از میان قوم خود رفت در حالیکه آن قوم  
متعصب چشم و گوش بسته از نیاکان خود تقلید می‌کردند و در برابر دعوت او تسلیم  
نمی‌شدند، به دلسوزیها و خیرخواهیهای این پیامبر مهربان گوش نمی‌کردند و منطق  
حکیمانه او را با نیروی هوای نفس و تبعیت از وسوسه‌گران و فتنه‌گران نادیده می‌گرفتند، در  
نتیجه او خشمگین همراه مرد عابد که او هم از اوضاع و احوال قوم گمراه خود ناراحت بود  
بیرون رفت در حالیکه جز گروه اندکی به او ایمان نیاوردند، و این در حالی بود که بر طبق  
بعضی روایات مدت چهل سال مردم را ارشاد و هدایت کرده بود و آنان در گمراهی  
مقاومت می‌نمودند.

آری او رفت تا به ساحل دریا رسید و در آنجا یک کشتی پر از جمعیت و بار را  
مشاهده نمود و از آنان خواست که او را نیز همراه خود ببرند، آنان هم پذیرفته، او را سوار  
کشتی نمودند و بردند، در راه طبق روایات ماهی بزرگی سر راه کشتی را گرفت و دهان خود  
را باز نمود سرنشینان گفتند: به نظر می‌رسد گنهکاری در میان ما است (این عقیده سرنشینان  
بود تنها ترک اولای آن پیامبر معصوم تعجیل در رفتن بود، بهتر بود باز هم تحمل می‌نمود و  
تا آخرین لحظات قبل از نزول بلا در میان قوم خود می‌ماند، شاید بیدار می‌شدند) چون  
قرعه زدند به نام یونس علیه السلام درآمد و بعد از سه بار تکرار، یونس علیه السلام را به دریا انداختند،  
در حالیکه دریا طوفانی بود و بار کشتی سنگین، به هر حال ماهی او را بلعید، اما خدای  
مهربان پیامبر عزیزش را در آن زندان عجیب محافظت نمود تا پیامبرش سالم باشد، یونس  
بعد از این جریان سریعاً متوجه ماجرا گشته، با تمام وجود رو به خدا آورده، از پیشگاه  
خدای مهربانش تقاضای عفو نمود، او در میان آن ظلمات وحشت‌زا فریاد می‌زد ﴿معبودی

جز تو نیست، منزهی تو، و من از ستمکاران بودم و بر خویش ستم کردم ﴿(۱)﴾  
 با این اعتراف خالصانه و اظهار ندامت، خداوند دعای او را به اجابت رسانید و او را  
 از غم و اندوه نجات داد، تا در راستای تاریخ زندگی بشر، خداوند مؤمنان را یاد بدهد که  
 تسبیح و تضرع خالصانه موجب نجات می‌شود. وگرنه عذاب الهی نازل می‌شود و هر آنچه  
 او حکم کند تحقق می‌پذیرد بعد از به اجابت رسیدن دعای یونس پیامبر خداوند به تعبیر  
 قرآن او را ﴿در یک سرزمین خشک و خالی از درخت و گیاه افکند در حالیکه بیمار  
 بود﴾ (۲) آری آثار این زندان عجیب بروی بدنش پدیدار گشته، بدنش خسته و ناتوان و  
 آزرده بود، خداوند کدو بر او رویاند، تا به تعبیر خود در سایه برگهای پهن و مرطوب او  
 بیارامد و از گزند آفتاب در امان باشد.

بی تناسب نیست حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در اینجا نقل نمایم، آن  
 حدیث چنین است: روزی شخصی به آن حضرت عرض نمود شما کدو را دوست دارید؟ و  
 او بیان نمود: آری، گیاه برادرم یونس است. (۳)

به هر حال آن گیاه بدن حسّاس او را از گزند حشرات و سوزش آفتاب محافظت  
 نمود. بعد از ذکر داستان نجات او می‌رویم به سراغ قومش تا ببینیم بر سرآنان چه آمد؟ بعد  
 از رفتن یونس در حالت خشم و غضب، مقدمات خشم الهی آشکار شد و آنان تکان سختی  
 خوردند و به خود آمدند و در محضر مرد دانشمند گرد آمدند. و این در حالی بود که هنوز  
 فرمان قطعی عذاب نرسیده بود ولی نشانه‌های آن کم و بیش به چشم می‌خورد، آنان از  
 فرصت استفاده نمودند و به رهبری آن عالم از شهر بیرون ریختند، در حالیکه دست به دعا  
 و تضرع برداشته، اظهار ایمان و توبه می‌کردند و برای جلب توجه بیشتر خداوند، مادران را  
 از فرزندان، و دامهای مادر را از بچه‌هایشان جدا کردند و لباسهای درشت و خشن و کم  
 اهمیت پوشیدند و به جستجوی پیامبر خود آمدند، اما او را ندیدند. آنان با توبه‌ای خالص و

۱ - سوره انبیاء، آیه ۸۷.

۲ - سوره صافات آیه ۱۴۵.

۳ - روح البیان جلد ۷ ص ۴۸۹.

به موقع و تضرعی همگانی و دسته‌جمعی، ایمان خود را نشان دادند و با این کار خدای رحمان بعد از فرود نشانه‌های عذاب، آرامش را به سوی آنان فرستاد و آن جمعیت یکصد هزار نفری تا مدتی از مواهب حیات و زندگی بهره‌مند شدند.

و این ایمان به موقع مفید به حالشان شد و خداوند عذاب خوارکننده دنیا را از آنان برطرف نمود. ابعاد گسترده داستان یونس پیامبر زیاد است و ما از این سرگذشت و حوادث آن، پند و اندرزهای زیادی را می‌آموزیم که در اینجا به چند مورد از آن موارد اشاره می‌کنیم:

۱- «تخلف» حتی به صورت «ترک اولی» از هیچکس حتی پیامبر پذیرفته نیست و همگان باید مطیع و فرمانبردار خداوند باشند.

۲- در وقت بلا و گرفتاری تنها پناهگاه و مأمن اصلی خداست و تنها باید به او توکل کرد و از او استمداد و یاری جست.

۳- مهربانی و عنایت و اسعه پروردگار نسبت به حضرت یونس عزیز و قوم توبه‌کار او، نشان می‌دهد که خداوند بسیار مهربان و ارحم الراحمین است و نادمان توبه‌کار را بخشیده، آنان را قرین احسان می‌نماید.

۴- توکل بر خدا و توجه به مبدأ جهان هستی موجب بیداری و آگاهی و چاره‌اندیشی می‌شود و غفلت از او موجب پشیمانی.

۵- پشیمانی و توبه و تضرع خالصانه قبل از عذاب موجب برطرف شدن عذاب می‌شود همچنانکه آن قوم در آخرین لحظات، سرنوشت خود را با اراده الهی تغییر دادند، و اگر خداوند در این باب اراده نمی‌نمود همچون سایر اقوام نابکار با عذاب الهی نابود می‌شدند و امر خداوند انجام می‌شد، اما چنین نشد و این قوم تنها قومی بودند که قبل از عذاب با دیدن نشانه‌های آن، تضرع و زاری نمودند و ایمان آوردند و عذاب الهی را از خود برطرف نمودند.

۶- این سرگذشت و اطاعت از رهبری عالم آگاه و دوراندیش و دلسوز، اهمیت فرمانبری و بکار بستن توصیه‌ها را نشان می‌دهد.

۸- این داستان به ما می‌آموزد در وقت پیدا شدن نشانه‌های عذاب باید کارها را به

خدا واگذار کرد، توبه نمود، خالصانه ایمان آورد و با یکدیگر همکاری نمود و همدیگر را به حق دعوت نموده، با تحوّلی دسته جمعی رفع بلا را از خدای قادر توانا خواست. چه اگر اخطارها و هشدارهای خدای رحمان را توجّه ننمودیم سرنوشتی همچون قوم نابکار فرعونیان و فرعون خواهیم داشت، که بعد از دیدن آن همه اخطارهای پروردگار (ماجرای طوفان و ملخ و دگرگونی شدید آب نیل و مانند آنها) این اخطارها را جدی نگرفتند و ایمان نیاوردند، در نتیجه در عذاب جانکاه الهی گرفتار آمدند و نابود شدند و خوار دو جهان گردیدند و مایه عبرت انسانها در راستای تاریخ.

۹- از نظر خداوند ایمان اجباری مورد قبول نیست، بلکه ایمان باید از روی اراده و میل و از روی خلوص عقیده و با تمامی ذرات وجود باشد، تا لطف و عنایت و رهبری خداوند شامل انسان شود و این به آن معنی نیست که مردم در اعمال خود مجبور و بی اختیار باشند و یا به تمام معنی به حال خود واگذار شده باشند، بلکه در عین آزادی اراده باز نیاز به امداد الهی دارند. زیرا این آزادی اراده را خدا به آنها می‌دهد. عقل و خرد و وجدان پاک از مواهب او است. ارشاد پیامبران و هدایت کتب آسمانی از ناحیه او می‌باشد. بنابراین در عین آزادی اراده باز هم سرچشمه این موهبت از ناحیه خدا است.

۱۰- هدف از ذکر داستان پیامبران داستان‌گویی نیست بلکه هدف گرفتن پند، اندرز و توجّه به ابعاد گوناگون آن و بکار بستن رهنمودهای الهی است.

از این داستان می‌آموزیم که راه نجات مؤمنان و رهائی از غم و اندوه و گرفتاری و مشکلات راه یونس پیامبر علیه‌السلام است و آن اعتراف به خطا در پیشگاه خدا، تسبیح و تنزیه و توبه و بازگشت به سوی اوست.

خواننده عزیز: در تهیه سرنوشت یونس علیه‌السلام و وقایع مربوط به آن در ابعاد گوناگون از جلد ۸ و ۱۹ تفسیر نمونه، که کتابی ساده و روان و پر محتوا، قابل فهم، جذاب و نفیس است، استفاده شده که این کار بصورت تألیف و تلخیص و جمع‌بندی تفاسیر آیات الهی از دو سوره یونس و صافات پیرامون این حادثه بوسیله حقیر ناچیز و با استفاده از استاد گرامی آیت الله ناصر مکارم شیرازی دانشمند متعهد و سایر دانشمندان عزیز همکار ایشان اساتید



محترم (محمد رضا آشتیانی، محمد جعفر امامی، عبدالرسول حسنی، سید حسن شجاعی، محمود عبدالمهی، محسن قرائتی، محمد محمدی، داود الهامی، اسدالله ایمانی و سید نورالله طباطبایی) انجام گرفته امیدوارم خداوند تبارک و تعالی جمیع آنان را قرین رحمت خود کرده خیر دنیا و آخرت را به آنان عطا نماید.

بعد از ذکر داستان حضرت یونس و توجه به ابعاد گوناگون آن، می پردازیم به شرح مختصری از زندگی حضرت عیسی علیه السلام. به وقت پیامبری او، کاهنان و روحانی نمایان یهود و رومیان مستبد و سلطه گر با او درافتادند و تبعیت از هوای نفس و فرمانبری از شیطان به حدی در آنان تقویت شده بود که تصمیم گرفتند او را به قتل برسانند، ولی خداوند حافظ پیامبرش بود و نقشه آنان را نقش بر آب کرد و حيله و مکرشان را به خودشان برگردانید، که نقشه خداوند مقدم بر مکر مفسدان است، و خداوند به کمینگاه نابکاران است، تا آنان را به سزای اعمال خود برساند.

خداوند پیامبرش را به سوی خود بالا برد و زنده باقی گذاشت تا به هنگام ظهور آقا و سرورمان حضرت بقیة الله - ارواحنا له الفداء - بار دیگر به امر پروردگار به زمین برگردند و برای گسترش و نشر قانون اسلام دست در دست حضرت حجّت - عجل الله فرجه - می گذارد و او را یاری می کند.

بعد از آن عزیز مکرم خداوند بر طبق وعده اش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به پیامبری مبعوث کرد با او هم رفتار نادرستی را داشتند، او را آزار دادند، بی احترامی کردند، شکمه شتر به روی او پاشیدند یارانش را شکنجه نمودند و دل مبارک و مطهرش را که مرکز انوار رحمت و اسعه الهی بود به درد آوردند. اما آن عزیز صبر کرد و فرمود:

«بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»: «یعنی من برانگیخته شدم تا اخلاق نیکو را تمام کنم».

او مهربان، صبور، باگذشت، خوش خو و خوشرو، خوش زبان بود، فحاشی نمی کرد، ناسزا نمی گفت، نسبت به مال دنیا بی توجه بود، امانتدار مردم بود، ساده بود و ساده می زیست، کوتاه سخن اینکه او از همه ابعاد نمونه بود، ولی صفحات تاریخ گویاست که با او چه کردند. آری مشرکان و از حق بی خبران به او کینه و عداوت نمودند و به ابوطالب گفتند:

برادرزاده‌ات را به ما تحویل ده که می‌خواهیم او را از بین ببریم و او به آنان جواب محکمی داد و آنان را مأیوس نمود و از برادرزاده‌اش دفاع کرد، آزار و اذیت مشرکان مسلمین و آن عزیز را روانه شعب ابی طالب نمود، صدای ناله جانسوز طفلان مسلمین سراسر درّه را پر کرده بود و زجر و شکنجه مادران دردمند به وضوح دیده می‌شد، ولی آیا مگر آزارها و شکنجه‌ها به اینجا پایان می‌پذیرفت که نه وحشیگری و درنده‌خویی آنان به گونه‌ای بود که از هیچ آزار و اذیتی خودداری نمی‌نمودند و به علت این خوی نکوهیده، بلال یار صدیق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را روی ریگهای داغ بیابان عربستان می‌خوابانیدند و سنگ بسیار بزرگی را روی سینه او می‌گذاشتند، تا دست از محبت پیامبر مهربان ما بردارد، و بتها را ستایش کند و عقیده مشرکان را بپذیرد.

درود ما بر بلال عزیز و سمیه و یاسر و سایر شهدای صدر اسلام، که در اوج تشنگی و عطش ضربات شلاق و حشیانه جلادان را تحمل نمودند و جان سپردند، درود بی‌پایان ما بر آنان و سایر شهدای راه حق از بدو خلقت انسان تا کنون.

آیا تحمل دردها محدود به شخص نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود؟ مگر اهل بیتش از این بلاها و مصائب ندیدند؟! که زجر و درد انبیاء و ائمه معصومین بی‌نهایت است و تمامی ندارد. آری از خدایی خبران در طی اعصار شکنجه‌ها دادند و دل معصومین را خون کردند، دل تنها یادگار پیامبر، حضرت صدیقه طاهره را خون کردند.

سراسر دوران زندگی آن عزیز خون دل خوردن و رنج کشیدن و تحمل مصائب بود. او امر پروردگارش را اطاعت نمود و بردباری کرد چون نیک می‌دانست که خداوند صابران را دوست دارد و با صابران است. چه صبری خداوند به آن حضرت داده بود؟ که درد خانه‌نشینی و غصب خلافت و خارج شدن اسلام از مسیر اصلی خودش را تحمل نمود و سر به کوه و بیابان نگذاشت.

او برای آرام کردن خود به سر قبر پدر گرامیش می‌رفت و ناله‌ها سر می‌داد و زاریها می‌کرد و این رفت و آمدها به حدی دایمی شده بود که همسر مهربانش در قبرستان بقیع برای او خیمه‌ای زده بود تا از آفتاب در امان باشد و تا می‌تواند گریه کند و شکوه نماید.

آسمان شاهد ناله‌های جانسوز فاطمه زهرا سلام الله علیها بود، خدایشان عذاب همیشگی و دائمی دهد که او را مضروب نمودند و وقاحت را به جایی رسانیدند که کمرش را شکستند و محسنش را سقط نمودند و مجروحش ساختند، او از میانشان رفت ولی با دیده‌گریان و دلی پر خون و سینه‌ای پر زرد از غاصبان حقوق الهی.

او رفت تا حکایت غمبار خود را برای پدرش نقل کند و بگوید که در نبودن پدرش چه بر سرش آوردند؟! رفت تا درد شوهر عزیزش را بازگو نماید و بگوید آن عزیز نبی اکرم صلی الله علیه و آله از دست نامردها چه دید و چه کشید؟!

آری مگر علی علیه السلام با حق، حق با علی علیه السلام نبود؟ پس چگونه حقش را غصب نمودند و حق را به حق‌دار نرسانیدند؟ مگر نه این بود که او از حق توده‌های عظیم مردم در مورد بهره‌وری از عدالت اسلامی و برخورداری از تعالیم حیاتی و نجات بخش تلاش نمود. پس چرا این گونه با او رفتار کردند و قلب مطهرش را شکستند و نور خدا را گریان نمودند مگر کسی با نور خدا این گونه رفتار می‌کند؟ و ادعای اسلام هم بکند. آری چه نیک می‌فرمود که حق هم بود چنین بگوید:

«۲۵ سال در خانه نشستم و صبر کردم همانند کسی که خار در چشمش فرورود، یا استخوان در گلویش گیر کند» (۱).

آری او ماند و تحمل نمود حکمرانی حکام نالایق شهرها، بی‌عدالتی، قدرت گرفتن عایشه و نبرد با او... ناموزون، دو دستگی و اختلاق بین مسلمین، شورش یاران نادانش در ماجرای نبرد با معاویه و دیگر مصائب زمان بر قلب مبارکش سنگینی می‌کرد ولی صبورانه با همه دردها می‌ساخت تا سرانجام فتنه خوارج به وجود آمد و ضربت زدن ابن ملجم مرادی ملعون به وقت نماز عشق آن حضرت.

آری آن ملعون خبیث شیطان صفت فرق سر مبارکش را شکافت و سجاده‌اش را به خون مطهر و پاک او رنگین کرد و خواری دنیا و آخرت و نفرین ملائک مقرب الهی را موجب

شد و فرموده رسول خدا را در ذهنها زنده ساخت که فرموده بود: «ای علی، بر سر و پیشانی تو ضربتی زده خواهد شد که ریش صورتت را خضاب خواهد کرد» آری آن حضرت به سوی سرای ابدی رفتند و در جوار رحمت حق آرام گرفتند ولی غمنامه خلیفه الله‌ها به همین جا خاتمه نیافت و خاتمه نمی‌یابد، بعد از آن حضرت دو نور دیده و میوه دل آن حضرت، یکی پس از دیگری به امامت رسیدند ولی با آنها چه کردند با حسن و حسین علیهم‌السلام که بوی بهشت می‌دادند و ذریه رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند با عزیزانی که پیامبر گرامی بیان می‌داشتند: «دوستی با آنان دوستی با من است و دشمنی با آنان دشمنی با من است» با دو نوری که ریحان خدایی بودند با دو گل خوشبوی گلزار نبی که پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره ایشان می‌فرمود: خدا لعنت کند کسی را که با شما دشمنی کند. آری چه کردند با دو عزیز زهرای مرضیه؟! چه نقشه‌ها طرح نمودند؟ حسنش را به تحریک معاویه زهر دادند و حسین عزیزش را تشنه لب در دشت خونین کربلا شهید نمودند، ننگ ابدی را بر خود خریدند. آری آنان جوانان بنی‌هاشم را به خاک و خون غلطاندند، دو دست مبارک حضرت عباس علیه‌السلام را که به طلب آب رفته بود قطع نمودند و با ضربه‌های بی‌امان پیکر بی‌دفاع او را چاک چاک نمودند. گلوی علی اصغر شیرخواره را از هم دریدند و اوج شقاوت و سنگدلی و نامردمی خود را نشان دادند و سندی از خیانت پلید خود را برای آیندگان به یادگار گذاشتند. نفرین ابدی بر آنان و سایر خائنان حقوق ملت‌ها و دیگر دشمنان اهل بیت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

در نبرد کربلا خیانت اهالی کوفه بر ملا شد و رسوا گردیدند و امام حسین علیه‌السلام با وجود تعداد کم یارانش و بی‌توجهی اهالی کوفه با دشمنان خدا مبارزه نمود و طنین نوای دلنواز شهادت را در طی اعصار در گوش جانها نواخت که:

«اگر دین محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جز با خون من برپا نمی‌شود، ای شمشیرها مرا دریا بید». آری او وارث بزرگ امامت و رهبری و رسالت بود، او آمده بود تا پایه‌های دین خدا را استوار نماید او آمده بود تا کشتی شکسته حکومت را سرپا نگه دارد، او آمده بود تا اسلام را زنده کند، ولی چه شد و با او چه کردند چه جنایتها که انجام ندادند؟! نفرین ابدی بر آنان باد.

آری خواننده عزیز نه فقط وصی گرامی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دو فرزند عزیزش امام حسین و امام حسن عَلَيْهِمَا السَّلَام زجر کشیدند که تمام امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام خون دل خوردند و صبر و تحمل نمودند و به رضای حق تسلیم بودند و هر زمان یکی بعد از دیگری به امامت می‌رسیده و زندگی غمبار خود را شروع می‌کرده و غمنامه و سوگنامه از خود به یادگار می‌گذاشته، آنچه از آنها برای ما باقی مانده است همه غم و اندوه است. به هر حال عصر ما است و رسالت و مسؤلیت ما، ما چه کرده‌ایم و چه می‌کنیم؟! آیا ما امام زمان خودمان را می‌شناسیم؟ آیا ایشان از ما رضایت دارند؟ آیا دید ما نسبت به آن حضرت دید درستی است؟ آیا همگی حتی در یک روز جهانی دسته‌جمعی ظهورش را از خداوند قادر متعال درخواست نمودیم؟

آیا تلاش نمودیم که با وظیفه خود در برابر امام عزیزمان «حجبتِ حق» آشنا شویم تا شناخت لازم در این زمینه پیدا کنیم، و آیا غفلت نکردیم و بر این غفلت خود نيفزودیم؟ آری ما غفلت و جهالت کردیم و به این بی‌خبری و نادانی هم توجه نمی‌نمائیم، فتنه‌های جهانی را می‌بینیم و او را یکصدا صدا نمی‌زنیم! چرا؟ چون همگی مشتاق میوه دل حید کرار نیستیم، چون از اعماق وجود او را نمی‌خواهیم. می‌گویید: چرا چنین است؟ و چنین حالی را داریم و چرا چنین وضعی را پیدا کرده‌ایم؟ جواب تمام این سؤاها و چراها را در یک جمله می‌توان خلاصه کرد:

«تبعیت از هوای نفس و شیطان و غفلت از یاد خدا».

خدایی که ما را به خود می‌خواند ولی ما از او دوری می‌کنیم آرزوهایمان را دور و دراز می‌داریم اگر دیگران به ما هشدار می‌دهند و می‌گویند با توجه به آمدن نشانه‌های ظهور، زمان ظهور نزدیک شده است، خود را آماده کنید، آنان را مسخره می‌کنیم دیوانه‌شان می‌خوانیم و یا می‌گوییم: ما از آن عزیز می‌ترسیم! خدا نکند که ظهور در زمان ما انجام گیرد! که شنیده‌ایم تا زانوی ما باید در خون شناور باشد! همه جا را کفر بگیرد! آسیابها از خون عالمان بچرخد! و...! حال در جواب این عده می‌گوییم: آیا این همه فجایع در عالم وجود ندارد؟ آیا کشتار در آفریقا و عراق، فلسطین و بوسنی و... بیداد نمی‌کند؟ آیا علمای دین و

شخصیتهای مذهبی ترور نشده‌اند و به قتل نرسیده‌اند؟ آیا جنگ بین شرق و غرب که از نشانه‌های ظهور است انجام نگرفته؟ آیا جنگ بین ایران و عراق که از نشانه‌های ظهور است انجام نگرفته؟ آیا آنچه از نشانه‌های قبل از ظهور به روایت‌های معتبر به ما رسیده به حقیقت نپیوسته؟ آیا با این حال وجود حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا له الفداء ضروری و لازم نیست؟! پس چرا او را صدا نمی‌زنیم و از خیر و رحمت پروردگار و وجود مطهر و سازنده او غافل شده‌ایم و علاج دردهایمان را از او نمی‌خواهیم؟! آری غفلت ما موجب به وجود آمدن چنین وضع فلاکت باری شده است، بطوریکه به جای اینکه همچون سایر مؤمنین قلبمان به لرزه بیفتد و با تمامی وجود او را صدا بزنیم از یادآوری زمان ظهور و وقایع آن چنان رعشه‌ای بر انداممان می‌افتد که نگو و نپرس که تمامی این عوامل به علت نداشتن نیروی ایمانی و نداشتن عشق به آن سرور است، چون اگر کسی عاشق امامش بود چنین حال و وضعی نمی‌یابد آیا ما باید به جای عشق به امام، وحشت از او را در دل جایگزین کنیم؟ آیا تصوّر ما از نور و تنها بازمانده از حجّتهای پروردگار باید بدین گونه باشد؟! آیا ما هم نباید از خداوند بخواهیم که بیدار شویم و همراه سایر مؤمنین دیده‌گریان و دل‌پریشان چشم‌براه امام عزیز رنج‌دیده‌مان باشیم. آری باید از خداوند بخواهیم حجاب دل و دیده و فکرمان را محو نماید و انوار مهر و محبت و عشق و خداشناسی را به وجود ما بتاباند، تا ما هم ببینیم حقایقی را که دیگران می‌بینند بارالها تو خود شاهدهی و بهترین شهادت‌دهنده‌ای که من جز به عنایات خاصه ذات اقدس خودت و لطف و عنایت و مهر امام عزیزت به هیچ منبع و نیرویی تکیه نمی‌کنم. آری گرچه در راه‌گشایی افکارم نویسندگان بسیاری بطور غیر مستقیم دخالت داشته و دارند، ولی تنها منبع و مرکز اصلی هدایت من در تألیف این مجموعه و بیان گفتارم وجود کبریایی خودت و صفی عزیزت است، آری دل بسته حقیقت وجود تو و حجّت هدایتگر حاضر به قلب و غائب زدیده خود هستم. و تنها آنچه را به دلم می‌گذرد می‌نویسم، هر چند دیگر نیروهای باز دارند مرا از مسیر و راه و هدف خود باز دارند، بارالها تو خود شاهدهی که با تو ای یگانه سمیع رازها داشتم و سخنها گفتم و چون به قرآن روشن بیان متوسّل شدم، آیاتی آمد به این مضامین: «شما هادی و راهنما داشتید، از او اطاعت نکردید و کفران نعمت نمودید، از این رهگذر به انواع بلاها مبتلا شدید».

هو العزيز

يا مولى محمد بن عبد الله

مردودى

كردى

مردودى

مردودى

سادات

«پسرم بدان که دل‌های مردم دیندار و  
با اخلاص مانند پرندگان که میل به  
آشیان دارند مشتاق لقای تو می‌باشد»  
[امام حسن عسکری علیه السلام (۱)]

## بخش پنجم

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

«بازمانده خدا بهتر است برای شما، اگر مؤمن باشید». (۲)

**حضرت بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه قرآن مجید:**

بیش از یکصد آیه از قرآن کریم به مصلح کل حضرت بقیة الله ارواحنا فداء تفسیر و تأویل شده است. که علامه بزرگوار، مولی محمد باقر مجلسی در دائرة المعارف بزرگ شیعه «بحار الانوار» ۷۰ آیه را به استناد احادیث وارده از اهل بیت عصمت و طهارت: در پیرامون ظهور یکتا بازمانده از حجتهای حضرت احدیت نقل کرده است. (۳)

در اینجا به نقل هفت آیه از کتاب ارزشمند «یاد مهدی» (۴) اکتفا می‌کنیم:

۱- ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾:

«و ما اراده کرده‌ایم به آنانکه در روی زمین به ضعف کشیده شده‌اند منت نهاده، آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم». (۵)

طبق روایات بیشماری این آیه در حق مصلح جهان حضرت بقیة الله ارواح العالمین له

۲ - سورة هود، آیه ۸۶.

۴ - یاد مهدی ص ۵۴ - ۷۰.

۱ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۲.

۳ - بحار: ج ۵۱ ص ۴۴ - ۶۴.

۵ - سورة قصص، آیه ۵.



الفداء نازل شده که در آخر الزمان قیام کرده، بساط ننگین ظلم و بیدادگری را در هم خواهد پیچید، و پرچم عدالت را در سرتاسر جهان به اهتزاز درخواهد آورد، و به تکتازی فرعونیان خاتمه خواهد داد. (۱)

۲- ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾:

«بازمانده خدا بهتر است برای شما، اگر مؤمن باشید». (۲)

مطابق روایات فراوانی، هنگامی که حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء ظهور می کند پشت خود را به دیوار کعبه تکیه داده و نخستین چیزی که به زبان می آورد، این آیه شریفه است، آنگاه همه آنها که در آنجا گرد آمده اند با عنوان «السَّلامُ عَلَیکَ یا بَقِيَّةُ اللَّهِ» به پیشگاه آن حضرت عرض ادب می کنند. (۳)

۳- ﴿وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾:

«زمین به نور پروردگارش منور گردید». (۴)

امام رضا علیه السلام در تأویل این آیه می فرماید: او چهارمین فرزند من پسر بهترین کنیزان است که زمین را از هر جور و ستمی پاکیزه می کند. مردم در ولادت او دچار تردید می شوند. او را غیبتی طولانی است چون ظاهر شود زمین با نور پروردگارش روشن می گردد. (۵)

۴- ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾:

«هدایت است برای پرهیزکاران، که به غیب ایمان آوردند». (۶)

طبق احادیث فراوانی منظور از غیب در این آیه می فرماید: «پرهیزکاران» شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام هستند و اما «غیب» پس آن حجّت غائب است. (۷)

۵- ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً﴾:

۱- تفسیر برهان: ج ۳ ص ۲۲۰، ینابیع المودة: ص ۴۵۰ و بحار: ج ۵۱ ص ۵۴.

۲- سورة هود، آیه ۸۶. ۳- نور الابصار، ص ۱۷۲.

۴- سورة زمر، آیه ۶۹. ۵- ینابیع المودة ص ۴۸۸.

۶- سورة بقره، آیه ۲ و ۳.

۷- بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۵۲ و کمال الدین ص ۳۴۰.

«هر که در آسمانها و زمین است خواه و نابخواه - تسلیم او شده - بر او اسلام آورده اند». (۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، نقطه‌ای در روی زمین نمی ماند جز اینکه به یکتائی خدا و رسالت حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گواهی می دهند». (۲)

### ۶- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾:

«ای کسانی که ایمان آورده اید شکبیا باشید، بردبار باشید و مُرابط باشید». (۳)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: برای انجام فرائض شکبیا باشید و در برابر دشمنان بردبار باشید و با امام منتظر علیه السلام در ارتباط باشید. (۴)

### ۷- ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ، وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ

وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ﴾:

«هر آینه شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در مالها، جانها و میوه‌ها بیازمایی و مژده ده صبر پیشگان را». (۵)

امام صادق علیه السلام فرمود: پیش از قیام قائم علیه السلام به ناگزیر سال قحطی خواهد بود که مردم در آن گرسنه خواهند ماند و وحشتی شدید از کشته شدن و کاهش اموال و میوه‌ها خواهند داشت و این در کتاب خدا به صراحت آمده است، سپس آیه فوق را تلاوت نمود. (۶)



۱ - سورة آل عمران، آیه ۸۳.

۲ - تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۱۸۳ و ینابیع المودة: ص ۵۰۶.

۳ - سورة آل عمران، آیه ۲۰۰.

۴ - غیبت نعمانی: ص ۱۰۵، المحجة: ص ۵۲ و اثبات الهداة: ج ۱ ص ۲۶۳.

۵ - سورة بقره، آیه ۱۵۵.

۶ - غیبت نعمانی ص ۱۳۲ و دلائل الامامه ص ۲۵۹.

﴿می خواهند نور خدا را با دهانهای خود خاموش کنند ولی خداوند نور خود را به اتمام می رساند اگر چه کافران نخواهند﴾. (۱)

«این آیه در حق قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که چون خارج شود، خداوند او را بر همه ادیان پیروز گرداند که جز خدا پرستیده نشود». (۲)

### حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از دیدگاه دیگران

سیری گذرا در کتب مقدسه ادیان و مذاهب مختلف جهان، هر پژوهشگر با انصافی را به پذیرش این حقیقت ناگزیر می سازد که اعتقاد به ظهور مصلحی که در آخر الزمان ظهور کرده، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، یک اعتقاد جهانی و همگانی است و همه پیامبران از طرف آفریدگار توانا به قوم خود نوید داده اند که سرانجام مصلحی غیبی ظهور کرده، طومار جنایتها و خیانتها را در هم پیچیده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیاد خواهد نهاد.

از این رهگذر پیروان راستین همه ادیان آسمانی در انتظار آن مصلح بزرگ دقیقه شماری می کنند و نوید ظهور آن انقلابگر پیروز در همه کتابهایی که از نظر پیروانشان «کتاب آسمانی» شناخته می شود، یافت می شود، که در اینجا به چند نمونه کوتاه، به نقل از کتاب پراج «یاد مهدی»<sup>(۳)</sup> اشاره می کنیم:

#### ۱ - زبور

قرآن کریم تعبیری را از زبور نقل می کند که در زبور فعلی عیناً موجود است قرآن کریم می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾:

«علاوه بر ذکر - تورات - در زبور نیز نوشتیم که بندگان صالح من وارث زمین خواهند

۱ - سوره صف، آیه ۸

۲ - تفسیر قمی، ج ۲ ص ۳۶۵.

۳ - یاد مهدی: ص ۴۳ - ۴۹.

شد». (۱) و اینک متن زبور:

«زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهند بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود، و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد ... زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد، و اما صالحان را خداوند تأیید می کند، خداوند روزهای کاملان را می داند و میراث آنها خواهد کرد تا ابد الآباد». (۲)

و در جای دیگر می فرماید:

«قومها را به انصاف داوری خواهد کرد، آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد دریا و پری آن غرّش نمایند، صحرا و هر چه در آن است به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل تروتم خواهند نمود به حضور خداوند، زیرا که می آید. زیرا که برای داوری جهان می آید رُبِع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد». (۳)

## ۲ - تورات

نویدهای مصلحی که در آخرالزمان ظهور کرده، جهان را پر از عدل و داد کند. در تورات و دیگر کتابهای مندرج در عهد عشق بسیار فراوان است، که به سه نمونه کوتاه بسنده می کنیم:

۱ - در کتاب «اشعیا نبی» می خوانیم:

«مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد ... گرگ با بزّه سکونت خواهد کرد. پلنگ با بزغاله خواهد خوابید ... و در تمامی کوه مقدّس من، ضرر و فساد نخواهد کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد». (۴)

۲ - و در کتاب «دانیال نبی» می خوانیم که خداوند خطاب به حضرت دانیال

۱ - سورة انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲ - مزامیر، مزمور ۳۷، جمله های ۹ - ۱۲ - ۱۷ - ۱۸.

۳ - مزامیر، مزمور ۹۶، جمله های ۱۰ - ۱۳.

۴ - کتاب اشعیا نبی فصل ۱۱ جمله های ۴ - ۱۰.

می فرماید:

«و در آن زمان میکائیل، امر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده (قائم) است خواهد برخاست. و بسیاری از آنانکه در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد. آنانکه بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الآباد. اما تو ای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا آن زمان مهر کن. بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود... خوشا به حال آنانکه انتظار کشند».<sup>(۱)</sup>

۳- و در کتاب «حقوق نبی» می خوانیم:

«اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد... بلکه جمیع امتها را نزد خود جمع می کند و تمامی قومها را برای خویشتن فراهم می آورد».<sup>(۲)</sup>

### ۳- انجیل

بیشتر نویدهای انجیل به تعبیر «پسر انسان» است که این تعبیر طبق نوشته مستر هاکس آمریکائی بیش از ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) تکرار شده، که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام قابل تطبیق است. و ۵۰ مورد دیگر آن از نجات دهنده‌ای سخن می گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و اینک متن انجیل:

«کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را فروخته بدارید، خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید. زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید».<sup>(۳)</sup>

### ۴- کتب مقدسه هندوها

در کتب مقدسه‌ای که در میان هندوها به عنوان «کتب آسمانی» شناخته شده،

۱- کتاب دانیال نبی فصل ۱۲ بندهای ۱-۵ و ۱۰ و ۱۳.

۲- کتاب حقوق نبی، فصل ۲، جمله‌های ۳-۵.

۳- انجیل لوقا، فصل ۱۲، جمله‌های ۳۵ و ۳۶.

اشارات فراوانی به مصلح آسمانی منتظر هست که چند نمونه بسنده می‌کنیم:

«کالکی، مظهر دهم ویشنو، در انقضای کلی یا عصر آهن سوار بر اسب سنیدی در حالیکه شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله‌دار در دست دارد، ظاهر می‌شود. و شریان را تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو تجدید، و پاکی را رجعت خواهد داد.»<sup>(۱)</sup>

«دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. حق و راستی با او باشد.

آنچه در دریاها و زمینها و کوهها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد خبر می‌دهد. از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید.»<sup>(۲)</sup>

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلائق در دو جهان (کشن) تمام شود. کسی که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند. جن و انس در خدمت او شوند و از «سودان» که زیر خط استوا است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است، و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا زنده گردد و نام او «ایستاده» (قائم) باشد و خداشناس باشد.»<sup>(۳)</sup>

#### ۵- کتب مقدسه مانویّه

در کتاب «شابوهرگان» کتاب مقدس مانویّه نام «خردشهر ایزد» آمده که باید در آخر الزمان ظهور کند و عدالت را در جهان بگسترده. همچنین در تعالیم مانی از مرد بزرگواری بحث شده که دوازده جانشین دارد و به وسیله آنها ارواحی که شایستگی دارند به بهشت راه می‌یابند.»<sup>(۴)</sup>

#### ۶- کتب مقدسه زردشتیان

موعود آخر الزمان در اوستا «استوت ارت» یا «سوشیانت» نامیده می‌شود که در پهلوی «سوشیانس» گویند.

۱- اوپانیشاد، ص ۷۳۷.

۲- باسک، از کتب مقدسه هندوها.

۳- شاکموئی، از کتب مقدسه هندوها.

۴- شابوهرگان، ترجمه «مولر».

«سوشیانس» به معنای سودمند است و در «گاتها» به معنای رها شده یا نجات دهنده ذکر شده است.

در منابع زردشتی هر کجا سوشیانت مطلق آمده، آخرین موعود اراده شده است. نویدهای مربوط به موعود آخر الزمان در متن «اوستا» موجود است، و در میان منابع زردشتی در کتاب هفتم «دینکرد» بیش از همه از ظهور سوشیانت بحث شده است: «چاره و درمان جمیع دردها و رنجها با اوست. رنج و بیماری و پیری و ظلم و بیدینی و فساد را ریشه کن سازد، مردمان ناپاک را نابود سازد و همه آنها را براندازد».<sup>(۱)</sup>

«سوشیانت (نجات دهنده بزرگ) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد. یزدان را از دست اهریمنان نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار سازد».<sup>(۲)</sup>

#### ۷ - جین‌ها

در کتب مقدسه جین‌ها آمده است: «هنگامی که فساد و انحطاط و تباهی جهان را فرا گیرد، شخص کاملی که آن را «تیرتنگر» (نوید دهنده) گویند، ظهور کرده، تباهی را از بین می‌برد و پاکی و صفا را از نو برقرار می‌سازد».<sup>(۳)</sup>

#### ۸ - برهمنیان

در کتب مقدسه برهمنیان از ظهور «ویشنو» نویدهای فراوانی هست: «ویشنو در میان مردم ظاهر می‌گردد... او از همه کس قویتر و نیرومند است... در یک دست «ویشنو» شمشیری به مانند ستاره دنباله‌دار و در دست دیگر انگشتری درخشانده دارد، هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می‌شوند و زمین خواهد لرزید».<sup>(۴)</sup>

#### ۹ - چینیان

در «مهابهارت» یک فصل به «کریشنا» اختصاص داده شده و «بهگودگیتا» شرح و

۱ - سوشیانت ص ۱۰۴.

۲ - جاماسب نامه ص ۱۲۱.

۳ - اوپانیشاد: مقدمه، ص ۵۴.

۴ - ریک ودا، ماندا لای ۴، ۱۶ و ۲۴.

بسط همان فصل است. در «مهابهارت» پس از تقدیس فراوان از «کریشنا» چنین آمده است:  
 «کریشنا ظهور کرده، جهان را نجات می دهد». (۱)

### ۱۰ - ملل مختلف جهان

پس از یک بررسی عمیق در تاریخ زندگی و اعتقادات ملل مختلف جهان به این نتیجه می رسیم که همه ملل مختلف بر اساس اعتقاداتی که از کتابهای مذهبی یا رجال دینی خود فرا گرفته اند، در انتظار مصلحی هستند که در آخرالزمان ظهور کرده، جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود:

اسن ها، اسلاوها، سلت ها، ژرمنها، اهالی صربستان و اقوام اسکاندیناوی در انتظار ظهور موعودهایی به نامهای مختلف چون: آرتور، اودین، کالویبرک، مارکوکرایویچ، بوخص، بوربان، بورویهم، و عناوین دیگر، می باشند، که معتقدند موعودهایشان روزی ظهور کرده، به جنایتها و خیانتهای جهان خاتمه داده، عدالت و داد را در جهان گسترش خواهند داد. (۲)

[ برگزیده از کتاب «یاد مهدی علیه السلام» به قلم استاد محمد خادمی شیرازی ]

خواننده عزیز:

جا دارد با تمامی وجود از هدایتها و ارشادهای جمیع نویسندگان و مؤلفان الهی، از جمله استاد گرامی و عزیز «حاج شیخ محمد خادمی شیرازی» در اینجا قدردانی و تشکر نمایم، هر چند در این مقام بسیار حقیرم و ناتوان.

۱ - اوپانیشاد ص ۶۴۷.

۲ - مشروح این نویدها را در کتاب «او خواهد آمد» چاپ هشتم ص ۵۸ - ۷۳ بخوانید.



## حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه معصومین عليهم السلام

در مورد حضرت مهدی ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء روایات بی شمار است چه در زمینه ظهور و قیام و خصوصیات خود حضرت ارواحنا له الفداء چه سایر موارد راویان اخبار و ناقلان آثار، احادیث فراوانی را در این رابطه از معصومین عليهم السلام نقل کرده‌اند که به نام نامی چهارده معصوم، چهارده روایت از کتاب پیرارج «یاد مهدی» را انتخاب کرده به خوانندگان گرامی تقدیم می‌داریم.

به امید اینکه تا وقت ظهور زنده باشیم و شاهد اعاده حقوق ضایع شده اهل بیت آل محمد عليهم السلام باشیم. ان شاء الله حال گوش می‌سپاریم به سخنان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سپس روایات دیگر را می‌شنویم.

۱- نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خطبه معروف خود در روز عید غدیر در برابر ۱۲۰ هزار نفر از اصحاب در سرزمین «غدیر خم» سخنانی را ایراد نمودند، و مهدی عزیزشان را چنین معرفی نمودند:

«ای گروه مردمان! آن نور خدای تبارک و تعالی در من قرار گرفته، سپس در وجود علی عليه السلام قرار گرفته، و پس از او در نسل او تا «قائم مهدی» که حق خدا را باز ستاند و همه حقوق از دست رخنه ما را باز ستاند»<sup>(۱)</sup>.

و سپس ادامه دادند:

آگاه باشید که:

- او بر همه ادیان پیروز می‌شود.

- او انتقامگر از ستمگران است.

- او گشاینده و در هم کوبنده مرزهاست.

- او کشنده هر تیره‌ای از مشرکان است.

- او خوانخواه خون همه بندگان صالح خداست.

- او نهری خروشان از اقیانوسی بیکران است.
- او یاور دین خدای تبارک و تعالی است.
- او هر دانشمندی را به دانش و هر نادانی را به نادانی می شناسد.
- او وارث هر دانش، و دربرگیرنده آن است.
- او آنچه بگوید از پروردگارش می گوید و به امر ایمان هشدار می دهد.
- او رشید و کامل و نیرومند و متین است.
- فرمانروائی جهان هستی به او واگذار شده است.
- هر کس، از پیامبران و امامان پیش از او بودند نوید او را داده اند.
- او تنها حجّت بازمانده است و بعد از او حجّتی نیست، حقّی جز او و نوری جز در پیش او نیست.
- احدی بر او چیره نیست و کسی او را شکست ندهد.
- او ولیّ خدا در روی زمین و داور او در میان مردم، و امین او در آشکار و نهان است. (۱)



## مهدی علیه السلام از دیدگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام

مردی به خدمت امیرمؤمنان علیه السلام شرفیاب شده، عرضه داشت: از مهدی خود برای من سخن بگو، فرمود:

«هنگامی که رفتنی‌ها بروند، اهل ایمان کم شوند، آشوبگران و جنگ طلبان نابود شوند، پس آنجاست».

آن مرد عرضه داشت، ای امیرمؤمنان درود خدا بر تو باد توضیح بفرما، آن سرور از کدام طایفه است؟ فرمود:

«از بنی هاشم، از برترین نژاد عرب، از قلّه شرف و از اقیانوس بی‌کرانه، که همه نهرهای فضیلت به سوی آن سرازیر است، پناه همه پناهندگان، کان صفا، هنگامی که همه بی‌صفا شوند، چون مرگ چنگ و دندان نشان دهد، او هرآسی به دل راه ندهد، هنگامی که عرصه نبرد تنگتر شود، ضعف و زبونی نشان ندهد، وقتی که قهرمانها نقش بر زمین شوند، او عقب‌نشینی نکند. همواره آماده نبرد، همیشه پیروز، دشمن شکن، ویرانگر کاخهای ظلم و استبداد، قهرمانی شجاع و بزرگووار، شمشیر برنده‌ای از شمشیرهای خداوند، دست بخشنده خداوندی، اوج قلّه شرف انسانی، که در اعماق اصیلتین فضیلتها ریشه دوانیده است. هیچ فتنه و پدیده‌ای تو را از پیروی او منصرف نکند، که چنین فتنه‌گری اگر سخن بگوید بدترین گویندگان است، و اگر خاموش نشیند همه پلیدیها و حيله‌گریها را در خود جای داده است».

سپس به توصیف حضرت مهدی علیه السلام بازگشت و فرمود:

«آستانه‌اش از همه گشادتر، دانشش از همه افزونتر، و برای خویشاوندان از همه نیکوتر است. بارالها بیعت او را پایان همه اندوهها قرار بده، پراکندگی امت را به دست او به یگانگی مبدّل فرما، اگر خداوند به تو اراده خیر کند و چنین روزی را نصیب تو سازد. چون کوه استوار باش، اگر چنین روزی را درک کنی، به سوی احدی از او روی متاب، اگر به کویش راه یافتی از او در مگذر». آنگاه با دست مبارکش به طرف سینه‌اش اشاره کرد و فرمود:

«آه چقدر مشتاق دیدار او هستم».<sup>(۱)</sup>

## مهدی علیه السلام از دیدگاه حضرت زهرا سلام الله علیها

در ضمن احادیثی چند از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نوید ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء روایت شده که معروفترین آنها حدیث گرانبھائی است که به نام «خبر لوح» شهرت یافته است. که ترجمه آن را در اینجا می آوریم و به جهت طولانی بودن آن از آوردن متن عربی حدیث صرف نظر نموده، به ترجمه آن اکتفا می کنیم. در ضمن برای کسب اطلاعات بیشتر در امر تحقیق طالبین را به منابع ذکر شده در پایان حدیث ارجاع می دهیم. و اینک ترجمه آن حدیث:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

پدرم (حضرت باقر علیه السلام) روزی به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: من با شما کاری دارم، چه وقتی برای شما زحمت نیست که با شما خلوت کنم و پرسشی از شما بکنم؟ جابر عرض کرد، هر وقت اراده بفرمایید. وقتی تعیین شد و با یکدیگر خلوت نمودند. امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر، برای من از لوحی که در دست مادرم فاطمه علیها السلام دخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دیده ای سخن بگو، و از آنچه مادرم فاطمه علیها السلام به تو خبر داده که در لوح نوشته شده است برای من بگو جابر گفت:

خدا را گواه می گیرم که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به خدمت مادرت حضرت فاطمه علیها السلام شرفیاب شدم تا ولادت حضرت حسین علیه السلام را تبریک و تهنیت عرض کنم در دست مبارکش لوحی سبزرنگ دیدم که پنداشتم از زمرد است. روی آن لوح نوشته ای سفید رنگ شبیه نور خورشید دیدم. به خدمتشان عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت، ای دخت پیامبر! این لوح چیست؟ فرمود: «این لوحی است که خدای تبارک و تعالی آن را به پیامبرش اهدا نموده است. اسم پدرم و اسم همسرم و اسم دو فرزندم و اسامی اوصیاء دیگر از فرزندانم بر آن نوشته شده. پدرم آن را به من عطا فرمود که مرا مسرور فرماید.»

سپس جابر گفت: مادرت فاطمه علیها السلام آن را در اختیار من قرار داد، پس من آن را خواندم و یک نسخه برای خودم استنساخ نمودم.

پدرم (امام باقر علیه السلام) فرمود: ای جابر! آیا ممکن است که آن را به من نشان دهی؟

عرض کرد: آری. آنگاه پدرم با او حرکت نمود تا به خانه جابر رسیدند. جابر برای پدرم ورقی از پوست نازک بیرون آورد. پدرم فرمود: جابر! تو از روی نوشته‌ات نگاه کن تا من متن آن را برای تو بخوانم. جابر به نوشته خود نگاه کرد و پدرم برایش خواند. به خدا سوگند که حتی یک حرف نیز اختلاف نبود، آنگاه جابر گفت: خدا را گواه می‌گیرم که آنچه در لوح دیدم این است:

به نام خدای بخشنده بخشایشگر، این نوشته‌هایی است از جانب خدای عزیز و فرزانه، به سوی پیامبر، نور، سفیر، حاجب و راهنمایش. محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن را روح الامین از نزد پروردگار جهانیان فرود آورده است: «ای محمد، نامه‌های مرا گرامی دار، نعمتهای مرا سپاس گوی و نعمتهایم را انکار نکن، من خدایی هستم که جز من کسی شایسته پرستش نیست، کسی که جز به فضل و رحمت من دل ببندد و جز از عدالت من بترسد، او را آنچنان عذاب می‌کنم که احدی از جهانیان را آنچنان عذاب نکنم. پس مرا پرست و بر من توکل نما. من پیامبری نفرستادم که روزگارش سپری شود و مدتش به سر آید جز اینکه برای او جانشینی مقرر نمودم من ترا بر همه پیامبران برتری دادم و جانشینت را بر همه اوصیاء برتری دادم و تو را با دو فرزند دل‌بندت حسن و حسین گرامی داشتم، حسن را پس از سپری شدن مدّت پدرش معدن علم جود قرار دادم. و حسین را مخزن وحی خود قرار داده مدال شهادت را به او عطا کردم و مدّت او را با سعادت پایان دادم، که او سرور شهیدان است و از همه شهیدان مقامش بالاتر است کلمه تامّه خود را با او قرار دادم و محبت کامله‌ام را در نزد او گذاشتم معیار پاداش و کیفر من اهل بیت اوست که نخستین آنها سرور عبادت‌کنندگان و زینت دوستان گذشته من «علی» (ابن‌الحسین عَلَيْهِ السَّلَام) است.

و آنگاه پسرش، شبیه جدّ بزرگوارش: «محمد» است، که شکافنده (باقر) علوم من و معدن حکمت من می‌باشد. آنانکه در مورد «جعفر» دچار تردید شوند، هلاک می‌شوند، کسی که او را ردّ کند، مرادّ کرده است. این سخن از من به حقیقت پیوسته که جایگاه جعفر را بس بلند گردانم و او را به وسیله دوستان، یاران و شیعیانش مسرور نمایم، پس از او «موسی» را برگزیدم که در عهد او فتنه‌ای پیاگردد، که چشم جایی را نبیند زیرا رشته‌ای را که من فرض کرده‌ام (رشته امامت و وصایت) هرگز قطع نشود. و حجّت من پنهان نماند. و

دوستان من با جامهای لبریز سیراب شوند.

آگاه باشید که هر کس یکی از آنها را انکار کند، نعمت مرا انکار نموده است، هر کس آیه‌ای از کتابم را تغییر دهد. به من دروغ بسته است. وای به حال تهمت زنانی که پس از سپری شدن مدت بنده، دوست و برگزیده‌ام موسی، در مورد یار و یاورم «علی» (ابن موسی الرضا) به انکار گرایند که من باری به سنگینی بار نبوت بر دوشش می‌گذارم و او را با کشیدن آن بار آزمایش می‌کنم. او را اهریمنی گردن‌کش می‌کشد، در شهری که بنده شایسته‌ام «ذوالقرنین» بنا کرده، در کنار بدترین مخلوقاتم به خاک سپرده می‌شود. این سخن به حقیقت پوسته که دیدگان او را با فرزندش «محمد» (محمد تقی) روشن گردانم که جانشین و وارث علوم اوست. او معدن علوم من و محل اسرار من و حجت من بر بندگانم می‌باشد، هیچ بنده‌ای به او ایمان نیاورد جز اینکه بهشت را جایگاه او سازم و شفاعتش را در حق هفتاد تن از اهل بیتش، از آنانکه خود را مستوجب آتش کرده‌اند، خواهم پذیرفت.

نیکبختی او را با فرزندش «علی» (هادی) کامل گردانم که یار و یاور من است و گواه من در میان بندگانم و امین من بر وحی من است. از او «حسن» را پدید آورم که دعوت کننده به سوی من و مخزن علوم من است. آنگاه سعادت او را به اوج رسانم با فرزندش «م - ح - م - د» که رحمت است برای جهانیان. کمال موسی، شوکت عیسی و شکیبایی ایوب با اوست. در زمان (غیبت) او دوستان من خوار و زیون می‌شوند. و سرهای آنها همچون سرهای ترک و دیلم به پیش این و آن به رسم هدیه فرستاده می‌شود، کشته می‌شوند، سوزانده می‌شوند، و همواره در ترس و وحشت و اضطراب به سر می‌برند. زمین با خونشان رنگین گردد. زنانشان در سوک آنها گریان و نالان شوند. آنها دوستان حقیقی من هستند. که به وسیله آنها فتنه‌های تیره و تار را دفع کنم. و به وسیله آنها اضطرابها و تشویشها را برطرف سازم و گرفتاریها را دفع نمایم و بندها را فرو گشایم. بر آنها باد صلوات و درود و رحمت از پروردگارشان و آنها بید هدایت یافتگان»<sup>(۱)</sup>.

۱ - حدیث شریف «لوح» روایت بسیار معروفی است که در غالب کتابهای حدیثی نقل شده

### حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه امام حسن مجتبی علیه السلام

«در زمان او درندگان با یکدیگر سازش می‌کنند، زمین گیاهش را خارج می‌کند. آسمان برکاتش را فرود می‌فرستد گنجهای نهفته در دل زمین برای او ظاهر می‌شود بین شرق و غرب عالم تحت سیطره او در آید: خوشا به سعادت کسی که زمان او را درک کند و به او امر او گوش فرا دهد.» (۱)

\* \* \*

### حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه امام حسین علیه السلام

«برای او (مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) غیبتی است که گروههایی در آن از دین برمی‌گردند و گروههایی دیگر بر آیین خود استوار می‌مانند و در این راه آزارها می‌بینند، دشمنان به آنها شماتت می‌کنند و می‌گویند: این وعده کی واقع خواهد شد اگر راستگویانید؟ آنانکه بر این آزارها و تکذیبه‌ها صبر کنند، همانند کسی هستند که شمشیر به دست گرفته، در پیشاپیش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جهاد کند.» (۲)

\* \* \*

### حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه امام زین العابدین علیه السلام

سید ساجدان و زینت عبادت کنندگان امام زین العابدین علیه السلام در مورد امر ظهور مهدی عزیزش ارواحنا له الفداء به ابوخالد کابلی چنین می‌فرمایند:

است که به ۱۰ نمونه آن اشاره می‌کنم:

اصول کافی، ج ۱ ص ۴۴۲، اعلام الوری ص ۳۷۱، اثبات الوصیه ص ۱۴۳، احتجاج طبرسی ص ۶۷، الزام الناصب ج ۱ ص ۲۱۳، بحارالانوار ج ۳۶ ص ۱۹۵، غیبت شیخ طوسی ص ۹۳، غیبت نعمانی ص ۳۰، کمال الدین صدوق ص ۳۰۸، منتخب الاثر ص ۱۳۳.

«ای اباخالد! برای شما فتنه‌هایی چون قطعات شب یلدا پیش خواهد آمد، از این فتنه‌ها نجات نمی‌یابد جز کسی که خداوند از او پیمان گرفته باشد، که آنها مشعلهای هدایت و سرچشمه‌های دانش و فضیلت هستند.

خداوند به وسیله آنها از هر فتنه ظلمانی نجات دهد.

گویی صاحب شما را می‌بینم که در پشت کوفه با ۳۱۳ نفر در سرزمین نجف حرکت می‌کند، جبرئیل در طرف راست او، میکائیل در طرف چپ او، و اسرافیل در پیشاپیش او حرکت می‌کنند. پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با او هست، چون این پرچم به اهتزاز درآید به سوی هر قومی حرکت کنند خدای تبارک و تعالی آن قوم را هلاک می‌کند» (۱).

\* \* \*

### حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه امام باقر علیه السلام

«هر کس بمیرد و امامش را نشناسد مرگ او مرگ جاهلی است. و هر کس بمیرد در حالی که امامش را می‌شناسد برای او آسیبی نمی‌رسد که امر ظهور زود باشد و یا دیر شود، کسی که با شناخت امام از دنیا برود همانند کسی است که در چادر فرماندهی قائم علیه السلام باشد» (۲).

\* \* \*

### مهدی علیه السلام از دیدگاه امام صادق علیه السلام

«در شب بیست و سوم (ماه رمضان) به نام قائم علیه السلام از آسمان ندا می‌شود و در روز عاشورا که روز شهادت امام حسین علیه السلام است. قیام کند. گویی با چشم خود می‌بینم که آن بزرگوار در روز شنبه دهم محرم در میان رکن و مقام ایستاده، جبرئیل علیه السلام در طرف راست آن حضرت بانگ می‌زند که «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ» پس شیعیان او از اطراف جهان به سوی او



می شتابند، زمین در زیر پاهایشان طی می شود، تا به محضر او رسیده بیعت می کنند. روی زمین را پراز عدل و داد کند، آنچنان که پراز جور و ستم شده باشد». (۱)

\* \* \*

### حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه امام کاظم علیه السلام

«خوشا به حال شیعیان ما، که در زمان غیبت قائم ما علیه السلام به رشته ولایت ما جنگ می زنند و بر موالات ما ثابت و استوار می مانند و در برائت و بیزاری از دشمنان ما پابرجا و محکم می مانند، آنها از ما آیند و ما از آنها ایم. آنها ما را به امامت برگزیده اند و به پیشوایی ما راضی هستند و ما آنها را به عنوان شیعه خود برگزیده ایم و به عنوان شیعه خویش پسندیده ایم. خوشا به حال آنها. به خدا سوگند آنها در روز قیامت با ما و در کنار ما هستند». (۲)

### حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه امام رضا علیه السلام

«آنچه انتظار می کشید واقع نمی شود جز هنگامی که در بوته آزمایش قرار بگیرید و شناخته شوید و از شما جز تعدادی اندک بر اعتقاد خود باقی نباشند». آنگاه این آیه شریفه را تلاوت فرمود:

«آیا مردم خیال می کنند اگر بگویند ایمان آورده ایم، فروگذارده می شوند و در معرض امتحان قرار نمی گیرند». (۳)

\* \* \*

### حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه امام جواد علیه السلام

«برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است. کسی که این امر را بشناسد، به

۲ - اثبات الهداة ج ۳ ص ۴۷۷.

۱ - ارشاد مفید ص ۳۶۱.

۳ - ارشاد مفید ص ۳۶۰.

وسيلة انتظار فرج، برای او گشایش حاصل می شود»<sup>(۱)</sup>.

\* \* \*

### حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه امام هادی علیه السلام

«اوست که کلمه امت را یکجا جمع می کند (وحدت ایجاد می کند) و نعمتهای الهی را کامل می گرداند. و خداوند به وسیله او حق را پابرجا و باطل را نابود می سازد. هم او مهدی منتظر علیه السلام است»<sup>(۲)</sup>.

\* \* \*

### حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه امام حسن عسکری علیه السلام

«پنداشته اند که مرا می توانند بکشند تا نسل مرا قطع کنند، ولی الحمدلله که خداوند گفتار آنها را دروغ درآورد»<sup>(۳)</sup>.

\* \* \*

### حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه خویشان

«من آخرین وصی هستم، خداوند به وسیله من بلاها را از کسان و شیعیانم دفع می کند»<sup>(۴)</sup>.

\* \* \*

به امید روزی که پرچم حق در سرتاسر گیتی به اهتزاز درآید و همه امت اسلامی با وحدت کلمه به سوی کلمه توحید بشتابند و حق در سراسر جهان استوار گردد و باطل از

۱ - یوم الخلاص ص ۲۴۸.

۲ - یوم الخلاص ص ۴۰۴.

۳ - بحارالانوار ج ۵۱ ص ۱۶۱.

۴ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۰.

میان مردم رخت بربندد. (۱)

بارالها نویدها و روایت‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام را شنیدیم و گوش سپردیم و حال بعد از خواندن خوابهای رحمانی و نزدیک شدن نشانه‌های ظهور با توجه به روایت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام تو را سپاس و شکر می‌گوییم که به ما نعمت بی‌پایان هدایت عطا کردی و در همه حال ناظر بر اوضاع جهانی هستی، که نیک می‌دانیم تو انسانهای دردمند را درمی‌یابی و ناله‌های آنان را پاسخ می‌گویی، بارخالقا ای برتر از اندیشه، تو را شکر می‌گوییم، به عظمت عالم عرشت و کشش کلمات و آنچه آمار کند علمت و فرا گیرد کتابت.

بارالها تو را شکر می‌گوییم به عظمت رموز پیام‌های خودت و رسالت امرت. بارصادقا تو را شکر می‌گوییم به عظمت اسماء مبارکت و وجود و ذات عزیزت که خیر و رحمت را به تمامی عالم وجود منتشر می‌سازی و همگان را بهره‌مند می‌کنی. بارالها ای عزت بخش و شوکت دهنده اولیای الهی ای ارحم الراحمین، ای بخشنده مهربان، ای عزیز صدیق از پیشگاه مقدّست استدعا می‌کنیم که به روان پاک جمیع انبیاء الهی و ائمه معصومین و راهبان و شهیدان حق از بدو خلقت انسان تا کنون و کلیه ذوات انور عالم عرشت، آن ساجدان درگاهت، درود و سلام بفرستی، درود و سلامی که همیشگی و دائمی باشد و از لطف و کرم بی‌منتهايت تقاضا می‌نماییم که امر ظهور مولا و سرور مستضعفان جهانمان را آسان سازی، و در تمامی ابعاد عافیت نصیبش گردانی و کلیه خواسته‌های آن حضرت را برآورده نمایی، که نیک می‌دانیم ذات کبریایی تو بر هر کاری قادر و تواناست.

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ الشَّرِيفَ»

«بارالها کسانی که برای یاری دین تو از  
من پیروی می‌کنند نیرومند کن و آنها را  
در راه خودت مجاهد قرار ده و آنان را  
بر هر کسی که برای من و آنها بدی  
می‌خواهد پیروز گردان.»

[فرازی از دعای حضرت حجّت علیّه السلام]. (۱)

## بخش ششم

### نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

آنچه ز قرآن کتاب نور بر ما رسیده است

همه واجب الاطاعه و از منبع علم خدای لایزال گرفته است  
بر طبق کتاب قرآن و سایر کتب الهی جهان در انتظار مصلح کلی است که به حکومت  
ظالمان و ستمگران خاتمه می‌دهد و عدل الهی را برقرار می‌کند، زیرا خداوند متعال با دادن  
بشارتهایی این نوید و پیام را به مستضعفان عالم داده است که به حکومت ستمگران خاتمه  
می‌دهد و افراد شرور و فاسد ظالم را نابود می‌نماید و عدل الهی را مستقر می‌سازد. لازم به  
تذکر است که طبق نص صریح آیات قرآن و تفاسیر رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت  
سلام الله علیهم اجمعین ظلم و تباهی از سر تا سر جهان محو می‌گردد و جهان پر از عدالت  
می‌شود نه اینکه باز هم افراد شرور کم و زیاد در اجتماع دیده شوند. از میان احادیث و  
روایات فراوان در زمینه نشانه‌های ظهور حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداء سیصد  
و سیزده مورد به تعداد یاران خاص حضرت ذکر می‌کنیم که این نشانه‌ها از قرآن کریم یا از  
زبان آورنده اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و یا از زبان دیگر ائمه  
معصومین علیهم السلام نقل گردیده است. و ما بنا بر اختصار از آوردن متن عربی روایات صرف نظر

نموده، ترجمه و تفسیر آنها را بیان می‌نمائیم و قبل از آن روایتی را نقل می‌کنیم:  
از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است:

«بر امت من زمانی بیاید که باطن آنها پلید و ظاهرشان به جهت طمع در دنیا آراسته باشد، خداوند را در نظر ندارند، عمل آنها ریا است، از خدا نمی‌ترسند، خداوند نیز همه آنان را به عقوبت مبتلا خواهد کرد، هر چه دعا کنند حتی دعای غریق مستجاب نخواهد شد».

به امید اینکه همگی ما خداوند تبارک و تعالی را در نظر بگیریم، و اگر غفلت و کوتاهی تا به حال انجام داده‌ایم، طلب مغفرت نماییم و از خداوند قادر مهربان و مولا و سرور مستضعفان تقاضای عفو و بخشش نماییم. و از خداوند سبحان بخواهیم امر ظهور سرورمان را نزدیک گرداند و دیدگان مشتاقان و مؤمنان را شاد نماید.

و حال همگی با هم گوش می‌سپاریم به نقل علائم ظهور، که این نشانه‌ها به ترتیب از کتابهای: «سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام» به قلم: «استاد سید کاظم ارفع»، «نشانه‌های ظهور» به قلم: «استاد گرانقدر محمد خادمی» و «روزگار رهائی» تألیف علامه کامل سلیمان، ترجمه: «استاد علی اکبر مهدی‌پور» برگرفته شده است.

### بیان نشانه‌ها

- ۱- اختلاف بسیار در تمام روی زمین.
- ۲- خروج سفیانی که مردی از نسل یزید بن معاویه و از پلیدترین مردم است.
- ۳- خروج سید حسنی از طالقان که مردی از بزرگان شیعیان است و از ناحیه دیلمان قزوین خروج و قیام می‌نماید.
- ۴- کشته شدن نفس زکیه.
- ۵- خروج یمانی از یمن.
- ۶- وقوع زلزله در بغداد که بسیاری از مردم آن به زمین فرو روند.
- ۷- زنده شدن بعضی از مردگان و برگشتن ایشان به دنیا به صورتی که آنها را بشناسند و با هم رفت و آمد کنند.

- ۸ - باریدن بیست و چهار باران بی در پی، تا زمین را پاک کند و برکات زمین ظاهر شود.
- ۹ - ظاهر شدن دود تیره‌ای بالای سرها که در چشم و گوش و بینی‌های مردم رود.
- ۱۰ - کشف حجاب و بی‌عفتی زنها و شریک شدن زنها در تجارت شوهران و تمکین نکردن آنان از شوهرانشان.
- ۱۱ - واقع شدن فتنه در میان شرقی‌ها و غربی‌ها.
- ۱۲ - ندای آسمانی برای تثبیت حقانیت حضرت علی علیه السلام و شیعیان او، ندای دیگری هم پس از ظهور امام علیه السلام در مکه شنیده می‌شود که بسیار مهیب و رساست، در این ندا امام مهدی علیه السلام با اسم و نسب به همگان معرفی می‌شود و به مردم توصیه می‌شود که با امام بیعت کنید تا هدایت یابید و مخالفت حکم او را ننمائید که گمراه می‌شوید.
- ۱۳ - خراب شدن ری.
- ۱۴ - اختلاف در میان عرب و عجم و این اختلاف ادامه خواهد داشت تا سفیانی قیام کند.
- ۱۵ - ظهور فتنه شدید در سال پیش از ظهور.
- ۱۶ - کشته شدن هفتاد هزار نفر در کنار جسر بغداد که آب دجله از خون آنان سرخ و از گند اجساد متعفن شود.
- ۱۷ - نزول عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان و اقتدای او در نماز به حضرت مهدی روحی له الفداء.
- ۱۸ - طلوع آفتاب از سمت مغرب.
- ۱۹ - ظاهر شدن آتشی از انتهای عدن (شاید آتش زدن چاههای نفت باشد).
- ۲۰ - تعطیل شدن مساجد تا چهل شبانه‌روز.
- ۲۱ - توجه بلاها به نواحی لبنان و مضطرب شدن عراق.
- ۲۲ - به صدا در آمدن بانک ناقوسها در ممالک اسلامی.
- ۲۳ - زیاد شدن مرض صرع و دیوانگی در اثر شدت فتنه و پریشانی.
- ۲۴ - قبل از قیام قائم علیه السلام دو مرگ سرخ و سفید واقع می‌شود، که مرگ سرخ با

اسلحه و مرگ سفید به خاطر طاعون است.

۲۵ - موت فقهاء پی در پی.

۲۶ - ضایع کردن نمازها و پیروی کردن از شهوتها و کم شدن امانتداری در مردم.

۲۷ - بلند شدن صداهای خصومت و دشمنی در مساجد.

۲۸ - دشنام دادن اولاد به پدران و مادران و افترا زدن به ایشان و شاد شدن اولاد از

مرگ پدران و زدن و آزار ایشان.

۲۹ - مساجد را جای خوردن غذاها قرار دادن.

۳۰ - کم شدن کارهای خیر و کم شدن علمای حقیقی.

۳۱ - برداشته شدن برکت از سال و ماه و هفته و روزها و ساعتها.

۳۲ - شیوع گفتگوهای نامشروع و رقصها و اقسام سازها و نواها.

۳۳ - رشوه گرفتن قضات در حکم و ندانسته حکم کردن ایشان.

۳۴ - مستولی شدن زن بر شوهر خویش در جمیع چیزها.

۳۵ - تدریس و تعلیم علوم باطله برخلاف دستور دین و قرآن.

۳۶ - مقاتله مسلمین با یهود.

۳۷ - کینه علمای دینی را در دل گرفتن و سرزنش و بدگویی از آنها نمودن، کشتن و

ذلیل کردن سادات و بزرگان اصیل.

۳۸ - قرآن را با ساز و نوا خواندن.

۳۹ - ممنوع شدن عراق از دینار و جنس از طرف عجم.

۴۰ - مردها خود را شبیه زنان درآوردن و زنان شبیه مردان و بلند گذاردن گیسوان

جلوی سر جوانان و مردان.

۴۱ - ساز و آواز و لهویات زیاد شود و کسی منع نکند یا جرأت نکند که منع کند.

۴۲ - کم فروشی کردن و گران فروشی نمودن.

۴۳ - سخت شدن دلها و خشک شدن چشمها و بی اعتنائی به نصایح و پندها.

۴۴ - از طریق باطل و حرام کسب کنند و ربا گرفتن شغل مردم شود.

۴۵ - اعمال خیر را برای نمایش و ریا انجام دادن.

- ۴۶ - حج کردن ثروتمندان برای تماشا و گردش و استراحت و حج کردن مردم متوسط برای تجارت و حج نمودن فقرا برای ریا و نظاهر.
- ۴۷ - امر به معروف و نهی از منکر کننده را سرزنش و ملامت کنند و او را نصیحت کنند که از امر به معروف و نهی از منکر دست بکشد.
- ۴۸ - مرده را با استهزاء بردارند و کسی دنبال جنازه او گریه و زاری نکند.
- ۴۹ - نشانه‌ها در آسمان ظاهر شود و مردم نترسند.
- ۵۰ - مختصری از مالشان را در طاعت پروردگار خویش مصرف می‌کنند و بیشتر آن را صرف غیر طاعت پروردگار می‌نمایند.
- ۵۱ - قبور ائمه علیهم السلام را به گلوله خراب کنند.
- ۵۲ - طلاق و جدایی بین زن و شوهر زیاد گردد.
- ۵۳ - قسم خوردن بناحق فراوان شود.
- ۵۴ - مردم مانند اشخاص تازه مسلمان شوند.
- ۵۵ - دین به دنیا فروخته شود و تعارفات دروغین در بین مردم فراوان گردد.
- ۵۶ - مردان تابع لغزشهای علما شوند و از علمای حقه فرار کنند.
- ۵۷ - مردان صورتهای خود را صاف و بزاق کنند.
- ۵۸ - قیام مردی از قم، که مردم را دعوت به حق کند و با او جماعتی باشند جماعتی از مردان که دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن است در استقامت.
- ۵۹ - وحشت و اضطراب در میان مردم بعضی از کشورهای مسلمان.
- ۶۰ - گرسنگی و قحطی که در حال حاضر در بعضی از کشورهای جهان مشهود است.
- ۶۱ - فساد در تجارت و بازرگانی و کمبود درآمد بعضی از اقشار جامعه به ویژه در ایران ما مشهود است.
- ۶۲ - تلفات جانی مانند تلفات در جنگ ایران و عراق.
- ۶۳ - نقصان زراعت و میوه‌جات ناشی از آفات و کمی برکت آنها.
- ۶۴ - خروج دجال.



- ۶۵ - خروج دابة الارض. (۱)
- ۶۶ - اختلاف مردم در دین و طعن و شتم بر یکدیگر و کشتار بعضی به وسیله افراد دیگر، در حالتی که همه آنها خود را مسلمان می دانند.
- ۶۷ - پر شدن دلها از خباثت و صفات رذیله.
- ۶۸ - تظاهر کردن مردم به خوبیها در حالی که دلشان از خوبیها خالی است.
- ۶۹ - توجه نداشتن به عالم آخرت و نترسیدن از خداوند.
- ۷۰ - زیاد شدن شعرا.
- ۷۱ - مجلل ساختن مساجد.
- ۷۲ - قیام مردی از اولاد امام حسین علیه السلام.
- ۷۳ - زمامداران کافر شوند.
- ۷۴ - منکرات زیاد می شود.
- ۷۵ - جور و فساد زیاد می شود.
- ۷۶ - مردها به مردها اکتفا کنند.
- ۷۷ - زنان به زنان قناعت کنند.
- ۷۸ - آسیای مرگ بر سر جامعه بچرخد (جنگهای خانمانسوز به راه بیندازند و افراد بی گناه را قتل عام کنند، مانند بمباران مناطق مسکونی و غیر نظامی و ...).
- ۷۹ - کارهای ناپسند بر اعمال خوب غلبه کند (مردم طرفدار کارهای بد شوند).
- ۸۰ - محبت نسبت به یکدیگر و صله رحم از دلهای مردم برداشته شود.
- ۸۱ - مردم از نظر بینش و دید قلبی کور شوند و حقایق را نبینند (مانند جنایاتی که از زمامداران خود می بینند و در عین حال می گویند خوب است).
- ۸۲ - تحقیق نکرده سخنان دور از حقیقت بگویند (مردم را متهم کنند و بدون دلیل آبروی بندگان خدا را بریزند).

۱ - مطابق برخی از روایات منظور از خروج «دابة الارض» رجعت و تشریف فرمایی حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام است.

- ۸۳- نشانه‌ها بسیار شود و علامتها یکی پس از دیگری ظاهر گردد.
- ۸۴- دانشمند اگر بخواهد از علم خویش به نفع خود و جامعه حرف بزند او را جاهل و علمش را نادانی بدانند.
- ۸۵- بیان را کوری بدانند (اگر به وسیله بیان، حقایقی گفته شود که به نظر آنها خوش نیاید بگویند کور است و واقعیت دنیا را نمی‌بیند).
- ۸۶- گمراه بودن و راه کج رفتن را هدایت بشمارند.
- ۸۷- پستی و لثامت و سرزنش یکدیگر را به حساب عقل بگذارند.
- ۸۸- باطل را به لباس حق جلوه دهند.
- ۸۹- اگر کسی در کارش صحّت عمل داشته باشد او را ضعیف بدانند.
- ۹۰- قصرها و خانه‌ها بلند ساخته شود (مانند ساختمانهای چندین طبقه‌ای که آسایش و امنیت را از همسایه‌ها سلب کنند).
- ۹۱- مردم خانه‌های خود را بیارایند و دیوارهای آن را زینت دهند.
- ۹۲- نادانها به دلیل نادانی خویش مشهور شوند.
- ۹۳- افراد از اخلاق و کار خویش تعریف کنند.
- ۹۴- امانت را بی‌اهمیت بدانند و به آن بی‌اعتنا باشند و افراد امین کم شوند.
- ۹۵- خیانت به انواع و اقسام مختلف در میان همه طبقات زیاد شود.
- ۹۶- افراد سفیه و نادان زمام امور را به دست گیرند.
- ۹۷- خشنودی و راضی بودن از زندگی و برنامه آن بسیار کم شود.
- ۹۸- ناسزا و فحش دادن به پدران و مادران را وسیله سرگرمی و مزاح قرار دهند.
- ۹۹- بی‌عصمتی و زنا در میان مردم رواج پیدا کند.
- ۱۰۰- آشکارا ربا بخورند و کوچکترین ترسی از خداوند نداشته باشند.
- ۱۰۱- خلاف پسندیده شود.
- ۱۰۲- تمام برنامه‌ها را با کمال گستاخی و خودسری بر مبنای هوای نفس (دلم می‌خواهد) پیاده کنند.
- ۱۰۳- تجارت و کاسبی دچار سختی و تنگی شود و اشیاء مورد نیاز کم شود.

- ۱۰۴ - پرده از روی باطن مردم برداشته شود (جنایتکاران و دنیا پرستان و جاه طلبان شناخته شوند).
- ۱۰۵ - بادهای زیاد شود (طوفانها و تندبادها مرتباً در دنیا زیانهای سنگین جانی و مالی ببار آورد).
- ۱۰۶ - قیمتها بالا رود (نرخ اجناس مورد لزوم بطور سرسام آوری بالا برود تا جایی که زندگی را تبدیل به جهنم سوزان کنند).
- ۱۰۷ - درختکاری زیاد شود و محصولاتها اندک شود.
- ۱۰۸ - سالهای دنیا پست و خوار شود.
- ۱۰۹ - خانوادهها در دامن فساد سقوط کنند (مانند بی حجابی، رقاصی، قمار و غیره).
- ۱۱۰ - مردم در زندگی گرفتار تجملات و مد پرستی شوند و سرانجام قناعت و میانه روی متروک گردد.
- ۱۱۱ - افراد جامعه نسبت به یکدیگر بدبین شوند و سوء ظن و عدم اعتماد بر جامعه سایه افکند.
- ۱۱۲ - مردم همدیگر را سب و لعن کنند.
- ۱۱۳ - مردم از شهوات پیروی کنند.
- ۱۱۴ - مشروبات الکلی رائج شود.
- ۱۱۵ - فضا تاریک شود (ممکن است به خاطر آلودگی فضا به معصیت یا دود ناشی از بنزین و غیره باشد).
- ۱۱۶ - قتل و کشتار زیاد شود.
- ۱۱۷ - قرآنرا را زینت کنند.
- ۱۱۸ - قبرستانها را مساجد قرار دهند.
- ۱۱۹ - شعرا زیاد شوند.
- ۱۲۰ - علمای فاسق و خیانتکار زیاد شوند.
- ۱۲۱ - دوستان حکمرانان گنهکاران باشند.
- ۱۲۲ - یاوران آنان ستمگران باشند.

- ۱۲۳ - صاحبان رأی و نظر از آنان فاسقان باشند.
- ۱۲۴ - سه خَسَف (فرو رفتگی) در دنیا واقع شود: یکی در مشرق، خسف دیگر در مغرب و خسف سوم در جزیره العرب.
- ۱۲۵ - به واسطه خشکسالی، آب قناتها و چاهها کم شود - کما اینکه الآن شده است -.
- ۱۲۶ - امنیت از راههای زمینی و هوایی برداشته شود.
- ۱۲۷ - زکات دادن متروک شود.
- ۱۲۸ - سخن معمولی و همگانی دروغ گردد.
- ۱۲۹ - میوه و نقل مجالس غیبت گردد.
- ۱۳۰ - رحم نکردن بزرگان بر کوچکان و بی احترامی کوچکان به بزرگان.
- ۱۳۱ - جفا کردن به همسایه.
- ۱۳۲ - درباره نوکران و کلفتها ظلم شود.
- ۱۳۳ - برادر نسبت به برادر حسد ورزد.
- ۱۳۴ - شرکا در معاملاتشان به یکدیگر خیانت کنند.
- ۱۳۵ - وفا کم شود.
- ۱۳۶ - تکبر دلهای مردم را پر کند.
- ۱۳۷ - کارهای خوب کم و جرایم و بدیها ظاهر شود.
- ۱۳۸ - واجبات الهی سبک پنداشته شود.
- ۱۳۹ - ثروت را در راه غنا و خوانندگی به مصرف برسانند.
- ۱۴۰ - ورع و پرهیزکاری کم و طمع زیاد شود.
- ۱۴۱ - هرج و مرج بالاگیرد و در کشتار و خونریزی بی باک شوند.
- ۱۴۲ - بردباری و حلم را به حساب ضعف و ناتوانی گذارند.
- ۱۴۳ - ظلم و بیدادگری را مایه مباهات بدانند.
- ۱۴۴ - بهتان و برخلاف واقع گویی نسبت به مردم رایج، و گناهان علنی شود.
- ۱۴۵ - بی آنکه از افراد شهادت بخواهند برای خوشایند اهل دنیا خود را به عنوان شاهد معرفی می کنند.

- ۱۴۶ - زنها سوار بر زینها شوند.
- ۱۴۷ - هنرپیشه‌های آوازه خوان تربیت شوند.
- ۱۴۸ - مردم گذشتگان را لعنت کنند.
- ۱۴۹ - خیانکاران به عنوان امین مردم و پرچمدار امانت معرفی شوند (نظیر انتخاباتی که در سر تا سر جهان صورت می‌گیرد، مانند انتخابات رئیس جمهورها و نخست‌وزیرها یا نمایندگان مجلس، که به عنوان امین اجتماع انتخاب می‌شوند، در صورتی که از اول کار این دسته در اکثر بلاد خیانت به امانتهای مردم بوده است).
- ۱۵۰ - دروغگویان از طرف مردم به عنوان راستگو تأیید می‌شوند (مانند دروغهای سیاستمداران که پیوسته در مجامع مورد تأیید مردم قرار می‌گیرد).
- ۱۵۱ - پیمان شکنی رایج شود و وعده الهی نزدیک گردد.
- ۱۵۲ - در کارهای فردی و اجتماعی هواهای نفسانی مختلف است و هر دسته راهی برای خود انتخاب کند.
- ۱۵۳ - مناره‌های مساجد را بسیار مرتفع سازند.
- ۱۵۴ - سرکشی و طغیان و بدرفتاری علنی شود.
- ۱۵۵ - وزیران دولتها ستمگران جامعه شوند.
- ۱۵۶ - پشتها سنگین شود (از مشکلات و از گناهان و ...).
- ۱۵۷ - حقایق مخفی شود (حقایقی که سیاستمداران و زمامداران آن را با زبان دیپلماسی و غیره کتمان می‌کنند) و یا حقایق سبک شمرده شود.
- ۱۵۸ - کارها و اشیاء بزرگ نزدیک به هم شوند (مکانها نزدیک به هم شوند و دنیا یک خانواده شود و یا اینکه همه جا مثل هم باشد و بورسها تشکیل شود و نیرنگ و دروغ همگانی گردد).
- ۱۵۹ - دماغ مالک به خاک مالیده شود.
- ۱۶۰ - وسوسه‌ها به هیجان درآید (مثل شکوک اعتقادی و غیره مثل اینکه این کار چون به مصلحت من است، پس چرا انجام ندهم؟).
- ۱۶۱ - گرگها به صدا (زوزه) درآیند (مراد مردمان گرگ صفت است).

- ۱۶۲ - شهادت دادن بعضی بر کفر بعضی.
- ۱۶۳ - بیزاری جستن مؤمن و مسلمان از برادر خویش.
- ۱۶۴ - کشته شدن نفس زکیه.
- ۱۶۵ - پیدا شدن دستی از آسمان بطوری که افراد آن را به یکدیگر نشان بدهند.
- ۱۶۶ - ترس و فزع در ماه مبارک رمضان به وجود آید.
- ۱۶۷ - فرو رفتگی سرزمین بیداء.
- ۱۶۸ - پادشاهان به خاطر دلجویی از کفار اهل ایمان را ذلیل کنند.
- ۱۶۹ - خرابی بر عمرانی و آبادانی افزون شود.
- ۱۷۰ - به دست آوردن روزی از کم فروشی انجام گیرد.
- ۱۷۱ - پیروان باطل بر پیروان حق برتری جویند.
- ۱۷۲ - مجریان شر را معذور دارند.
- ۱۷۳ - تعریف بیجا زیاد شود.
- ۱۷۴ - به دست آوردن مال از راه غیر مشروع (قمار، شراب، ربا) انجام گیرد.
- ۱۷۵ - خوشحال شدن کفار از رنج و عذاب اهل ایمان، به علت اینکه مؤمنان از شیوع فساد در زمین ناراحت می شوند.
- ۱۷۶ - صاحب آیات (یعنی طرفداران و خوانندگان آیات قرآن) و هر کسی که آنها را دوست بدارد، مورد تکریم قرار نگیرند.
- ۱۷۷ - راه خیر منقطع و مسدود شود.
- ۱۷۸ - راه بدیها و شرها باز و محل رفت و آمد مردم شوند.
- ۱۷۹ - زیارت انجام نگیرد.
- ۱۸۰ - مردم فعل حرام را حلال و فعل حلال را حرام کنند (تغییر احکام).
- ۱۸۱ - بستن قراردادهای مختلف.
- ۱۸۲ - دیدار سیاسی از کشورهای غیر مسلمان.
- ۱۸۳ - دوری جستن زمامداران از عدل، و ظلم و جور آنان با استفاده از نادانی مردم (زیر بار ظلم رفتن آنان).

- ۱۸۴ - زنان برای خود مجلس و کنفرانس تشکیل می دهند، چنانکه مردها دارای مجالس و محافل سیاسی هستند و در سیاست اجتماعی دخالت می کنند.
- ۱۸۵ - پولهای کلانی خرج اسلحه شود.
- ۱۸۶ - اهل ایمان منکرات را جز با قلبشان توان انکار ندارند.
- ۱۸۷ - فرزندان عباس افراد خود را مانند زنان می آرایند و اموال خود را در این راه صرف می کنند.
- ۱۸۸ - مردم برای انجام کارهای ناشایست انتظار شب را نکشند، بلکه در روز روشن انجام دهند.
- ۱۸۹ - بخش عظیمی از مال صرف در غضب خدا شود.
- ۱۹۰ - فرمانروایان به دشمنان خدا و کفار تقرب جویند.
- ۱۹۱ - زمامداران از اهل خیر دوری کنند.
- ۱۹۲ - فرمانروایان برای حکم دادن رشوه گیرند.
- ۱۹۳ - به دست آوردن حکومت با پول انجام شود.
- ۱۹۴ - مردم علناً قمار کنند.
- ۱۹۵ - شراب علناً خرید و فروش شود و هیچ مانعی بر سر راه آن نباشد.
- ۱۹۶ - افراد با شخصیت در برابر صاحبان قدرت ذلیل شوند.
- ۱۹۷ - افرادی که نسبت به اهل بیت اظهار محبت کنند، مورد احترام نباشند و حرف آنها را نپذیرند.
- ۱۹۸ - شنیدن آیات کریمه قرآن برای مردم سنگین، اما شنیدن ساز و آواز آسان و شیرین باشد.
- ۱۹۹ - به خاطر زیان به همسایه، همسایه دیگر او را اکرام کند.
- ۲۰۰ - حدود الهی معطل ماند، و مردم آنها را طبق هوای نفسشان پیاده کنند.
- ۲۰۱ - آمیزش با حیوانات صورت گیرد.
- ۲۰۲ - بعضی حیوانات حیوانات دیگر را بدرند.
- ۲۰۳ - قلبهای مردم سخت شود و اشک از دیدگانشان جاری نشود.

- ۲۰۴ - نمازگزار برای خوش آیند و خودنمایی به مردم نماز خواند.
- ۲۰۵ - مردم طرفدار آن کسی شوند که قدرت در دست او باشد.
- ۲۰۶ - طالب مال حلال و سرزنش و دوستدار حرام تکریم شود.
- ۲۰۷ - در حرمین (مکه و مدینه) کارهای خلاف انجام دهند و کسی جلوی آنها نگیرد.
- ۲۰۸ - به کسانی که حق را می‌گویند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند به عنوان نصیحت گفته شود: این موضوع به شما مربوط نیست! و بهتر است دست بردارید.
- ۲۰۹ - مردگان را به مسخره گیرند و زندگی ابدی را معتقد نباشند.
- ۲۱۰ - هر سال بدعتها و فتنه‌های تازه به وجود آید که بدتر از سال قبل است.
- ۲۱۱ - مردم به هماهنگی یکدیگر به مردم بد افتدا می‌کنند و پیروی می‌نمایند.
- ۲۱۲ - در میان مردم و محافل عمومی تنها نسبت به اغنیا احترام می‌شود.
- ۲۱۳ - در مقابل فقیر و کمک به او مردم می‌خندند و برای غیر خدا به او رحم می‌کنند.
- ۲۱۴ - مردم در راه غیر رضای خداوند انفاق زیاد و در راه خدا انفاق کم می‌کنند.
- ۲۱۵ - پسر به پدرش افترا می‌زند و به پدر و مادر نفرین می‌کند و انتظار مرگ آنها را می‌کشد.
- ۲۱۶ - هر روزی بر مرد بگذرد و در آن روز مرتکب معصیتی مانند خوردن حرام، مسکرات یا کم‌فروشی و غش در معامله نشود، روز سختی برایش خواهد بود.
- ۲۱۷ - پادشاهان مواد غذایی را در دست می‌گیرند.
- ۲۱۸ - شراب را وسیله درمان امراض قرار می‌دهند.
- ۲۱۹ - پرچم نفاق و منافقان به اهتزاز درآمده و از حق خبری نباشد.
- ۲۲۰ - مؤذن برای اذان و نمازگزار برای نماز خواندن مطالبه پول می‌کنند.
- ۲۲۱ - اموال یتیم را می‌خورند ولی به صلاح و نیکی هم معروف می‌شوند.
- ۲۲۲ - زمامداران به جهت طمع، خیانتکاران را امین خویش قرار می‌دهند.
- ۲۲۳ - مردم نماز را در وقت خودش نمی‌خوانند و آن را سبک می‌شمارند.
- ۲۲۴ - هم و هدف مردم پرکردن شکم و ارضای غرایز جنسی باشد و از هراهی باشد مانعی نداشته باشد.



- ۲۲۵ - قرآن را با تَعْنی (به غنا) بخوانند.
- ۲۲۶ - کارها به دست نوجوانان و افراد ناآگاه قرار گیرد.
- ۲۲۷ - بصره خراب گردد.
- ۲۲۸ - پادشاهان بنی عبّاس که از دیدن حقّ محروم، و از شناخت آن ناتوانند، به دست تیراندازان و کمانداران کشته شوند که صورتهایشان همانند سپر می باشد (منظور مغولها هستند که در نهج البلاغه خطبه ۱۲۸ از آنها «المجان المطرقه» یعنی «سپرهای چکش خورده» تعبیر شده است.
- ۲۲۹ - در جامعه صدای قرآن و احکام آن برچیده می شود، و بعضی به آن علاقمند می شوند در مجلس می نشینند، ولی آرام نگرفته از مجلس بیرون می شوند در حالی که از دین اسلام بیرون رفته اند.
- ۲۳۰ - عربها باهم اختلاف کنند.
- ۲۳۱ - تحرّکها و فعالیتها زیاد شود (برای به دست آوردن مختصر چیزی بایستی سخت کار کنند و به اصطلاح جان بکنند).
- ۲۳۲ - وامها درخواست شود (اکثر مردم مدیون باشند، لذا مورد مطالبه واقع شوند).
- ۲۳۳ - نزاع و خصومت و جدال فراگیر باشد.
- ۲۳۴ - جناب سیّد حسنی قیام کند، خود و یارانش تسلیم امام عصر روحی له الفداء شوند.
- ۲۳۵ - خراسان مرکز قیام شود.
- ۲۳۶ - مسجد برائا در غرب بغداد خراب شود.
- ۲۳۷ - پرچمهای سیاهی از جانب مشرق (خراسان) به اهتزاز درآید.
- ۲۳۸ - مردم دارای آراء مختلف شوند و از هواها و خواهشهای نفسانی پیروی کنند.
- ۲۳۹ - ترانه ها و ساز و آوازه ها آدمیان را به طرب آورد و لذّت و شیرینی قرآن خواندن از آنها گرفته می شود.
- ۲۴۰ - بی گناهان کشته شوند.
- ۲۴۱ - شنیده شدن ندا و صدای شیطان در پایان روزی که صبح آن جبرئیل امین

حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را با نام واصل و نسب معرفی کرده، برای اینکه شک و تردید به وجود آورد، و در مردم تزلزل ایجاد کند (آری آزمایش است. خداوند همه ما را در این آزمایش پیروز فرماید. آمین).

۲۴۲ - شهادت نفس زکیه که طبق روایات معتبر جوانی است از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم که پیش از ظهور در بین رکن و مقام در کنار خانه کعبه شهید می شود.

۲۴۳ - به اهتزاز در آمدن سه پرچم حسنیّه، امویّه، قیسیّه.

۲۴۴ - فرو رفتن لشگر سفیانی در زمین بیداء.

۲۴۵ - تزلزل مردم در ایمان و اعتقادات بطوری که مرد در اوّل صبح مؤمن و در اوّل

شب کافر و یا اوّل شب مؤمن و چون صبح شود کافر شود.

۲۴۶ - گرفتاریها زیاد شود.

۲۴۷ - آرزوی مرگ زیاد شود نه از باب دوستی بلکه از شدت بلا.

۲۴۸ - زنان بالای سرشان را مانند کوهان شتر کنند. که در این صورت نمازشان پذیرفته

نیست.

۲۴۹ - خروج قومی از مشرق که مطالبه حق کنند و به آنان داده نشود و سپس باز مطالبه

کنند و از دادن حق به آنان امتناع ورزند تا سرانجام شمشیرهای خود را بر دوش خود گذارند و آنگاه آنچه می خواستند به ایشان داده شود و ایشان قبول نکنند تا اینکه قیام کنند و نخواهند داد دولت را مگر به صاحب شما. (۱)

۲۵۰ - دعوت مردم، توسط مردی از اهل قم که جمعی با او هستند که در استحکام

روح، مانند پاره‌های آهن باشند که نه بادهای وزنده ایشان را بلغزاند و نه از جنگ ملول خواهند شد. نه در ایشان نرمی هست، بر خدا توکل کنند و عاقبت از آن متقین است. (۲)

۲۵۱ - ظاهر شدن آب بر روی زمین در شهر قم.

۲۵۲ - ویرانی مکه از حبشه.

۲۵۳ - ویرانی مدینه از سیل.

- ۲۵۴ - ویرانی یمن به خاطر ملخ
- ۲۵۵ - ویرانی ابله (موضعی در نزدیکی بصره) از حصار (مرکز ناحیه‌ای از بخارا که ساکنین آن ترکهای مغول و ازبکستان هستند که در آخرالزمان به بصره خواهند آمد).
- ۲۵۶ - خراب شدن فارس از فقراء گدایان و بینوایان دیلم است.
- ۲۵۷ - خراب شدن دیلم از ارمنستان.
- ۲۵۸ - خراب شدن ارمنستان از جزر (جزیره‌ای بین دجله و فرات).
- ۲۵۹ - خراب شدن ترکستان از صواعق (صاعقه‌ای آسمانی و یا صاعقه‌ای که از وسائل تخریبی روز باشد).
- ۲۶۰ - خراب شدن سند از هند.
- ۲۶۱ - خراب شدن هند از چین.
- ۲۶۲ - خراب شدن چین از رمل.
- ۲۶۳ - خراب شدن حبشه از زمین لرزه.
- ۲۶۴ - خراب شدن بغداد از سفیانی.
- ۲۶۵ - خراب شدن «روهاء» موضعی میان مکه و مدینه که سی یا چهل میل با مدینه فاصله دارد. و یا محلی است از مضافات رجبه، و یا نام شهری است.
- ۲۶۶ - خراب شدن عراق از قحطی.
- ۲۶۷ - فرار گرفتن عجم در مقابل اعراب و تصرف نکردن آنان در غنائم جنگی.
- ۲۶۸ - فرار گرفتن مردم در امتحان و آزمایش الهی.
- ۲۶۹ - آب دهان به صورت بکدیگر اندازند.
- ۲۷۰ - آتشی از آذربایجان شعله‌ور شود.
- ۲۷۱ - آسمان برای مردم خون گرید.
- ۲۷۲ - از مفقودالاثرها سراغ نگیرند.
- ۲۷۳ - افراد پست سخنگو شوند.
- ۲۷۴ - پست‌ترین مردم پیشوای آنان شود.
- ۲۷۵ - در دشت حجاز آتش بیفروزند.

- ۲۷۶ - زبان خارجی رائج شود.
- ۲۷۷ - زن و مرد مختلط شوند.
- ۲۷۸ - زنها گستاخ شوند.
- ۲۷۹ - ساز و آواز در مساجد راه یابد.
- ۲۸۰ - سه سال راه مکه به روی ایرانیان بسته شود.
- ۲۸۱ - شطرنج رواج پیدا کند.
- ۲۸۲ - طرفداران ولایت اهل بیت متهم شوند.
- ۲۸۳ - فقه را برای ریاست فراگیرند.
- ۲۸۴ - قلب مؤمن از غصه آب شود.
- ۲۸۵ - آب دریاچه طبریه خشک شود.
- ۲۸۶ - آذربایجان زیر سم اسبها ویران گردد.
- ۲۸۷ - آراء دیگران جایگزین احکام قرآن شود.
- ۲۸۸ - آرایش در میان مردان رایج گردد.
- ۲۸۹ - آرامش و آسایش از عراق سلب شود.
- ۲۹۰ - آلات موسیقی بالای سرشان نواخته شود.
- ۲۹۱ - اربابها به دست بردگان کشته شوند.
- ۲۹۲ - اعراب و اسرائیل آشتی کنند.
- ۲۹۳ - اشتیاق ظهور فراوان گردد.
- ۲۹۴ - اموال فراوانی برای موسیقی خرج شود.
- ۲۹۵ - با همجنس ازدواج کنند.
- ۲۹۶ - بر کشته‌هایشان کس گریه نکند.
- ۲۹۷ - بنوقنطوره بر عرب چیره شوند.
- ۲۹۸ - پلبیدی فضیلت محسوب گردد.
- ۲۹۹ - جمادات سخن گویند.
- ۳۰۰ - جهان با همه وسعتش تنگ آید.

- ۳۰۱ - چماقداران کرد پرچم بردارند.
- ۳۰۲ - خفقان شدید پدید آید.
- ۳۰۳ - خواب از چشم مردم ربوده شود.
- ۳۰۴ - در مساجد نی و بربط نوازند.
- ۳۰۵ - روابط جنسی در رهگذرها انجام شود.
- ۳۰۶ - زمین با خون شیعیان رنگین گردد.
- ۳۰۷ - ستاره دنباله دار طلوع کند.
- ۳۰۸ - شاه و شاهزاده‌ای برجای نماند.
- ۳۰۹ - عراقی‌ها از مکه محروم شوند.
- ۳۱۰ - غنا را حلال پندارند.
- ۳۱۱ - غیر اعلم را مقدم بدانند.
- ۳۱۲ - قرآن بانی و موسیقی تلاوت شود.
- ۳۱۳ - مادران از داشتن فرزند اندوهگین باشند. (۱)

«هر کس خوشحال است که از اصحاب امام زمان باشد باید منتظر باشد و از روی ورع عمل کند دارای محاسن اخلاق باشد. اینچنین شخص اگر بمیرد و امام زمان بعد از او ظاهر شود از نظر پاداش، اجر کسی را دارد که امام علیه السلام را درک کرده است.»

[ امام صادق علیه السلام ]

### تحوّلات موجود در عصر غیبت

دگرگونیهای عصر غیبت را یکی از نویسندگان معاصر در کتاب ارزشمند «خورشید منتظران»<sup>(۱)</sup> با قلم شیوای خود ترسیم کرده، بخشی از این کتاب پراچ را برای خوانندگان گرامی برگزیده، بدون کم و کاست در اینجا می‌آوریم:

از جمله تحوّل‌اتی که در طبیعت و جهان هستی ایجاد شده و در واقع همه چیز دست به دست هم داده است تا بگوید آمدن آن یگانه ولی زمان حضرت مهدی علیه السلام نزدیک است:

۱- زمین لرزه‌ها:

بطور مثال زمین که بی‌قرار است و با ناآرامی خود تحوّل بزرگی را گوشزد می‌کند. از جمله زمین لرزه‌های مهیبی که در سالهای اخیر در نقاط مختلف دنیا به وقوع پیوسته، مانند زمین لرزه‌های شدید در جزیره فلورنس (اندونزی)، الجزایر، جنوب ایران، یمن شمالی، مکزیکو، ارمنستان و بار دیگر در شمال غرب ایران، فلپین، افغانستان، هندوستان، ترکیه، کالیفرنیا و...<sup>(۲)</sup> همچنان این زمین لرزه‌ها در جای جای دنیا به وقوع می‌پیوندد و اخیراً نیز زمین لرزه‌ای به قدرت ۶/۶ درجه در مقیاس ریشتر جنوب فلپین را به لرزه در آورد.<sup>(۳)</sup>

و یا حدوث یک زلزله بی‌سابقه در چین که یکصد و هفتاد دهکده را با خاک یکسان

۱ - خورشید منتظران، به قلم گل محمدی آرمان، چاپ قم.

۲ - اطلاعات، ۲۴ آذر ماه ۷۱.

۳ - اطلاعات، ۲۵ اردیبهشت ۷۲.

کرد<sup>(۱)</sup> و یا بخش وسیعی از جنوب هند در پی بروز زلزله دچار خسارات فراوان مالی و جانی شد. مرکز مطالعات زمین‌شناسی آمریکا قدرت این زلزله را ۶/۴ ریشتر اعلام کرد.<sup>(۲)</sup>

۲- رانش زمین و جابجایی کوهها:

که در جای جای دنیا خسارات مالی و جانی فراوان بر جای گذاشته است. به طور مثال ایجاد گسل‌های عمیقی که در نزدیکی لس‌آنجلس مشاهده شده و خطر جدی احساس می‌شود.

و برآستی اگر زمین زبان می‌داشت می‌گفت: بر سر عالمیان چه خواهد آمد، البتّه ما توکل به خدای بزرگ داریم و ایمان به اینکه طبق وعده پروردگار مؤمنین از فتنه و بلا در امان خواهند بود ان شاء الله.

۳- آسمان و بارانهای سیل آسا:

که باعث ویرانی شهرها و قربانی شدن عده‌ای از مردم دنیا شده و خسارات مالی به دنبال داشته و جان هزاران هزار تن از بندگان خدا را به خطر انداخته است.

۴- سیل در کلمبیا:

با داشتن قربانی باعث شکستن دیوار ساحلی رود «تاپاراتو» و ویرانی ۵ پل و دهها منزل و...<sup>(۳)</sup>.

سیل بی سابقه در حلب سوریه باعث شد صدها هکتار از زمین‌های کشاورزی نابود و دهها خانه ویران شود.<sup>(۴)</sup>

سیل در جنوب چین زیانهای جانی و مالی فراوان به جا گذاشته و به گزارش خبرگزاری «شین هوا» جاری شدن سیل در چند شهرک استان «گواندون» واقع در جنوب چین باعث کشته و مجروح شدن چندین نفر و بی‌خانمان شدن عده‌ای گشته است.<sup>(۵)</sup>

جاری شدن سیل بیش از ده میلیون دلار خسارت به ۲ ایالت آمریکا وارد آورد.<sup>(۶)</sup> و

۱- اطلاعات، اول خرداد ۷۲.

۲- حوادث، ۱۰ مهر ماه ۷۲.

۳- اطلاعات، ۱۸ اردیبهشت ۷۲.

۴- اطلاعات، ۲۵ اردیبهشت ۷۲.

۵- اطلاعات، ۹ مه ۹۳ م.

۶- اطلاعات، ۲۱ اردیبهشت ۷۲.

در آرژانتین چهار صد میلیون دلار زیان در برداشت. (۱)

۵- برف و باران سیاه در سالهای گذشته و باران خون و سنگ:

برف و باران سیاه در قسمتی از پاکستان و باران خون در هندوستان و باران سنگ در چین مشاهده شد و در همین رابطه اخباری بی شمار دربارهٔ سیل در روزنامه‌های سراسری کشورمان درج گردیده است که هر کدام از این خبرها می‌تواند در بیدار باش ما تأثیر بگذارد و این سؤال ما باشد چطور هر چه اتفاق و سانحه است در عصر ما به وقوع می‌پیوندد؟!

۶- سقوط شهاب: از جمله شهاب آسمانی در ژاپن (۲) پرواز چندین شیء ناشناس در فراز کاشاریکا که به گفتهٔ شاهدان قطر این شیء پرنده ۳۰ متر بوده و یک راننده نیز اظهار داشت: «یک دایرهٔ درخشان» را مشاهده کرده است که از خود نور قرمز رنگ متصاعد می‌کرده و موتور اتومبیل وی چند ثانیه از کار افتاده است. (۳)

و یا شیء پرنده مانند گوی آتشین در آبهای ساحلی کرالا در هند غرق شده بود و یا سقوط شیء نورانی در اصفهان که ۲۲ کیلوگرم و ۴۴ سانتی متر قطر داشته است. (۴)

۷- گردباد و طوفانی که به درختان و ... آسیب رسانده: از جمله قضیه‌ای که در روزنامهٔ جمهوری اسلامی مطرح شد، آن درخت نخلی است که در الجزایر در حوالی نیمه شب فریادهای عجیبی سر می‌داده است. (۵)

براستی این درخت با فریاد خود چه می‌خواست بگوید، در حالی که زبان آن را در عصر ما فقط مولایمان امام زمان علیه السلام می‌داند.

طبق خبر، طوفان که جان عده‌ای را در چین گرفت. (۶)

طوفان در الجزایر عده‌ای مجروح بر جای گذاشت. (۷)

۱- اطلاعات، ۲۵ اردیبهشت ۷۲.

۲- اطلاعات، ۲۴ آذر ۷۱.

۳- روزنامه ابرار، ۱۰ / ۱ / ۷۲.

۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳ مرداد ماه ۷۰.

۵- اطلاعات، ۷ فروردین ۷۲.

۶- اطلاعات، ۱۲ اردیبهشت ۷۲.

۷- اطلاعات، ۲۵ اردیبهشت ۷۲.



طوفان شن در چهار شهر چین ۲۲۵ قربانی گرفت. (۱)

۸- هجوم هزاران قورباغه آسایش و امنیت را از عده‌ای سلب کرد. (۲)

و یا هجوم ملخهای بی شمار که باعث نگرانی اهالی مناطقی از کشورمان شده است. (۳)

یا طبق خبری که از تلویزیون مسکو پخش شد، در رابطه با نوزادان یک نوع ملخ خطرناکی که ۳۰۰ هزار هکتار از مزارع قزاقستان را دربر گرفته، بطوری که گیاهان زیر آنها به سختی دیده می‌شوند. (۴)

۹- و یا طبق خبرگزاری کیهان در شیراز دو ماهی که بیش از چهل و پنج روز از آبهای خلیج فارس صید شده بود، در شیراز زنده شدند و به حیات مجدد خویش ادامه دادند، به گزارش خبرنگار این دو ماهی که از نوع ماهی هامون هستند و حدود هفت کیلو وزن دارند به همراه هزاران ماهی دیگر به شیراز منتقل شدند و توسط یک فروشنده ماهی به فروش رسیدند، اما خریداران قبل از طبخ متوجه حرکت این ماهی شدند، فروشنده ماهی نیز در این خصوص اظهار داشت این دو ماهی حدود چهل و پنج روز قبل به همراه هزاران ماهی دیگر صید شد و ابتدا در کانتینر سردخانه به شیراز انتقال یافتند و سپس در یخچال و سردخانه مغازه نگهداری شدند، تحقیقات درباره علت زنده ماندن این دو ماهی توسط کارشناسان آبریان ادامه دارد. (۵)

براستی عزیزانی که این خبر را می‌شنوند چه نظری دارند، آیا آنها نیز به دنبال تحقیق و مطالعه هستند یا نه؟ می‌دانند این خود نشانه‌ای از تحول و دگرگونی است، که ان شاء الله به وقوع خواهد پیوست، آیا این خبر یک نوید نیست؟

۱- حوادث، ۲۵ اردیبهشت ۷۲، شماره ۵۵.

۲- حوادث، ۲۵ اردیبهشت ۷۲، شماره ۵۵.

۳- اطلاعات، ۸ خرداد ۷۲.

۴- حوادث، ۲۵ اردیبهشت ۷۲، شماره ۵۵.

۵- کیهان، ۲۸ آذر ۷۲.

۱۰ - تابلوی مونا لیزا:

که به لبخند ژوکوند مشهور بود لبخندش به اخم تبدیل شده و یا مجسمه حضرت مریم علیها السلام خون می‌گریسته است. (۱)

به همین ترتیب دیگر حوادث که در جای جای دنیا به وقوع می‌پیوند بسیار است. براستی چرا عالم هستی و حتی اشیاء بی‌جان در لحظه‌لحظه‌های عمر دنیا خطر جدی را اعلام می‌کنند، شاید برای بیدار شدن عده‌ای باشد که در خواب غفلت به سر می‌برند و متأسفانه متوجه آن تحوّل عظیمی که در سایه ظهور مولایمان آقا امام زمان علیه السلام به وقوع می‌پیوندد نیستند؟

امید است که از خواب گران برخیزند، باشد در سایه ایمان و اعمال خیر، از هر فتنه‌ای به دور باشیم و برای آن زندگی برتر آمادگی لازم را به دست آوریم ان شاء الله. بالآخره فریاد انسانهای مظلوم و بی‌دفاع عصر حاضر، همان انسان دریندی که از آغاز تاکنون هم کاروان درد و رنج و هم آغوش ستم‌دیدگی، تحمیل و جهل و بی‌عدالتی و تبعیض نژادی بوده، این سؤال را در اذهان به وجود می‌آورد که:

- آیا آینده نیز مانند گذشته خواهد بود؟

- آیا زمانی نخواهد رسید که سدها شکسته و راهها هموار گردد و نابسامانی‌ها به سامان رسد؟

- آیا روزگار درد و رنج و محرومیت به پایان نخواهد رسید؟ تا همه در پیشگاه قانون برابر باشند؟

آری شنیدیم گزارشهای مربوط به تحولات جهانی عصر حاضر را، امیدواریم ان شاء الله هر چه زودتر امر ظهور انجام گیرد تا خوشبختی و سعادت از راه برسد و غم و گرفتاری جهانی از بین برود و سختی و بی‌ثباتی جای خود را به رفاه و عدل و داد بدهد. و حال ای عزیزان همه با هم دست به دعا بر می‌داریم و اینگونه با خالق مهربانمان

سخن می گوئیم:

بارالها آنچنان شناخت و ایمانی به ما بده که در عین امید وار بودن به رحمت بی منتهایت هیچوقت خود را از مجازات و عقوبت تو در امان نبینیم و در هر حال بین خوف و رجا باشیم.

بار پروردگارا، ما را به صراط نور هدایت فرما و در آن مسیر استوارمان دار و آنچنان شناختی به ما عنایت فرما که در هر حال حسنات خود را ناچیز و سیئات خود را بزرگ بشماریم و پیوسته گناهان خود را مدّ نظر داشته، دمی از تو غافل نشویم.

بارالها توفیق ذکر و اطاعت و عبادت و پرهیز از گناهان را به ما عنایت فرما تا انسانهایی راستکار و رستگار گشته، لیاقت برخوردار از انوار رحمتت را بیابیم.

بار پروردگارا، ما را در وفای به عهد خود یاری نما و خجل و شرمسارمان مساز.

بارالها، مکر شیطان و شیطان صفتان بسیار است هوای نفس سرکش، آمال و آرزوها بی منتهاست، هدایتمان نما، بر ما رحم کن، و ما را پناه ده ای پناه بی پناهان و نهایت آرزوی آرزومندان حق جو.

بار پروردگارا در رسیدن به نفس مطمئنّه و سیر به سوی خود ما را یاری ده که تنها تو را داریم و در راه مانده ایم و ناتوان.

بارالها، ای مهربان ترین مهربانان، موقف حساب، صحنه قیامت و وقایع تکان دهنده آن مضطرب کننده و جانکاه است، در آن روز هولناک که همه از هم فرار می کنند و هر کس در گرو عمل خود است، ما را در پناه گیر و امانمان بده که تو هدایت کننده قادر و توبه پذیر مهربانی.

بار پروردگارا توفیق خود سازی و انجام اعمال صالح را به ما عنایت فرما، تا خود خواهی و تکبر و غرور، حرص و آز، حسادت و هواپرستی، دنیاجویی و نادانی را کناری گذاشته و رضای تو را بدست آورده، خشم و غضب و عذاب تو را موجب نشویم.

بار پروردگارا ما را موفق گردان، هدایتمان فرما و بگونه ای ایمانمان را افزایش ده، تا آیات تو را تکذیب نکرده، حق تو را گردن نهاده و مطیع اوامر تو باشیم.

بارالها ما را به ابواب رحمت داخل کن، خشم را از ما بگیر، که تنها تو را می خوانیم و دوست داریم با نیکان باشیم و با صالحان محشور شویم.

بار پروردگارا محبت و ولایت پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام از دیدگاه تو ارزش والایی برخوردار است، ما را با عشق سوزان آنان بمیران، تا در حضور آن عزیزان سرافکنده و خجل نباشیم.

بارالها توفیق درک معانی قرآنی نور و هدایت را به ما عنایت فرما، تا هم به الفاظ آن توجه نماییم و هم به معنا و پیوسته این حقیقت را در مدّ نظر داشته باشیم که خواندن قرآن مقدمه فهمیدن و عمل کردن و پیام دادن و نتیجه گرفتن و به دست آوردن رضای تو است. بار پروردگارا آنچنان صبر و طاقتی به ما عنایت فرما تا نیش و کنایه دشمنان جاهل را به جان خریدی، تحمل شداید را بر خود آسان کرده، اظهار عجز و ناتوانی و بیتابی ننموده، و رضای تو را بدست بیاوریم.

بارالها ما را در امر قیام و جهاد جهانی موفق و پیروز کرده، زمستان سرد زندگی ملت‌های مستضعف کره خاکیمان را ان شاء الله با ظهور منجی عزیزت به بهاری روح افزا مبدل نما و حق را ثابت و باطل را نابود ساز، که تنها قادر مطلق جهان توئی، آمین یا رب العالمین.

### صیحه نیمه ماه رمضان

در زمینه ظهور حضرت مهدی علیه السلام روایات متعدّد ذکر شده که ملاحظه گردید از جمله این علائم صیحه نیمه ماه مبارک رمضان بود که در مورد این علامت به هفت مورد اشاره می کنیم.

۱ - نعیم به سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

زمانی که در ماه رمضان صیحه و صدایی واقع شود، پس همانا آن علامت که در ماه شوال به وقوع پیوندد، آواز دلبران در معرکه و کارزار بلند شود، و در ماه ذی القعدة فتنه و خونریزی واقع شود، و خونها در ماه ذی الحجّه ریخته شود.

محرم چه محرمی؟ سه مرتبه تکرار فرمود، چقدر دور است، چقدر دور است، کشته

می‌شوند در آن جنگ و فتن، چه کشته شدنی چه کشته شدنی؟!؟

راوی می‌گوید عرض کردیم: یا رسول الله صبحه کدام است؟

فرمود: آن ندا (صبحه) در نیمه ماه رمضان است؟ در روز جمعه وقت چاشتگاه، و این واقع می‌شود در ماه رمضان که اول آن جمعه باشد. پس این صدا که واقع می‌شود خوابیده را بیدار می‌کند و ایستاده را می‌نشاند و دختران را در شب جمعه از سراپرده‌های خود بیرون می‌آورد. پس هرگاه روز جمعه نماز فجر را خواندید. داخل شوید به خانه‌های خودتان و درها و روزنه‌ها و پنجره‌های خانه خود را ببندید و قفل کنید و مسدود نمائید و نفسهای خود را بپیچید و حفظ کنید و گوشهای خود را بگیرید.

پس چون احساس صبحه کردید برای خدا به سجده بیفتید و بگویید:

«سبحان القدوس، ربنا القدوس»

پس کسی که این کارها را بنماید نجات یابد و هر کس که نکند هلاک شود<sup>(۱)</sup>.

۲- نویسنده «مجمع الزوائد» در جزو هفتم، صفحه ۳۱۰ باب «ما یكون من الفتن» از

پیامبر ﷺ به سند خود روایت کرده که فرمود:

در ماه رمضان صدایی شنیده خواهد شد.

عرض کردند: ای پیامبر! در اول آن یا وسط و یا آخر آن؟

فرمود: نه بلکه در نیمه آن ماه، زمانی که شب نیمه ماه شب جمعه باشد، صدایی از

آسمان بلند می‌شود که هفتاد هزار نفر از ترس آن بیهوش و هفتاد هزار نفر کر می‌شوند.

عرض کردند. یا رسول الله پس از امت شما چه کسی سالم می‌ماند؟

فرمود: کسی که ملازم خانه‌اش باشد و پناه ببرد به خدا به سجده کردن و صدای خود

را برای خدا به تکبیر بلند کند.

پس صدای اول صدای جبرئیل است و صدای دوم از شیطان است. پس صدا در ماه

رمضان بلند شود و در ماه شوال صدای اسلحه و درگیری سخت به گوش رسد و در ماه ذی

القعدة قبیله‌ها و دستجات از یکدیگر تمیز داده شوند. و در ماه ذی الحجّه حاجیان غارت شوند. و در ماه محرم چه محرمی! در اول آن بلا بر امت من روی دهد و در آخر آن فرج است برای امت من، در آن وقت مرکب سواری پالان کرده که مؤمن بر آن سوار شود و نجات یابد، بهتر است از برای او از قصری که صد هزار دینا طلا قیمت آن باشد. (۱)

۳- رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ظاهر می شود در حالی که قطعه ابری بر سر آن حضرت قرار گرفته است، در آن حال منادی فریاد می زند ای جهانیان:

«این است مهدی آل محمد و جانشین خداوند در روی زمین از او متابعت کنید». (۲)

۴- امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

هرگاه منادی از آسمان فریاد می زند که: «حق با آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است» در این موقع مهدی ما ظاهر می شود و مردم او را می بینند و می شناسند و خوشحال و مسرورند و دیگر از کسی غیر از حضرت بقیة الله نام نمی برند. (۳)

۵- از رسول گرامی خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمود:

زمانی که صبحه در ماه رمضان شنیده شد، پس همه و آواز جنگ در شوال بلند می شود و قبایل طعام گردآوری و ذخیره می کنند، و در ذی القعدة با هم نبرد می کنند و در ماه ذی الحجّه حجّاج بیت الله الحرام قتل و غارت می شوند و خونها ریخته می شود و محرم چه محرمی؟ هرگز نمی توانی درک کنی! نه هرگز! مردم دسته دسته در این فتنه و آن فتنه کشته می شوند (در هرج و مرج) آنگاه منادی از آسمان ندا می کند که فلانی پسر فلانی مهدی و قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، به فرمان او گوش دهید و اطاعت کنید، آن صدا صدای جبرئیل است که در بامداد روز رهایی، مردم را به بیعت فرا می خواند. (۴)

۶- حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

۱- نوائب الدهور ج ۱ ص ۲۴۰.

۲- الامام المهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) من المهد الى الظهور ص ۳۶۵.

۳- الملاحم و الفتن ص ۵۹.

۴- روزگار رهایی ج ۱ ص ۴۵۰.

هرگاه دیدید که آتشی عظیم از جانب مشرق روشن شد و عمر آن سه روز یا هفت روز ادامه پیدا کرد، منتظر فرج آل محمد باشید، البتّه اگر خداوند حکیم و مقتدر بخواهد صبحه آسمانی حتماً در ماه رمضان است، زیرا ماه رمضان ماه خداوند است و این صبحه هم صدای جبرئیل علیه السلام است که از طرف خداوند برای این مردم فرستاده می شود منادی از آسمان حضرت قائم علیه السلام را به اسم صدا می کند: «محمد بن الحسن العسکری» پس هر کسی که در مشرق و مغرب زمین است، این صدا را می شنود و به جهت ترسناک بودن این صدا آنکه در خواب است بیدار می شود و هر کس که ایستاده است می نشیند و آن کسی که نشسته است برمی خیزد و سرپا می ایستد، خداوند رحمت کند کسی را که آن صدا را بشنود و عبرت بگیرد و عملاً این صدا را جواب بگوید (اطاعت کند از حضرت بقیّة الله ارواحنا له الفداء) برای اینکه این صدا، صدای جبرئیل روح الامین است (پیام او از سوی خداوند برای جهانیان است).

و سپس اضافه می فرمایند:

صدای آسمانی در شب بیست و سوّم ماه رمضان خواهد بود. برای شما تردیدی پیدا نشود، بشنوید و اطاعت کنید، و در آخر روز ابلیس ملعون فریاد می زند: ای مردم! آگاه باشید که فلانی مظلوم کشته شده است. برای اینکه مردم در شک بیفتند و گرفتار امتحان بشوند، اشخاصی در آن روز به خاطر شنیدن این صدا سرگردان و در آتش غضب خداوند سرنگون خواهند شد. پس، وقتی که در ماه رمضان صدا را شنیدید (اینکه قائم آل محمد آمد) در آن شک نکنید و بدانید آن صدای جبرئیل علیه السلام است و علامت حقانیت آن صدا این است که حضرت قائم علیه السلام را به نام پدرش ذکر می کند (یعنی می گوید: «محمد بن الحسن العسکری علیه السلام آمد») این صدا چنان فراگیر است که حتی دختران پرده نشین نیز آن را می شنوند و پدر و برادر خود را ترغیب می کنند که از منزل بیرون بروند (و امام عصر را یاری کنند) و سپس آن حضرت بیان می دارند:

دو صدا باید قبل از ظهور شنیده شود: یک صدا از آسمان که صدای جبرئیل است و صاحب این امر را به نام و نام پدرش معرفی می کند «محمد بن الحسن العسکری علیه السلام»

صدای دوّم صدای شیطان است که به نام فلانی است و می‌گوید: او را مظلوم کشتند! و می‌خواهد مردم را گمراه کند. پس، از صدای اوّل متابعت کنید، اما بترسید از اینکه صدای دوّم (صدای شیطان) شما را به گمراهی کشاند. به خدا قسم ندای آسمانی حقّ است و به صورتی است که تمام مردم به زبان خودشان این ندا را می‌شنوند.<sup>(۱)</sup>

امر ما (ولایت و امامت) از آفتاب روشن‌تر است، منادی از آسمان قائم ما را به نام خودش و پدرش معرفی می‌کند و شیطان در همان روز فریاد خود را بلند می‌کند، مانند شب عقبه (در آن شبی که رسول الله از جنگ تبوک مراجعت می‌فرمودند و از گردونه گذشتند، شیطان فریادش بلند شد) در روز قیام جهانی حضرت صاحب الأمر علیه السلام شیطان برای گمراه کردن مردم فریادش بلند می‌شود.<sup>(۲)</sup>

به امید ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیروی و اطاعت از او و توجّه به ندای جبرئیل امین و اطاعت از آن فرشته مقرب الهی و پیک خداوند تبارک و تعالی به وقت ظهور ان شاء الله.



تو حیران  
نشدن من  
جابه در آن دیده پاره پاره

مرا بر از دیده و دل فراق  
لاطف بر با صیب و غم

«منتظر فرج باشید از نسیم الهی  
مأیوس نباشید، زیرا محبوب‌ترین  
اعمال در نزد خداوند بزرگ انتظار  
فرج است.»

[حضرت علی علیه السلام] (۱)

## بخش هفتم

لزوم شناخت اوصاف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ

الْعَالَمِينَ

دنیائی که در آن زندگی می‌کنیم دنیائی است تاریک، ظلمانی یأس‌آور و پر زاندوه و غم و فجایع، وجود این همه عوامل بدبختی و فلاکت موجب سرگستگی روانشناسان و روانکاوان شده و آنها را به این فکر انداخته که درمان تمام این دردها را دین و معنویت و ایمان بجویند و به این نحو نور امید را به دیدگان مردم برگردانند. آری آن بعد از گذشت مدتها تازه به این فکر افتاده‌اند که چه باید بکنند؟ در صورتیکه خداوند قادر متعال قرن‌ها پیش راه و هدف درست را بوسیله انبیاء خودش مشخص نموده و هشدارهایش را بیان نموده است.

و طئی آیات صریح نور و هدایتش مسیر درست و صحیح زندگی بشر را نشان داده است، اما بی توجهی انسانها و تبعیت از هواهای نفسانی و پیروی از شیطان منفور و مطرود، موجب سرگستگی انسانها شده در نتیجه بعد از امتحان تمام عوامل به اصطلاح درمان، تازه به فکر اتباع حقیقی از رهنمودهای انبیاء الهی افتاده‌اند و راه نجات خود را در به کار بستن

فرمانهای الهی آنان می‌دانند. آری کتب آسمانی سراسر مشحون از پیام‌های خودسازی تربیت و تهذیب و تزکیه و معرفت و شناخت است و صریحاً خداوند قادر متعال هشدارهای خود را بیان نموده است که از آن جمله آیات زیر است:

﴿ای مردم، وعده خدا حق است، زندگی دنیا شما را نفریبد و آن شیطان فریبنده مغرورتان نگرداند، شیطان دشمن شما است. او را دشمن بگیرید، او فرمانبران خویش را فرا می‌خواند تا همه از دوزخیان باشند و کافران را عذابی است سخت و برای کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند آمرزش و اجر بزرگی است﴾. (۱)

آری شیطان فرمانبران خود را به کار گرفته و می‌گیرد و انسانها را سرگرم بازیهای دنیا کرده و می‌کند، حال اگر بشر به جای خداوند و رهنمودهای او شیطان را دوست خود انتخاب نمود و جا پای شیطان گذاشت و از هواهای نفسانی تبعیت نمود و ازدهای نفس را سرکوب نکرد، دیگر نباید بیان دارد که سرگشته و حیرانم، درمانده‌ایم و ناتوان چه کنیم تا راه حقیقی را بیابیم، چون نخواست که بداند کیست و چه مقامی دارد؟ نخواست بفهمد که خداوند او را دوست دارد و شیطان دشمن او است؟ چون نتوانست درک نماید که نمی‌تواند هم بهشتی باشد و هم جهنمی، هم هدایت یافته و هم راه نیافته، آری عقل خود را به کار نگرفت و مسیر نور را نپیمود و جا پای شیطان گذاشت و خشم پروردگارش را موجب شد و در نتیجه حال به وضع و روزی افتاده که بیان می‌دارد چه کنیم و درمان درد را از چه راهی به دست آوریم و حقیقت معنا در کجا است؟ آری گروهی از اهل کتاب نافرمان حقیقت آیات الهی را نادیده گرفتند و از مذهب و دین روگردان شدند، شیطان آرزوهای آنان را دور و دراز کرد و برگمراهی و نادانیشان افزود در نتیجه به حال و روزی افتاده‌اند که می‌بینیم آری و حال اگر به خود بیاییم باید رو به مذهب و آیات الهی بیاوریم و مصلح جهانیان حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا له الفداء را بشناسیم و بدانیم کتب آسمانی پر است از امید و نوید بهروزی و سعادت که در همه آنها پیروان خود را به امر شناخت مصلح جهان و ظهور او فرا می‌خواند و نوید برقراری عدل و داد و نابودی ظلم و ستم و شر و فساد

را می دهد بنابراین از دیدگاه پیروان ادیان آسمانی مصلح جهانی وجود دارد و همه انسانها در همه اعصار در تب و تاب لحظه ای هستند که دست نیرومند الهی از آستین غیبت بیرون آید و آرزوی دیرینه جامعه بشری را برآورده سازد و رؤیاهای طلائی افلاطون ها را تحقق بخشد و مدینه فاضله را بسازد و آن فرد مصلح کسی جز حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا له الفداء نمی باشد.

که از نژاد قریش، تیره بنی هاشم و از تبار عبدمناف و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد و تنها اوست که امام و پیشوا و ولی و حجت پروردگار است و خلیفه الله است در روی زمین، و تنها اوست که معصوم است و از طرف خدای تبارک و تعالی برگزیده شده، و به خاطر پاکی و پاکیزگی اش به جانشینی انتخاب شده است، برای آشنایی بیشتر با این معانی گوش می سپاریم به سخنان پیشوای ششم شیعیان حضرت امام صادق علیه السلام که در ضمن خطبه ای حالات و اوصاف ائمه از جمله حضرت مهدی علیه السلام را بیان نموده است.

آری آن معصوم و بزرگیهای امام را به این نحو بیان می کنند:

«امام دارای ویژگیهایی است که از آن جمله است:

- ۱- از طرف خداوند تعیین شده و خداوند از او خشنود است.
- ۲- هدایتگری است که از سوی پروردگار برگزیده شده است.
- ۳- به فرمان حق تعالی قیام کرده، همه آرزوها به سوی او منتهی می شود.
- ۴- خدای تبارک و تعالی او را به این مقامات عالی برگزیده است.
- ۵- در جهان «ذر» او را با عنایات خاصه خود آفریده و در جهان آفرینش با الطاف غیبی او تربیت شده است.
- ۶- امام پیش از آنکه در این جهان گام نهد مانند سایه ای در کنار عرش خدا در تحت توجهات الهی از حکمتهای بیکران الهی برخوردار بود.
- ۷- خداوند دانا و توانا با آگاهی خود او را برگزیده و به خاطر پاکی و پاکیزگی اش او را به جانشینی خود در روی زمین اختیار کرده است.
- ۸- امام وارث آدم ابوالبشر، برگزیده از تبار حضرت نوح، انتخاب شده از آل ابراهیم، گلچین شده از اولاد اسماعیل و اختیار شده از عترت پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

می باشد که همواره در حفظ و حراست حضرت احدیت و رعایت خاصه فرشتگان از شرّ نفوس خبیثه و نقشه های پلید بدانیشان، مصون و محفوظ است.

۹- امام هرگز معصیت نمی کند که از هر لغزشی معصوم است و هرگز در نسب او پلیدی و ابهام راه ندارد و هرگز تهمت ناروایی به او نمی چسبد.

۱۰- از اول جوانی به حلم و بردباری و تمام صفات برجسته انسانی معروف و در پیری در دانش و فضیلت سرآمد روزگار و در پاکی و پاکدامنی در اوج قلّه پاکی است.

تا هنگامی که پدرش در قید حیات است سخنی نمی گوید، کوچکترین ادعا و مداخله ای نمی کند، بلکه خود از فرمانهای پدر پیروی می کند، چون دوران پدرش به پایان رسد و مشیت خداوند در حق او جاری شود، به فرمان خدا مسئولیت رهبری را به عهده می گیرد و به عنوان حجّت خدا به هدایت و زعامت خلق می پردازد و از انواع مدد های پروردگار برخوردار می شود.

۱۱- خداوند با روح القدس او را تأیید می کند و علوم بیکرانیش را به او می آموزد و حکمتش را در اختیار او قرار می دهد و اسرارش را در نزد او به ودیعت می گذارد و او را بر انجام مسئولیت بزرگ امامت فرا می خواند و از بیان علم و فضلی که جداکننده حق و باطل باشد به او عطا می فرماید و او را برای بندگان به عنوان الگوی هدایت نصب می کند و بر جهانیان حجّت قرار می دهد و بر مؤمنان مشعل هدایت و بر بندگان قیّم و ولیّ امر.

۱۲- خدایش او را به پیشوایی امت برگزیده و او را حافظ علم خود و نگهبان حکمت خویش قرار داده است و احکام شریعت و حدود آیین، از واجبات و مستحبات را به او آموخته است.

۱۳- هنگامی که مردم نادان، در سرگردانی و اهل جدل در گمراهی به سر می برند، او با انوار درخشان و تعالیم حیاتبخش و براهین حق به عدالت قیام می کند، با بیانی آشکار به راه روشنی که پدران بزرگوارش فرا خوانده، مردم را رهنمون می شود.

۱۴- حقّ چنین دانشمند فرزانه ای را جز شقاوتمند خیره سرانکار نمی کند و سخن او را جز گمراه تیره رأی تکذیب نمی کند و پیروی او را جز نگون بختی که بر خدا جرئت نموده

باشد، ترک نمی‌کند. (۱)

آری بنیانگذار حکومت واحد جهانی و مصلح کل، آن حضرت است که وارث همه صفات برجسته پیامبران الهی است و تمام امکانات جهان هستی به فرمان خدا در اختیار او قرار دارد و به قدرت بی‌نهایت خدا و به اذن او می‌آید تا جهان را پراز عدل و داد کند همچنانکه پراز ظلم و ستم و کفر و الحاد شده است. و چون آید به حول و قوه خدا و عنایات او تمام نیروهای تخریبی جهان و قدرتهای اهریمنی آنان را نابود می‌کند و مرزهای تخریبی جهان و قدرتهای اهریمنی آنان را نابود می‌کند و مرزهای جغرافیائی را از میان برده و حکومت واحد جهانی را ایجاد کرده و پرچم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَىٰ وَلى اللَّهِ» را در سرتاسر کره زمین به اهتزاز در می‌آورد و تحقیق این وعده الهی بر همگان معلوم می‌دارد که:

همه آنچه در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه تسلیم اراده او

هستند. (۲)

و به روایت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ذکر شده، دیگر در زمین یک آبادی باقی نمی‌ماند مگر اینکه همه به یکنائی خدا و رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گواهی می‌دهند. (۳)

آری پس از صدور این فرمان قاطع پروردگار جهانیان، قدرتهای محدود استکباری دیگر نمی‌توانند در برابر بسیج جهانی حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا له الفداء قد علم کنند و مشکلی را ایجاد نمایند، چون محکوم به فنا و نابودی هستند، و او به حول و قوه خدای تبارک و تعالی حکومت عدل الهی را برقرار می‌کند و باطل را نابود می‌نماید هر چند به مجرمان ناخوش آید.

به امید پیروزی مستضعفین بر مستکبران جهانخوار شرق و غرب و اتحاد و وحدت کشورهای مسلمان و پیروی از فرامین الهی. ان شاء الله.

\* \* \*

۱ - از کتاب جهان بعد از ظهور اثر محمد خادمی شیرازی و غیبت نعمانی ص ۲۲۴.

۳ - تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۸۳.

۲ - سوره آل عمران، آیه ۸۳.

«اندوهی که من دارم کمترین مقدارش  
را یعقوب نداشت و همهٔ بلاهای ایوب  
قسمتی از ابتلای من است».  
[حضرت حجّت عجل الله فرجه ]

اسامی مقدّس و شریف دوازدهمین پیشوای آسمانی اسلام حضرت

حجّة بن الحسن المهدی صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَ عَلٰی آبَائِهِ.

نام مقدّس حضرت «م - ح - م - د» و دیگر اسامی و القاب مبارک آن بزرگوار عبارتند از:  
مهدی، صاحب، وارث، باعث، قائم به حق، غایب، منتظر، منصور، نائب، خالص،  
خلف صالح، حجّت، بقیّة الله، صاحب السیف، منتقم، خاتم اوصیاء، مُظهِر دین، تالی، جابر،  
امیر امیران، نائر، خازن، باسط و برهان.<sup>(۱)</sup>

اسامی مقدّسهٔ آن حضرت در کتب مقدّسهٔ به قرار زیر است:

مهمید آخر (در انجیل)

پرویز (در کتاب برزین آذر فارسیان)

خجسته (در کتاب کندرال فرنگان)

برهان الله (در کتاب انکلیون)

قاطع (در کتاب فنطره)

غیب (در سورهٔ بقره)

نجم، عصر و فجر (در اوّل سوره‌هایی به این اسامی)

صاحب (در صحف ابراهیم)

قائم (در زبور)

شرکوم اوفید (در تورات)

ماشع (در تورات عبرانی)

۱ - کتاب المهدی طاووس اهل الجنة به قلم گل محمدی آرمان.

مسیح الزمان (در کتاب فرنگان)

سروش ایزد (در کتاب زمزم زردشت)

خسرو (در کتاب جاودان مجوس)

مظفر (در کتاب برزین آذر فارسیان)

فردوس الاکبر (در کتاب قبروس رومیان)

ایزد شناس و ایزد نشان (در کتاب کشکول شیخ بهائی بیان شده که آن حضرت را به

این نام می خوانند)

لسان صدق (در صحیفه آسمانی)

میزان الحق (در کنار اتزی پیغمبر)

قید مو (در تورات به لغت توکوم)

بهرام (در الباق زند و پازند)

بنده یزدان (در زند و پازند)

لند بطاوا (در هزار نامه هندیان)

ارماطس (در شاخیل)

خوراند (در جاویدان)

فیروز (در کتاب شعبای نبی)

صمصام الاکبر (در کندرال)

و همچنین دیگر القاب مبارک آن امام عزیز روحی له الفداء عبارتند از: صاحب

ناحیه، صاحب الزمان، صاحب الأمر، غریم، داعی الله، صفی الله، نورالله، الولی الناصح،

سفینه النجاة و حجّت الله و خاصّة الله (در نقش نگین آن حضرت) و کنیه شریف آن بزرگوار

هم: ابوالقاسم و ابو عبدالله ذکر گردیده. (۱)

۱ - برگزیده از کتاب شیفتگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اثر استاد بزرگوار

احمد قاضی زاهدی گلپایگانی دوستدار حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا له الفداء که از کتاب اقوال الائمه

جلد ۱ ص ۳۲۹ برگرفته و همچنین کتاب تذکرة الائمه.



## وظائف شیعه در زمان غیبت

بی شک واسطه فیض بین ما و خداوند عالمیان وجود عزیز حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء است که منتقم حقیقی است و شخصیت معنوی او به مبدأ وحی و الهام متصل است و اوست که جهان را پر از عدل و داد می‌کند، آنچنانکه پراز ظلم و جور شده است و تنها اوست که می‌آید و به انتظار اقوام و ملت‌ها و امت‌ها خاتمه داده، حکومت جهانی خود را مستقر می‌سازد و عدالت اجتماعی را در سرتاسر کره زمین به وجود می‌آورد و جهانیان را زیر لوای توحید و نظام توحیدی گرد می‌آورد. و زمستان سخت و سرد و سوزنده را به بهاری دل‌انگیز و فرحبخش و معطر تبدیل می‌کند و حال باید گفت آیا فقط انتظار کشیدن و منتظر بودن تنها کافیست؟ که نه. ما باید از راه‌های گوناگون با گشاینده پریشانی و از بین برنده غم و درد و برطرف کننده بلا و گرفتاری خود ارتباط برقرار کنیم و بر آلام و رنج‌های خود مرهم گذاشته، با یاد آن عزیز فاطمه علیها السلام خود را تسکین داده، آرامش بیابیم و این مهم را بدانیم که کناره‌گیری از آن منبع خیر و رحمت و لطف موجب سرازیر شدن انواع بلاها و فتنه‌ها گردیده است که آن حضرت را به دست فراموشی سپردیم و از او غفلت نمودیم و به وظایف خود عمل نمودیم و امام عصر خود را نشناختیم و بی‌توجهی نمودیم و حال امیدواریم بیش از پیش سعی در شناخت ذوات انور از جمله حضرت حجة ابن الحسن العسکری علیه السلام را داشته باشیم و بدانیم راه خوشبختی دنیا و آخرت ما در اتصال با چهارده معصوم قرآن نور و هدایت است، به امید اینکه شاهد شکوفایی دین محمدی و اجرای قانون قرآن نور و هدایت باشیم، به شرح قسمتی از وظائف شیعه در زمان غیبت حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می‌کنیم:

۱ - ندبه و استغاثه به حضرت حجة ابن الحسن العسکری سلام الله علیه به منظور ارتباط با آن حضرت «دعای ندبه» را در چهار عید بزرگ فطر، قربان، غدیر و جمعه می‌خوانیم و او را از اعماق دل صدا می‌زنیم و می‌خوانیم.

۲ - شناخت صفات و آداب و خصایص آن حضرت به اضافه شناخت امر ظهور و نشانه‌های آن و آماده بودن در همه حال و فراموش نکردن آن وجود عزیز ارواحنا له الفداء.

۳ - خواندن «دعای عهد» که شایسته است هر صبح بخوانیم، به این امید که ان شاء الله از یاوران حضرت قائم علیه السلام باشیم و همه روز بیعت خود را تکرار کرده، اعلام آمادگی دفاع و پای بند بودن به عهد را بکنیم.

۴ - انتظار فرج او را داشته باشیم و بدانیم که برترین اعمال شیعیان انتظار فرج آن حضرت ارواحنا له الفداء است که به وسیله آن گشایش حاصل می شود.

۵ - رعایت کردن ادب در نام بردن آن حضرت با القاب مبارکش مانند:

بقیة الله الأعظم، حجّت ابن الحسن العسکری، صاحب العصر و الزمان، صاحب الأمر، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

و ایستادن در هنگام شنیدن نام آن حضرت مخصوصاً «قائم» علیه السلام.

۶ - محبت خود را نسبت به حضرت نشان دهیم، در این رابطه باید در حق آن سرور دعا کنیم به ویژه با دعاهای مأثور، که برای زمان غیبت از معصومین علیهم السلام رسیده است، همانند دعاهای: «معرفة»،<sup>(۱)</sup> «غریق»،<sup>(۲)</sup> «اللّهُمَّ اذْفَعْ عَنِّي وَ لِيكَ»،<sup>(۳)</sup> «اللّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ»،<sup>(۴)</sup> و «دعای فرج»<sup>(۵)</sup>.

و از خداوند بخواهیم که او را از جمیع جوانب محافظت بفرماید و امر ظهورش را آسان سازد و پشتش را گرم نماید.

۷ - ذکر فضایل آن حضرت در مجالسی که بدین منظور برگزار می گردد و توجه به این سخن امام باقر علیه السلام که می فرمایند:

«همانا یاد ما نمودن، همچون یاد خدا کردن است و یاد دشمنان ما، مثل یاد شیطان کردن است».

۸ - گریه کردن و گریاندن و خود را شبیه به گریه کنندگان در آوردن در شنیدن مصائب ائمه اطهار و غم هجران آن وجود مطهر.

۱ - بحارج ۹۵ ص ۳۲۷.

۲ - بحارج ۹۵ ص ۳۲۶.

۳ - بحارج ۹۵ ص ۳۳۰.

۴ - بحارج ۹۵ ص ۳۲۶.

۵ - مفاتیح الجنان.

- ۹ - ادامه دادن وضع و حالت ارتباط با آن حضرت و توجه به ذات اقدس حق و دوری از وسوسه‌های شیطانی.
- ۱۰ - طلب تعجیل نصرت و ظفر و غلبه بر ظالمان و ستمگران در عین راضی بودن به مقدرات الهی و سپردن کارها به خداوند علیم و دانا.
- ۱۱ - صدقه دادن به نیت سلامتی آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
- ۱۲ - خواندن نماز حاجات و زیارت آل یاسین.
- ۱۳ - خواندن دعای (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ) بعد از زیارت آل یاسین.
- ۱۴ - فرستادن صلوات همیشگی به قصد سلامتی آن حضرت ارواحنا له الفداء و رفتن به زیارت اماکن مقدسه به نیابت از او.
- امید داریم با یاد نمودن از آن حضرت و توصیه به صبر و تحمل نمودن در برابر مصائب و مشکلات موفق گشته، رضایت خالق جهان و حجت عزیزش را به دست آوریم ان شاء الله.
- به عنوان حسن ختام این قسمت گوش می‌سپاریم به آیات دلنشین و هشدار دهنده پروردگار در کتاب نور و هدایت:
- ۱ - ﴿ای پروردگار ما، آن گونه که بر امانت‌های پیش از ما تکلیف گران نهادی، تکلیف گران بر ما منه، و آنچه را که طاقت آن را نداریم، بر ما تکلیف مکن، گناه ما را ببخش و ما را پیامرز و بر ما رحمت آور، تو مولای ما هستی، پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان﴾ (۱).
- ۲ - ﴿پروردگارا، از آن پس که ما را هدایت کرده‌ای، دل‌های ما را به باطل متمایل مساز و رحمت خود را بر ما ارزانی دار که تو بخشاینده‌ای﴾ (۲).
- ۳ - ﴿ای پروردگار ما، به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آوردیم، و از رسول تو پیروی کردیم، ما را در شمار گواهی دهندگان بنویس﴾ (۳).
- ۴ - ﴿ای پروردگار ما عطاکن به ما آنچه را که به زبان پیامبرت به ما وعده داده‌ای و ما

۲ - سوره آل عمران، آیه ۸.

۱ - سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۳ - سوره آل عمران، آیه ۵۳.

را در روز قیامت رسوا مکن که تو در وعده خویش خلاف نمی کنی ﴿(۱)﴾.

۵- ﴿ای پروردگار ما شنیدیم که منادی به ایمان فرا می خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید، و ما ایمان آوردیم﴾.

﴿پس ای پروردگار ما، گناهان ما را بیامرز و بدیها ما را بزدای و ما را با نیکان بمیران﴾ (۲).

۶- ﴿پروردگارا، ما ایمان آوردیم، ما را بیامرز و بر ما رحمت آور که تو بهترین رحمت آورندگانی﴾ (۳).

۷- ﴿ای پروردگار ما چنان مکن که کافران ما را خوار بدارند، و ما را بیامرز که تو پیروزمند و حکیمی﴾ (۴).

«یا رَبُّ الْحُسَيْنِ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ إِشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ بِظُهُورِ الْحُجَّةِ».

- آمین رب العالمین -

۲- سورة آل عمران، آیه ۱۹۳.

۴- سورة ممتحنه، آیه ۵.

۱- سورة آل عمران، آیه ۱۹۴.

۳- سورة مؤمنون، آیه ۱۰۹.

# یا مهدی عجل علی ظهورک بیامدی

ایامهدی با از بحر پاکان  
بیا ز پشت ابرای با جلالت  
بیا تا شکر یزدان را گزاریم  
بیا تا از رخت ما شاد گردیم  
بیا بنمای تو آیت حق  
بیا تا دعوت لیکت گوئیم  
بیا که از فراقت زار گشیم  
بیا ای وارث ذوات انوار  
بیا ای حاضر و غائب ز دیده  
بیا ای وارث نوح پیغمبر  
بیا ای حامی اسلام و سران  
بیا با خون کنسیم غسل شهادت  
بیا ای خوش خرام طاهران جنت  
بیا که فدایان در انتظارند  
بیا که بمیران ناکسان را

ببر زنگار غم از دیده و جان  
که با همت ربیم ای با کفایت  
زدست ناکسان خود را برهنیم  
زدست دولت دلا شاد گردیم  
بیا بر پیمان تو دولت حق  
بیا تا مه رخت چون گل بوئیم  
بیا که از غمت بیدار گشیم  
بیا ای مهدی درخت پیمبر  
بیا ای قائم ناظر به کرده  
بیا ای وارث موسای رهبر  
بیا ای ناخدای کشتی جان  
پذیریم ماهی مرک و سعادت  
بیا ای خوش نو اباران همت  
بیا که رویشان شاق یارند  
بسوزان توبه قدرت جاهلان را

بر امید ظهور حضرت مهدی ارواح العالمین له الفداء و روحی له الفداء و بر بانی حق و نابودی باطل هر چند بر سرکان و جاهلان و ظالمین  
و طایفان ناخوش آید انشاء الله  
سروده سادات

«نشانه‌های ظهور چون دانه‌های یک  
تسبیح و یا یک گردن بند است، که  
رشته اتصالش بگسلد و دانه‌های آن  
یکی به دنبال دیگری فرو ریزد.»<sup>(۱)</sup>

## بخش هشتم

امر ظهور چگونه انجام می‌گیرد؟ و آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ چه بیاناتی را  
در اولین روزهای ظهور بیان می‌دارند؟

(برگزیده از بخشهای گوناگون کتاب «جهان بعد از ظهور» تألیف: استاد  
گرامی محمد خادمی شیرازی).

روز موعود:

چون روز موعود فرا رسد و امر قیام امضا شود، در شب جمعه منبرهایی از نور در  
آسمان اول گذاشته می‌شود و وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امیرمؤمنان،  
امام حسن مجتبی و امام حسین سیدالشهداء علیهم آلاف التحية والثناء بر آن منبرها صعود  
می‌کنند و از خدای تبارک و تعالی امر قیام را مسئلت می‌کنند و خداوند دعای آنها را اجابت  
می‌فرماید و امر قیام را امضا می‌نماید، و اینک شرح داستان این شب پر شکوه را از امام  
صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌شنویم:

«چون شب جمعه شود خداوند بزرگ فرشته‌ای را به آسمان دنیا می‌فرستد، هنگامی  
که صبح طلوع کرد منبرهایی از نور در کنار بیت المعمور گذاشته می‌شود، امام حسن و امام  
حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بر فراز آن قرار می‌گیرند و فرشتگان آسمان و ذوات مقدسه پیامبران در اطراف

آنها اجتماع می‌کنند، پس درهای آسمان گشوده می‌شود چون خورشید به زوال برسد، رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض می‌کند:

بارالها: در قرآنت وعده فرموده‌ای:

﴿خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده، عمل شایسته انجام دهند وعده کرده که آنها را در روی زمین خلیفه قرار خواهد داد چنانکه پیشینیان را خلیفه خود ساخت، و آنها را از دینی که برای آنها پسندیده متمکن خواهد نمود و بعد از ترس و وحشت آنها را به امنیت خواهد رسانید﴾. (۱)

آنگاه فرشتگان و پیامبران نیز گفتار رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را تکرار می‌کنند، سپس رسول اکرم، امیرمؤمنان، امام حسن و امام حسین عليهم السلام به سجده می‌روند و عرض می‌کنند:

«بار پروردگارا! به حریم دین تو تجاوز کردند، برگزیدگان تو را به قتل رسانیدند و بندگان شایسته‌ات را خوار و زبون ساختند! بار پروردگارا! بر این مردم غضب فرما».

آنگاه خداوند مشیت بالغه‌اش را اجراء می‌سازد که آن روز روز معلوم است. (۲)

آنروز پرشکوه نامهای مبارکی دارد که یکی از آنها «روز معلوم» و دیگری

«روز رهایی» است، چنانکه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«وَيُدْعَى ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ الْخَلَاصِ».

«آنروز روز رهایی نامیده می‌شود». (۳)

یکی دیگر از نامهای آن روز پرشکوه «روز پیروزی» است، چنانکه امام صادق عليه السلام

در تفسیر آیه ۲۹ از سوره سجده می‌فرماید:

«يَوْمَ الْفَتْحِ يَوْمٌ تَفْتَحُ الدُّنْيَا عَلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ عليه السلام»:

«روز پیروزی روزی است که جهان به دست قائم عليه السلام فتح گردد». (۴)

یکی دیگر از نامهای آن روز پرشکوه «روز خروج» است چنانکه امام صادق عليه السلام در

۲ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۹۷.

۱ - سوره نور، آیه ۵۵.

۴ - منتخب الأثر ص ۴۷۰.

۳ - يوم الخلاص ص ۲۸۰.

تفسیر آیه ۴۲ از سوره ق فرمود: مقصود از منادی، منادی آسمانی است که به نام قائم و نام پدر بزرگوارش ندا می‌کند، و منظور از «یوم الخروج» روز خروج قائم علیه السلام می‌باشد.<sup>(۱)</sup> یکی دیگر از نامها آنروز پر شکوه «یوم الله» است چنانکه امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

﴿وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ﴾<sup>(۲)</sup> فرمود:

«ایام الله، روز ظهور قائم، روز مرگ هر انسان و روز رستاخیز است».<sup>(۳)</sup>

حال می‌پردازیم به بحث در مورد سرزمین موعودی که امر ظهور در آن واقع می‌شود، روایات متواتر از طریق شیعه و سنی وارد است که قیام شکوهمند آن مصلح جهانی از سرزمین مکه معظمه و از مسجد الحرام، کنار کعبه معظمه آغاز خواهد شد و تعداد ۳۱۳ تن از اصحاب او که فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت هستند، در میان رکن و مقام با آن حضرت بیعت می‌کنند و آنگاه تعداد ده هزار نفر تکمیل می‌شود و وجود مقدس حضرت بقیه الله روحی فداه با سپاه ده هزار نفری از مکه حرکت می‌کنند و به اصلاح جهانی می‌پردازند.

روایاتی که آغاز قیام شکوهمند آن حضرت را از مکه معظمه بیان کرده‌اند بسیار فراوانند که در اینجا برای تبرک و تبیین حدیثی را از امام صادق علیه السلام تقدیم می‌کنیم: بکیر بن اعین می‌گوید: از محضر امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا خدای تبارک و تعالی «حجرالاسود» را در این رکن از کعبه قرار داد و در غیر آن قرار نداد؟ فرمود: «حجرالاسود گوهر گرانبهایی است که از بهشت به خدمت حضرت آدم علیه السلام آورده شد، حضرت آدم آنرا در این رکن قرار داد، زیرا پیمان عمومی در آنجا قرار گرفته است، در آنجا بود که خدای تبارک و تعالی فرزندان آدم را گردآورد و از آنها پیمان بندگی گرفت و در این مکان بر آنها تجلی کرد، و در همین نقطه جبرئیل به شکل پرنده‌ای بر قائم علیه السلام فرود

۲ - سوره ابراهیم: ۵.

۱ - تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۲۷.

۳ - یوم الخلاص، ص ۳۱۷.



می آید، نخستین کسیکه با آنحضرت بیعت می کند، این پرنده است، به خدا سوگند آن پرنده جبرئیل امین است.

چون قائم علیه السلام ظهور کند پشتش را به همین نقطه تکیه می دهد و این سنگ (حجرالاسود) بر او گواهی می دهد و بر او حجّت و دلیل خواهد بود». (۱)

بسیار طبیعی است که منادی توحید از کنار خانه توحید که به دست قهرمان توحید حضرت ابراهیم خلیل تأسیس شده آوای روحبخش خود را به همه جهانیان برساند و سپاه توحید در آن سرزمین مقدّس گرد آمده، کعبه مقصود را در میان گرفته، برای اصلاح جهانی و اقامه عدل در پهناورگیتی و برچیدن بساط ظلم و ستم از صحنه جهانی حرکت کنند و با توحید کلمه، جهانیان را به کلمه توحید فرا خوانند.

آری حجرالاسود که در لسان احادیث دست خدا در روی زمین تعبیر شده، مناسبترین نقطه برای بیعت با حجّت خداست.

به هر حال در آن روز موعود شمشیر ذوالفقار با حضرت بقیّة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف حرف می زند. در این زمینه گوش می سپاریم به روایتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که از پدران بزرگوارش نقل می کند که روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

ای علی! چون قائم ما (عجل الله تعالی فرجه) ظهور کند ۳۱۳ نفر به تعداد مردان بدر در اطراف او گرد آیند، و شمشیری که در غلاف باشد او را صدا می کند:

«ای ولی خدا برخیز و دشمنان خدا را طعمه شمشیر کن». (۲)

سپس آنحضرت طبق فرمان حق وظیفه خود را انجام می دهند و در آن روز پرشکوه، صحنه های تکان دهنده ای به وقوع می پیوندند، که قرآن کریم آن صحنه ها را برای ما ترسیم می کند که نمونه هایی را در اینجا نقل می کنیم:

### ۱ - حیرت همگانی:

قرآن کریم حالت حیرت و بهت‌زدگی جهانی را در روز قیام پرشکوه قیام چنین ترسیم می‌کند:

﴿به نام خداوند بخشنده بخشایگر، اینست آیات کتاب روشن، تو گویی جان خود را خواهی باخت که چرا ایمان نمی‌آورند، اگر بخواهیم برای آنها آیتی از آسمان می‌فرستیم که گردنهایشان در برابر آن خاشع شود﴾. (۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

«چون نخستین صبحه آسمانی را بشنوند آنچه‌ان بهتشان می‌زند که گویی بر سرشان مرغ نشسته است». (۲)

### ۲ - افواج فرشتگان:

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: ﴿أَتَىٰ أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾ (۳) فرمود:

«آن امر ما است که امر خدا است که نباید در آن شتاب شود، خداوند او را با سه سپاه

یاری می‌کند:

۱ - فرشتگان

۲ - مؤمنان

۳ - رعب و وحشت در دل دشمنان

و ظهور او مانند ظهور رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود». (۴)

آری چون امر ظهور امضا شود یاوران آن حضرت او را کمک می‌نمایند، هر چند

خداوند یار و نگهبان برگزیده‌اش است.

گفتیم مکان ظهور آن مصلح جهانی مکه معظمه است در آنجا از ۳۱۳ نفر یار

باوفایش که فرماندهان لشکری و کشوری حکومت حقه او هستند بیعت می‌گیرد، و

۱ - سوره شعرا، آیه‌های ۱ - ۴.

۲ - غیبت نعمانی ص ۲۶۳.

۳ - سوره نحل، آیه ۱.

۴ - المحجّه ص ۱۱۵.

نخستین چیزی که بر زبان مبارکش جاری می‌شود آیه هشتاد و ششم از سوره هود است:

امام باقر علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

«هنگامی که مهدی ما ظاهر شود پشتش را به خانه کعبه تکیه دهد، اولین سخنی که

بر زبان مبارکش جاری شود این آیه شریفه است:

﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ لِرَبِّكُمْ إِن كُمْ مَوْمِنُونَ﴾ (۱)

سپس می‌فرماید:

«من بقية الله، خليفة الله و حجة الله هستم در میان شما»

آنگاه احدی بر او سلام نمی‌کند جز اینکه می‌گوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ». (۲)

دومین مطلبی که بر زبان مبارک آن حضرت جاری می‌شود آیه هفتاد و چهارم از

سوره زمر است. امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

«قائم ما (عجل الله تعالى فرجه) تنها ظاهر می‌شود، تنها وارد مسجد الحرام می‌شود،

تنها داخل کعبه می‌شود، تاریکی شب را به تنهایی سپری می‌کند، چون تاریکی ماوراء

افقها را بپوشاند، جبرئیل، میکائیل و فرشتگان در صفهای به هم فشرده، بر او نازل می‌شوند

جبرئیل علیه السلام عرض می‌کند. ای سید و سرور من، فرمانت مطاع است، اوامرت نافذ است.

آنگاه حضرت بقية الله روحی فداه دست مبارکش را به صورتش می‌کشد و می‌گوید:

«سپاس و ستایش شایسته خداوندیست که وعده‌اش را در حق ما عملی ساخت و

زمین را به ما ارث داد. در هر کجای بهشت بخواهیم مسکن می‌گزینیم، چقدر زیباست

پاداش عمل کنندگان». (۳)

آنگاه در میان رکن و مقام می‌ایستد و با صدای دلربایش یاران خود را در اقطار و

اکناف جهان مخاطب قرار داده می‌فرماید:

۲ - المهدی فی القرآن ص ۷۶.

۱ - سوره هود، آیه ۸۶.

۳ - سوره زمر، آیه ۷۴.

«ای یاران برجسته من، ای همرازان و هم‌زمان من! ای کسانی که خداوند شما را برای باری من برگزیده و پیش از امضای امر ظهور، شما را در روی زمین ذخیره فرموده، هر کجا بید بسوی من بشتابید».

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

یاران آن حضرت که در محرابهای خود مشغولند و عبادت می‌کنند و یا در رختخوابهای خود در حال استراحت هستند، صدای دلنشین آن حضرت را می‌شنوند و در یک چشم به هم زدن به سوی آن حضرت می‌شتابند و میان رکن و مقام به پیشگاه آن حضرت شرفیاب می‌شوند. (۱)

سومین مطلبی که بر زبان مبارکش جاری می‌شود آیه دهم از سوره فتح است که در اثنای بیعت آنرا تلاوت می‌کند.

داستان بیعت را مفضل از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند:

«ای مفضل! هر بیعتی پیش از ظهور قائم علیه السلام بیعت کفر و نفاق است، خداوند بیعت کننده و بیعت شونده را لعنت فرموده است، ای مفضل: قائم علیه السلام پشتش را به حرم تکیه می‌دهد و دست مبارکش را می‌گشاید، دستش سفید سفید دیده می‌شود و می‌فرماید: «این دست خداست، از خداست، و به فرمان خداست»، آنگاه این آیه را تلاوت می‌فرماید:

﴿آنانکه با تو بیعت می‌کنند به راستی با خدا بیعت می‌کنند، و دست خدا بالای

دستهای آنهاست، و هر کس پیمان شکنی کند به ضرر خویش پیمان شکنی کرده است﴾. (۲)

چهارمین مطلبی که بر زبان آن حضرت جاری می‌شود، مطلبی است در معرفی

شخصیت بی نظیر خود که ابو خالد کابلی آنرا از محضر امام باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند:

گویی قائم علیه السلام را با چشم خود می‌بینم که پشت خود را به حجرالأسود تکیه داده،

به حق خداوند سوگند یاد می‌فرماید:

«ای مردم، هر کس با خدا محابّه کند من از هم به او نزدیکترم».

«ای مردم، هر کس با حضرت آدم حاجّه کند من از همه به او نزدیکترم».

«ای مردم، هر کس با حضرت نوح حاجّه کند من از همه به او نزدیکترم».

«ای مردم، هر کس با حضرت ابراهیم عليه السلام حاجّه کند من از همه به او نزدیکترم».

«ای مردم، هر کس با حضرت موسی حاجّه کند من از همه به او نزدیکترم».

«ای مردم، هر کس با حضرت عیسیٰ حاجّه کند من از همه به او نزدیکترم».

«ای مردم، هر کس با حضرت محمد صلى الله عليه وآله وسلم حاجّه کند من از همه به او نزدیکترم».

«ای مردم، هر کس با کتاب خدا حاجّه کند من از همه به او نزدیکترم».

آنگاه به سوی مقام ابراهیم تشریف می‌برد و دو رکعت نماز می‌گذارد و خدا را به حق خود سوگند می‌دهد. (۱)

پنجمین مطلبی که بر زبان مبارک آن مهر تابان و قبله خوبان جاری می‌شود، مطلبی است در رابطه با آئینه تمام نمای انبیای عظیم‌الشان بودن آن جمال الهی، چنانکه مفضل از محضر امام صادق عليه السلام نقل می‌کند:

«قائم عليه السلام پشتش را به دیوار کعبه تکیه داده، مردم جهان را مخاطب قرار داده می‌فرماید:

- هر کس بخواند آدم و شیث را بنگرد، اینک منم آدم و شیث.
- هر کس بخواند نوح و سام را بنگرد، اینک منم نوح و سام.
- هر کس بخواند ابراهیم و اسماعیل را بنگرد، اینک منم ابراهیم و اسماعیل.
- هر کس بخواند موسی و یوشع را بنگرد، اینک منم موسی و یوشع.
- هر کس بخواند عیسی و شمعون را بنگرد، اینک منم عیسی و شمعون.
- هر کس بخواند محمد و علی صلوات الله علیهما را بنگرد، اینک منم محمد و علی صلوات الله علیهما.
- هر کس بخواند امامها را از اولاد حسین بنگرد، اینک منم آن امامان معصوم از نسل

حسین عليه السلام.

- هر کس بخواهد حسن و حسین را بنگرد، اینک منم حسن و حسین.

به سخنانم گوش فرا دهید تا شما را خبر دهم از آنچه شنیده‌اید و آنچه ناکنون نشنیده‌اید. (۱)

آری صفات برجسته و کمالات فوق‌العاده همه پیامبران عظیم‌الشأن در وجود مقدس آن مهر تابان جمع است و به اصطلاح آنچه خوبان همه دارند، او به تنهایی دارد. او نمونه و الگوی کامل قهرمان توحید ابراهیم خلیل است، او مثل اعلای اسطوره مقاومت: اسماعیل ذبیح است، او گواه زنده مبارز نستوه موسی بن عمران است، او عصاره و نمونه کامل استقامت و جوانمردی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. او مظهر اعلای ایثار و فداکاریهای امیرمؤمنان است، او تجلی صفات حمیده و اخلاق پسندیده دو سبط امت امام حسن مجتبی و امام حسین سیدالشهدا است، او وارث علوم آل محمد عليهم السلام و مظهر تمام صفات برجسته آن بزرگواران است.

ششمین مطلبی که بر زبان مبارک آن مصلح غیبی جاری می‌شود مطلبی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده و آن اینستکه:

«به هنگام نماز عشا در مکه ظاهر می‌شود در حالیکه شمشیر و پرچم آن حضرت (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) در دست اوست، و پیراهن آن حضرت را در تن دارد، و دهها دلیل و نشانه همراه اوست. چون از نماز عشا فارغ شود، با صدای رسای خود بانگ می‌زند!

- هان ای مردم! به یاد آورید روزی را که در برابر پروردگارتان برای حساب باز داشته می‌شوید.

- ای مردم اینهمه پیامبران آمدند و فرامین خدا را ابلاغ کردند.

- من شما را از شرک به پروردگار خویش برحذر می‌دارم.

- به شما فرمان می‌دهم که اوامر پروردگار را دقیقاً اجرا کنید و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

اطاعت کنید.

- آنچه را که قرآن به رسمیت شناخته پذیرید و آنچه را که قرآن خط بطلان کشیده باطل بدانید.

- از هدایت حمایت کنید و پشتیبان تقوی باشید.

- دنیا به سوی نابودی می رود و اعلام فرجام داده است.

- و اینک من شما را دعوت می کنم که:

۱ - خدا را بپرستید.

۲ - از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اطاعت کنید.

۳ - به قرآن عمل کنید.

۴ - باطل را ریشه کن سازید.

۵ - سنت پیامبر را زنده نگهدارید.

آنگاه ۳۱۳ تن بار باوفایش چون قطعات ابر پائیزی گرد می آیند که راهبان شب و شیران روزند. (۱)

امیدواریم جمع مشتاقان و شکسته دلان و منتظران ظهور، سرورشان را مشاهده نمایند و از بهترین یاوران آن حضرت در پیاده کردن برنامه الهی باشند.

«ای مردم، ما همان خاندانی هستیم که خداوند در قرآن کریمش به شما وعده فرموده است که وقتی حکومت به ایشان داده شود، آنان در برپاداشتن نماز و دادن زکات و امر به معروف و نهی از منکر جدیت خواهند نمود و البته عاقبت همه امور مخصوص به ذات پاک خداوند است.»  
[از سخنان گهربار حضرت مهدی منتظر علیه السلام به هنگام قیام]

## چه نیروهایی به وقت ظهور حضرت صاحب الامر

امام زمان سلام الله علیه را یاری می‌کنند؟

[برگزیده از کتاب المهدی طاووس اهل الجنة]

خداوند تبارک و تعالی او را با سه نیرو تأیید می‌کند:

- ۱- فرشتگان  
۲- مؤمنان  
۳- رُعب و وحشت  
۱- فرشتگان

در مورد فرشتگانی که به یاری آن حضرت در پیاده کردن عدالت اجتماعی موکل هستند، امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

- ۱- فرشتگانی که با حضرت نوح علیه السلام در کشتی بودند.
- ۲- فرشتگانی که به هنگام افتادن حضرت ابراهیم علیه السلام در میان آتش با او بودند.
- ۳- فرشتگانی که به هنگام شکافتن رود نیل برای حضرت موسی علیه السلام با او بودند.
- ۴- فرشتگانی که به هنگام عروج حضرت عیسی علیه السلام با او بودند.
- ۵- چهار هزار فرشته «مُؤْمِن» که در جنگ اُحُد شرکت داشتند.
- ۶- هزار فرشته «مُرْدِفِین» که در جنگ بدر حضور داشتند.



۷- سیصد و سیزده فرشته‌ای که در جنگ بدر حضور داشتند.

۸- چهار هزار فرشته‌ای که برای یاری امام حسین علیه السلام در روز عاشورا فرود آمدند و به آنها اجازه پیکار داده نشد.

و منظور از کزوبیان سروران فرشتگانند که جبرئیل، میکائیل و اسرافیل از آنها‌بند، و همه این فرشتگان هم اکنون در انتظار قیام قائم آل محمد علیه السلام هستند، تا روزی که حضرتش ظهور کند. (۱)

و در همین رابطه در حدیثی دیگر امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

«هنگامی که قائم آل محمد صلوات علیه قیام کند، خداوند او را با فرشتگان مَسْوْمِینَ، مُرْدِفِینَ، مُنْزَلِینَ و کَرُوبِینَ یاری می‌کند.

جبرئیل پیشاپیش او، میکائیل دست راست او، اسرافیل دست چپ و فرشتگان مقرب در برابرش حرکت می‌کنند و ترس و وحشت از چهار طرف او تا مسیری یک ماه در دل دشمنان وارد می‌شود. (۲)

## ۲- مؤمنان

دومین نیروی تأیید کننده حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا له الفداء مؤمنان هستند که بر طبق روایات ائمه معصومین علیهم السلام ۳۱۳ نفر هستند که فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت می‌باشند، که همانند قطعات ابرهای پاییزی در یک جا جمع می‌شوند و بعد از آنها مؤمنان دیگر هستند که از شرق و غرب جهان به سوی آن حضرت سرازیر می‌شوند و چون تعداد آنها به ده هزار نفر برسد از مکه معظمه حرکت می‌کنند و اصلاح جهانی خود را آغاز و شرک و الحاد را ریشه کن کرده، آیین حق را در روی زمین مستقر می‌فرمایند. ان شاء الله. (۳)

۲- غیبت نعمانی ص ۲۳۴.

۱- کامل الزیارات ص ۱۲۰.

۳- بشارة الاسلام ص ۱۹۱.

### ۳- رُعب و وحشت

سومین ابزار پیاده شدن حکومت جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء رُعب و وحشت می‌باشد. که دلایل زیادی موجب این کار می‌شود از آن جمله است:

۱- صبیحة آسمانی

۲- شرکت فرشتگان

۳- فتح پیاپی شهرها

۴- مواردی انبیاء از جمله عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان و نیزه که همراه حضرت خواهد بود.<sup>(۱)</sup>

و نیز دیگر عوامل باعث رعب و وحشت کافران خواهد شد و در همین رابطه حضرت بقیة الله روحی فداه می‌فرماید:

«وَاجْتَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، وَاسْتَدَارَتْ بِهِمَا الْكَوَاكِبُ وَالنُّجُومُ»

«خورشید و ماه گرد آیند و ستارگان ثابت و سیار آنها را احاطه کنند».<sup>(۲)</sup>

در این حدیث شاید منظور از گرد آمدن خورشید و ماه قرار گرفتن آنها در یک مسیر در اثر کسوف و خسوف غیر عادی باشد.

تعبیر گرد آمدن خورشید و ماه در قرآن کریم نیز آمده است

﴿وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾:

«خورشید و ماه گرد آیند».<sup>(۳)</sup>

ابن عباس می‌گوید: قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نمی‌کند جز پس از آنکه خورشید نشانه‌ای را از خود پدید آورد.<sup>(۴)</sup>

شاید منظور از این نشانه کسوف خورشید در غیر وقت عادی و ایستادن آن در وسط آسمان و یا ظاهر شدن سیمای یک مرد در قرص خورشید و یا طلوع خورشید از مغرب

۱- منتخب الاثر ص ۲۲۱.

۲- الزام الناصب ص ۱۰۸.

۳- سورة قیامت آیه ۹.

۴- منتخب الاثر ص ۴۴۲.

باشد و یا شاید نشانه‌ای جز اینها.

«وَوَجْهٌ وَصَدْرٌ يَظْهَرَانِ لِلنَّاسِ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ»:

«صورت و سینه‌ای در قرص خورشید برای همگان ظاهر می‌شود». (۱)

و در انجیل متی، باب ۲۴ بندهای ۲۹ و ۳۰ مطرح شده:

«و فوراً بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از

آسمان فرو ریزند و قوت‌های افلاک متزلزل گردد، آنگاه عدالت، پسرانسان در آسمان آشکار گردد و در آن وقت جمیع طوایف سینه‌زنی کنند و پسرانسان را بر ابرهای آسمان ببینند که با قوت و جلال عظیم می‌آید».

امام زین‌العابدین علیه السلام در وصف آن روز مسعود می‌فرماید:

«ذوالقرنین میان دو ابر مخیر شد، یکی ابر آرام و دیگری ابر ناآرام، او ابر آرام را

برگزید و ابر ناآرام را برای صاحب شما نگه داشت. گفته شد، ابر ناآرام چیست؟

فرمود: «هر ابری که همراه بارعد و برق و صاعقه باشد، که هر کجا چنین ابری باشد،

صاحب شما سوار آن خواهد شد».

همه اسبها و ابزارها را زیر پای می‌گذارد. اسبابهای هفت آسمان و هفت زمین را که

پنج زمین آباد و دو زمین دیگر مخروبه خواهد بود». (۲)

به امید روزی که پرچم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» به اهتزاز درآید و بشریت در سایه دین پاک

احمدی و قانون خدا به عزت و امنیت و آسایش دست یابند.

«و من بپاخواهم خاست در حالیکه  
پیمان هیچ یک از گردنکشان بر گردنم  
نیست».

[ امام عصر حجت منتظر علیه السلام ]

## آثار و فوائد و ویژگیهای دعا کردن جهت تعجیل در امر فرج

ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام به امر پروردگار انجام می‌گیرد اما با توجه به این واقعیت ممکن است به خواست خدا جلو هم بیفتد و در این رابطه هر مؤمن متعهدی باید بر خود واجب بداند که در عین صبر و تحمل در برابر این امر و تسلیم شدن، تلاش و کوشش نماید و دعا کند و تحقق امر ظهور را بخواهد و این دعا و اهتمام و تلاش هیچگونه منافاتی با تسلیم بودن در برابر تقدیر الهی ندارد و نباید شخص بر این باور باشد که دعا کردن اثری ندارد و امر ظهور و دفع بلا و گرفتاری به وسیله خدا و خواست او انجام می‌گیرد و من هم هیچگونه مسؤلیتی ندارم بلکه بر عکس باید بر این باور باشد که دعا قضا را برمی‌گرداند و گرفتاری را حل می‌کند و موانع ظهور را برطرف می‌سازد و مشکلات با توکل بر خداوند قادر متعال و یاری او رفع می‌گردد و محبت و شوق و سپاسگزاری نشان داده و می‌شود و حق و حقوق الهی حضرت هم ادا می‌شود. حال چه خوب است ما هم برای جلو افتادن امر ظهور و فرج حضرت حجت علیه السلام همچون قوم بنی اسرائیل به درگاه الهی بنالیم و با گریه و ناله و اظهار ندامت از گذشته و غفلت از امام محبوب آسمانی از خداوند غفور و مهربانمان بخواهیم اسیر آل محمد علیهم السلام را خلاص کرده، هم و غم و گرفتاری جهانی را برطرف نماید.

برای روشن شدن هر چه بیشتر مطلب می‌پردازیم به نقل روایتی از امام صادق علیه السلام:

«وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طول کشید به درگاه خداوند چهل روز گریه و

ناله کردند، پس خداوند به موسی و هارون وحی فرستاد که بنی اسرائیل را خلاص کنند و از

صد و هفتاد سال صرف نظر کرد».

سپس آن حضرت اضافه می نماید:

«شما نیز همین طور اگر این کار را بکنید، خداوند فرج ما را جلو می اندازد، و اگر چنین نباشید این امر تا آخرین حدّ خواهد رسید». (۱)

بعد از ذکر این روایت می پردازیم به آثار و فوائد و ویژگیهای دعا در زمینه تعجیل در فرج حضرت بقیة الله الأعظم که در کتاب «مکیال المکارم» مرحوم آیت الله سیّد محمد تقی موسوی اصفهانی ترجمه استاد سیّد مهدی حائری قزوینی که خلاصه آنها بدین قرار است:

۱- انجام دادن فرمایش حضرت ولی عصر علیه السلام در ارتباط با دعا کردن که در این باره می فرماید: بسیار برای تعجیل در فرج دعا کنید که فرج شما در آن است.

۲- زیاد شدن نعمتها به سبب دعا کردن است.

۳- اظهار محبت قلبی است.

۴- نشانه انتظار است.

۵- زنده کردن امرائمه اطهار علیهم السلام است.

۶- مایه ناراحتی شیطان لعین می شود.

۷- نجات یافتن از فتنه های آخر الزمان است.

۸- اداء قسمتی از حقوق آن حضرت است (که اداء حق هر صاحب حقی

واجب ترین امور است).

۹- تعظیم خدا و شعائر دین خداوند است.

۱۰- دعا کردن حضرت صاحب الزمان علیه السلام در حق او.

۱۱- شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در حق فرد دعا کننده.

۱۲- دعا امثال امر الهی و طلب فضل و عنایت او است.

۱۳- شفاعت حضرت صاحب الامر علیه السلام شامل حال دعا کننده می شود.

۱۴- مایه استجاب دعا می شود.

- ۱۵ - اداءِ اجر رسالت است.
- ۱۶ - سبب وسعت روزی می‌شود.
- ۱۷ - طولانی شدن عمر.
- ۱۸ - تعاون و همکاری در کارهای نیک و تقوی.
- ۱۹ - رسیدن به نصرت و یاری خداوند و پیروزی بر دشمنان.
- ۲۰ - هدایت به نور قرآن مجید.
- ۲۱ - نزد اصحاب اعراف معروف می‌گردد.
- ۲۲ - به ثواب طلب علم نائل می‌شود.
- ۲۳ - از عقوبتها اخروی در امان می‌ماند.
- ۲۴ - هنگام مرگ به او مژده می‌رسد و با او به نرمی رفتار می‌شود.
- ۲۵ - این دعا اجابت دعوت خدا و رسول ﷺ است.
- ۲۶ - با امیرالمؤمنین علیه السلام و در درجه آن حضرت خواهد بود.
- ۲۷ - مایه دفع بلاست.
- ۲۸ - باعث آمرزش گناهان می‌شود.
- ۲۹ - موجب تشرف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب می‌شود.
- ۳۰ - رجعت به دنیا در زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام.
- ۳۱ - از برادران پیغمبر ﷺ خواهد بود.
- ۳۲ - فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام زودتر واقع می‌شود.
- ۳۳ - پیروی از پیغمبر و امامان صلوات الله علیهم اجمعین می‌باشد.
- ۳۴ - وفای به عهد و پیمان خداوندی است.
- ۳۵ - آثار نیکی به والدین برای دعاکننده حاصل می‌گردد.
- ۳۶ - فضیلت رعایت و اداء امانت برایش حاصل می‌شود.
- ۳۷ - موجب زیاد شدن اشراق نور امام علیه السلام در دل او می‌شود.
- ۳۸ - محبوبترین افراد نزد خداوند خواهد بود.

- ۳۹- عزیزترین و گرامی ترین افراد نزد پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می شود.
- ۴۰- ان شاء الله از اهل بهشت خواهد شد.
- ۴۱- دعای پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شامل حالش می شود.
- ۴۲- کردارهای بد او به کردارهای نیک مبدل می شود.
- ۴۳- خداوند متعال برای عبادت او را تأیید می فرماید.
- ۴۴- ان شاء الله با این دعا عقوبت از اهل زمین دور می شود.
- ۴۵- ثواب کمک به مظلوم را دارد.
- ۴۶- ثواب احترام به بزرگتر و تواضع نسبت به او را دارد.
- ۴۷- پاداش خونخواهی مولای مظلوم حضرت ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام را دارد.
- ۴۸- شایستگی دریافت احادیث ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام را می یابد.
- ۴۹- نور او برای دیگران نیز در قیامت درخشان می گردد.
- ۵۰- هفتاد هزار نفر از گنهکاران را شفاعت می کند.
- ۵۱- دعای امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در حق او در روز قیامت.
- ۵۲- بی حساب داخل بهشت شدن.
- ۵۳- در امان بودن از تشنگی روز قیامت.
- ۵۴- جاودان بودن در بهشت.
- ۵۵- مایه خراش روی ابلیس و مجروح شدن دل او است.
- ۵۶- روز قیامت هدیه های ویژه ای دریافت می دارد.
- ۵۷- خداوند عزوجل از خدمتگذاران بهشت نصیبش فرماید.
- ۵۸- در سایه گسترده خداوند قرار گرفته، رحمت بر او نازل می شود، مادامی که مشغول آن دعا باشد.
- ۵۹- پاداش نصیحت مؤمن را دارد.
- ۶۰- مجلسی که در آن برای حضرت قائم عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فرجه دعا می شود، محل حضور فرشتگان می گردد.

- ۶۱- دعا کننده مورد مباحات خداوند می‌شود.
- ۶۲- فرشتگان برای او طلب آمرزش می‌کنند.
- ۶۳- از نیکان مردم پس از ائمه اطهار علیهم‌السلام به شمار می‌آید.
- ۶۴- این دعا اطاعت از اولی الامر است که خداوند اطاعتشان را واجب ساخته.
- ۶۵- مایه خرسندی خداوند عزوجل می‌شود.
- ۶۶- این دعا خوشایندترین اعمال نزد خداوند است.
- ۶۷- از کسانی خواهد بود که خداوند در بهشت به او حکومت دهد ان شاء الله.
- ۶۸- مایه خوشنودی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌گردد.
- ۶۹- حساب او آسان می‌شود.
- ۷۰- این دعا در عالم برزخ و قیامت مونس مهربانی خواهد بود.
- ۷۱- این عمل بهترین اعمال است.
- ۷۲- باعث دوری غصه‌ها می‌شود.
- ۷۳- دعای هنگام غیبت بهتر از دعای هنگام ظهور امام علیه‌السلام است.
- ۷۴- فرشتگان درباره‌اش دعا می‌کنند.
- ۷۵- دعای حضرت سید الساجدین علیه‌السلام، که نکات و فوائد متعددی دارد، شامل حالش می‌شود.
- ۷۶- و این دعا تمسک به ثقلین (کتاب و عترت) است.
- ۷۷- چنگ زدن به ریسمان الهی است.
- ۷۸- سبب کامل شدن ایمان است.
- ۷۹- مانند ثواب همه بندگان به او می‌رسد.
- ۸۰- تعظیم شعائر خداوند است.
- ۸۱- این دعا ثواب کسی را دارد که با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شهید شده باشد.
- ۸۲- ثواب کسی را دارد که زیر پرچم حضرت قائم علیه‌السلام شهید شده باشد.
- ۸۳- ثواب احسان به مولای ما صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه را دارد.



- ۸۴- در این دعا ثواب گرامی داشتن عالم هست.
- ۸۵- پاداش گرامی داشتن شخص کریم را دارد.
- ۸۶- در میان گروه ائمه اطهار علیهم السلام محشور می شود.
- ۸۷- درجات او در بهشت بالا می رود.
- ۸۸- از بدی حساب و روز قیامت در امان ماند.
- ۸۹- نائل شدن به بالاترین درجات شهدا روز قیامت.
- ۹۰- رستگاری به شفاعت فاطمه زهرا علیها السلام.
- ۹۱- ثواب یک حج و یک عمره.
- ۹۲- ثواب روزه دو ماه.
- ۹۳- قبول شدن شفاعت او در قیامت.
- ۹۴- روا شدن صد هزار حاجت او در قیامت.
- ۹۵- ثواب هفتاد دور طواف کعبه.
- ۹۶- ثواب آزاد کردن بنده.
- ۹۷- ثواب روانه ساختن هزار اسب زین و لجام کرده در راه خدای تعالی.
- ۹۸- حمایت هفتاد و پنج هزار فرشته.
- ۹۹- ثواب هزار سال خدمت پروردگار.
- ۱۰۰- ثواب ۹ هزار سال نماز و روزه.

\* \* \*

## چرا صاحب الامر خود را صدا نمی‌زنیم؟!

«وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»:

«برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که آن فرج شما است».

[ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ]

دنیاى امروز دنیایی است غرق در آلودگی و فساد و سوز و تب و تاب و ویرانگری. در این جهان آشفته و پریشان از هر طرف امواج فتنه و بلا و شور و آشوب بالا گرفته. ظلمت و تاریکی و جهالت و ناامنی همه جا سایه گسترده و در این گیر و دار مظلومان و محرومان و مستضعفان به استضعاف کشیده شده و رنج می‌برند و منتقم می‌خواهند و منجی و مصلح. حال باید گفت چرا با توجه به جوّ زمانه موجود همگی با هم او را صدا نمی‌زنند؟ و فریاد بی‌عدالتی و محرومیت سر نمی‌دهند؟ و مجری قرآن را که دارای قدرت اجرایی در این زمینه است نمی‌خوانند؟ خواهید گفت: هستند گروهی مشتاق و مبارز که خورشید جهان‌افروز را طالبند و مایلند بساط ظلم و دستگاه باطل ستمگران و سرکشان و خودکامگان و مستکبران نابود گردد. در جواب خواهیم گفت آیا این مقدار کافی است و آیا همه نباید طالب این امر باشند تا زمینه قیام جهانی و حکومت آسمانی سرور مستضعفان عالم فراهم شود و آیا نباید آمادگی لازم و شایستگی جهت برقراری حکومت حقّه الهی به وجود بیاید. گرچه تربیت استعداد و قابلیت می‌خواهد و استعدادها در این زمینه متفاوت است، اما این دلیل نمی‌شود که شانه از زیر بار مسئولیت خالی کنیم و خود را کنار بکشیم، بلکه در این باب هر کس باید خود نقطه آغاز باشد و تلاش نماید و احساس نیاز کند و شرایط لازم برای پذیرش حکومت حقّه الهی را در خود به وجود بیاورد، تا کارها سریعتر انجام گیرد. آری اگر ما خواستار مصلحیم باید خود صالح باشیم، و در این رابطه گرچه شرایط ایجاد آمادگی در افراد با یکدیگر فرق دارد، اما در مجموع باید افراد بشر خواستار پذیرش عدالت و درستکاری باشند و با امیال و شهوات مبارزه نمایند و یوسف فاطمه سلام الله علیها را صدا زده، از خواب گران خود بیدار گشته، پدر مهربان و صاحب و سرپرست خود را جستجو کنند، تا اوضاع نابسامان سر و سامان یافته، بهار پیروزی مستضعفین از راه برسد و حکومت

عدل الهی برقرار شود، پس بیایید مرهمی بر جراحتهای دل عزیز فاطمه سلام الله علیها بگذاریم و این حقیقت را بدانیم که دل آن حضرت پر خون است و مصائبش بیشمار، و در این میان باید گفت: ما حق و حقوق آن بزرگزاده را ادا نکردیم و توجه به این حقیقت نداشتیم که آن عزیز چه حقوقی را به گردن ما دارند که از جمله این حقوق حق قرابت و خویشاوندی پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حق منعمی، پدری، آقایی و اربابی، و عالم و امام بودن آن حضرت است که ما نادیده گرفته، به فراموشی سپرده‌ایم، و حال باید گفت:

ای خواننده عزیز بدان که بقای من و تو و همه به وجود شریف او بستگی دارد، که اگر وجود مقدس او نباشد ما یک لحظه هم زنده نمی‌ماندیم، و به وجود اوست که خداوند آسمان را نگهداشته تا بر زمین خراب نشود و زمین را حفظ کرده تا اهلش را نلرزاند، به برکت وجود مقدس اوست که درختها بارور می‌شوند و میوه‌ها می‌رسند و نهرها جاری می‌گردند و بارانها باریده می‌شوند و گیاهان می‌رویند.

با توجه به تمامی مطالب ذکر شده بیایید دسته جمعی برای آن حضرت و خلاصی او دعا کنیم و بدین گونه او را یاری نماییم و در این رابطه نگوییم دعا دیگر اثری ندارد و کار از کار گذشته، که این جز وسوسه شیطان چیز دیگری نیست. و دعا کنیم و هرچه بیشتر فریادمان را بلند نماییم و ندای حق طلبی را سر دهیم و مظلوم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را یاری دهیم و غم آن عزیز را در حدّ توان برطرف نماییم و مورد لطف و رحمت خداوند تبارک و تعالی قرار بگیریم و در زمره نیکان و صالحان محشور شویم و خدا و رسولش را از خود راضی و خشنود نگه‌داریم و بدانیم که احسان به حضرت بقیة الله الأعظم احسان به خاتم الانبیاء و امامان معصوم و تمام پیغمبران و رسولان و همه مؤمنان است که فرج آن عزیز فرج تمام اولیاء است که خداوند او را در عالم ذرّ زیر نظر خود ساخته و پرداخته و علم غیب و حکمتش را به او عنایت نموده و او را برای امر رهبری پرورش داده، تا همگان را ارشاد و هدایت کند و او وارث همه پیامبرانش قرار داده، آری او شبیه حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام در گریه کردن، شیث عَلَيْهِ السَّلَام در آشکار نکردن علم، نوح عَلَيْهِ السَّلَام در عمر طولانی، ادریس عَلَيْهِ السَّلَام در بالا بردن به جایگاه والای آسمان و هود عَلَيْهِ السَّلَام در نابودی کافران با باد سیاه، و صالح عَلَيْهِ السَّلَام از

نظر غایب شدن از مردم و برگشت به سوی آسمان و انکار عده کثیری از مردم و کشتن آنان و آوردن علامات برای اهل یقین و بیعت کردن با این گروه و ابراهیم علیه السلام از نظر مخفی بودن دوران حمل و ولادتش و پوشیدن جامه بهستی آن حضرت در وقت قیام و بازگرداندن مقام ابراهیم به جایی که در آن بودن، به اسمائیل علیه السلام از نظر بشارت ولادت، به اسحاق علیه السلام از نظر مایوس شدن از تولد و مزده ولادت، به لوط علیه السلام از نظر یاری کردن فرشتگان، به یعقوب علیه السلام از نظر منتظر فرج بودن، به یوسف علیه السلام از نظر زیبایی و جمال و غایب شدن از خلق و اصلاح شدن امرش در یک شب، به خضر و الیاس علیهما السلام از نظر عمر طولانی، به ذوالقرنین علیه السلام از جهت پیغمبر نبودن ولی دعوت به سوی خدای تعالی و تقوی و پرهیزکاری کردن، به شعیب علیه السلام از جهت طولانی بودن عمر و غایب شدن و برگشت به دوره جوانی، به موسی علیه السلام از جهت مخفی بودن دوران حمل، به یوشع علیه السلام از نظر نبرد منافقان امت با او، سخن گفتن با آفتاب و ماه و صدا زدن و جواب شنیدن از آنان، به حزقیل علیه السلام از نظر زنده شدن گروهی از مردگان در زمان ظهور آن حضرت، به داود علیه السلام از نظر خلیفه نمودن در زمین و نرم قرار دادن آهن و سخن گفتن با سنگ، به سلیمان علیه السلام از جهت خلیفه شدن در سن کودکی، به ایوب علیه السلام از جهت صبر و زنده کردن جمعی از مردگان و جوشاندن چشمه از زمین، به یونس علیه السلام از نظر بازگشت به سوی قوم با قیافه جوانی اما در سن پیری، به یحیی علیه السلام از نظر بشارت و مزده تولد و سخن گفتن در شکم مادر، به عیسی علیه السلام از نظر فرزند بهترین زنان زمان بودن و سخن گفتن در گهواره، به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از جهت شکل، نام، کنیه، خلق و خوی و خلقت، به علی علیه السلام از نظر علم، زهد، شجاعت، به امام حسن علیه السلام از جهت حلم و بردباری، به امام حسین علیه السلام از نظر امر به معروف و نهی از منکر کردن و زیر بار بیعت طاغوت و طاغوتیان نرفتن و وارد شدن مصیبت، همچنین شباهت وجود شریف آن حضرت به سایر امامان معصوم علیهم السلام. آری می‌دانم که در این زمینه سخن به درازا کشید اما با وجود این اوصاف یاد شده آنچه که گذشت شمه‌ای بود از کمالات آن حضرت، که در این باب از نور و حجت خدا هر چه بگوییم کم است.

حال باید گفت: ای عزیزان بیایید این باقیمانده انبیاء الهی را دوست بداریم و او را بهتر بشناسیم و حق خدا و رسولش را ادا کنیم و ندایش را پاسخ گوئیم، برایش دعا کنیم، از مال خود در راه او مصرف نماییم، به یاری یاران و دوستان آن عزیز بشتابیم و فرج و خلاصی او را بخواهیم و بلا و مصائب را از خود دور نماییم و به عهد الهی وفا کرده، نصرت و پیروزی جهانی را به دست آوریم و مورد لطف و عنایت حق و رسول گرامیش حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام قرار بگیریم و از عذاب الهی در امان مانده، بهشت برین این جایزه پر بار الهی را ان شاء الله به دست بیاوریم.

خواننده عزیز!

در تهیه این مقاله از کتاب بسیار با ارزش مکیال المکارم عالم فقیه و استاد گرامی سید محمد تقی موسوی اصفهانی استفاده شده، برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر در زمینه کمالات آن حضرت در ارتباط با شباهت آن حضرت به شکلی گسترده و کلی با ذکر روایات در این زمینه به کتاب یاد شده که به وسیله بقیة الله الأعظم نامگذاری شده مراجعه شود.

\* \* \*

## بخش نهم

### دورنمای جهان بعد از ظهور

[به نگارش استاد علی اکبر مهدی پور از کتاب جهان بعد از ظهور استاد خادمی شیرازی]

استاد علی اکبر مهدی پور در مقدمه این کتاب چنین بیان می دارند:

پر واضح است که ما دورنمای جهان بعد از ظهور را نمی توانیم در این سطور و این مقاله منعکس کنیم، بلکه می خواهیم با اقتباس از سخنان دربار معصومین علیهم السلام برداشتهای خود را از سیمای تابناک جهان بعد از ظهور فهرست وار در اینجا بیاوریم، تا دیباچه و براءة الاستهلالی بر مطالب ارزنده کتاب باشد.

و حال گوشه‌ای از دورنمای جهان بعد از ظهور:

۱ - جهان با نور پروردگار خویش روشن گردد و مردم از نور خورشید بی نیاز شوند. (۱)

۲ - راهها امن شود. (۲)

۳ - ثروت به طور مساوی تقسیم گردد. (۳)

۴ - همه گنجهای جهان در اختیار آن حضرت قرار گیرد. (۴)

---

۲ - ارشاد مفید، ص ۳۴۳.

۴ - الحاوی للفتاوی، ج ۲ ص ۱۴۶.

۱ - بحار، ج ۵۲ ص ۳۳۷.

۳ - عقد الدرر، ص ۴۰.

- ۵- جهان در آسایش و آرامش بی نظیر قرار گیرد. (۱)
- ۶- همگان از حکومت حضرتش خشنود شوند. (۲)
- ۷- زمین برکاتش را خارج سازد. (۳)
- ۸- پرچم اسلام بر فراز گیتی به اهتزاز درآید. (۴)
- ۹- امت اسلامی مجد و عظمت فوق العاده پیدا کند. (۵)
- ۱۰- حکومت‌های جابرانه ریشه کن شوند. (۶)
- ۱۱- شرق و غرب جهان به تسخیر آن حضرت درآید. (۷)
- ۱۲- ندای اسلام در تمام اقطار و اکناف جهان طنین انداز شود. (۸)
- ۱۳- فرهنگ بشری به والاترین حدّ خود برسد. (۹)
- ۱۴- جهان در ثروت و آبادنی غوطه ور شود. (۱۰)
- ۱۵- انسانها از رشد عقلانی برخوردار شوند. (۱۱)
- ۱۶- همه بدعت‌های جاهلی ریشه کن شود. (۱۲)
- ۱۷- حسد و حيله از بین برود. (۱۳)
- ۱۸- کینه‌توزی و دغلبازی رخت بربندد. (۱۴)
- ۱۹- تبه‌کاران نادم شوند و خود را ملامت کنند. (۱۵)
- ۲۰- معیارهای اخلاقی در جهان حکمفرما شود. (۱۶)

- 
- |                              |                               |
|------------------------------|-------------------------------|
| ۱- سنن ابن ماجه، ج ۲ ص ۱۳۶۶. | ۲- مسند احمد ج ۳ ص ۳۷.        |
| ۳- بخارج ج ۲ ص ۳۳۸.          | ۴- کمال الدین صدوق ج ۲ ص ۳۲۷. |
| ۵- مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۵۸.    | ۶- منتخب الاثر ص ۴۷۱.         |
| ۷- کمال الدین ج ۲ ص ۳۳۲.     | ۸- منتخب الاثر ص ۲۹۳.         |
| ۹- بخارج ج ۵۳ ص ۳۵۲.         | ۱۰- کمال الدین ج ۱ ص ۱۹۰.     |
| ۱۱- بخارج ج ۵۳ ص ۳۳۶.        | ۱۲- بخارج ج ۵۲ ص ۳۵۲.         |
| ۱۳- صحیح مسلم ج ۱ ص ۹۴.      | ۱۴- بخارج ج ۵۲ ص ۳۱۶.         |
| ۱۵- سنن ترمذی ج ۵۳ ص ۳۳۴.    | ۱۶- بخارج ج ۵۳ ص ۳۳۶.         |

- ۲۱ - امتیازات طبقاتی از بین برود. (۱)
- ۲۲ - روابط انسانها بر اساس صفا و وفا استوار گردد. (۲)
- ۲۳ - همه بی نیاز شوند و از پذیرش پول امتناع کنند. (۳)
- ۲۴ - نیاز همگان برطرف شود و کسی حاضر به پذیرش زکات نباشد. (۴)
- ۲۵ - همگان در دل خود احساس بی نیازی کنند. (۵)
- ۲۶ - نشانی از شرک و کفر در روی زمین باقی نماند. (۶)
- ۲۷ - همه گردنکشان در برابر آن حضرت تسلیم شوند. (۷)
- ۲۸ - همه شیعیان از افطار و اکناف جهان در اطراف شمع وجودش گرد آیند. (۸)
- ۲۹ - در هر نقطه‌ای بانگ وحدانیت پروردگار و شهادت به رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سر داده شود. (۹)
- ۳۰ - مردم را به ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و براءت از دشمنانش فرا خواند. (۱۰)
- ۳۱ - روی زمین از لوٹ دشمنان اهل بیت پاک شود. (۱۱)
- ۳۲ - قلب مؤمن از فولاد استوارتر شود. (۱۲)
- ۳۳ - مردم آرزو کنند که ایکاش نیاکانشان زنده بودند و آن روز فرخنده را می دیدند. (۱۳)
- ۳۴ - هر حقی به صاحب حق برگردد. (۱۴)
- ۳۵ - شمش‌های طلا را با خود حمل کنند تا در راه خدا خرج کنند ولی هیچکس

- |                            |                          |
|----------------------------|--------------------------|
| ۱ - بحارج ۵۲ ص ۳۰۹         | ۲ - بحارج ۵۱ ص ۷۸        |
| ۳ - صحیح مسلم ج ۱ ص ۹۴     | ۴ - ارشاد مفید ص ۳۴۳     |
| ۵ - مسند احمد ج ۳ ص ۳۷     | ۶ - کمال الدین ج ۲ ص ۶۷۰ |
| ۷ - تفسیر قمی ص ۱۱۸        | ۸ - تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۶۶ |
| ۹ - ینابیع الموده ص ۵۰۸    | ۱۰ - بحارج ۵۲ ص ۳۰۸      |
| ۱۱ - عقد الدرر ص ۱۵۹       | ۱۲ - غیبت نعمانی ص ۱۶۷   |
| ۱۳ - مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۶۵ | ۱۴ - ارشاد مفید ص ۳۴۳    |



نمی پذیرد. (۱)

۳۶- عمرها به قدری طولانی شود که هر کس ۱۰۰۰ فرزند ذکور از نسل خود را درک کند. (۲)

۳۷- همه حقوق حق تعالی، و همه حقوق خاندان عصمت و طهارت استیفا شود. (۳)

۳۸- عدالت در همه جا گسترده شود، احدی مورد ستم قرار نگیرد. (۴)

۳۹- شیعیان در عصر ظهور از شیر دلیرتر و از شمشیر برنده تر شوند. (۵)

۴۰- در روی زمین ویرانه‌ای نمی ماند جز اینکه آباد گردد. (۶)

بعد از ذکر این روایات، مؤلف عالیقدر این کتاب روایات دیگری را نقل می کند که همگی مستند بوده و ما از جمع بندی آن روایات به اختصار به نام نامی هفتاد و دو نفر از یاران امام حسین علیه السلام به نقل بقیة روایات به برداشت استاد عزیز محمد خادمی شیرازی ادامه می دهیم.

۴۱- حکومت اسلامی جهانی می شود.

۴۲- جهل و بیسوادی ریشه کن می شود.

۴۳- ظلم و ستم از سر تا سر جهان برچیده می شود.

۴۴- همه طبقات به اخلاق حمیده اسلامی آراسته می شوند.

۴۵- فساد اخلاقی و بی بند و باری ریشه کن می شود.

۴۶- عدالت اجتماعی برای همه طبقات گسترش می یابد.

۴۷- کفر و الحاد و شرک و نفاق نابود می گردد.

۴۸- ۳۱۳ نفر از یاران خاص آن حضرت فرماندهان لشکری و کشوری حکومت

جهانی سرور مستضعفان جهان را تشکیل می دهند و اهداف مقدسه کعبه خوبان را تحقق می بخشند.

۲- بحارج ۵۲ ص ۳۳۷.

۴- بحارج ۵۲ ص ۳۲۲.

۶- اعلام الوری ص ۴۳۳.

۱- صحیح بخاری ج ۲ ص ۱۳۶.

۳- مدینه البلاغه ج ۱ ص ۲۳۲.

۵- حلیة الأولیاء ج ۳ ص ۱۸۴.

- ۴۹- فرهنگ اسلامی و معارف عالیة الهی پیاده می شود.
- ۵۰- آسایش و رفاه همگانی برقرار می شود.
- ۵۱- امنیت عمومی برقرار می شود.
- ۵۲- رضایت همگانی به وجود می آید.
- ۵۳- فقر اقتصادی از روی زمین برچیده می شود.
- ۵۴- نزول برکات آسمانی زیاد می شود.
- ۵۵- گنجهای نهانی زیر زمین بر آن حضرت آشکار می شود.
- ۵۶- دام در جهان فراوان می شود.
- ۵۷- آزادی برای همه تأمین می شود به گونه ای که آزادی کسی موجب سلب آزادی دیگری نمی گردد.
- ۵۸- مرزها برداشته می شود، و اگر کسی از شرق تا غرب آن مسافرت کند به گذرنامه و روادید و ارز و غیره نیاز پیدا نمی کند.
- ۵۹- مرز مالکیت کم فروغ می شود.
- ۶۰- تنها یک پرچم بر فراز گیتی به اهتزاز درمی آید و آن پرچم همیشه پیروز: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ» است.
- ۶۱- تنها یک قانون اساسی بر سرتاسر جهان حاکم می گردد و آن قرآن کریم است.
- ۶۲- ربا برداشته می شود.
- ۶۳- زنا برداشته می شود.
- ۶۴- شرب خمر برداشته می شود.
- ۶۵- اشرار هلاک می شوند و نیکان می مانند.
- ۶۶- انسان یک «مُد»<sup>(۱)</sup> می کارد و ۷۰۰ «مُد» حاصل برداشت می کند، چنانکه قرآن کریم می فرماید:
- ﴿همانند یک دانه که از آن هفت سنبل بروید، و در هر سنبل صد دانه باشد، خداوند برای هر کس بخواهد بیشتر عطا می فرماید﴾.<sup>(۲)</sup>

۱- هر مُد در حدود ۷۵۰ گرم می باشد. ۲- سوره بقره، آیه ۲۶۱.

- ۶۷- امانتها رعایت شود و قضاوت آن حضرت بر اساس واقع، همانند قضاوت حضرت داوود علیه السلام انجام می‌گیرد و مطالبه گواه نمی‌شود.
- ۶۸- مردم به اطاعت و عبادت رو می‌کنند و پرده‌های ظلمت کنار می‌رود.
- ۶۹- امر به معروف و نهی از منکر می‌شود و نمازها با جماعت خوانده می‌شود.
- ۷۰- از دشمنان اهل بیت پیامبر کسی باقی نمی‌ماند و انتقام خون محسن فاطمه سلام الله علیها از قاتلین خون‌آشام بدفرجام گرفته می‌شود.
- ۷۱- گرگها و گوسفندها در یک مکان به چرا مشغول می‌شوند و کودکان با مارها و عقربها بازی می‌کنند و هیچ آسیبی به آنها نمی‌رسد.
- ۷۲- از خلافت او اهل آسمان و زمین و حتی پرندگان آسمان خشنود می‌شوند و همه کشورها تحت سیطره آن حضرت قرار می‌گیرد و ستم و ستمگران از ریشه برکنده می‌شوند. به امید ظهور سرور مستضعفان و داشتن دنیائی آباد و آسوده و امن. - ان شاء الله -

«روز رستاخیز بر پا نمی‌شود تا اینکه قائم ما قیام کند و این قیام در وقتی است که خداوند فرمان ظهورش را امضا فرماید. هر کس که آن روز از قائم ما متابعت کند نجات می‌یابد و کسی که سرپیچی نماید دچار هلاک دو جهان خواهد شد. ای بندگان خدا! از خدا بترسید و به سوی قائم ما بشتابید. اگر چه مجبور باشید روی برفها به نحو سینه‌خیز خود را بکشید، زیرا او جانشین خداوند و خلیفه من است. - در روی زمین -

[ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ] (۱)

## بخش دهم

از: ارمغان مجلسی

اثر استاد و دانشمند عزیز

علی اکبر مهدی پور

که شامل مقالاتی با عناوین زیر می باشد:

۱ - چهارده توصیه خودسازی از غَوَاصِ دریای معارف اسلامی، علامه بی نظیر مرحوم علامه مجلسی قدس سره.

۲ - چهارده ذکر از اذکار روزانه یک مسلمان از دیدگاه علامه مجلسی قدس سره.

۳ - هفت برنامه از تعقیبات مشترک نمازهای یومیّه.

چهارده توصیه از علامه مجلسی قدس سره در کتاب

«ارمغان مجلسی»

غَوَاصِ دریای پهناور علوم و معارف اسلامی دانشمند برجسته علوم آل محمد علیهم السلام مولی محمد باقر مجلسی، صاحب گنجینه بزرگ بحار الأنوار، عقاید حقه شیعه را در کتاب کوچکی به نام عقاید گردآوری نموده و از آن به عنوان یک اثر پراچ نام برده اند، آن عزیز رحیل سعید در مورد دو اثر خود رساله عقاید و حق الیقین چنین می فرماید:

«آنچه از برکات ائمه هدی علیهم السلام برای راه نجات دستگیرم شده، در آثار عربی و

فارسی خود گرد آوردم که برای جوینده حق و یقین کافی است، مخصوصاً دو رساله «عقاید» و «حقّ الیقین»<sup>(۱)</sup> همچنین آن جناب تأکید می فرمایند آنچه در رساله عقاید آورده‌ام کلاً از معدن وحی و گفتار معصومین علیهم‌السلام است و چیزی از خود نیاورده‌ام از این رهگذر استاد عزیز علی اکبر مهدی پور اوراد و اذکار آن کتاب را در جزوه کوچکی که حمل و نقلش آسان است، گردآوری نموده و تقدیم برادران ایمانی خود کرده است و ثواب تدوین آن اثر را تقدیم روح مطهر شخصیت گرانقدر جهان تشیع علامه مجلسی قدس سره نموده است.

از خوانندگان محترم تقاضا می نمایم به هنگام استفاده از این اوراد و اذکار مؤلف گرانقدر آن علی اکبر مهدی پور و دانشمند برجسته علوم آل محمد را از دعای خیر محروم نگردانند. امیدواریم خداوند تبارک و تعالی شخص ایشان و تمام عاشقان خاندان نبوت و رسالت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مؤید و موفق بگرداند، و آنان را از یاوران حضرت بقیة الله - ارواحنا له الفداء - قرار دهد، و دل مجروحشان را با رؤیت ماه فروزنده آسمان ولایت و امامت شاد گرداند. - ان شاء الله -.

حال می پردازیم به بیان توصیه‌ها و اوراد و اذکار، و امیدوارم ثواب این کار به روح پر فتوح علامه مجلسی قدس سره برسد.

شخص ایشان می فرمایند:

- ۱ - نماز شب و دیگر نمازهای مستحبی روزانه (نوافل) مکمل نمازهای واجبی است، از سنتهای مؤکد رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می باشد، پیامبر اکرم هرگز تا زنده بود آنها را ترک نکرده، تو نیز آنها را ترک نکن. و اگر تصادفاً ترک شد هر وقت توانستی قضای آنها را به جا بیاور.
- ۲ - در نماز شب، دعا، تضرع و گریه زیاد کن، که این لحظه در شب مناسبترین لحظات قرب به خداوند است. درهای رحمت خدا باز است و دعا و مناجات مستجاب است.
- ۳ - استغفار زیاد کن که کفاره گناهان است.
- ۴ - تلاش فراوان کن که خوراک و پوشاک و دیگر مصارف زندگی خود و خانواده‌ات

از مال حلال باشد.

۵ - خود را بر خواب و خوراک کم عادت بده، ولی نه از طریق ترک خوراکیهای حیوانی، و یا ترک چیزی از نعمتهای الهی، که بدنت ضعیف شود، و قدرت عبادت را از دست دهی، که بدن مرکب تست، و تو برای عبادت و اطاعت به آن نیاز داری.

۶ - با افراد فاسق و ستم پیشه کمتر مصاحبت کن، مگر برای هدایت آنها، و یا به منظور دفع ستم از مظلوم، و یا به سبب تقیّه.

۷ - مصاحبت علمای ربّانی را غنیمت بشمار.

۸ - هرگز در مورد اشخاص با ایمان سوء ظن نکن.

۹ - همه راههای وصول به سعادت در احادیث اهل بیت عصمت و طهارت بیان شده.

۱۰ - صراط مستقیم راه رسول اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام می باشد.

۱۱ - هیچ عملی بدون علم فائده ندارد، علم نیز بدون عمل سودی نبخشد.

۱۲ - بر نماز جعفر طیار مواظبت کن، و حداقل هفته ای یکبار آن را بخوان، و در

هنگام سختیها بخوان، که برای قضای حوائج بسیار مجرب است.

۱۳ - محور پذیرش اعمال نیت است، تصحیح نیت نیز جز با توسّل و انقطاع به

پروردگار امکان پذیر نیست.

۱۴ - کتابهایی را که در پیرامون دعا نوشته شده و اعمال مخصوص شبها و روزها را

گردآوری نموده، بر خواندن آنها مواظبت کن. (۱)

امیدوایم با پیمودن صراط مستقیم تقوی و پرهیزکاری و نور که همان راه نبی اکرم و

ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین است و یافتن حضور قلب و توسّل کامل به خداوند تبارک

و تعالی و توکل بر او راه حق را بیمائیم، و رضای خالق کائنات و حجّت عزیزش حضرت

مهدی بقیّه الله الأعظم ارواحنا له الفداء را به دست بیاوریم و جایزه نفیس و پربار الهی

بهشت موعود را نصیب خود گردانیم. - ان شاء الله -

## ده ذکر از اذکار روزانه یک مسلمان از دیدگاه علامه مجلسی قدس سره

اخذ شده که از کتاب «ارمغان مجلسی» اثر مؤلف عالیقدر استاد مهدی پور:

۱ - همواره صلوات بفرست که برترین اعمال است.

۲ - به مقدار فراوان به اذکار چهارگانه زیر که در قرآن و احادیث آمده مواظبت کن:

﴿ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ﴾<sup>(۱)</sup> برای جلب روزی و فراهم شدن امور.

﴿ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴾<sup>(۲)</sup> برای دفع دشمن و رفع شدائد.

﴿ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴾<sup>(۳)</sup> برای دفع غمهای دنیا و آخرت.

﴿ أَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴾<sup>(۴)</sup> برای دفع حيله دشمنان.

۳ - هر روز ۱۰۰ بار بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ. و اگر صد مرتبه نتوانستی ۳۰

بار بگو.

۴ - سوره «قل هو الله احد» را بسیار بخوان.

۵ - هر روز پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن بر این دو ذکر مداومت کن:

الف - ده مرتبه بگو:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ

لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

ب - ده مرتبه بگو:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ. إِنَّ اللَّهَ هُوَ

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

در اخبار در مورد این دو ذکر تأکید فراوان شده و گفته شده: این دو ذکر سنت لازمه

است، و اگر در وقت خودش فراموش کنی بعداً قضا کن.

۲ - سوره آل عمران، آیه ۱۷۳.

۴ - سوره غافر، آیه ۴۴.

۱ - سوره کهف، آیه ۳۹.

۳ - سوره انبیاء، آیه ۸۷.

۶- بعد از نماز صبح و نماز مغرب ۱۰۰ مرتبه بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». و اگر نتوانستی ۷

مرتبه بگو، که امان است از ۷۰ نوع بلا.

۷- بعد از هر نماز ۱۰۰ مرتبه بگو:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

۸- هر روز ۷۰ مرتبه بگو: «أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ».

۹- هر روز ۷۰ مرتبه بگو: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ».

۱۰- هر روز ۱۰ بار:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، إِيَّاهُ وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَدَادًا».

به امید اجابت دعا و پذیرش اعمال و جلب رضایت خداوند تبارک و تعالی

- ان شاء الله -



هفت برنامه از تعقیبات مشترک نمازهای یومیّه از دیدگاه علامه مجلسی قدس سره (۱)

۱ - تسبیح فاطمه زهرا - سلام الله علیها - ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» می باشد. (۲)

امام صادق علیه السلام در این مورد می فرمایند: تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بعد از هر نمازی از هزار رکعت نماز در روز، در نزد من محبوبتر است. (۳) و تأکید فراوان شده که تسبیح حضرت فاطمه ۳ بعد از نماز بدون تکلم و بدون جابه جا کردن پاها انجام شود. (۴)

۲ - ۳۰ مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» تا از آتش سوزی، غرق شدن، زیر آوار ماندن و دیگر مرگهای نامطلوب محفوظ بماند. (۵)

۳ - بعد از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام یکبار بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». (۶)

۴ - امام صادق علیه السلام می فرمایند:

بعد از نماز ۳۰ بار تسبیح گفتن موجب ریزش گناهان می شود. (۷)

۵ - امام صادق علیه السلام می فرمایند:

اگر کسی بعد از هر نماز واجب پیش از آنکه پاهایش را حرکت دهد، بگوید:

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» خداوند

گناهانش را ببامرزد. (۸)

۶ - امیر مؤمنان علیه السلام می فرمایند: هر کس بخواهد میزان اعمالش پر شود بعد از هر

۱ - ارمغان مجلسی اثر تألیفی استاد و دانشمند گرامی مهدی پور.

۲ - بحار: ۸۵ / ۳۳۴، مشکات الانوار: ۲۷۸.

۳ - بحار: ۸۵ / ۳۳۲، ثواب الأعمال: ۱۴۹.

۴ - بحار: ۸۵ / ۳۳۲، فلاح السائل: ۱۶۵.

۵ - بحار: ۸۶ / ۳۰، معانی الأخبار: ۳۲۴.

۶ - بحار: ۸۵ / ۳۳۶، دعائم الاسلام: ۱ / ۱۶۸.

۷ - بحار: ۸۶ / ۲۱، أمالی شیخ صدوق: ۱۶۳.

۸ - بحار: ۸۶ / ۵، مکارم الاخلاق: ۳۶۳.

نماز بگوید:

«سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ» (۱).

۷- امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند در  
بیداری و یا در خواب به خدمت حضرت بقیة الله می رسد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ آيَاتِنَا كَمَا كَانَ، مِنْ مَشَارِقِ  
الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، عَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ وَعَنْ وُلْدِي وَإِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ،  
عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَزِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ عِلْمُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ  
هَذَا الْيَوْمِ وَمَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ.  
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَنُصَارِهِ الذَّابِينَ عَنْهُ، وَالْمُتَثَلِّينَ لِأَوَامِرِهِ وَنَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ،  
وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ  
قَبْرِ مَوْتَرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.  
اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحُلْ بَصْرِي بِنَظْرَةِ مَنِّي إِلَيْهِ وَعَجِّلْ  
فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ.

اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزَهُ، وَقَوِّ ظَهْرَهُ وَطَوِّلْ عُمُرَهُ.  
اللَّهُمَّ اَعْمُرْ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي  
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِإِيَّتِكَ، وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمُسَمَّى بِاسْمِ  
رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَّقَهُ، وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ  
بِكَلِمَاتِهِ وَيُحَقِّقُهُ.

اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا، وَصَلَّى  
اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» (۲).

# حجّت حق

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه <sup>لشرف</sup> آ

پرده گل نمی در می شور و نو انمی کنی	مرغ غزلسرای من روی به بانمی کنی
از چه نظر بر این دل خسته بانمی کنی	ای مه خوب روی من دل شده خون ز بحر تو
این دل بی قرار را از چه دو انمی کنی	در د فراق تو مرا می کشد ای فرشته خو
پرده روی ماه خود از چه رها نمی کنی	ای بیت ما هر روی من روز و شبم بیا تو
صیحه حق نمی زنی سعی صفا نمی کنی	در پس پرده ای چرا سوی منانمی روی
آب حیات من تویی رو به گد انمی کنی	دلبر آشنای من در د من دو ای من
بهر رضای حق چرا شور به بانمی کنی	حجّت حق صیب من نور خدا طیب من
عهد شکن نبوده ای از چه وفا نمی کنی	عهد و وفا طریق تو در دو بلا نصیب من

بیتد "اگر دعا کند کار تو مختصر شود"

هر نفسی که می رود از چه دعا نمی کنی

«برای تعجیل در امر فرج زیاد دعا کنید،  
چون همین دعا موجب فرج شماست».  
[حضرت حجّة بن الحسن العسکری ارواحنا له  
الفداء] (۱)

## بخش یازدهم

آشنایی با چند مورد از خوابهای رحمانی در زمینه ظهور  
مصلح جهانی حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا له الفداء

مقدمه‌ای بر خوابهای رحمانی:

به نام یگانه عالم، رئوف و رحیمی که افکار را شکل و معنا می‌بخشد به نام علیم  
عزیزی که حجاب دل را پاره کرده، انوار حق و معرفت را بر آن می‌تاباند. به نام همیشه بیدار  
بیدارکننده، به نام هادی هدایت‌کننده جهان هستی.

و با سلام بر جمیع انبیای الهی و ائمه معصومین و حضرت زهراي محدّثه، و سایر  
مردان و زنان راهیان حق و طریق عشق یزدان از بدو خلقت انسان تا کنون و تا عرصه قیامت،  
و با سلامی همیشگی و دائمی و خالصانه بر یگانه منجی عالم بشریت و مصلح کلّ جهانیان  
حضرت حجّة الله الأعظم عجل الله فرجه الشریف که دنیا را پراز عدل و داد می‌کند  
همانطوریکه پراز جور و ستم شده است.

آری به نام زنده ساز احکام و برپاکننده حق و نابودکننده باطل.

باری در ارتباط با ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف رؤیاهای و خوابهای

رحمانی و صادفانه‌ای رؤیت شده که اگر اندکی توجه و دقت نماییم متوجه می‌شویم که این خوابها آنچنان جذبه و حقیقتی را دارند که برای انسان آگاه جای هیچ ابهام و پرسشی را باقی نمی‌گذارد، که این خوابها صادقه و واقعی هستند و به نظر حقیر ناچیز باید شک و شبهه را کناری گذاشته، خود را متحوّل ساخته، به خود بیاییم و توجه کنیم که خداوند خالقمان به ما هشدار می‌دهد و می‌خواهد ما را بیدار نماید. در اینکه خوابهای رحمانی دیده می‌شود جای هیچ گونه بحث و سؤالی نیست، ولی در اینکه آنها رحمانی هستند و یا غیر رحمانی، واقعیتهایی را با توجه به حقایق موجود قرآنی بیان می‌دارم. خداوند تبارک و تعالی در سوره مبارکه زمر می‌فرماید:

﴿خداست که در وقت مرگ جانها را تمام و کمال دریافت می‌دارد و نیز جانهایی را که در خواب رفته و مرگ آنها فرا نرسیده. او نفس‌هایی را که حکم مرگ بر آنها جاری کرده نزد خود نگاه می‌دارد و دیگر به بدن باز نمی‌گرداند. ولیکن جانهایی را که در خواب رفته و مرگشان نرسیده است، رها می‌نماید تا به بدن بازگردند و تا زمان معین در بدن باقی باشند. در این امر نشانه‌هایی است برای مردمانی که اهل تفکر هستند﴾. (۱)

آری بین خواب و مرگ شباهت زیادی وجود دارد و یکی از دلایل معاد و زنده شدن ما در حضور پروردگار و حاضر شدن در صحنه قیامت همین خواب ما است و لابد این حقیقت را شنیده‌ایم که روح ما در حین خواب در جهان دیگری سوای این دنیا و عالم طبیعت سیر می‌کند و در این سیر و سیاحت به حقایقی دست می‌یابد که در عالم غیر خواب امکان پذیر نیست البته حقایق موجود دیگر جهان را اولیای خدا و انسانها به اذن پروردگار دریافت می‌دارند که جای بحث آن در اینجا نیست. به هر حال باید دانست این واقعیت را که با مرگ و مردن روح ما به طور کامل و تمام از بدن قطع می‌شود و در اختیار پروردگار رحیم و قادرمان قرار می‌گیرد، و اوست که ارواح رفتگان را دریافت می‌دارد و آنها را نگاه می‌دارد و دوباره به بدنها باز می‌گرداند تا در موقف حساب و قیامت به حساب

اشخاص رسیدگی نماید. اما در خواب چنین نیست بلکه جان به بدن بازگردانده می‌شود و ما در عالم خواب می‌توانیم حقایق را از طریق روح خود در ماورای زمان و مکان درک کنیم و در بیداری آن حقایق را بازگو نمائیم. تعداد رؤیاهای رحمانی و خوابهای صادقانه آنقدر متنوع و زیادند که در طی زندگی با تعدادی از آنها تا به حال آشنا شده‌ایم و شنیده‌ایم، برای نمونه یک مورد خواب و رؤیای رحمانی را با دریافت از قرآن نور و هدایت بازگو می‌کنم:

حضرت یوسف علیه السلام در خواب دیدند یازده ستاره و خورشید و ماه او را سجده می‌کنند. او خوابش را برای پدرش یعقوب علیه السلام بازگو نمود و ایشان گفتند فرزندانم آینده درخشانی را داری، و این خواب را برای برادرانت بازگو نکن که به تو حسادت می‌ورزند. به هر حال آن حضرت خواب را دید و در آینده به پیامبری رسید و رسالت خود را صادقانه انجام داد.

درود ما بر او و سایر انبیای الهی و ائمه معصومین و سایر مؤمنان بیدار خوش قلب و پاکی که در اثر خلوص نیت و تزکیه نفس مورد عنایت پروردگار قرار می‌گیرند و به لطف خالق بی‌همتا به حقایق و واقعیت‌هایی در عالم خواب دست می‌یابند، امیدواریم خداوند متعال به همگی ما شناخت عطا فرماید و ما را به صراط نور هدایت کرده، ما را هم مورد لطف و عنایت خود قرار دهد.

در پایان با آرزوی سعادت دنیا و آخرت و خدمت در حکومت حق سرور جهانیان و جلب رضایت پروردگار و تنها بازمانده از حجتهای او ارواحنا له الفداء به شرح خوابهای رحمانی می‌پردازم و یادآور می‌شوم که شرح این خوابها همگی با قلم و نگارش خود افرادی که خواب را بازگو نموده‌اند انجام گرفته است.

\* \* \*

## خوابهای رحمانی و نویدهای ربّانی<sup>(۱)</sup>

### [ ۱ ]

در سال ۷۱ در خواب دیدم به طرف آسمان پرواز کردم، مناظری زیبا و شگفت‌انگیز دیدم، زمین و آسمان را چراغانی کرده بودند بوی عود و مشک و عنبر همه جا را گرفته بود، منقلهای اسپند فراوانی دود کرده بودند، برّه‌ها ذبح و دیگهای بزرگی آماده طبخ بود. پرچمهای رنگی همه جا نصب شده بود. در روی آن نامهای: «یا علی، یا محمد، یا حسین و یا مهدی» نوشته شده بود.

سربازی که احساس کردم متعلق به کشور لبنان است با تفنگ و مسلح گوشه‌ای ایستاده بود، از او پرسیدم: برادر چه خبر است؟ منظور مرا نفهمید، با ایما و اشاره با او فهماندم که این جشن و سرور و چراغانی برای چیست؟ اشاره کرد که نزدیکتر بروم، کتابی را با صفحات سفید باز کرد، وقتی به آن نگاه کردم دیدم نوشته بود:

مهدی - عجل الله فرجه الشریف - می آید.

به امید دیدار مهدی موعود عزیز ارواحنا له الفداء

### [ ۲ ]

شب هفتم ماه محرم سال ۱۴۱۴ ه. بود. در خواب دیدم که به طرف آسمان پرواز کردم. آسمان پر از ستاره و در نهایت بی انتها بود ابتدا نام «الله» مزین به گل‌های سفید بسیار زیبا بود و سپس به ترتیب با گل‌های سفید زیبا نوشته شده بود:

«یا محمد، یا علی، یا فاطمه، یا حسن، یا حسین»

سپس ماشینها با چراغهای روشن، مزین به پرچمهای بسیار زیبا در آسمان نقش بسته بود، بعد از آن با گل‌های زیبا نوشته شده بود:

«مهر تابان آمد»، «ماه خوبان آمد»

۱ - تعداد انگشت شماری از این خوابها مربوط به مؤلف، و بقیه مربوط به دیگر خواهران مؤمنه و متدینه است که غالباً از چهره‌های فرهنگی شیراز می‌باشند.

از آن پس صورت مهدی فاطمه - سلام الله علیها - بقیة الله الأعظم، در هاله‌ای از نور در سمت راست، و در وسط شمایل بسیار زیبای مولای متقیان علی علیه السلام با ابهتی که هر بیننده‌ای را مجذوب می‌کرد، با شمشیر و حمایل در وسط و صورت زیبای امام حسین علیه السلام باز در هاله‌ای از نور در سمت چپ مولا علی علیه السلام قرار داشت.

در خواب به ذهنم خطور کرد که رهبری قائم آل محمد به رهبری مولا علی علیه السلام آغاز می‌شود. این مناظر به قدری زیبا و روحانی بود که مدتها بعد از بیدار شدن حال حیرت‌انگیزی داشتم تا اینکه به خود آمدم و همان وقت ایستاده و به مهدی عزیز ارواحنا له الفداء سلام کردم و خدا را به خاطر این همه نعمتش سجده نمودم و شکرگزاری کردم سپس به قرآن رجزع کردم سوره هشتم (سوره انفال) و آیه هشتم آمد:

﴿لِيَحِقَّ الْحَقُّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾

«تا حق را ثابت و باطل را ناچیز گرداند، هر چند گناهکاران ناخشنود باشند».

البته لازم به تذکر است گفته شود که این خانم بیان می‌کرد از خواهر مؤمنه‌ای شنیده بودم اگر خوابی رحمانی را دیدیم که برایمان یقین شد رحمانی است ببینیم چندم ماه قمری است سپس به قرآن رجزع کنیم و با همان شماره روز سوره و آیه مورد نظر را بیاوریم و جواب خود را بگیریم او هم می‌گفت من این کار را کردم چون هشتم ماه محرم هشتمین سوره قرآن و هشتمین آیه آمد که متن آن را آوردیم.

خواننده عزیز!

در ارتباط با دومین خواب این خواهر مؤمنه، خواهر مؤمنه دیگری خوابی تقریباً مشابه این خواب را دیده‌اند که آن را در اینجا بازگو می‌کنیم:

[۳]

و حال شرح خواب رحمانی این خواهر مسلمان و مشتاق امام محبوب آسمانیان: شب پانزدهم بهمن ماه سال ۷۲ خواب دیدم که ماه با کمال عظمت و زیبایی می‌درخشد، به حدی که قلم قادر به توصیف آن نیست، در آن حال دیدم با قلم نورانی و سفید و زیبا و با شکوه در آسمان نوشته شده:



«یا هو، یا محمد، یا علی، یا فاطمه، یا حسن، یا حسین»

و در آخر: «یا حجة بن الحسن العسکری»

باور کنید ای عزیزان این منظره به حدی زیبا بود که انسان مدهوش می‌گشت، سپس در همانحال باز خورشید را دیدم که با عظمت و صف‌ناپذیرش طلوع نمود و به حدی بزرگ می‌نمود که شاید بیش از نیمی از افق را روشن ساخته بود، و در همان صورت ماه و خورشید را دیدم که با یکدیگر می‌درخشیدند بعد از آن با شوق و شغف زیادی از خواب بیدار شدم و تاکنون از نشاط و لطافت و زیبایی این خواب مجذوب‌کننده احساس سرور و وجد می‌نمایم، امیدوارم همه راهبان کوی الله و طریق عشق او، و جمیع مشتاقان حضرت بقیة الله الأعظم توفیق نشر اسلام را پیدا نمایند و به جامعه اسلامی خدمت نمایند همگی را به خداوند منان سپرده و امیدوارم خداوند تبارک و تعالی معنویات مؤمنین و مؤمنات را لحظه به لحظه افزون نماید.

ما هم امیدواریم که ان شاء الله امر ظهور انجام گیرد و مؤمنین دلشاد گشته، احکام قرآن در کل جهان اجراء گردد و مصائب و مشکلات جامعه جهانی برطرف شود.

[۴]

﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾

شب جمعه اول ماه ربیع الاول سال ۱۴۱۴ هـ. در خواب دیدم در آسمان بودم، دربهای آسمان گشوده شد و خداوند متعال اذن ظهور به مولای مستضعفان و پیشوای مظلومان عالم حضرت بقیة الله الأعظم روحی له الفداء را دادند و من مردم را می‌دیدم که در بی‌خبری و غفلت به سر می‌بردند. به قرآن مراجعه کردم سوره اول که سوره حمد است آمد و آن را تا آخر خواندم و خدا را بر این همه نعمت شکر کردم.

[۵]

در نیمه شب جمعه ۱۰ / ۶ / ۷۳ در خواب دیدم که قرص ماه و نور ماه سبز شده است و به حدی زیبا و چشمگیر بود که مرا مجذوب، و در جای خود می‌خکوب کرده بود، در همین حال به خود آمدم دیدم ماه به حرکت آمد، چون دقت نمودم دیدم روی آن نوشته

شده بود: «محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین» علیهم السلام در آن حال ناگهان صداهای مهیبی شنیده شد و سپس صدای خراب شدن خانه‌ها و ریزش آنها بگوش می‌رسید و به دنبال آن صدای فریاد، صدای اذان، و الله اکبر گفتن مردم، و من نیز با شدت هر چه تمامتر و در حال اضطراب و توکل بر خدا جمله «یا علی مدد»، «یا علی مدد» را با فریاد بر زبان می‌آوردم در آن حال در کوچه بودم و پسر بچه‌ای در کنارم بود که او هم همان وضع را می‌دید و جریان ماه را برایم تعریف می‌نمود، درگیر و دار این صداها و هشدارها من با حالتی وصف نشدنی می‌گفتم: ای وای، ای وای، دیدی گروهی جریان امر ظهور این روز را باور نمی‌کردند و حقایق ظهور این روز را با این وضع و هشدارهای مؤمنین را نادیده می‌گرفتند و چقدر در عالم بی‌خبری قرار داشتند که از خواب بیدار شدم، در حالیکه هنوز صدای تکبیر در گوشم طنین انداز بود و به قدری برایم واقعیت داشت که در بیداری احساس می‌نمودم هنوز جریان ادامه دارد.

## [ ۶ ]

در یکی از شبهای ماه رمضان ۱۴۱۴ هـ. در خواب دیدم که خانم همسایه همه را صدا می‌زند که ای مردم بیایید ماه گرفتگی شده، وقتی من در حال را باز کردم و به حیاط رفتم، دیدم هوا طوری تاریک گشته که روشنایی تشخیص داده نمی‌شود، نه تاریک بود و نه روشن. لحظه‌ای بعد به آسمان نگاه کردم دیدم ابرکنار رفت و ماه بیرون آمد، به خانم همسایه گفتم نترسید ماه بیرون آمد ولی نماز آیات را بخوانید. به امید ظهور منجی جهانیان و شادی شما همگی را به خداوند می‌سپارم.

## [ ۷ ]

اوایل مهرماه سال ۷۲ بود، خواب دیدم که خورشید دو نیمه شد، و زمین به یکباره تاریک گشت، در این موقع مادرم با وحشت شروع به نماز خواندن کرد، من و دیگر افراد خانواده شروع به خواندن قرآن کردیم، تا اینکه خورشید به شکل اولش برگشت و نور سبزی دور خورشید می‌گشت و صدای اذان از همه جا به گوش می‌رسید سپس به دنبال آن جهان دگرگون شد و همه جا سبز و خرم شد و درختان سبز و تر و تازه گشتند. و آن سال سال

پر برکتی شد و همه جا خرّم و پراز گل و میوه بود.

[ ۸ ]

شب میلاد حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شب ۱۷ ربیع المولود ۱۴۱۴ هـ. بود، خواب دیدم که پرنده‌ای سفید و بزرگ در جلو قرار دارد و پرنندگان دیگر در پشت سر او در آسمان در حال پرواز هستند، نزدیک خانه ما که رسیدند پایین آمدند و بعد پرنده‌ای سبز و بزرگ آمد و من هیجان زده پرنندگان را به شوهرم نشان می‌دادم که از خواب بیدار شدم.

[ ۹ ]

سال ۷۲ بود، در خواب دیدم خورشید از سمت مغرب طلوع کرد و به طرف مشرق رفت و در دریایی از موج خون غروب نمود.

[ ۱۰ ]

در یکی از شبهای اردیبهشت ماه هفتاد و دو خواب دیدم که به آسمان نگاه می‌کردم که ناگهان اندام معصومانۀ زنی را در آسمان دیدم که با اندامهای این جهان تفاوت داشت و به شکلی روحانی بود و سپس بگونه‌ای بدلم گذشت که با او قصد اهانت و تعدی را دارند و در عالم خواب گفته شد: فجایع و فساد وجود دارد و زمان ظهور امام زمان عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ الشریف است و سپس به ترتیب خوابهای رحمانی دیگری را دیدم که چون به قرآن مراجعه نمودم آیه ۸ سوره مبارکه انفال آمد که:

﴿لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾

«تا حق را ثابت و باطل را ناچیز گرداند، هر چند گناهکاران ناخشنود باشند».

و سپس در یکی از روزهای ماه مبارک رمضان بود نیت نمودم که خوابم را بیان کنم یا نه رسالتم را بگویم یا نه که ظهر به خواب رفتم در عالم خواب لوحی را در آسمان دیدم که ابتدای آن حکّ شد «معلم» سپس نوشته شد «قلم» آن لوح با شاخه‌های گل زیبایی تزئین شده بود، چون آموزگارم در ارتباط با آن حقایق را گفتم.

[ ۱۱ ]

روزی به غم و اندوه امامم می‌اندیشیدم و به اندوه هزار و صد و پنجاه سالۀ آن

حضرت، غروب بود و دلم گرفته بود و می‌گفتم بار خدایا امام عزیزمان در زیر آسمان سیاه شب با تو ای خالق یگانه چه می‌گویدی؟ چه نجوا می‌کنی؟ چه سوز و گدازی در ناله‌های آن حضرت است؟ خداوندا تنها تو از درد دل و غمهای امام عزیزمان باخبری، آری بغض راه گلویم را گرفته بود و گریه امانم را ریوده بود. شب شد. خواب امامان را دیدم. ابتدا از زمین به آسمان صعود کردم در وقت گذشتن از زمین موانعی جزئی با منتهای بزرگ راهم را مسدود می‌کرد چون به آنجا رسیدم فریاد زدم: «یا مهدی ادرکنی، یا اباصالح ادرکنی» سپس به آسمان صعود کردم. در آسمان لوحی را دیدم که حاوی جملات عربی بود و در برابر من قرار داشت، من از آن چیزی نمی‌فهمیدم، اما صدای نافذ و رسا و پر سوز و گداز امامان را رسا و شیرین و جگرسوز می‌شنیدم که با عربی حزن‌انگیزی که در این عالم سراغ ندارم جملات عربی را می‌خواند و من گریه می‌کردم، بطوری که دوست نداشتم از خواب بیدار شوم. آری به حق که امام عزیزمان مظلوم است و مظلومانه زندگی می‌کند و دل پرخونی از فجایع جهانی و حتی از مسلمین دارد. تاریخ خواب اردیبهشت ماه سال ۷۲ بود.

به امید ظهور سرور مستضعفان و ظهور درهم کوبنده ستمگران

[ ۱۲ ]

شب چهارم مهرماه سال هفتاد و دو بود در خواب آموزگارم را دیدم که در باغ بزرگی قدم می‌زد او مرا صدا زد و گفت دخترم این جانماز را بگیر و نمازت را ترک نکن که آقا امام زمان عجل الله فرجه الشریف تشریف می‌آورند، البته آن خانم همیشه از آن حضرت و وظایف ما در برابر او صحبت می‌کرد والسلام.

[ ۱۳ ]

اوایل سال ۷۲ بود به جلسه روحانی و نوحه‌سرایبی رفته بودیم، و خانم جلسه برایمان صحبت می‌کرد و از امام زمان عجل الله فرجه الشریف می‌گفت و ما همگی مشتاق بودیم و گوش می‌دادیم، او از مصائب آقا امام زمان علیه السلام صحبت کرد و گفت آقا امام زمان علیه السلام را در خواب دیدم ایشان ناراحت بودند و من از آن حضرت گله می‌نمودم که چرا ظهور نمی‌کنند و نمی‌آیند تا مصائب و مشکلات ما را از بین ببرند (البته اذن ظهور آن سرور

عزیز روحی له الفداء به امر پروردگار انجام می‌گیرد) و آن حضرت بیان نمودند مگر شما ظهور و فرج من را از خداوند تقاضا نمودید و من نیامدم.

[ ۱۴ ]

خانم مؤمنه‌ای را می‌شناسم که به ایمان او یقین دارم و می‌دانم که هرگز دروغ نمی‌گوید، او به من گفت: مولایم علی علیه السلام را در خواب دیدم ایشان بقدری با نفوذ و زیبا بودند که حدّ نداشت، به من فرمودند به نمازت مداومت کن و از آن حفاظت نمای که فرزندم حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف ظهور می‌کند. آری امیدواریم ان‌شاءالله ایشان ظهور نمایند و به غم و اندوه مشتاقان خاتمه دهند و احکام الهی را در سطح جهان زنده نمایند.

[ ۱۵ ]

شب عاشورای ۱۴۱۴ هـ. بود خواب دیدم در حسینیه جباری هستم و همه جا غرق در نور است و در آن محفل نورانی امام حسین علیه السلام را دیدم ایشان به من گفتند حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف می‌آیند دیگر بار خواب دیدم در همان حسینیه جباری هستم، همه جا غرق گل است و نور و شیرینی و بعد حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف را دیدم که می‌فرمودند: «من به زودی می‌آیم».

سپس به مردم حسینیه نگاه کردم بعضی را دیدم خوشحال بودند و بعضی دیگر بی‌خیال. سپس برای بار سوم خواب دیدم که مردم شعر گفته‌اند و مردم هم صدا می‌گفتند: «یا مهدی ادرکنی، یا مهدی ادرکنی، اللهم صلّ علی محمد و آل محمد». والسلام.

به امید پیروزی حق علیه باطل و دیدن جمال تابان و زیبای

سرورمان و اجرا شدن احکام قرآن

در سطح جهان

[ ۱۶ ]

بنام الله دوست و یاور مظلومان

در تابستان سال ۷۲ خواب دیدم وارد یک جلسه روحانی شدم که درباره حضرت

مهدی ارواحنا له الفداء بود، و برقها را خاموش کرده بودند و نوری کم و بیش روشن دیده می شد، در آن تاریکی نامه‌ای به دستم داده شد و به من گفته شد: نامه را در حضور دیگران باز نکنم، چون نامه را باز کردم نوشته شده بود:

«حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف می آید».

چون فردای آن روز به جلسه‌ای که دعوت داشتم رفتم، دیدم از امام زمان ارواح العالمین له الفداء صحبت می شود و نوحه خوانی انجام می گیرد. امیدوارم هر چه زودتر پروردگار اذن ظهور سرورمان را بدهند که اذن ظهور با امر خدا و ناگهانی انجام می گیرد و هیچکس از زمان آن آگاه نیست جز خودش.

آری: با آمدن نشانه‌های ظهور باید هر آن منتظر ظهور امام عزیزمان باشیم و همیشه خود را آماده این امر بکنیم.

### [ ۱۷ ]

شب یکشنبه ۳۰ / ۸ / ۷۲ بود ناراحت بودم و گریه می کردم که به خواب رفتم به خداوندی خدا قسم خواب دیدم در آسمان یک چیز نورانی شبیه ستاره پدید آمد و همه تکبیر گفتند و به من گفتند: تو نیز تکبیر بگو، آنها به من گفتند: حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف ظهور کرده، این جریان به قدری واقعی بود مثل اینکه چشمانم بسته نبود، صدای تکبیر آنها هنوز در گوشم باقی است، واقعاً هر کس به یاد حضرت مهدی ارواحنا له الفداء باشد او هم به یاد او خواهد بود.

### [ ۱۸ ]

با نام او که حقیقت وجود است و یگانه مطلق جهان هستی و با سلامی همیشگی به آخرین ذخیره و صفی‌اش حضرت مهدی منتظر - عجل الله فرجه الشریف - .

در شب ۱۶ / ۲ / ۷۳ خواب دیدم که حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف ظهور کرده‌اند. هلی کوپترها از هوا زمین را گل باران می کردند و ماشینها بوق می زدند و همه مردم دلشان لبریز از شادی و نشاط بود، چقدر زیبا بود همه شهر غرق در شور و شغف بود و همه شاد بودند. در این گیر و دار مردان را دیدم که با لباسهای سفید با پلاکاردهائی از حضرت،

همراه با شعارهای مذهبی به طرف حرم مطهر شاهچراغ می روند. من از این جریان به قدری ذوق زده شدم که به خانمی از دوستانمان که از مشتاقان حضرت بقیة الله الأعظم بود خبر دادم و به ایشان تبریک گفتم، بعد از مدتی او و همسرشان را در صف راهپیمایان دیدم در حالی که شوهر ایشان لباسی سفید بر تن کرده بود و عکسی از حضرت مهدی علیه السلام را در دست داشت. آنان به اتفاق دیگران همچنان به طرف حرم مطهر در حرکت بودند، وقتی به مرقد شریف شاهچراغ نزدیک شدیم، در یک لحظه حضرت امام منتظر به اتفاق مادرگرامیشان نرجس خاتون علیها السلام که چادر سفیدی را بر سر کرده بود و بسیار نورانی بود، از مردم استقبال کردند و همه وارد حرم شاهچراغ شدند و شادی می کردند و زیارت می نمودند.

به امید ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف.

خواننده عزیز مشابه همین خواب را خواهر مؤمنه دیگری هم دیده اند با این تفاوت که آن خواهر نقل می نمودند مردم همه پرچمهای «یا حسین شهید، یا حجة بن الحسن العسکری و یا مهدی» در دست داشتند و به طرف چادرهای مستقر در نقاط شهر می رفتند و برای شرکت در جهاد ثبت نام می کردند.

[ ۱۹ ]

شب سی و یکم مهرماه سال ۷۲ بود خواب دیدم در حال خواندن قرآن هستم و در آن حال نور سبزی روی قرآن ظاهر شد که آن نور تمام سوره های آن را غیب کرد و سپس آن نور از قرآن به طرف خورشید بالا رفت و خورشید حرکت نمود و بالای سر مادرم قرار گرفت، من به آشپزخانه رفتم تا آب بیاورم، چون آمدم دیدم نور سبز همه جا را پوشانده است.

[ ۲۰ ]

در خواب امام زمان سلام الله علیه را دیدم که بسیار ناراحت و نگران بود، گفتم: آقا جان چرا سراغ ما نمی آید و ظهور نمی کنید؟ که ما مصائب و مشکلات داریم و دل نگران هستیم! آقا فرمودند: «شما امر ظهور مرا از خداوند تقاضا نمایید و دعا کنید».

## [ ۲۱ ]

در شب ۳۱ شهریور ماه ۱۳۷۲ ش. آقای نورانی را دیدم که برای مردم سخنرانی می نمود و از دهان او به هنگام صحبت کردن بار بار طلا بر زمین می ریخت و مردم با دیدن چنین جریانی خداوند تبارک و تعالی را به عظمت و بزرگی ستایش می نمودند.

## [ ۲۲ ]

۲۹ شهریور ماه سال ۷۲ خواب دیدم که با خانواده خود به باغ رفتیم وارد باغ که می شدیم درختان صنوبر پشت سرمان به ترتیب می افتادند ما به راه خود ادامه می دادیم تا زیر درختی نشستیم.

من و دختران اقواممان برای گردش به باغ رفتیم به نهر آبی رسیدیم که بسیار زلال و زیبا بود و ماهیهای قرمزی در آن بود و بعد از آن یک درخت انار پرثمری را دیدم که پر از انار بود و اناری بود که از همه بزرگتر و خوش رنگتر بود، من آن را چیدم و دو نیمه کردم که به یکباره دیدم نور سبزی از آن به آسمان رفت که این نور سبز یک آیه قرآن به همراه داشت.

## [ ۲۳ ]

در اوایل سال هفتاد و دو بود مادرم نقل می کرد نشسته بودم و به وضع بد زندگیمان می اندیشیدم در همان حال بین خواب و بیداری که هنوز کاملاً نخوابیده بودم امام زمان علیه السلام را دیدم که با عمامه سبز سوار بر اسبی هستند و یاران آن حضرت پشت سر ایشان هستند و پرچم سبزی را تکان می دهند.

## [ ۲۴ ]

در نیمه سال هفتاد و دو خواب دیدم همه به بیرون از خانه ها می آیند و همه به آسمان نگاه می کنند و خبر از ظهور حضرت حجت علیه السلام را می دهند در آن حال مادرم به من می گفت به آسمان نگاه کن، صورت زیبای امام عجل الله فرجه الشریف است، و من نگاه کردم آسمان نور باران بود، در آن حال زمین تکان خورده بود، آقای بسیار نورانی کنار دست ما بود و با ما صحبت می نمود و می گفت: وقتی زمین تکان خورد شما سوره مبارکه



«الزَّلْزَال» را بخوانید تا در امان بمانید. (۱)

## [ ۲۵ ]

مهرماه سال ۷۲ خواب دیدم که هلی کوپتری در آسمان پرواز می‌کند و کاغذهای زیادی را بیرون می‌ریزد، چون هلی کوپتر پائین آمد، نور سبزی از آن پخش می‌شد که آن نور همه جا و از جمله جسم مرا در برگرفت.

خواننده عزیز مشابه این خواب را دختر مؤمنه دیگری دیده است که عیناً آن را در اینجا نقل می‌نمائیم. این دختر مسلمان بیان می‌کند:

## [ ۲۶ ]

در بهمن ماه سال ۷۲ خواب دیدم به همراه پدرم به طرف فرودگاه می‌رویم، از او پرسیدم: پدرجان کجا می‌رویم؟ او بیان نمود: دخترم مگر نمی‌دانی امروز هواپیمای امام زمان ارواحنا له الفداء بر زمین می‌نشیند؟ ما به استقبال ایشان می‌رویم، چون حرکت نمودیم به باند فرودگاه نزدیک شدیم در آنجا گروه زیادی را دیدم که همه به استقبال شخص امام علیه السلام آمده بودند و همه افراد شاد بودند و اظهار شادی می‌کردند.

در آنحال به آسمان نگاه کردم که یک دفعه هواپیمای امام زمان سلام الله علیه را دیدم که در آسمان چرخ می‌خورد و منتظر فرود است و همه مردم با دست هواپیما را نشان هم می‌دادند و من و پدرم مانند دیگران به آن اشاره می‌کردیم که از خواب بیدار شدم.

## [ ۲۷ ]

۲۲ / ۷ / ۷۲ پدرم تصادف کرد، او را به بیمارستان نمازی واقع در فلکه نمازی - شیراز - بردند، بعد از ۲۴ ساعتی که حالشان خوب شد نقل می‌کردند که خواب حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف را دیدند که با لباس سبزی با حضرت علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام ایستاده بودند و حضرت فاطمه سلام الله علیها هم بودند ایشان می‌گفتند: «سرم مهدی علیه السلام به همین زودیها می‌آیند و عاقبت گناهکاران را می‌گوید، و کارهای خوب

۱ - «زلزال» یا «زلزله» سوره «اذا زلزلت» است که نود و نهمین سوره قرآن است.

و بد شما را بیان می‌دارد و به خوبی می‌داند که چه کسی کار نیک انجام داده و چه کسی کار بد انجام داده است.»

## [ ۲۸ ]

شب ۳۰ / ۱۰ / ۷۲ خواب دیدم که در مشهد هستم و به زیارت امام رضا علیه السلام رفته‌ام و در آنجا خوابیده‌ام، من در آنجا حضرت مهدی ارواحنا له الفداء را بالای سر خود دیدم، او به من می‌فرمود: که تو کارهای خوب کردی و آینده خوبی را داری. حضرت مهدی ارواحنا له الفداء عمامه سبزی را به سر داشتند و لباس سبزی را به تن کرده بودند، او برای من صحبت می‌کرد و می‌گفت که «من می‌آیم» بعد از آن حضرت حضرت علی علیه السلام آمدند و فرمودند: مهدیم راست می‌گویند، او می‌آید، خودتان را آماده کنید و کارهای خوب انجام دهید و امر به معروف و نهی از منکر کنید، که برای شما خیلی لازم است، بعد از ایشان حضرت امام حسین علیه السلام تشریف آوردند و به من فرمودند: «پدرم راست می‌گوید، شماها باید گل بخرید و خانه‌های خود را چراغانی کنید و همدیگر را متذکر شوید و امر به معروف و نهی از منکر کنید، و سخنان حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف را گوش کنید.»

در اینجا بود که مادرم صدایم زد و گفت: چرا رنگت پریده؟ بلند شو وقت نمازت دیر شده، باید خود را آماده نماز کنی، پس سر از رختخواب برداشتم تا نماز بخوانم و به مدرسه بروم.

## [ ۲۹ ]

در جریان جنگ تحمیلی ایران و عراق، شبی خواب دیدم که از زمین زبانه‌های آتش سرخی به عظمت کوهها بالا می‌رود و سر بر آسمان می‌کشد، سپس از آنجا به طرف زمین و مردم نزدیک می‌شود. این شعله‌ها به تدریج نزدیک و نزدیکتر می‌شد تا به نزدیکی من رسید من با عجله خودم را به زمین انداختم و آن را خاکستر نمودم، از دیدن خواب وحشت زده بودم و در عالم خواب استغفار می‌نمودم که از خواب بیدار شدم.

## [ ۳۰ ]

در پائیز سال ۷۲ ش. در عالم خواب دیدم در صحرای بزرگی هستم شب بود و تاریکی همه جا را گرفته بود، خیمه‌ای در آنجا برافراشته بود، سمت راست آن خیمه لامپهای نورانی زیادی نصب کرده بودند و در داخل خیمه تعدادی مرد نشسته بودند و سمت چپ آن چند تن از دوستان طلبه‌ام و خانمهای دیگر نشسته بودند و گریه می‌کردند، من کنار خیمه رفتم در حالیکه کتابی در دستم بود که درباره امام زمان روحی له الفداء نوشته شده بود. این کتاب جلدی آسمانی داشت که من می‌بایستی آن را با صدای بلند می‌خواندم این کار را انجام دادم و شروع به خواندن کردم، در بعضی موارد در نحوه گفتارم اشکال وجود داشت چون آن مطالب را در میان جمع خواندم و به پایان آن رسیدم با صدای بلند گفتم: «یا مهدی عجل علی ظهورک» آن جمعی که با من بودند آن جمله را تکرار می‌کردند، سپس همگی با هم حرکت کردیم و به طرف شهر رفتیم، چون به شهر رسیدیم دیدیم مردم شهر همه در خیابانها ریخته‌اند و با صدای بلند گریه می‌کنند و فریاد می‌زنند «یا مهدی عجل علی ظهورک» من در این وضع به یکی از دوستانم که سیّده است رسیدم، به او گفتم: تو در اینجا چه می‌کنی؟ مثل اینکه تو هم آمدی و همین جمله را با ما ادا می‌کنی، او هم گفت: بله من هم همین کار را می‌کنم که از خواب بیدار شدم.

## [ ۳۱ ]

در عالم خواب دیدم همه مردم به طرف مشهد می‌روند و همگی در تکاپوی عجیبی بودند، آنها می‌خواستند خود را برای جشن مهمی آماده کنند، هوا بسیار آلوده و غبارآلود بود، اتوبوسهایی در کنار «دارالرحمه» مستقر بودند و مردم را سوار می‌نمودند و به مشهد می‌بردند. همگی متعجب و متعجب بودند و هر کس به دنبال کار خود بود، من با عجله کارهایم را انجام دادم و به منزل یکی از اساتید رفتم در حالیکه کوزه‌ای در دست داشتم خانم استاد ما فرمودند: کتابهای قرآن را جمع کن، و آنچه را از تفسیر نوشته‌ای به صحافی بده و برگهای آن را جمع کن و در داخل یک پوشه سبز بگذار. و من این کار را کردم از پنجره اتاق آفتابی بسیار زیبا و روشن که تا به حال ندیده بودم وارد خانه‌مان شد و در عالم خواب

من این شعر را زمزمه می نمودم:

مژده که دیدار فرا می رسد  
نوگل زهرا ز راه می رسد  
و خود را برای مسافرت به مشهد آماده می نمودم که از خواب بیدار شدم.

[ ۳۲ ]

در سال ۷۲ در عالم خواب دیدم که مادرم از منزل دایی ام که سفره حضرت عباس علیه السلام انداخته بود، برگشته و سفره ای پهن کرده و منتظر عمویم و دوستش است که یک دفعه آسمان تاریک گشت. و بمبهایی از طرف قبله پرتاب می شد و شاخه های درختان را می شکست، همه جا می لرزید، گرد و غبار آسمان را پوشانده بود، پدرم می گفت: این جنگ جهانی سوم است، من خیلی ترسیده بودم و مرتب می گفتم این نشانه ظهور است، این نشانه ظهور است، که ناگهان هوا متمایل به سرخی شد و رنگ آسمان سرخ متمایل به طلایی و زرد شد که این رنگ از طرف قبله می آمد، که به یکبارگی آسمان شروع به باریدن کرد.

[ ۳۳ ]

سال قبل (۷۲) خواب دیدم زیر درختان بسیار سبزی یک سید بزرگوار نشسته است البته در عالم خواب به دلم بود که این آقا حضرت امام زمان روحی له الفداء هستند، سپس حضرت زهرا سلام الله علیها آمدند و کنار ایشان نشستند و چیزی را در گوششان زمزمه نمودند، آقا ناراحت شدند و شروع به گریه کردند، آن حضرت سریع از کنار آقا رفتند. فاصله بین آقا و حضرت زهرا سلام الله علیها یک حوض بسیار بزرگ قرار داشت. بعد از رفتن حضرت زهرا به اتفاق آقا و جمعی از آقایان، به کنار قبری رسیدیم. آقا فرمودند: این قبر مولا علی علیه السلام است، زیارت کن که من زیارت نمودم و گریه کردم بعد از آن مراسم جشنی برپاشد و یکی از حضار شروع به تقسیم نمودن شیرینی کرد و آقا هم تشریف بردند.

[ ۳۴ ]

سال گذشته (۷۲) خواب دیدم در مجلسی نشسته ایم و صحبت می کنیم آقای بسیار نورانی به من گفت: بروید زیارت آل یاسین و دعای عهد بخوانید، من با ناراحتی گفتم: چقدر زیارت آل یاسین بخوانیم و امامان را صدا بزنیم و منتظر آقا باشیم و آقا نیایند؟!

ایشان در جواب گفتند: ناراحت نباش این وضع خیلی ادامه نمی یابد پس از مدّت کمی این وضع عوض می شود، که از خواب بیدار شدم.

## [ ۳۵ ]

در سال قبل (۷۲) در خواب دیدم با یکی از دوستانم کنار مسجد قائم شیراز ایستاده ام، گفتم: بیا داخل شویم، گفت نمی شود همه افراد داخل آن شوند، بعد به اتاقی از مسجد اشاره کرد، چون نگاه کردم، دیدم افرادی نورانی با لباس سفید که صورتشان مشخص نیست، از آن بیرون می آیند و به اتاق دیگری روند، بعد از آن کلمه هایی نورانی را دیدم که از در مسجد بیرون می آید چون دقت نمودم، دیدم آن نوشته های نورانی جمله «ابن الزهراء» است، یک گروه از افرادی که در پشت سر من قرار داشتند فرار می نمودند و آن نوشته بسیار نورانی همچنان از در مسجد ساطع می شد که از خواب جستم.

## [ ۳۶ ]

در سالی که گذشت (۷۲) در عالم خواب دیدم که با یکی از دوستانم به قبرستان بقیع رفته ام، در آنجا زیارت کردم و سپس به جای خلوتی رفتم به من گفتند: اینجا قبر حضرت زهرا سلام الله علیها است آن قبر نسبت به قبرهای دیگر بلندتر بود، دو پارچه سبزی رویش انداخته بودند، و چراغها و لامپهایی را در اطرافش روشن کرده بودند.

کنار قبر زانو زده گریستم و به حضرت عرض نمودم ای حضرت زهرا من هیچ حاجتی از شما نمی خواهم، جز فرج امام زمان ارواحنا له الفداء، در این حال خانمی به آنجا آمد و من را بلند کرد، صورت او را من نمی دیدم، او مرا به طرف خانه های بسیار قدیمی برد و یک تنگ (پارچ) آب بسیار خوش گوار و شیرین که با آبهای دیگر فرق داشت به من داد که نوشیدم و لذت بردم.

## [ ۳۷ ]

سال قبل (۷۲) خواب دیدم که ظهور حضرت مهدی ارواحنا له الفداء نزدیک شده به دوستانم در حسینیه جباری - شیراز - خبر دادم، آنها هم شب چهارشنبه را چراغانی کرده بودند و جشن را آغاز کرده بودند و می گفتند: برای آغاز جشن، امام زمان روحی له الفداء

برای مردم سخنرانی می‌کنند.

که بعد آقا امام زمان روحی له الفداء سخنرانی کردند و یک آقا که در حسینیه بود برایمان دعا خواندند.

این را هم بگویم که چون از خواب بیدار شدم بوی عطر دل آویزی همه جا را گرفته بود.

### [ ۳۸ ]

چند سال پیش خواب دیدم که ماه شکاف خورد و سوارکارانی بسیار نورانی از ماه بیرون آمدند از جمله حضرت علی علیه السلام، حضرت محمد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امام حسن و امام حسین عليهما السلام و بعد از آن یک تکه پاره سبز و قطعه‌ای طلا به من دادند.

خواننده عزیز: به تعبیر مؤلف آمدن سوارکارانی نورانی از ماه به زمین اشاره به منبر نشستن این ذوات انور در بیت المعمور دارد و یا اشاره به رجعت خاندان کریمه دارد الله اعلم.

### [ ۳۹ ]

در تاریخ ۱۰ / ۹ / ۷۲ خواب دیدم چهره امام زمان عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در ماه مشخص شده است و تمام فرشتگان از طرف خداوند تبارک و تعالی دور ماه را گرفته‌اند، و آیه‌ای درخشان و نورانی در آسمان مشخص شده، و نوشته شده بود در آسمان جملاتی به عربی، که من معانی آنها را نمی‌دانستم و سپس مردم را دیدم که پشت سر آقا امام زمان ارواحنا له الفداء صف بسته‌اند و همه با هم حرکت کرده، و برای جنگ با کشورهای استعمارگر بسیج شده‌اند و برای مبارزه می‌روند. به اینجا که رسیدم از خواب بیدار شدم.

### [ ۴۰ ]

در ۹ / ۹ / ۷۲ خواب عجیبی را دیدم خواب دیدم که به خیابان خلوتی رفته بودم، در آنجا گروه زیادی بودند که در میان آنها من عموم را شناختم که از دنیا رفته است. سپس از آسمان تکه ابری به طرف پایین آمد که بسیار نورانی بود، و از آن ابر برگه‌ها و ورقه‌های زیادی به زمین می‌ریخت که درباره امام زمان عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ الشَّرِيفَ نوشته شده بود. به

امید ظهور سرور مستضعفان جهانمان و پیروزی حق علیه باطل.

## [ ۴۱ ]

در شب ۲۸ / ۹ / ۷۲ مولا ایمان آقا امام زمان علیه السلام را خواب دیدم که آن را برای شما شرح می‌دهم:

خواب دیدم در باغی سرسبز بودم و در آنجا پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بودند، آن حضرت کتابی را به من دادند که بسیار نورانی بود با جلدی سبز رنگ و روی آن نوشته شده بود: «پیام حضرت محمد».

آن حضرت کتاب را به من دادند و گفتند به پدر و مادر و دوستان خود بگویید: امام زمان علیه السلام به زودی ظهور می‌کند، و بدانید که دیگر دوران غم به پایان می‌آید، و ناراحت نباشید، صورت پیامبرمان بسیار نورانی بود به حدی که من نمی‌توانستم صورت ایشان را ببینم. البته لازم به تذکر است که من با حجاب کامل در برابرشان بودم. به هر حال این بود جریان خواب من.

## [ ۴۲ ]

شب ۱۸ / ۹ / ۷۲ پدر بزرگم را دفن نمودیم و او به ملکوت اعلیٰ پیوست، محل دفن او قبرستان آباده نزدیک خانه ما قرار داشت.

من آن شب حوالی ساعت هفت مخفیانه با چند نفر دیگر یعنی خواهرم و دو دختر عمویم که همگی دوقلو هستیم یعنی من با خواهرم و دو دختر عمویم هم با هم، من با آنها به سر آرامگاه پدر بزرگم رفتم، در آنجا بین حالت خواب و بیداری حضرت مهدی ارواحنا له الفداء آمدند و به من گفتند: جای پدر بزرگت در بهشت است، زیرا او امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد، آن حضرت به من شاخه گلی را هدیه نمودند و گفتند: من به زودی می‌آیم و مردم را از خواب بیدار می‌کنم، و آنان را به راه راست هدایت می‌کنم، سپس ایشان فرمودند: «مردم شکوفه‌های دل من هستند و من دوست دارم بیایم و در میان مردم باشم». سپس با هم دور زدیم که ناگهان آن حضرت غیب شدند و من ناگهان نور سبزی را به شکل قلب دیدم که در وسط آن صورت حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف قرار

داشت. ایشان از من خداحافظی کردند و گفتند: «من ظهور می‌کنم و دیگر در کنار شماها هستم». به امید ظهور سرورمان ان‌شاءالله.

## [ ۴۳ ]

شب ۲۶ / ۹ / ۷۲ بود، خواب دیدم بالای کوه بلندی که بسیار سرسبز و خرم و پرگل بود و همه جا عطرآگین بود و بوی گل محمدی تند دل‌آویزی می‌آمد، نور سبزی پیدا شد و این نور به صورت انسان بلند بالای خوش سیمایی درآمد، که بسیار نورانی بود، و در صورت زیبای آن انسان در طرف راستش یک خال هاشمی قرار داشت، با نشانه‌هایی که داده بودند من شناختم که آن آقا سرور مستضعفان عالم حضرت بقیةالله الأعظم روحی له الفداء هستند، آقا لباس سبز نورانی پوشیده بودند و شال سبزرنگی هم دور سرشان بود، آن حضرت با صدای بسیار بلند با فریاد به مردم می‌گفتند: ای مردم، ای مردم، بدانید زمان ظهور فرا رسیده و نزدیک شده، منتظرم باشید و بدانید که ظهورم نزدیک است. بعد از گفتن این جمله آقای ما امام زمان محبوب ما از بالای کوه به پایین آمدند. من خودم را به ایشان رسانیدم و گفتم: آقا جان چرا با مردم چنین سخنی را گفتید؟ امام زمان ارواحنا له الفداء در جوابم فرمودند: چون بسیاری از مردم از یاد من غافل هستند و غفلت می‌کنند و توجه ندارند و فکر می‌کنند من ظهور نمی‌کنم، چنین گفتم بعد از آنکه سخنان ایشان تمام شد از خواب بیدار شدم.

## [ ۴۴ ]

در سال (۷۲) خواب دیدم به خیابان آمده‌ام، همه جا را چراغانی کرده بودند، بیشتر چراغها به رنگ سبز بسیار زیبایی بود، همه جا غرق نور و شادی بود، و شیرینی بود، که در بین مردم تقسیم می‌شد، و همه جا شیرینی می‌دادند، من حیرت زده از چند نفر پرسیدم مگر چه خبر است؟! آنها در جوابم گفتند: مگر نمی‌دانی؟ گفتم: نه، گفتند: آقا امام زمان علیه السلام ظهور کرده‌اند. من در آن جمع دو پسر عموی مؤمنم را دیدم که از باختران به شیراز آمده بودند.



## [ ۴۵ ]

در ماه مبارک رمضان سال ۱۴۱۳ هـ. خواب دیدم به جایی می‌روم و هر قدمی که برمی‌دارم کسی پشت سر من است که من وجودش را احساس می‌کنم، چون پشت سرم را نگاه کردم متوجه نور درخشنده‌ای شدم که چون او را دیدم از هوش رفتم، هنگامی که به هوش آمدم متوجه شدم مردی با لباس سفید و بسیار نورانی روبروی من است. من او را به وضوح می‌دیدم، روی سینه آن شخص کاغذی قرار داشت که روی آن نوشته شده بود: «ظهور من نزدیک است».

من از او پرسیدم: منظور چیست؟ و چه می‌فرمایید؟ آن آقا بیان داشتند: «من مهدی فاطمه سلام الله علیها هستم و آمدم به شما بگویم که چون خانم جلسه هستید در جلسات به مردم بگویید که ظهور من نزدیک است، تا مردم از خواب غفلت بیرون بیایند و بیدار شوند و آگاهی یابند».

به امید ظهور مولا و سرورمان حضرت حجة بن الحسن العسکری

## [ ۴۶ ]

در روز ۱۳ / ۹ / ۷۲ من این خواب را دیدم که برای شما بازگو می‌کنم و امید دارم که بر طبق وعده حق حضرت مهدی عزیز ارواحنا له الفداء ظهور نمایند و جهان را پر از عطر و بوی محمدی نمایند. به امید آن روز.

و حالا شرح خوابم: خواب دیدم به منزل خواهرم می‌روم در راه همه جا پر از گل و گیاه و سبزی و طراوت بود در بین راه شخصی بسیار نورانی را دیدم که عمامه‌ای سبز رنگ بر سر داشت و خال سیاه خوش نقشی روی گونه راستش قرار داشت او به من گفت کجا می‌روید؟ من به ایشان گفتم: به منزل خواهرم می‌روم.

بعد از مدتی که راه رفتیم ایشان به من فرمودند: فردا به مردم ابلاغ کن که کسی که سالهای سال است منتظرش بودید بعد از مدتها ظهور می‌کند و پدیدار می‌شود. چون این موضوع را دانستی باید این خبر را یعنی خبر ظهور را به مردم ابلاغ کنی.

به امید ظهور حامی مستضعفان جهان و برپایی دولت حق و عدالت و برپایی

حکومت حقّه و نابودی باطل.

[ ۴۷ ]

در شب ۱۵ / ۹ / ۷۲ خواب دیدم:

در کویری خشک و بی آب و علف هستم، در آن بیابان با فرزندانم تنها بودم و آنها به دنبال آب می گشتند و سراسیمه اینجا و آنجا می رفتند، تا بلکه قطره آبی پیدا کنند و رفع تشنگی نمایند. من به آنها می گفتم: برگردید به خانه که جای امن تری است، ولی آنها تشنه بودند و به دنبال آب می گشتند و با هراس می دویدند، بعد از مدّتی دویدن به این سو و آن سو، به کنار جوی بزرگ و پر آبی رسیدیم که کنار آن درخت بسیار سرسبز و بلند و باطراوت و شاداب و زیبایی قرار داشت. چون به آنجا رسیدم، دستم را دراز کردم تا آب بیاورم، اما جویبار نسبتاً دور بود و دست من به آن نمی رسید، و من نمی توانستم، ناگهان از وسط درخت سرسبز و خرم ندایی آمد که این دو ظرف را بگیر، چون نگاه کردم یکباره دیدم درخت شکافی خورد و از آن چشمه‌ای بیرون زد، من به او گفتم تو کیستی؟ او در جوابم فرمود: «من صاحب زمان شما هستم، من مهدی موعود شما هستم». سپس من ظرفهای آب را برداشتم و دیدم درخت غیب شد. از ندیدن او ناراحت شدم سپس یکی از ظرفها را به دخترم دادم و دیگری را خودم برداشتم و به راه افتادم و به خانه آمدم، همه مردم تشنه بودند، من به همه مردم آب می دادم و تمام مردم و همسایه‌های نزدیکمان را آب می دادم، دوباره ظرف پر از آب می شد و تمام نمی گشت.

به امید دیدار امام محبوب آسمانی حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء.

[ ۴۸ ]

من فردی هستم کاسب و رزق و روزی حلال را دوست دارم و آن را طالبم و کودکانم را با تربیت اسلامی پرورش می دهم. آنها را از کودکی با نماز و روزه و آداب اسلامی پرورش داده‌ام، و از لطف پروردگار فرزندانم مؤمن و متعهد هستند، یکی از پسرانم از اعضای فعال مسجد است و دختر دیگرم طلبه است و تفسیر قرآن می نویسد، امیدوارم کارش مورد رضایت خداوند منان قرار گیرد جریانی را که تعریف می کنم از نوه کوچکم می باشد که سال

چهارم ابتدائی است:

قبل از رحلت مرحوم آیه الله گلپایگانی قدس سره در آذرماه ۷۲ ش. صبحی او از خواب بیدار شد و گفت: پدر جان من دیشب خواب خوبی دیدم، همه نگاهها به طرف او برگشت، گفت: پدر جان آقای گلی کیست؟ گفتیم منظورت چیست؟ گفت: دیشب خواب دیدم مردم سیاه پوشیده‌اند و بر سر و روی خود می‌زنند و می‌گویند: مرجع تقلیدمان از دستمان رفت. ما تازه متوجه شدیم که آیه الله گلپایگانی را می‌گوید.

او اضافه کرد چون مردم عزاداری می‌کردند و شعار می‌دادند و راه پیمائی می‌کردند آقای بسیار نورانی و باشکوه را دیدم که ظاهر شدند و به مردم گفتند: می‌دانم ناراحتید؟ ولی من هستم و به زودی ظهور می‌کنم، شما ناراحت نباشید. این بود شرح آن چه گذشت، امیدوارم هر چه زودتر آقا و مولا و سرورمان ظهور بفرمایند و جهان را گلستان سازند و آیین محمدی را زنده کنند.

#### [ ۴۹ ]

در شب ۲۸ / ۹ / ۷۱ خواب دیدم در جای باصفا و خرم بودم، در آنجا پلکانی زیاد دیده می‌شد، در دو ردیف آن پلکان دو آبشار بسیار زیبا و روان بود، چون نگاه کردم ابتدا دایی خود را دیدم که از دنیا رفته است، او ابتدا آمد، به دنبال او دایی دیگرم که هنوز زنده است، و به دنبال آنها سه مرد بسیار زیبا و نورانی به تدریج پایین آمدند، من ابتدا فکر می‌کردم که یکی از آن سه مرد امام زمان عجل الله فرجه الشریف است، اما دیدم او هم منتظر فرد پشت سرش است، بعد از آن سه مرد نورانی، پدرم را دیدم که با لباسهای سفید و روشن به پایین آمد و گفت: کنار بروید کنار بروید: «امام زمان عجل الله فرجه الشریف می‌خواهند تشریف بیاورند» در اینجا بود که از خواب پریدم و بار دیگر در میان خواب و بیداری دیدم که نوری بسیار عظیم و روشن پشت سرم هست، چون خواستم به طرف نور بروم قدرتی مرا از رفتن بازداشت، مثل اینکه شخصی مرا گرفته بود و نمی‌گذاشت، به زور سرم را به عقب برگرداندم و یک انسان نورانی را دیدم که می‌گفت: اجازه بدهید و کمک کنید تا او امام زمانش علیه السلام را ببیند.

## [ ۵۰ ]

اوایل آذرماه سال ۷۲ ش. خواب دیدم از فلکه شهرداری شیراز به سوی فلکه فرودگاه می‌روم، در اتوبوس بودم، خانمی مؤمنه کنار من بود، او برایم از نشانه‌های ظهور می‌گفت، و اینکه زمان ظهور نزدیک است و نشانه‌های ظهور به دنبال هم آمده و می‌آید. من هم در تأیید ایشان می‌گفتم: ظهور مولا و سرورمان ارواحنا له الفداء نزدیک گشته است، چون چنین گفتم، تأکید نمودم که از آقا غافل هستیم، سپس بیان داشتم: خیلی از خانمهای مؤمنه و دیگران خواب دیده‌اند که آقا و مولایمان ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء ظهور می‌کنند، همین طور با هم صحبت می‌کردیم که به منطقه کوی زهرا رسیدیم، آن خانم حوالی کوی زهرا را به من نشان داد و گفت: این هم از علائم ظهور است، من هم تأکید کردم و گفتم: این از نشانه‌های ظهور است.

می‌دانید چه چیز را دیدم دود و غبار سیاه متراکمی که فضای آن منطقه را پوشانده بود و به تدریج پخش می‌گردید. این بود جریان خواب من، امیدوارم ظهور مولای جهانیان نزدیک گردد و عدل الهی برقرار شود.

## [ ۵۱ ]

در سال هفتاد و یک خواب دیدم فضای شهر دگرگون شده، آسمان وضع عجیبی گرفته، ابری متراکم و فشرده و تیره فضای شهر را در بر گرفته بود، همه با عجله و به حالت شتاب به سوی فلکه ستاد شیراز می‌رفتند، و همه اخبار در آنجا بود و از آنجا شروع می‌شد، من خودم را به خیابان رساندم و گفتم: چه خبر است؟ که دیدم همه سراسیمه هستند و در آن میان شخصی بسیار نورانی و با ابهت را دیدم که بر فراز اسب نشسته و شمشیر درخشانده و برآنی را در دست دارد، و همه اطرافش را گرفته‌اند.

پرسیدم چه خبر شده؟ گفتند: مولا و سرورمان امام زمان ارواحنا له الفداء ظهور کرده‌اند و تشریف آورده‌اند. بعد از آن دیدم آسمان شروع به باریدن کرد و همه جا درخشانده و زیبا و باصفا شد و آبهای روان و تمیز تمام جدولها و جویها را پر کرد و به سرعت روان شدند.

این خواب بقدری عجیب و هیجان‌انگیز بود که هیچوقت از یادم نمی‌رود، امیدوارم ابرهای تیره ظلمت و جهل و نادانی از بین برود و غم و غصه جای خود را به شادی و پاکی و صفا و روشنایی بدهد. ان شاء الله

## [۵۲]

من دانش آموز هستم مدتی بود نمازهایم را سروقت نمی‌خواندم اما همیشه از این وضع ناراحت بودم تا اینکه تصمیم قاطع گرفتم که نمازهایم را سروقت بخوانم و همین کار را هم کردم و مدتی ادامه دادم. این را هم اضافه کنم که هر خوابی را که ببینم محال است تعبیر نشود، من همیشه منتظرم خوابم تعبیر شود، که می‌شود به هر حال در شب دوم دیماه ۷۲ ش. خواب بودم در خواب صدای جبرئیل امین علیه السلام را شنیدم، در دلم بود که این صوت صدای جبرئیل مقرب است صدای آن فرشته به وضوح شنیده می‌شد که می‌گفت: «حضرت مهدی امام زمان ظهور می‌کنند». من هر چه به مادر و خواهر و برادرانم می‌گفتم آنها احساس مرا درک نمی‌کردند، من به حیاط آمدم رو به قبله ایستادم، دیدم هوا مه آلود و گرفته است و هیچ جا پیدا نبود، خانه و حیاط و منازل دیگر در مه فرو رفته و دیده نمی‌شد و بعد از مدتی که گذشت صورت حضرت مهدی علیه السلام را در قرص کامل ماه دیدم که بسیار زیبا و با جلال و پرابهت بود، آن حضرت چهره‌ای درخشانده داشتند و عمامه‌ای سبز بر سر داشتند و به حدی مجذوب کننده بودند که من نمی‌توانم توصیف نمایم، چون خواستم جریان را به مادرم بگویم زبانم بند آمده بود و قدرت تکلم نداشتم، راستی فراموش کردم بگویم چون چهره درخشان امام عزیزمان پیدا شد و همه جا روشن و درخشان شد و زمین روشن روشن شد و همه چیز دیده شد، بعد از مدتی صورت امام از جلو دیدگانم رفت و من از خواب بیدار شدم.

امیدوارم هر چه زودتر امام عزیزمان ظهور کنند و دنیا را صفا بدهند و روشن کنند.

## [۵۳]

در سال ۷۲ ش. خواب دیدم در حرم امام حسین علیه السلام هستم، در آنجا مردم بسیاری به طواف مشغول بودند، در میان مردم حاضر در حرم، امام زمان عزیزمان را دیدم که قرآنی

در دست دارند. ایشان در میان مردم راه می‌رفتند و بین مردم شور و ولوله‌ای به پا شده بود و همه می‌گفتند امام زمان ارواحنا له الفداء ظهور کرده‌اند، و همه مشتاق دیدن آن حضرت بودند. به امید پیروزی حق علیه باطل و برپایی حکومت حقّه حضرت مهدی عزیز ارواح العالمین له الفداء ان شاء الله.

## [ ۵۴ ]

در شب آخر محرم سال ۱۴۱۴ هـ. خواب دیدم که: به آسمان می‌نگرم، امام زمان روحی له الفداء را دیدم که در حال قدم زدن بودند و خیلی نورانی دیده می‌شدند ایشان گفتند: برخیز و مردم را جمع کن و سپس با تکبیر الله اکبر در آنجایی که غروب آفتاب است پیام کنید، هنگامی که همه جمع شدند حرکت کردیم و در آن حال می‌گفتیم: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و به پیش می‌رفتیم، تا به صحرائی آمدیم و در آنجا دو رکعت نماز مانند نماز صبح خواندیم، بعد از نماز حرکت کردیم و سپس به جایی رسیدیم که مانند غروب آفتاب بود، سرخی آسمان در آنجا دیده می‌شد و دری بزرگ و چوبین در آنجا قرار داشت که باز شد و فرشته‌ها با لباسهای سفید دو طرف در را گرفته بودند، بعد که به آنجا رسیدیم چون خواستیم به حضور آقا برسیم فرشته‌ها فرمودند: اجازه دهید تا از آقا امام زمان ارواحنا له الفداء اجازه بگیریم، که امام اجازه ندادند و ما هم ایستادیم و گفتیم: حتماً در میان ما گنجه‌کاری هست، دوباره شروع به تکبیر گفتن کردیم بعد از مدتی اجازه داده شد. هنگامی که رفتیم به من گفتند: به مردم بگوئید از خواب غفلت بیدار شوند من گفتم آخر شوهر من اجازه نمی‌دهد از خانه خارج شوم، به خواهرم اشاره کردند و گفتند: به او بگو به مردم بگوئید، چون خواهرم خانم جلسات مذهبی است. باز همین جا بود که صدای اذان و تکبیر را شنیدم از خواب بیدار شدم.

## [ ۵۵ ]

در آذرماه ۷۲ خواب دیدم در حرم حضرت رضا علیه السلام هستم در آنجا من بودم و گروهی از طلاب دختر مکتب، وقت نماز ظهر بود ما آماده برگزاری مراسم نماز بودیم، تا اینکه شنیدیم سرپرست گروه ما بیان می‌دارد دختران مکتب خود را آماده کنند و به صف

جلو بیایند و به آقا امام زمان ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء اقتدا نمایند، در آن حال همه به صف ایستادیم و آماده نماز شدیم، نور آقا امام زمان علیه السلام همه جا را فرا گرفته بود، به حدی که همه جای حرم مطهر با هاله‌ای از نور سبز زیبا پوشانده شده بود. نماز را خواندیم، سپس یکی از دوستانم بیان داشت: بیا برویم زیارت آل یاسین بخوانیم، من گفتم زیارت آل یاسین در زمان غیبت خوانده می‌شد، حال که آقا در میان ما هستند و ظهور کرده‌اند (البته در مورد زیارت آل یاسین در ارتباط با مسئله ظهور چنین به دل من گذشت، نه اینکه زیارت آل یاسین را نخوانیم) به هر حال این جمله را گفتم و هر دو به طرف جلو رفتیم تا سئوالات مورد نظرمان را از حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف سؤال کنیم، که از خواب بیدار شدم.

## [ ۵۶ ]

در محرم ۱۴۱۳ هـ. خوابی دیدم که هیچوقت از خاطرم محو نمی‌شود. من کشاورزم و زندگی ساده و بی‌آلایشی دارم و دوست دارم خالصانه کار کنم، امیدوارم خداوند همه ما را به کار خیر وادارد می‌گفتم ما رئیسی در شرکت داشتیم که بسیار ابراد می‌گرفت و برای من مشکل ایجاد می‌کرد، تا اینکه شبی خواب دیدم سی نفر از یاران حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف پشت سر امام زمان سوار بر اسب و نورانی می‌تازند و به سوی من می‌آیند، در آن حال آقا امام زمان علیه السلام را دیدم که تاجی نورانی روی سر دارند و به حدی زیبا و خوش قیافه هستند که توان نگریستن او را نداشتم، اسب شیهه‌ای کشید و ایستاد و من یال اسب را گرفتم و زاری می‌نمودم و از دست رئیس شکایت کردم و آن حضرت برایم گفتند: ناراحت نباش من می‌آیم و عدل و داد را برقرار می‌کنم و ظلم و ستم را از بین می‌برم و حکومت جهانی را به دست می‌گیرم. سپس آقا مسائلی را در مورد ظهور به من که از مسائل ظهور چیزی نمی‌دانستم گفتند، از خواب بیدار شدم در حالی که از دیدن این خواب متحیر بودم، چون این خواب را به دیگران گفتم، گفتند: در مورد ظهور حضرت مهدی عزیز سلام الله علیه خواب دیده‌ای خوشا به سعادتت، دست حق به همراهت.

## [ ۵۷ ]

در شب نیمه رجب ۱۴۱۴ هـ. بعد از خواندن زیارت مخصوص نیمه رجب و زیارت عاشورا خوابیدم و حوادثی را در خواب دیدم، خوابی بسیار شیرین، که هرگز نمی توانم بگویم چه دیدم! آسمان کمی پایین آمده بود و یکپارچه سفید بود تمام خانه ها ویران گردیده، و همه جا زمین خالی بود.

همه جمع بودند، زنده ها و مرده ها، مرده ها زنده شده بودند و هیچ کس حرفی نمی زد، صبح بود، صبح زرد و قشنگ و پاک. صدایی از آسمان می آمد، آسمان ندا می داد: «مروز آقا امام زمان علیه السلام ظهور می کند». چه مبارک سپیده ای بود، لحظه لحظه انتظار دیدن آقا امام زمان ارواحنا له الفداء بود، که با آمدنش زمین را همچون عرش نورباران کند و به انتظار جهانیان خاتمه دهد. همه انتظار می کشیدیم که حالا آقا می آیند، که از خواب بیدار شدم.

و برآستی گرمی باد قدوم منورش، که بر چشمان ما گذاشته شود.

## [ ۵۸ ]

در روز سه شنبه ۱۴ / ۱۰ / ۷۲ خواب دیدم که یک مرد و یک زن، مرد با لباس سبز و بسیار زیبا و زن با لباس سفید نورانی آمده اند، بعد من هم در آن خواب شرکت داشتم، من گفتم: شما چه کسی هستید؟ آن خانم جواب دادند: «من مادر امام زمان عجل الله فرجه الشریف هستم» گفتم: پس شما نرجس خاتون مادر امام زمان هستید؟ گفتند: بله دخترم، گفتم: چه خوب، سپس رو کردم به آن آقا که به دلم گذشته بود آقایمان امام زمان علیه السلام هستند و گفتم: شما چه موقع ظهور می کنید؟ ایشان گفتند: در همین نزدیکها، که از خواب شیرین خود بیدار شدم.

## [ ۵۹ ]

در شب ۱۵ / ۱۰ / ۷۲ پدرم خواب دیده بود که حضرت مهدی علیه السلام کنارشان هستند و برای ایشان از بهشت و راستگوئی و امانتداری سخن می گویند. از بهشت و میوه ها و جویبارها و نعمتهای آن، و اما درباره امانتداری و راستگویی فضه ای را برای پدرم بازگو



کرده بودند که خلاصه آن چنین است:

مردی بود که در راستگویی و امانتداری بسیار مشهور بود، این مرد زبردستی داشت به نام «هاجو» که هر روز مرد را فریب می داد و به او می گفت: به جای اینکه امانتداری بکنی و پولهای مردم را نگه داری، از آن پولها بردار و خرج زندگی خود کن. بالأخره روزی مرد امانتدار با خود گفت: او راست می گوید چرا من پولهای مردم را برندارم؟ روزی مردی آمد و ۲۰۰ سکه طلا به آن مرد داد و گفت این ۲۰۰ سکه طلا را برای من نگه دار، مرد گفت چشم، بر روی چشمم مرد با خیال آسوده رفت و همه پولها را خرج کرد، پس از ده روز آن مرد آمد و گفت می بخشید من ده روز پیش آمدم و ۲۰۰ سکه طلا را به شما امانت دادم. مرد گفت من اصلاً شما را به جای نمی آورم، آن مرد گفت: مگر می شود که شما مرا فراموش کنید؟ مرد گفت: تو مطمئنی که به من پول داده ای؟ آن مرد گفت: بله، مرد امانتدار گفت: اگر راست می گویی بیا برویم پیش قاضی، مرد قبول کرد و با هم پیش قاضی رفتند، قاضی گفت: من هر دو شما را امتحان می کنم، حالا بروید و دو روز دیگر من پیش شما می آیم، آن دو مرد رفتند، دو روز بعد قاضی یک کیسه را پراز سنگ کرد و داد به یک فرد از مأموران که پیش آن مرد امانتدار ببرد مرد امانتدار خوشحال شد و کیسه را از دست او گرفت مأمور گفت: تا چهار روز دیگر می آیم و آن را پس می گیرم. مرد امانتدار گفت: باشد. وقتی که مأمور قاضی رفت در راه توقف نمود و پشت دیواری ایستاد، مرد امانتدار در کیسه را با هاجو باز کرد متعجب شدند، چون دیدند که در کیسه بجای پول سنگ است، و آن مأمور با چند سرباز دیگر آن مرد و هاجو را دستگیر نمودند و آن مرد و هاجو به سزای اعمال خویش رسیدند.

سپس شعری را برای پدرم خواندند و فرمودند: «من تا چند سال دیگر می آیم و مردم خیانتکار را به جزای اعمال خویش می رسانم».

سپس در ضمن فرمایشهای خود به پدرم فرموده بودند: تو مردی هستی مؤمن، که هرگز دست از نماز و مناجات بر نمی داری، برو به همنشینان و فرزندان بگو: حضرت مهدی علیه السلام تا چند سال دیگر می آیند و مردم را از غفلتها بیدار می کنند. آنگاه از کنار پدرم برمی خیزند و به وسط آسمان می روند و نور سبزی همه جا را می پوشانند و آن حضرت

غیب می شوند و چون پدرم به آسمان می نگرند در وسط ماه حضرت مهدی سلام الله علیه را می بینند که در طرف راست آن حضرت امام حسن علیه السلام و در سمت چپ صورت زیبای امام حسین علیه السلام و آن دو امام عزیز یعنی حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام یکصدا با هم فریاد می کشیدند:

«حضرت مهدی علیه السلام تا چند سال دیگر پیش مردم می آیند و مردم را از غفلت بیدار می کنند».

سپس ماه و صورت زیبای هر سه غیب می شود و ایشان از خواب بیدار می شوند. به امید رسیدن روز موعود و دیدن رخسار تابان آن حضرت در بیداری. این بود جریان خواب رحمانی پدر این دانش آموز که با بیانی ساده و زیبا نوشته شده، حال گوش می سپاریم باز هم به سخنان این دختر مؤمنه در رابطه با پدرش:

## [ ۶۰ ]

در تاریخ ۱۴ / ۱۰ / ۷۲ خواب دیدم که حضرت امام زمان علیه السلام ظهور کرده اند، نمی دانید چقدر از این امر خوشحال بودم. یک پارچه سبز و سفید و یک لباس سبز به من دادند و فرمودند: پارچه سفید را به هر کس که دوست داری بده، و اگر نپذیرفت خود بر تن کن. سپس من پارچه سفید را لباس کردم و بر تن نمودم، او همچنین یک جلد کلام الله مجید هم به من اهدا فرمود.

## [ ۶۱ ]

مدتها است من امر ظهور را باور کرده ام و به دلم گذشته که ظهور به زودی انجام می گیرد، البته به اذن خداوند و خواست او، هر روز به خواهرم و برادرم و دیگران می گفتم: آقا امام زمان به زودی خواهد آمد و ظهورشان نزدیک است، ولی خواهرم باور نمی کرد و همیشه مرا مسخره می نمود و به من می خندید و می گفت: تو دیوانه شده ای. من هم کم کم با وسوسه شیطان داشتم مایوس می شدم و از این امر ناراحت و دل نگران بودم، تا اینکه شبی پدرم را خواب دیدم، او در یک باغ بزرگ و زیبا بود، او به من گفت: دخترم ناراحت نباش تو به کنایه ها و مسخره کردنهای دیگران اهمیت نده، سخنان آنها را گوش نده، به این

سخنان پوچ توجه نکن. من گفتم: پدر جان آخر خواهرم چی؟! او هر روز مرا مسخره می‌کند و به من می‌خندد! پدرم گفت: به حرفهایش گوش نده و همچنان استقامت کن و نماز و عبادت خودت را انجام بده و با ایمان باش و خدا را فراموش مکن، او را عبادت کن و بدان که امام زمان علیه السلام که درود فراوان بر او و پدرانش باد ظهور می‌کند و ظهورش نزدیک است. به خنده‌های خواهرت هیچ توجه نکن، به عبادت و نیایش خود ادامه بده و منتظر ظهور آقا امام زمان علیه السلام باش.

سپس پدرم ناپدید شد و من دیگر او را ندیدم، از دوری پدرم که فوت کرده بود بسیار گریستم، به حدی که بالشم خیس شده بود و چشمانم پر از اشک شده بود و بغض راه گلویم را گرفته بود. من در خواب گریه می‌کردم که مادرم صدایم زد و گفت: دخترم چه شده؟ چرا گریه می‌کنی؟ چه اتفاقی افتاده؟ گفتم اتفاقی نیفتاده. سپس صبح همه چیز را برای مادرم تعریف نمودم و مادرم گفت: ان شاء الله که خیر است و آقا امام زمان با عنایات خداوند ظهور می‌کنند و همه مسلمانان از ظلم و ستم نجات پیدا می‌کنند.

## [ ۶۲ ]

در تاریخ ۱۵ / ۱۰ / ۷۲ خوابی زیبا و پاک را دیدم، خواب دیدم سوارکاری نورانی سوار بر اسبی سفید و زیبا به طرف من می‌تازد، ابتدا نوری از سوی او به طرف من آمد و همه آن نور سفید و زیبا همه پیکرم را در برگرفت، سوارکار نورانی امام زمان عجل الله فرجه الشریف بود که لباسی سفید و بلند پوشیده بود و عمامه‌ای سبز رنگ بر سر داشت، و به حدی زیبا و نورانی بود که من قادر به توصیف ایشان نیستم.

آن امام آسمانی به طرف من آمد و اسب شیهه‌ای کشید و ایستاد، در اینجا به درب ورودی سالن پذیرایی ما رسیده بود. او به من فرمود: من امام زمان شما هستم، تو مأموری از طرف من به همه بگویی که من به زودی ظهور می‌کنم و نشانه‌های ظهورم پیدا است و باید حتماً بگویی و خوابت را اظهار کنی، گفتم: چشم، آقا، چشم آقا [البته خواب را قبل از اذان صبح دیدم] در آن حال از خواب بیدار شدم و آماده نماز گردیدم در حالیکه از دیدن آن خواب غرق لذت بودم و چون امام عزیزم علیه السلام امر فرمودند این جریان را بگویم، به

فرمایش ایشان بازگو کردم.

[ ۶۳ ]

شبی از شبهای مهر ماه ۷۲ ش. بسیار ناراحت و غمگین بودم و اشک می ریختم و آقا امام زمان علیه السلام را صدا می زدم و می گفتم: بداد اُمّت برس، حال عجیبی آن شب داشتم، بسیار گریسته بودم، و غم و غصّه تمام پیکرم را فرا گرفته بود. دست به دست می گشتم و خواب به چشمانم نمی رفت، مدّتی که گذشت به خواب رفتم و خوابی عجیب و پاک و روحانی دیدم، خواب دیدم همانطور که در اتاق خوابیده‌ام، زلزله آمد و تمام خانه لرزید، سپس خانه‌ها را دیدم که بدون هیچ سرو صدایی آرام آرام فرو ریخت، بطوریکه تمام ساختمانها بکلی خراب شد و زمین صاف صاف شد دیگر اثری از چیزی دیده نمی شد، آسمان صاف و پاک بود و همه جا چون کف دست دیده می شد، در آن حال ۵ سوار نورانی از آسمان به زمین آمدند، یکی در وسط و دیگران دور او بودند، همه لباس سبز نورانی پوشیده بودند و بر صورتشان نقاب بود. آنکه در وسط بود شمشیر ذوالفقار علی بن ابی طالب علیه السلام را در دست داشت آنچنان نور از دلبه شمشیر بیرون می زد که همه جا را چون روز روشن کرده بود. همه جا روشن روشن و بسیار زیبا بود.

من رو کردم به آنها و گفتم: می دانم که از میان شما آنکه شمشیر ذوالفقار دارد آقا امام زمان علیه السلام است.

یکی از آنها در جواب فرمود: آری، اگر می دانی چرا سؤال می کنی؟

برق شمشیر آن حضرت تمام افراد نابکار و خائن را دود می کرد و به هوا می فرستاد، من در آن حال بسیار وحشت کرده بودم، وحشت سراسر وجودم را در بر گرفته بود، در آن حال خانمی به من گفت: می دانی چه شده؟ امر ظهور انجام گرفته است.

من از حساب اعمالم برخود لرزیدم، پیش پای آن حضرت زانو زدم و گریه کردم، آن حضرت فرمود: برخیز تو هیچ گناهی نکرده‌ای؟ جز اینکه روزی بر سر پیرزنی زدی و او را آزار نمودی، با اینحال از خواب بیدار شدم و خیس عرق شده بودم، چون به گذشته فکر کردم که چه کسی را آزار داده‌ام عقم به جایی نرسید، تا اینکه ناگهان به یادم افتاد روزی در

اتوبوس واحد پیرزنی کنار من بود در اثر فشار جمعیت آرنج من محکم به سر آن پیرزن و سالخورده خورد، احساس نمودم که خیلی درد می‌کشد، گفتم: مادر حلالم کن، مرا ببخش. چند بار این جمله را تکرار نمودم و آن پیرزن در پاسخم گفت: بخشیدم عیب ندارد، اما من احساس نمودم از اعماق قلب نمی‌گوید و دلم آرام نگرفت.

## [ ۶۴ ]

در شب ۲۴ / ۷ / ۷۲ خواب دیدم که امام زمان ارواحنا له الفداء ظهور کرده‌اند و مردم همه ذوق زده و خوشحال بودند و نقل و گل در خیابانها پخش می‌نمودند، در میان آنان ما هم شادی می‌کردیم و برادر آزاده‌ام و خانمش از ذوق گریه می‌کردند و شاد بودند که به آرزویشان رسیده‌اند، در آن حال من معلم خودم خانم ... را که جریان خوابهایم را برایش نقل می‌کردم دیدم که به اتفاق چند معلم دیگر در جمع مردمند، برادرم از شادی در پوست خود نمی‌گنجید، او لباس سفید و روشنی را که مادرم در حرم حضرت شاهچراغ متبرک نموده بود به تن داشت. ظهر بود و همه آماده نماز به امامت امام زمان عزیزمان مهدی عزیز علیه السلام بودند. در آن حال ایشان نزد من آمدند من سلام کردم و اظهار ادب نمودم، سپس به من فرمودند: به آرزویت که رسیدی، دیدی برادرت آمد. من گفتم: هزار بار قربان وجود شما، به برکت وجود مطهر شما و لطف خداوند بود که برادر من آزاد گردید.

## [ ۶۵ ]

در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان سال ۷۴ خواب دیدم در آسمان آیات قرآن با نور سبز و خوشرنگ، و همچنین به صورت دایره نام پنج تن آل عبا علیهم السلام مزین با کلمه مقدس «لله» نوشته شده، همچنین در گوشه دیگر شمایل مولای متقیان علی علیه السلام (دابة الارض) در هاله‌ای از نور خوشرنگ سبز نقش بسته بود. که بالای سر آن حضرت بسیار خوانا نوشته بود:

«ولاية علي بن ابي طالب حصني، فمن دخل حصني امن من عذابي»

آری و در آن حالت خواب (البته در زمین) حضرت مهدی عزیز علیه السلام ظهور کرده بودند و خلقتی عظیم پشت سر ایشان حرکت می‌کردند و شعار می‌دادند:

«یا مهدی فاطمه حمایت می‌کنیم» از این شعار کوبنده و صدای عظیم، زمین و عرش پروردگار سبحان می‌لرزید. در سمتی دیگر گروهی کم که شبیه بوزینگان بودند و رخساره‌هایی زشت داشتند، تکذیب حضرت و یاورانشان را می‌کردند، و باز در سمتی دیگر آتش عظیمی روشن بود که شعله‌های آن سر بر آسمان می‌کشید.

خواننده عزیز من که از خواندن این خواب لرزیدم و صدای نوک قلمم با صدای حق حق گریه‌ام درهم آمیخت و قطرات سوزان اشکم چهره‌ام را پوشاند و بر غفلت و لغزش خودم نادم شده، از آن وجود عزیز (حضرت حجت منتظر علیه السلام) تقاضای عفو و بخشش و شفاعت خود و مؤمنین را نمودم. امیدوارم خداوند ما را گروه یاوران آن حضرت قرار داده، آن وجود عزیز را از ما خشنود بگرداند ان شاء الله.

## [ ۶۶ ]

روز ۱۲ تیرماه سال ۷۴ بود که به همراه گروهی از خواهران شهرمان عازم مشهد مقدس شدیم. روز پانزدهم همان ماه بود که برای اولین بار در طول عمرم به بارگاه مطهر امام رضا علیه السلام وارد شدم و با دیگران زیارت نمودم. شور و عشق عجیبی سراسر وجودم را فرا گرفته بود زیرا آن روز بدون تردید بهترین روز زندگی‌م بود.

آن روز گذشت صبح روز بعد باز هم به حرم مقدس رفتیم و از اینکه امام رضا علیه السلام مرا طلبیده خوشحال بودم به هر حال به زیارت پرداختم و از آقا خواستم تا نور ایمان را در قلبم بیش از پیش بتاباند و از خداوند بخواهد نیرویی به من بدهد که هیچگاه از حال خود غافل نشوم. شب آن روز را در حرم گذراندم و تا سپیده‌دم مشغول راز و نیاز با معبود یکتا شدم و از آقا خواستم در روز قیامت ضامن من شود همانگونه که ضامن آهو شد، آن شب گذشت و شبهای بعد هم همچنان در حرم مطهر به دعا پرداختم، چون می‌خواستم از فرصتهای طلایی که برایم پیش آمده بود نهایت استفاده را ببرم. زیرا فکر می‌کردم شاید دیگر این افتخار بزرگ نصیبم نشود.

آخرین شب اقامتم در مشهد مقدس بود و ساعت حدود ۱/۵ را نشان می‌داد از حرم بیرون آمدم و به مهانسرا رفتیم و خوابیدیم. بعد از آن خوابی دیدم عجیب که به من شور و

اشتیاق دوباره‌ای داد. خواب دیدم که همه اقوام در یک مجلس عروسی گرد آمده بودیم. ناگهان حادثه‌ای عجیب به وقوع پیوست که توجه همگان را به خود جلب کرد، به آسمان نگرستم. عجیب بود آسمان به رنگ سبز در آمده بود ناگهان دو فرشته آسمانی در حالیکه لوحی نورانی را حمل می‌کردند، در مقابل چشمان حیرت‌زده مردم ظاهر شدند آن دو فرشته لوح نورانی را گشودند. در آن با خطی خوانا جمله‌ای این چنین نقش بسته بود:

«ظهور امام زمان حضرت مهدی علیه السلام را بر همه دوستان آن حضرت تبریک

می‌گوییم.»

همه از شدت خوشحالی می‌گریستند و دسته‌ای دیگر از اعمال کربه خود خجالت می‌کشیدند، و در پیشگاه امام علیه السلام احساس شرمساری می‌کردند. صبح آن روز گوینده تلویزیون با خوشحالی تمام ظهور امام زمان علیه السلام را به مسلمانان تبریک گفت. در پشت سر آن گوینده صحنه‌ای زیبا قرار داشت همه جا سبز و خرم و شاداب بود، گلها شکفته بودند پرندگان نغمه‌سر می‌دادند، و این نشانه ظهور امام زمان علیه السلام بود. چندی بعد خبرنگار با مردم مصاحبه می‌کرد و به آنان می‌گفت که احساس خود را در مورد امر ظهور امام زمان سلام الله علیه بیان کنید تمام مردم می‌گفتند که از ظهور امام زمان علیه السلام راضی و خشنودند، یکی می‌گفت: این باعث افتخار ماست که امام زمان در عصر ما ظهور کردند، دیگری می‌گفت: من خیلی خوشحالم که امام زمان علیه السلام زمین را با فرشی سبز و با شکوفه‌های رنگی مفروش ساخت، و خلاصه هر کس صحبتی می‌کرد، در این هنگام من با صدای اذان از خواب برخاستم و نماز صبح را به جا آوردم، خداوند بزرگ را شکر کرده، عازم شهرمان شدم. در طول راه با خود فکر می‌کردم چقدر امام رضا علیه السلام مهربان و بزرگوار است که دعای من را زود اجابت کرد و همانگونه که از او خواسته بودم نور ایمان را به قلبم تاباند و نیرویی به من داد که کمتر دل به گناه بیندم. در پایان به خاطر خوابی که دیدم یکبار دیگر خداوند را سپاس می‌گویم و برای ظهور هر چه زودتر امام زمان علیه السلام دعا می‌کنم.

سبز به تن داشتیم و دستهایمان را به آسمان بلند کرده بودیم، بعضی‌ها از قبرها بیرون آمده بودند (به احتمال زیاد یاوران حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام بودند که به دنیا رجعت می‌کنند. الله اعلم) و همه فریاد می‌زدند: «الله اکبر»، «الله اکبر». امام زمان عجل الله فرجه الشریف آمدند، در آن حال امام زمان علیه السلام با تنی چند از یارانشان سوار بر اسب بودند و همه فریاد می‌زدند پیش به سوی دجال. حقیر در عالم خواب در حالیکه اشک شوق و شادی می‌ریختم به همسرم گفتم. ببین آقایان (سلام الله علیه) آمدند. ببین چه روز دلپذیری است، چقدر گفتم روز عاشورای حسین بن علی علیه السلام آن سرور می‌آیند و بالأخره هم آمدند. این بود خواب زیبای من که هیچوقت از صحنه ذهنم محو نمی‌شود. امیدوارم خداوند قادر سبحان به فریاد مظلومان برسد و ملتهای تحت ستم جهان را از بند اسارت مستکبران نجات دهد.

خواننده عزیز خواندیم جریان خواب این برادر عزیز مؤمن را، لازم به تذکر است که اینجانب به علت وظیفه مهم مادری، همسرداری، خانه‌داری و سرپرستی از اطفال خردسال و همچنین رسالت وظیفه آموزگاری فرصت رفتن به جاهای مختلف و برخورد با افراد گوناگون در ارتباط با جمع‌آوری خوابهای رحمانی در زمینه نزدیک شدن امر ظهور امام عزیزمان روحی له الفداء را ندارم، آنچه تا به حال انجام داده‌ام با عنایات خاصه پروردگار و در اثر تماسهایی بوده که بر حسب تصادف با اشخاص پیدا کرده‌ام. بهر حال همه می‌دانیم امر ظهور حضرت مهدی علیه السلام تنها به دست خالق مقتدر علیم انجام می‌گیرد و هیچ کس نمی‌داند آن زمان کی است اما خواندن این خوابهای رسا زنگ و هشدار است که باید موجب بیداری و آگاهی و خودسازی و تهذیب ما بشود و از ما انسانهایی متعهد و مسئول بسازد. به امید انجام گرفتن امر ظهور حضرت مهدی علیه السلام و استقرار پرچم عدالت در سطح کل جهان ان شاء الله.

**مصحح گوید:** به هنگام ویرایش کتاب و بررسی خوابهای رحمانی به دلم گذشت که سه خواب از خوابهای خویش را در اینجا بیاورم تا عدد خوابها به هفتاد برسد، از این رهگذر به سه رؤیای بسیار حساس و ارزشمند خویش اشاره می‌کنم:



## [ ۶۸ ]

در حدود سال ۱۳۴۲ شمسی شبی در عالم رؤیا دیدم که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ظهور فرموده به شهر مقدّس قم تشریف فرما شده، در فلکه صفائیّه، مقابل دارالتبلیغ اسلامی، رو به طرف حرم مطهر حضرت معصومه - سلام الله علیها - مشغول ایراد سخنرانی هستند.

میلیونها نفر سخنان شیوای حضرتش را استماع می کردند و بدون اینکه نیازی به بلندگو باشد، همگان صدای رسای آن حضرت را به خوبی می شنیدند.

دو تن از مراجع تقلید که به رحمت ایزدی پیوسته اند در دو طرف آن حضرت نشسته بودند و حضرت دستهای مبارکش را بر شانه های آن دو مرجع تکیه داده بود.

دقیقاً محلّ ایستادن آن حضرت برایم مشخص بود ولی دیوارهای خیابان ارم مانع از مشاهده مردم نبود، از چهار طرف در شعاع چندین کیلومتر جمعیت نشسته بودند و من قیافه ها را از فاصله دور به راحتی تشخیص می دادم.

پس از گذشت ۳۲ سال هنوز آن صحنه دل انگیز در برابر دیدگانم مجسم است.

## [ ۶۹ ]

شبی در عالم رؤیا دیدم که اوایل بعد از ظهر است به منزل آمدم به من گفته شد که از کعبه معظمه تلفن کردند و گفتند ظهر به مسجد الحرام بیاید.

به عجله راه افتادم، نمی دانم که این مسیر طولانی را چگونه پیمودم، فقط می دانم که لحظاتی بعد در مسجد الحرام بودم، صفهای نماز به هم نخورده بود، کعبه مقصود و قبله موعود در پیشاپیش مردم بود و کعبه در طرف چپ مردم قرار داشت و همه به طرف کعبه واقعی رو کرده بودند.

## [ ۷۰ ]

در آخرین شب جمعه رمضان ۱۴۱۲ هـ. در عالم رؤیا دیدم که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در پشت بام منزل مجاور منزل ما هستند، شب از نیمه گذشته، ولی نور جمال باهرالنورش چون روز همه جا را روشن کرده است. از هر تاری از موهای محاسن شریفش نوری قویتر از نور مهتابی ساطع بود و تارهای محاسن شریفش به جهت نوری که ایجاد

می کرد قابل شمارش بود.

هنگامی که از پشت بام تشریف آوردند، از پله استفاده نکردند بلکه به مجرد اراده روی زمین تشریف آوردند، سلام کردم، پاسخ فرمودند، آرام آرام قدم برمی داشتند و من پشت سرشان می دویدم ولی هر لحظه فاصله بیشتر می شد تا از دیدگانم ناپدید شدند. (۱)

خواندیم خوابهای رحمانی و نویدهای ربّانی را، و احساس نمودیم حقایقی را، در اینجا لازم به تذکر است که «ایمان» پیر و جوان، زن و مرد، دانش آموز و معلم، استاد و دانشجو، عالم و غیر عالم و ... نمی شناسد، خداوند مهربان هر که را بخواهد دلش را برای اسلام می گشاید و مهر ایمان بر دلش نقش می گردد. پس هر کس از ناخود رها شد، خود را می یابد، و چون آینه دل را صاف نمود، انوار الهی او را به سوی خود جذب می کند، او به خداوند نزدیک می شود، او خدا را می خواهد و خداوند هم او را.

این بود تعدادی از خوابهای رحمانی، که گروهی از بانوان آگاه، متعهد، منتظر، عاشق و شیفته حضرت بقیّة الله - ارواحنا فداه - که در اثر مداومت به زیارت آل یاسین و مواظبت بر دعای عهد و ندبه و عمل به وظایف یک شیعه منتظر و مناجات مداوم با کعبه مقصود و قبله موعود، دلی شفاف، قلبی پاک و ذهنی نورانی یافته، دیدگانشان در عالم رؤیا با جمال عالم آرای امام زمانشان منور گردیده و این خوابها را دیده اند.

با توجه به متن روایات نقل شده از شخص رسالت پناه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و تطبیق نشانه های ظهور با اوضاع و احوال و شرایط زمانه، بر ماست که شانه از زیر بار مسئولیت خطیر خود [که همانا شناخت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و آماده شدن است] خالی نکنیم و به چپ و راست منحرف نگشته، صراط حق را ادامه دهیم و ثابت قدم بمانیم.

در پایان این بخش همگی با هم هم صدا شده، عذر تقصیر به درگاه حضرت حق می آوریم و از بارگاه رحمتش سرافرازی امت اسلام، ملت ایران و رهایی مستضعفان عالم را

۱ - این سه خواب مربوط به ویراستار کتاب است که به جهت تکمیل عدد هفتاد در اینجا آورده

از چنگال ظالمان مسئلت می‌نماییم و یکصدا بیان می‌داریم:

شکر خدای رحمان و علیمی را که زمین را از حجت‌های خود هیچوقت خالی نگذاشته و نمی‌گذارد و ما را هشدار داده و بیدار و آگاه می‌نماید.

شکر خدای بی‌همتایی را که خلقتان نمود و نعمت هستیمان بخشید و به ما قوای فکر و بینایی و شنوایی عطا نمود تا ببندیشیم و ببینیم و بشنویم حقایق موجود را آن‌گاه متحد شده، در راهش گام بگذاریم و راه مستقیم را همگی با هم طی نمائیم همان راهی که انبیاء و ائمه علیهم‌السلام به ما نموده‌اند.

**بارالها** ما را به صراط مستقیم هدایت فرما، نه راه مغضوبان، ظالمان، مشرکان، منافقان، کافران و گمراهان.

**بارالها** بر ما جاهلان و نادانان خشم مگیر و از گناه ما بگذر و دلمان را به نور حقایق روشن گردان و از برکت وجود آن عزیز ما را از عاشقان و مشتاقان حضرتش قرار ده تا از او پیروی کنیم که نفس اماره ما را به خطا و لغزش می‌خواند اما تو ای یگانه عالم! پناهمان ده که غفلت نکنیم و در همه حال خود را در محضرت ببینیم و از راه راست که همان راه خاندان عصمت و طهارت است منحرف نشویم.

مولای متقیان امیرمؤمنان علیه‌السلام در این رابطه می‌فرماید:

«سوگند به خدایی که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به حق برگزیده و او را بر همه مخلوقات برتری داده، در دین خود استوار و پابرجای نمی‌ماند مگر افراد خالصی که روح یقین را لمس کرده‌اند و خداوند برای ولایت ما از آنان پیمان گرفته است، و در دلشان ایمان را حک کرده و با روحی از خود آنان را تأیید کرده است»<sup>(۱)</sup>.

\* \* \*

## بخش دوازدهم

### سروده‌های مؤلف

اشعاری که در این بخش فراهم آمده، از سینه سوختگان و دل افروختگانی است که در کمند جذبه گرفتار آمده، با شور و حال مراتب اخلاص خود را به پیشگاه مقدّس ناموس دهر امام عصر عجلّ الله تعالی فرجه ابراز داشته‌اند.

در این بخش نخست سخنان شعرگونه مؤلف بسان ران ملخی به پیشگاه سلیمان دربان حجّت یزدان تقدیم می‌گردد، سپس اشعار نغز و پرمغز شاعر گرانمایه استاد سید محمد معصوم نسابه زینت بخش صفحات کتاب می‌شود، آنگاه گزیده‌ای از اشعار پربار خواجه و دیگر شعرای گرانقدر پارس به شیفتگان کوی و منتظران چشم به راه حضرتش تقدیم می‌گردد.

امید است این اثر در خلوت صاحب‌دلان شوریده حال راه یابد و در تبلور اشک سوخته دلان فرخنده فال نقشی داشته باشد.

مژده ای دل که حجّت حقّ با وقار می‌آید

سرو بستان مرغ چمن بلبل خوش گفتار می‌آید

برخیز، غبار غم زدیده و دل بشوی

که زلف ایزد مئان آن عزیز گل‌گذار می‌آید

### درود و پیام

الا ای هموطن بشنو پیامی  
 دهم مژده که آید روشنایی  
 بده مژده که آید ماه خوبان  
 بپا سازد همی عدل خدا را  
 ز ریشه برکند بنیاد باطل  
 الها خسته از جور زمانیم  
 رسان بر ما ولی چون ناتوانیم  
 که نشنیدی تو بهتر زین کلامی  
 شود طی زین سپس فصل جدایی  
 نماید رخ زپس آن مهر تابان  
 بُرد از بُن همی ظلم و جفا را  
 بپا دارد عدالت را به عاجل  
 همی نالان شده اندر فغانیم  
 رها کن از ستم، درماندگانیم

### مژده ۱

مژده ای دل که حجت حق با وفار می آید  
 سرو بستان بلبل خوش گفتار می آید  
 مژده ای جان که حبیب خدا بی قرار می آید  
 مژده ای حبیب که عزیز زینب و حیدر کَرّار می آید  
 مژده بهر یاری رساندن او زسوی خدا  
 جبرئیل امین فرشته مقرب حق بهر پیکار می آید  
 نوید که اسرافیل و جمع فرشتگان و میکائیل  
 در رهند و او نستوه و بی باک بهر کار زار می آید  
 پیام که محمد و علی، فاطمه، حسن و حسین  
 پنج نور منور عرش در رهند و سرو خوش نگار می آید  
 بر خیز و غبار غم دیده و دل بشوی  
 که ز لطف ایزد منان آن عزیز گل عذار می آید  
 گر که فریاد مهدی بیای تو بلرزاند عرش خدا  
 قامت بیارای کو بانگ جاء الحق زند و پاسدار می آید  
 شو منتظر که بینی جمال رخ انورش  
 زانکه او خورشید عالم است و از پس ابر تار می آید

دانم که امر ظهور ز خداست و نباید شتاب کرد  
 لیک چه کنم که می‌رسد بر دل که باقی پروردگار می‌آید  
 ای امین و دوست بدان و آگاه باش  
 این همه خبر ز لطف خدا و آن بقی دادار می‌آید

### مژده ۲

رسید مژده که سرو خوش نگار یار می‌آید  
 رسید به دل که بلبل خوش گفتار دادار می‌آید  
 غم‌مخور، آذین ببند خانه دل ز عشق  
 قامت بیارای و آماده شو که غم‌خوار می‌آید  
 کمر ببند و چراغ خانه بیفروز و باش منتظر  
 زانکه ای غلام آقای تو آن سردار می‌آید  
 گر که بیعت تو بسته‌ای به هر بار با جثیت  
 باش منتظر، آماده شو که سرو و الاتبار می‌آید  
 گر چهل صباح خواندی دعای عهد و بودی تو منتظر  
 شو شادمان چشم دار به ره که رهبر ره دار می‌آید  
 گر یعقوب گونه از فراق دیده‌ات بشد سپید  
 غبار غم زدیده بشوی که هادی دلدار می‌آید  
 دور دانند دشمنان ظهورش و مائیم منتظر  
 تا که بنگریم مه انورش و دانیم که یار می‌آید  
 شد پدید تباهی به بر و بحر و کل جهان  
 کن پدید بر ما ولی چو رسد به دل که وعده حق تبار می‌آید  
 سیده‌ام و این بود افتخارم که دهم پیام  
 زانکه پیام قیام ز حق و آن بقی دادار می‌آید  
 آموزگارم و با رسالت انسان به دوش  
 گر نرسانم پیام دل بشوم خجل که آن سوار می‌آید  
 بهوش باش، ای عاشق مهدی و قیام او  
 که رسانی پیام به صاحب دل که منجی رازدار می‌آید

### مژده ۳

مژده ای جان که وارث ذوالفقار کزّار می آید  
 مژده یاران که دُرُّ لُؤْلُؤُ نِگار یار می آید  
 جمع شوید شیعیان جهان زهرا قطار  
 زانکه حجت حق باقی خدا با اسرار می آید  
 ای برزگر پر تلاش و ای هموطن دلیر میهنم  
 بهوش که داعی حق است و زسوی دادار می آید  
 ای ســرو نــاز مــعروف شهر من شیراز  
 سرفرودار که طاووس جنت ما باوقار می آید  
 ای شیخ اجل سعدی و ای حافظ غزلسرای میهنم  
 سرائید شعر و غزل که حاکم بقی دادار می آید  
 ای عزیز گوش دار که با گوش جان بشنوی بوی قیام  
 زانکه زنگمه بلبلان بوی خوش ظفر زهر شاخسار می آید  
 ای مستضعفین محروم وای وارثان حقیقی زمین  
 بهر اعاده حق به شما آن عزیز جمیل نیزه دار می آید  
 ای شرق و غرب جنایتکار و ای سران پلید  
 دانید حاکم ما بهر نابودی شما زسوی خدا بیقرار می آید  
 بهوش باش ای عاشق مهدی و قیام او  
 که رسانی پیام به صاحب دل که حبیب بیدار می آید

### مژده ۴

رسید پیام به دل که رهبر منجی حق دار می آید  
 همی نوید چو یار و صاحب زمان دیندار می آید  
 بار الها شاد کن به لطف هر که پیرو اوست  
 تا که رؤیت کند جمال انورش جو ماه رخسار می آید  
 او آید و یاری رساند به کل خلق جهان  
 زانکه او صفی خداست و زسوی او استوار می آید

هر کوه که طعنه‌ام زند و سخره‌ام گیرد  
 می‌سپارمش به خدا که منجی حق بهر هر طاعی مگار می‌آید  
 شاعر نبوده زپیش و تا بحال نیک دانم  
 این همه لطف و عنایت زسوی رحمت پروردگار می‌آید  
 نقل کرده‌اند رسول و دیگر ائمه عزیز هدی  
 که مهدی با جمیل است و قوی و نشاندار می‌آید  
 نشانه‌های او عصا و انگشتر و پیرهن یوسف است  
 و او بهر نابودی دشمنان با ذوالفقار می‌آید  
 شاد باش هموطن و تسویه خبر برو دوست  
 پنج گل خوشبوی محمدی آیند و او با ابرار می‌آید  
 سوسن و سنبل و یاس و یاسمن، گل محمدی  
 جمله آیند در کنار هم و او با احرار می‌آید

### بیا مهدی

ببر زنگار غم از دیده و جان	ایا مهدی بیا ای روح پاکان
که با مهرت رهیم ای با کفایت	بیا از پشت ابرای با جلالت
زدست ناکسان خود را رهانیم	بیا تا شکر یزدان را گزاریم
ز بخت و دولت دلشاد گردیم	بیا تا از رخت ما شاد گردیم
بیا بر پانما تو دولت حق	بیا بنمای خود ای آیت حق
بیا تا مه رخت چون گل ببوییم	بیا تا دعوت لبیک گوئیم
بیا که از غمت بیمار گشتیم	بیا که از فراق زار گشتیم
بیا ای مهدی دخت پیمبر	بیا ای وارث ذوات انور
بیا ای قسائد از ما رمیده	بیا ای حاضر و غائب ز دیده
بیا ای نا خدای کشتی جان	بیا ای جامی اسلام و قرآن
بیا ای خوش نوا باران رحمت	بیا ای خوش خرام طاوس جنت
بیا کز رویان مشتاق یارند	بیا که قدسیان در انتظارند



بیا مهدی بمیران ناکسان را

بسوزان تو به قدرت جاهلان را

### بیا مهدی

بیا مهدی بیا ای ماه تابان  
 بیا مهدی بیا ای شمس پنهان  
 بیا مهدی بگویم سوز هجران  
 بیا که از غمت دل غرق خون است  
 بیا ما ششبیعیان یار تو باشیم  
 بیا ای حاوی انوار رحمت  
 بیا ای جبرئیلت پیک عزت  
 هلا حکم خدا فرمان بریدش  
 ز پس دیگر ندا آید به گوشت  
 که هذا المهدی هان با بعوه  
 این مهدی بود فرمان بریدش  
 خدایا خالقا فریادمان رس  
 الهایا یاربا عزت ببخشا  
 الهایا خالقا غرق گناهیم

بیا مهدی بیا ای ماه خوبان  
 بیا مهدی بیا ای جان جانان  
 بیا مهدی بگویم درد دوران  
 ببین احوال یارانت که چون است  
 خلیل و یار و غمخوار تو باشیم  
 بیا ای هم‌رهت حبّ و کرامت  
 بخوان حکم قیام از بهر امت  
 هلا وقت ندا باید شنیدش  
 برد از آن صدا هم عقل و هوش  
 وَ لَا تُخَالِفُوا فَاَتَّبِعُوهُ  
 نیچید سر همی بیعت کنیدش  
 الهایا یاربا بر دادمان رس  
 خدایا یاربا رحمت فرستا  
 تفضل کن به ما چون بی پناهیم

### بیا مهدی

بیا مهدی بیا ای نجم ناظر  
 بیا ای وارث تابوت آدم  
 بیا با پرچم و شمشیر و اسبت  
 بکش شمشیر از نیام و جلدش  
 خروجی کن همی ای حجّت الله  
 به قدرت ظالمان را سرنگون ساز

بیا مهدی بیا ای نجم ظاهر  
 بیا ای وارث طالوت و آدم  
 عصا و پیرهن و آن زین اسبت  
 بکش دشمن همی از جور و ظلمش  
 بکش دشمن همی ای ولی الله  
 بسوی آن جهنم رهنمون ساز

پسناهی ده الا ای خالق جان  
سلام مسلمین رسان به صاحب  
که تا از جا کنیم بنیاد باطل

تو یاری ده الا ای مالک جان  
بر مهدی همی آن یار غالب  
بپا سازیم همی حق را به عاجل

### بیا مهدی

بیا مهدی بیا ما جان نثاریم  
ببیا تا مردگان فوج فوج آیند  
کفن بر تن همی لَبیک گویند  
بگویند یکصدا ای داعی الله  
ز بهر یاریت ما یار هستم  
بیائید مسلمین فریاد برآریم  
بیائید تشنگان عدل و رحمت  
بپا خیزیم همی پیمان ببندیم  
لیاقت ده الا ای خالق جان  
بیایید مسلمین با کُلّ یاران  
که او سرور بود در هر دو عالم

بیا مهدی بیا ما جان فدائیم  
ز بهر دشمنان با هم در آیند  
صدا به تلبیه حق را بگویند  
خروشند هم بگویند حَجَّة الله  
براه دین حق همکار هستیم  
ز دست ظالمان خود را رهانیم  
بیائید خستگان جور و ظلمت  
ز بهر یاریش با جان بجنگیم  
که مهمانی کند ما را به آن خوان  
بجنگیم در بر آن جان خوبان  
که او انور بود در هر دو عالم

### بیا مهدی

بیا مهدی بیا ما جان نثاریم  
بیا مهدی تو را در بر بگیریم  
بیا مهدی تو را غمخوار باشیم  
بیا مهدی بمیران دشمنان را  
بیا تا مؤمنین از غم رهایی  
بدانید مسلمین حَجَّت تمام است

بیا مهدی بیا ما جان فدائیم  
چو پروانه بگردت جمع گردیم  
ز بهر یاریت همکار باشیم  
بیا مهدی بسوزان ناکسان را  
بیا تا دشمنان نابود سازی  
بدانید مؤمنین حَجَّت تمام است

### بیا مهدی

بیا مهدی بیا ما جان فدائیم	بیا مهدی بیا ما جان فدائیم
بیا ای ناخدای کشتی جان	بیا ای وارث نوح و سلیمان
بر زمیم در بر آن یار جانان	بیائید مسلمین با کل یاران
بمیران جمع دشمن تو به قدرت	بیا مهدی عصا زن تو به قدرت
بیا مهدی که ما اندر گدازیم	بیا ما مسلمین فکر نجاتیم
بیا مهدی که ما اندر گدازیم	بیا مهدی که ما اندر فراقیم
بباید مؤمنین با هم در آیم	بباید مسلمین در جمع آیم
ز بهر یارش با جان بجنگیم	بیا خیزیم تا پیمان ببندیم
بدانید مؤمنین حجّت تمام است	بدانید مؤمنین حجّت تمام است

### پیام

بگوییم یکصدا در جمع یازان	الا مجمع شویم جمع حبیبان
که مهدی آل طه خواهد آمد	که مهدی آل طه خواهد آمد
بپویم در نوردیم راه یزدان	ببایم جمع شویم جمع حبیبان
ره باطل ره پوچ و فنا است	بدانیم مسلمین که حق به جا است
بدانیم مؤمنین حجّت تمام است	بدانیم مسلمین حجّت تمام است

### مهدی تو را داریم

ای خدا زاریم ز غصّه گریانیم مهدی را خواهانیم  
 ای امید جان بده نیرو و تورا داریم  
 رهبر شیعه، روشنی دیده، بیا که خون باریم  
 قائد اعظم، وارث احمد، بیا که بیجانیم  
 ای خدا کشتی به گرداب بلاست نا خدا خوانیم  
 ای خدا صحرا به طوفان جفاست سیاریان خواهیم

ای امیر حق بگیر دست تهی دستان که نالانیم  
 ای شه خوبان هزاران بار تو را خوانیم  
 ای امید خلق در بند رخ نما چون ما تو را داریم  
 ای امید خلق مضطر تاب نماند بیا که بی تابیم  
 بارالها تفضل تا همی ثابت قدم باشیم  
 بهر اجرای عدالت کن نظر زیرا که بی یاریم

### یا حجة بن الحسن

مهدی ای مهدی دنیا گلستان کن  
 مهدی ای مهدی تا بم نماند دیگر  
 مهدی ای مهدی کشتی به گرداب است  
 مهدی ای مهدی جانم بقربانت  
 مهدی ای مهدی منعم تو را دانم  
 مهدی ای مهدی داور تو را دانم  
 مهدی ای مهدی و فی تو را دانم  
 مهدی ای مهدی جانم بقربانت  
 حجّت حق، درد من، آب حیاتم تو  
 گر بینم من تو را، آرامشم باشد  
 من بسنالم از جفا و ظلم جباران  
 مهدی ای مهدی جانم بقربانت  
 حجّت حق، باقی او، داعی اللّهی  
 رحمت حق، نور یزدان، صفی اللّهی  
 مهر تابان، ماه خوبان، جان جانانی  
 مهدی ای مهدی جانم بقربانت

از لطف دادار اجرای قرآن کن  
 پا در رکاب و رو سوی میدان کن  
 ناخدا سگان بگیر کارم تو آسان کن  
 جان فدای نام تو دستم بدامانت  
 می‌کنم بهرت دعا رویی به باران کن  
 کن عدالت را بپا حکم سلیمان کن  
 کن قیام ای با وفا کارم تو آسان کن  
 جان فدای نام تو دستم بدامانت  
 صیحه زن، مه رانما، رو به گدایان کن  
 خوش خرام ای سرو ناز لطفی به جانان کن  
 نک سوارای قهرمان تیغت را بران کن  
 جان فدای نام تو دستم بدامانت  
 دست حق همراه تو خود را نمایان کن  
 ای عزیز فاطمه، دردم تو درمان کن  
 شمس پنهان رخ نما خلقی تو شادان کن  
 جان فدای نام تو دستم بدامانت

### بیا مهدی

خدا یا من پریشانم      به درد و غم گرفتارم      ندانم چاره کارم  
 بیا مهدی تو را خوانم      بیا مهدی تو را خوانم  
 الها زار و گریانم      همی سر در گریانم      رسان بر من ولی یارم  
 بیا مهدی تو را خوانم      بیا مهدی تو را خوانم  
 تو ای یارب نگر حالم      گره افتاده در کارم      بگیر دستم که نالانم  
 بیا مهدی تو را خوانم      بیا مهدی تو را خوانم  
 اماما صاحبایارم      تو را بر کار خود خواهم      بکن حل مشکل کارم  
 بیا مهدی تو را خواهم      بیا مهدی تو را خواهم  
 شکسته در گلو نایم      زهجر روی تو نالم      نمانده طاقت و تابم  
 بیا مهدی تویی یارم      بیا مهدی تویی یارم  
 حلیمای رهبرایانم      صدیقا سرورایارم      ز دیده اشک غم یارم  
 بیا مهدی تویی یارم      بیا مهدی تویی یارم  
 بمن برگو چه سان سازم      ز غفلت من پشیمانم      نمایان رخ تو را دارم  
 بیا مهدی تو را دارم      بیا مهدی تو را دارم  
 همی دانم گنه کارم      ز کرده من پشیمانم      ندانستم تو را دارم  
 بیا مهدی تو را دارم      بیا مهدی تو را دارم  
 تو ای سرو خرامانم      بیا که مست دیدارم      رهانم از ستم جانم  
 بیا هستی تو غمخوارم      بیا هستی تو غمخوارم  
 تو هستی مهر تابانم      تویی یار وفادارم      نظر بنما به احوالم  
 که من تنها تو را دارم      که من تنها تو را دارم

### نصر من الله و فتح قریب

یارب همی درمانده ایم      یارب ای یارب      در کار خود وامانده ایم  
 رسان به لطف بر ما ولی      یارب ای یارب      صفی خود آن جان نقی  
 یارب ای یارب

تا برکند بنیاد ظلم	یارب ای یارب	از جا کند بیداد و ظلم	یارب ای یارب
بپا کند عدل خدا	یارب ای یارب	بر خلق شود او رهنما	یارب ای یارب
سازد جهان چون گلستان	یارب ای یارب	قرآن کند بر دوستان	یارب ای یارب
هم رهبر و هم دلستان	یارب ای یارب	گیرد زاعدهاء انتقام	یارب ای یارب
یارب به حق قدرتت	یارب ای یارب	یارب به عزورتبتت	یارب ای یارب
تعجیل بفرما بر ظهور	یارب ای یارب	بخشا به مهر بر ما سرور	یارب ای یارب
خلقی نما شادان به او	یارب ای یارب	آباد بساز جهان به او	یارب ای یارب

**السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَاحِبَ الزَّمانِ**

ای امام توئی ره گشایم	ای امام توئی رهنمایم
بهر من تو ولی و حبیبم	ای امام توئی هستی شفیعم
گل بچینم بریزم بیپایت	از ره آی تا کنم جان فدایت

ای امام ای امام ای امام

رخ نما شو عیان مهرتابان	ای امام توئی نور یزادن
ای تو رهبر شفیق رحیمم	ای توفائد صدیق حبیبم
صبر برفت تاب نما ند جان سرور	ای ولی من و خلق مضطر

ای امام ای امام ای امام

ای حلیم معید حکیمم	ای صبور غمین عزیزم
جان جان از عطا خوب خوبان	کن دوا درد ما شمس پنهان
خسته و مانده از کار خویشم	کن عنایت بر احوال ریشم

ای امام ای امام ای امام

ای حبیب رحیم شفیقم	ای مغیث کریم من منیبم
انتقامم بگیر از لثیمان	رس تو فریاد ما مهرتابان
کن پیا دولتت جان جانم	بر فراز پرچم حق تو دارم

ای امام ای امام ای امام

ای خمیده قدا از رنج دوران	ای غمین زمان نور رخشان
---------------------------	------------------------

بس ستمها کشیدی بدوران	خون دل خوردی با رنج و حرمان
تن تو دادی به رنج و مشقت	صبر نمودی به هر درد و محنت
ای امام ای امام ای امام	
طاقت طاقت و صبر ایوب	درد و رنجت همی درد یعقوب
ای عزیز نبی پور زهرا	ای صفی بقی، شوق فردا
کن ظهور تا کنم شکر دادار	سرگذارم به شکر من هر بار
گرد غم را بشورم ز رویت	پرکشایم ز شوق من به سویت
دست حق مهرمت سرپناهم	یاورت خالقم ای امام

### یارب ای یارب

یارب به حق رحمت	یارب ای یارب - یارب ای یارب
یارب به حق قدرت	یارب ای یارب - یارب ای یارب
یارب به حق مصطفی	یارب ای یارب - یارب ای یارب
هم اوصیاء و اولیاء	یارب ای یارب - یارب ای یارب
یارب به حق مرتضی	یارب ای یارب - یارب ای یارب
هم اصفیاء و انبیاء	یارب ای یارب - یارب ای یارب
یارب به حق عرشیان	یارب ای یارب - یارب ای یارب
هم شهداء و قدسیان	یارب ای یارب - یارب ای یارب
یارب به حق عارفان	یارب ای یارب - یارب ای یارب
هم عابدان و زاهدان	یارب ای یارب - یارب ای یارب
یارب به حق آل عبا	یارب ای یارب - یارب ای یارب
امید و داد خواه ما	یارب ای یارب - یارب ای یارب
یارب همی در مانده ایم	یارب ای یارب - یارب ای یارب

یارب همی بیچاره‌ایم      یارب ای یارب - یارب ای یارب  
 پدید بکن بر ما ولی      یارب ای یارب - یارب ای یارب  
 قدرت بده در مشیت او      یارب ای یارب - یارب ای یارب  
 محکم نما توپشت او      یارب ای یارب - یارب ای یارب  
 زنده بساز جهان به او      یارب ای یارب - یارب ای یارب  
 آباد بساز بلاد به او      یارب ای یارب - یارب ای یارب  
 زنده‌نما تو خلق به او      یارب ای یارب - یارب ای یارب  
 رحمی نما بر حال ما      یارب ای یارب - یارب ای یارب  
 از بین ببر تو هم ما      یارب ای یارب - یارب ای یارب  
 لطفی ببخش در حق ما      یارب ای یارب - یارب ای یارب  
 شهید شویم در راه او      یارب ای یارب - یارب ای یارب  
 شهید شویم در راه او      یارب ای یارب - یارب ای یارب

### خوش آمد

صلّ علی محمد مهدی ما خوش آمد صلّ علی محمد منجی رهبر آمد صلّ علی محمد هور مظفر آمد صلّ علی محمد زاده حیدر آمد صلّ علی محمد داعی حق پیامد صلّ علی محمد غالب ما خوش آمد صلّ علی محمد دلبر و دلدار آمد صلّ علی محمد صالح ما خوش آمد صلّ علی محمد لؤلؤ و مرجان آمد صلّ علی محمد به عدل معدن آمد صلّ علی محمد یوم الظهور آمد صلّ علی محمد به کوی دلبر آمد	صلّ علی محمد مهدی ما خوش آمد صلّ علی محمد مهدی انور آمد صلّ علی محمد نور منور آمد صلّ علی محمد زاده عسکر آمد صلّ علی محمد باقی حق پیامد صلّ علی محمد غائب ما خوش آمد صلّ علی محمد مونس و غمخوار آمد صلّ علی محمد ناصح ما خوش آمد صلّ علی محمد منجی انسان آمد صلّ علی محمد که روز روشن آمد صلّ علی محمد یوم السرور آمد صلّ علی محمد به خلق رهبر آمد
--	---



در اینجا نخستین بخش از سروده‌های مؤلف به پایان رسید و اینک فصائلی چند از آثار منظوم سید محمد معصوم نسابه با تخلص «سید»:

### مژده

<p>حجّت حق حبیب یار آمد سنبل از باغ لاله زار آمد شد شکوفا و نوبهار آمد نور مهدی چو آشکار آمد عاشقی مست و بی قرار آمد به، زماه ده و چهار آمد قامتین سرو باوقار آمد گل زدامان گل به بار آمد روز بهتر بروزگار آمد مست دیدار آن نگار آمد</p>	<p>مژده یاران که آن نگار آمد موسم گل رسید و فصل بهار گل به نور و زنیمة شعبان آفتاب از افق به صحرا شد عاشقان بی قرار ماه رخس جلوه گرشد جمال یار در او سر و باغ جنان خرامان شد آفرین بر تو باد ای نرگس روزگاران تلخ شیرین شد سید از بوی عطر نرگس او</p>
--	---

### غوغا

<p>بر انقلاب مهدی سید اشاره کردی اشعار نغز عرفان خواندی نظاره کردی چندان ز عدل و انصاف بر ما شماره کردی اشکم به دیده همچون اشک ستاره کردی شعر و غزل سرودی عزم دوباره کردی این ماجرا تو افشا با استشاره کردی این ادعا تو شاید با استخاره کردی نور جمال یزدان مه را دوباره کردی تا شور تازه بر پا با یک شراره کردی چون در زمین تو گفتی ابر بهاره کردی</p>	<p>نسابه این چه غوغاست کاندر زمانه کردی لطف خدای منان داری به همره خود گفتی که حجّت حق مهدی غائب آید اشعار تو غبار از هر دیده‌ای بشوید چون مدّعی بر آن شد تا بر تو خرده گیرد با انقلاب مهدی ظلم و ستم تمام است باد صبا بر آرد بوی وصال جانان فرمان حق بر آن شد تا بر جهان بتابد گیرد زدست یزدان جام جهان نما را از سنگ خاره خیزد آب زلال باران</p>
---	--

مرغ سحر شب و روز بانگ اذان بر آرد      چون رؤیت هلال آن ماهپاره کردی  
گل بر چمن بخندد گوید تبارک الله      شق القمر دوباره در این هزاره کردی  
مرغ چمن بخواند الحمد و قل هو الله      «سید» غلط نگفتی خوب استعاره کردی

### دلدار می آید

بساط عیش برپا کن که آن دلدار می آید  
بخوان و شادمانی کن که گل بایار می آید  
مؤذن بانگ الأهو به آوای مجلی گو  
که آن منجی به اذن خالق دادار می آید  
رسیده موسم گل بوسه بر زلف چلیپازن  
که ماه چارده چون کوکب دوّار می آید  
پریشانی و بد حالی ز دل بیرون کن ای مطرب  
نوای شور برپا کن که گل رخسار می آید  
برون کن از دل ای ساقی تو غمهایی نهانی را  
هموکز دیده و از دل برد زنگار می آید  
به هر شوریده حالی ده نوید آشنائی را  
که با شوریده حالان می کند دیدار می آید  
کند روشن جهانی را ز نور روی رخشانس  
که نور دیده زهرا به صد انوار می آید  
قسم بر هشت و چار و حرمت آن چارده معصوم  
که او دارد نشان و آیت ابرار می آید  
نماز عید برپا کن به هر میخانه و مسجد  
بخوان الحمد و بسم الله بگو زوّار می آید  
رسان ساقی تو جامی بر لب خشکیده «سید»  
که او دارد شراب جنّت و هشیار می آید  
طریق عشق پیمودن وصال دوست آسان است  
اگر دل دادای «سید» بسدان دلدار می آید

### در انتظار مهدی علیه السلام

خوش بر آنکس که زند حلقه به درِ دلدارش  
 رسد از در بزند بوسه بر رخ بسیارش  
 خوش بر آن عاشق مستی که بهنگام فلق  
 می‌کند بانگ اذان وقت سحر بیدارش  
 خوش بر آن عارف دُردی کش میخانه عشق  
 که کند جامی از آن دُرد سبو هشیارش  
 خوش بر آن سوته دلی کز اثر سوزدلش  
 می‌برد سوز دل ما بسوی دادارش  
 گل رخسار تو جویند همه اهل نظر  
 خوش بر آن لحظه که بینند مه رخسارش  
 گل خوشبوی نبی گر برسد زان گلزار  
 جمله مخلوق شود مست گل گلزارش  
 میرسد هر دم از این باغ نسیمی به مشام  
 چشم دل باز نما تا نگری انوارش  
 گر برون آید از آن پرده و رخ بنماید  
 می‌کنم سجده بر او صبح و مساهر بارش  
 گفت ساقی به سحر صبح مکن امشب را  
 تا شوم مست و خراب از اثر دیدارش  
 گر بگویند که «سید» شده دیوانه او  
 نبود سرزنی خلق بود بیمارش

### بدر ولایت

چون بوی گل برآمد ایام غم سرآمد  
 گل بر چمن نخندید چون ماه انور آمد

غنچه شکفت و بلبل بنشست بر سر شاخ  
 ابری به کوهساران بر سر سبزه بارید  
 بر سر عاشقانش شاخه گل بپاشید  
 آن روز تلخ کامی شد به روزگاران  
 ایام غم سرآمد آن یار دلبر آمد  
 چون عاشقان شنیدند صوت پیام قرآن  
 گفتم به عارفان چون در صوت و در سمایید  
 کربوبیان بخوانید فرمان و امر یزدان  
 قدوسیان بگوئید حمد و ثنای بسیار  
 «سید» دگر تو امروز در دل غم که داری  
 باقی و حجت حق خورشید خاور آمد  
 شاخه سنبل و گل همراه دلبر آمد  
 مرغ سخنور امروز شاد و مظفر آمد  
 ایام وصل یاران بهتر ز شکر آمد  
 چون ماه بی قراران از آسمان در آمد  
 خورشید آل طه شمس منور آمد  
 از آسمان ملک گفت فرمان داور آمد  
 فریاد یا محمد از جان و دل بر آمد  
 از جان و دل بگوئید ایام غم سر آمد  
 شکر خدا که مهدی چون عود و عنبر آمد  
 باقی و حجت حق خورشید خاور آمد

### عطر نرگس

بوی خوش زلف یار می‌رسد از هر کنار  
 می‌رسد از هر طرف لطف خداوندگار  
 وصف جلال تو شد سلسله عشق من  
 می‌بردم سوی حق می‌کندم کامگار

ماه ندارد مگر جلوه‌ای از روی تو  
 دیدن رویت خوش است ای گل فصل بهار  
 ای می و مستی ز تو باده پرستی زمن  
 از می عشقت بود صافی و صوفی خمار  
 آن می سوری کجاست تا کندم مستِ مست  
 بلبل شیدا مکن از غم هجرش فغان  
 می دهم هر نفس وعده رویش قرار  
 ناله و زاری چرا فصل بهاران رسد  
 عاشق شیدا شود مست گل آن نگار  
 بد صبا می وزد از گل گلزار دوست  
 نغمه سرائی کند بر سر کویش هزار  
 شاد و غزلخوان شود مرغ گلستان یار  
 می رسد از هر چمن از سوی پروردگار  
 مهدی صاحب زمان عطر گل یاس تو  
 پرده شب می درد صبح شود آشکار  
 سید از این موهبت خوش گذرد روزگار

### میلاذ شاخه طوبی

عید میلاذ گل حمراست مهدی جان سلام  
 نور پاک ذات بی همتاست مهدی جان سلام  
 بر همه عالم مبارک این میلاذ گل  
 روز عید شاخه طوباست مهدی جان سلام  
 عطر یاس و نرگس از سوی گلستان می رسد  
 بوی عطر نرگس زهراست مهدی جان سلام  
 هر که دارد عشق مولا و گل خوشبوی او  
 دائمش لطف خدا همراست مهدی جان سلام

چون گل نرگس شکوفا شد جهان آراستی  
 نوگل نرگس جهان آراست مهدی جان سلام  
 باده عشقت مرا دیوانه و خمار کرد  
 سید امشب مست آن صهباست مهدی جان سلام  
 ساقیا پرکن قدح مطرب طرب انگیز شو  
 ساقی از لعل لببت شیدا است مهدی جان سلام  
 نور پاک انورت از نور مصطفی است  
 روشنی بخش شب یلداست مهدی جان سلام  
 عاشقان امشب همه فریاد یا مهدی می‌زنند  
 شور عشق و عاشقی برپاست مهدی جان سلام  
 عرشیان اندر سماع و فرشان در شور عشق  
 در زمین و آسمان غوغاست مهدی جان سلام  
 مطرب اندر شور و من مست گل روی توام  
 روز عید آن مه زیباست مهدی جان سلام

### تب عشق

ای عشق تو چون آتش برجان من افتاده  
 گوئی یمنی درّی اندر یمن افتاده  
 خورشید صفت سوزم دائم زتب عشقت  
 دائم اثر عشقت برجان و تن افتاده  
 بر هر که نظر کردی عشقت دهدش شوری  
 شور و شرر عشقت در انجمن افتاده  
 دل از اثر عشقت دائم به تب و تاب است  
 این تاب و تب عشقت بر مرد و زن افتاده  
 آنکس که الفبا را ناخوانده معلّم شد  
 همچون شجر طوبی جا در عدن افتاده

گفتی که غزل خوان شو تا بر تو نظر دارم  
 در و گهر عشقت در هر سخن افتاده  
 بوی خوش ریحانش چون می رسد از هر سو  
 گوئی که گل ریحان اندر چمن افتاده  
 ای یوسف کنعانی بوی خوش ریحانت  
 چون بوی خوش یوسف در پیرهن افتاده  
 یا رب تو بگیر از من این زمزمه عشقش  
 تا این نفس عشقش در این بدن افتاده

### نسیم باد صبا

نسیم باد صبا بوی وصل یارم داد  
 فرار و صبر مرا برده آن نگار از دل  
 چو وعده کرد که بوسم از آن گل رویش  
 نسوید فصل گلم داد و گفت می آید  
 ز شوق گفتمش ای سرو قامت بستان  
 طریق عشق تو دیوانه کرد و مجنونم  
 شمیم طره زلفش که عنبر افشان است  
 درون برده گویم که نور جاویدی  
 نسیم بوی خوشش کز بهشت می آید  
 هر پیام مرا سوی عاشقان سید

خبر ز سلسله زلف آن نگارم داد  
 نگاه قامت سروش بدل قرارم داد  
 بصد کرشمه یکی بوسه از هزارم داد  
 نشانه‌ای ز گل و سرو با وقارم داد  
 که سرو قامت تو بویی از بهارم داد  
 یکی طریقت مردان روزگارم داد  
 بروز روشن و در صبح آشکارم داد  
 برون ز شعشعه لطف کردگارم داد  
 ز روضه عدن آن یار گل عذارم داد  
 که وعده آن گل گلزار لاله زارم داد

\* \* \*

و اینک قطعاتی چند از حافظ، جامی و دیگر شعرای پارسی‌گوی:

### بیا که رایت منصور پادشاه رسید

بیا که رایت منصور پادشاه رسید  
 جمال بخت روی ظفر نقاب انداخت  
 سپهر دور خوش اکنون کند که ماه آمد  
 ز قاطعان طریق این زمان شوید ایمن  
 عزیز مصر بر غم برادران غیور  
 که حاست صوفی دجال فعل و ملحد شکل  
 صبا بگو که چه‌ها بر سرم درین غم عشق  
 ز شوق روی تو شاهها بدین اسیر فراق  
 مرو بخواب که «حافظ» ببارگاه قبول  
 نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید  
 کمال عدل به فریاد دادخواه رسید  
 جهان به کام دل اکنون رسد که شاه رسید  
 قوافل دل و دانش که مرد راه رسید  
 ز قعر چاه برآمد باوج ماه رسید  
 بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید  
 ز آتش دل سوزان و دود آه رسید  
 همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید  
 ز ورد نیم‌شب و درس صبحگاه رسید

### بده پیغام دوست

مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست  
 تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست  
 واله شیدا است دایم هم‌چو بلبل در قفس  
 طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست  
 زلف او دامست و خالش دانه آن دام و من  
 برامید دانه افتاده‌ام در دام دوست  
 سر زمستی برنگیرد تا به صبح روز حشر  
 هر که چون من در ازل یک‌جرعه خورد از جام دوست  
 بس نگویم شمه از شرح شوق خود از آنک  
 درد سر باشد نمودن بیش از این ابرام دوست  
 گردهد دستم کشم در دیده همچون توتیا  
 خاک راهی کان مشرف گردد از اقدام دوست



میل من سوی وصال و قصد او سوی فراق  
 ترک کام خود گرفتم تا برآید کام دوست  
 حافظ اندر درد او می سوزد و بی درمان بساز  
 زآنکه درمانی ندارد درد بی آرام دوست

### جهان چشم براه است

ای مهدی موعود که غیر از تو کسی نیست  
 بازآی که در محکمه عدل الهی  
 ای آنکه تویی یوسف و عالم پدر پیر  
 بازآی از هجر تو جان پدر پیر  
 بازآی که یعقوب جهان چشم براه است  
 بازآی و بیفشان همه انوار که عالم  
 ای صبح دل افروز برون آی که خورشید  
 بازآی که از بهر بپا خواستن ما  
 بازآی که از بهر پلیدان زمانه  
 بشکسته بود بال و پر هر چه عقاب است  
 بگشای درباغ از آن چهره که دنیا  
 تا نام تو و ذکر تو و عشق تو باشد  
 در روی زمین غیر تو فریادرسی نیست  
 جز حضرت تو بهر بشر دادرسی نیست  
 بازآی که جز عشق تو او را هوسی نیست  
 چندان شده از کار که او را نفسی نیست  
 کورا بجز از دیدن تو ملتومی نیست  
 چندان شده تاریک که نور قبسی نیست  
 از نور جمال تو بجز مقتبسی نیست  
 جز صوت رسای تو صدای جرسی نیست  
 جز تیغ نوای رهبر عالم عسی نیست  
 عنقای فلک نزد تو بیش از مگسی نیست  
 از بهر محبان تو غیر از قفسی نیست  
 «جامی» به خدا نامبر خار و خسی نیست

### یا حجّة بن الحسن

یا مهدی ای فخر زمن  
 ادرکنی ای مولای من  
 یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن  
 ای صاحب زمان  
 ای یار مستضعفان  
 یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن  
 ای رهبر ثانی عشر  
 ای پادشاه دادگر  
 یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن  
 با یاد تو گویم سخن  
 رخسار زیبا کن عیان  
 بر حال زار مانگر

طاووس اهل جنتی	بر سر همای رحمتی	حق را تو والا آبتی
یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن		
گشتی تو با خوبان قرین	با بهترینها همنشین	تنهایی ما را ببین
یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن		
تو مهدی دین پروری	بر جمله خوبان سروری	آمد زمان یاوری
یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن		
درمانده کویت منم	آشفته مویت منم	جوینده رویت منم
یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن		
تنها تو هستی سرورم	جز تو نباشد یاورم	ای پیشوا ای رهبرم
یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن		
ای نور چشم انبیاء	ای ختم جمع اوصیا	ای آبروی اولیاء
یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن		
جانا فغان از بی کسی	صد الامان از بی کسی	اشکم روان از بی کسی
یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن		
فریاد رس ای صاحبم	ای آشنای غائبم	دیدار رویت طالبم
یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن		
من خادمم در این صفم	جان بر لبی سر بر کفم	بنما کرم مستضعفم
یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن		
گوش من و آوای تو	دل طالب سیمای تو	جان در تنم جویای تو
یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن		
ای خسرو دنیا و دین	بر خلق مستضعف معین	حال دل «ازهار» بین
یا سیدی یابن الحسن یا سیدی یابن الحسن		
		احمد علی ازهار

### یا صاحب الزّمان

رویت خدا نماست یا صاحب الزّمان  
والشمس روی نو و اللیل موی تو  
بر خلق رهنماست یا صاحب الزّمان  
خوی تو هل اتی یا صاحب الزّمان

جودت مرا نصیب فضلت مرا طبیب  
 قربت مرا شراب هجرت مرا کباب  
 اسمت مرا دواست ذکرت مرا شفاست  
 ای آفتاب دل، مه از رخت خجمل  
 هستی زیود تست مستی زجودتست  
 تن از تو جلوه گر جان از تو پر شرر  
 دریای سرمدی مرآت احمدی (ص)

جورت مرا بلاست یا صاحب الزمان  
 عشقت مرا بلاست یا صاحب الزمان  
 حکمت مرا قضاست یا صاحب الزمان  
 در صحنه سماست یا صاحب الزمان  
 حق هم بدین گواست یا صاحب الزمان  
 دل از تو پر بهاست یا صاحب الزمان  
 رویت خدا نماست یا صاحب الزمان

سروده حاج کمال مشکسار

### یار غار می آید

سحرگه بوی گل کز جانب گلزار می آید  
 زچین طرّه مشکین آن دلدار می آید  
 بدستی باده احمر بدستی مصحف فتوی  
 زهسی ساقی گلرویان که صوفی وار می آید  
 جهان شد روشن از ظلمت چون آن مه رو گشاید زلف  
 که از روی چو خورشید هزار انوار می آید  
 زآب دیده در کویش که آن خلد برین باشد  
 دلم جنّات تجری تحتها الأنهار می آید  
 زهر شام سر زلفش هزاران کوه می پوشد  
 که چون خورشید آن مه رو بصد اظهار می آید  
 زعالم گوشه گیر ای جان بیاد آن خم ابرو  
 نشین در غار دل «کوهی» که یار از غار می آید  
 برگزیده از دیوان شیخ علی مشهور به «بابا کوهی»

\* \* \*

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَإِنِّي لِأَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ (همانا من برای مردم امان از خدایم) \*  
 از سخنان مغیث مظلومان حضرت مهدی موعود علیه السلام  
 بیاید

بیامهدی که غبارم	ز جبر روی تو نالم	بیای مادی و سرور	بیای باقی حیدر
بیای عسرة الثقی	تو ای یس و هم ط	ردا سے نور بر تن کن	به صحیحه و به دشمن کن
بیای یار مظلومان	مغیث و یار مظلومان	باط مفسدان بر کن	تو پشت ابر من بشکن
بیای یوسف کنعان	بیای آیت رحمان	بیای مونس یارم	بدان مشتاق دیدم

بیامهدی تو را دارم، بیامهدی تو را خواهم

بیای زاده عسکر	بیای منجی و رهبر	خدا یا خالفا صاحب	الها یار با مالک
بیای صبح پیروزی	طلوع فجر بهروزی	بنه منت ز لطف بر ما	بخش بر ما تو استیلا
بیای پاد در کاب غم	به سوی طاغیان با جرم	شویم پیشوا، ز بس زمین	و کردیم دارت زمین
بیای با حسیل یارنت	بیار بر ما تو بار انت	خدای صادق الوعدم	هسی در جنت در دم

بیامهدی تو را دارم، بیامهدی تو را خواهم

تو ای خورشید نورانی	بیای که حسن خجالبین	بیامهدی که بی تا بم	شب و روزم تو را خواهم
بیای با آن دم عیسی	بیای با منطق موسی	کره افتاده در کارم	چهم در مانده زارم
تو بر آن تعینه شمیر	ز بهر دشمنان بر گیر	رگ کن مجدیم، رحمان	ز بند غیبت، ای سبحان
حیات من ده گراما	بپا کن دولت جانا	بده اذن ظهور یارم	که من تنها تو را دارم

بیامهدی تو را دارم، بیامهدی تو را خواهم

يَا رَبِّ الْحَسَنِ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ اِنْفِ صَدْرِ الْحُسَيْنِ لِيُظْهِرَ النُّجْمَةَ اِيْمِيْنَ يَا رَبِّ الْعَالَمِيْنَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّحْمِيْنَ

سروده سادات اناس عا برای راهبان راهاندا

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَوْلَانَا وَمُعَدَانَا صَاحِبِ الْأَمْرِ وَالْعَصْرِ الزَّيْنِ الْمَعْدِيِّ لَقَبْتِ اللَّهُ خَلِيقَهُ اشْرَعِ عَلَيَّ الشَّاسِ اجْمَعِينِ  
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَبَلِّغْهُنِي سَجْدَةً وَسَلَامًا

مهدی جان، ای کشتی نجاتم، ای ناخدی جانم،	جانم فدایت، جانم فدایت
غالب جان، ای صابر حکیم، ای صاحب معنم	داد از فرقت، داد از فرقت
صفی جان، ای نوگل زهرایم، ای پور مرتضایم	جانم نثارت، جانم نثارت

مولاجان، آقا جان، دستم بدان تو، هستم نغمه نغمان تو  
برمانظ کن، برمانظر کن

ولی جان، ای ناصر غالبم، درمانده مضطرم	بنما عنایت، بنما عنایت
صاحب جان، ای داعی خدیم، ای بیک گشایم	رسان پیامت، رسان پیامت
وفی جان، ای صبح دل فروزم، بر در دهر سوزم	بنما حمایت، بنما حمایت

مولاجان، آقا جان، دستم بدان تو، هستم نغمه نغمان تو  
برمانظ کن، برمانظر کن

مادی جان، ای منظر شجاعت، ای طالب عدالت	هستم کنارت، هستم کنارت
نائب جان، ای یاور ضعیفان، ای حامی مسلمان	جانم قربانت، جانم قربانت
بقی جان، از جان خود گذشتم، بان خون خود نوشتم	رزم و شهادت، رزم و شهادت

مولاجان، آقا جان، دستم بدان تو، هستم نغمه نغمان تو  
برمانظ کن، برمانظر کن

مستطرد انتظار باش دیدار و امر ظهورش از خدای قادر بخواه و امیدوار باش که او انشاء الله می آید

وَالْأَحْوَالُ وَالْقُوَّةُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِجَنَّتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

شعار از بسادات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا وَدِّي الْعَصْرُ ذِكْرًا

ای یوسف کنعان	در پرده و پنجهان	ای مهدی دلاورم	ای تک سوار سرورم
ای حاشا ققرآن	ای محبت یزدان	ای باقی نور خدا	ای شافع روز جزا
ای یار جانبازان	ای شمس افزان	بستی معین و یاورم	نوری بسین در برم
جانم بقرابنت بیا	دشمن بد امانت بیا	جانم بقرابنت بیا	دشمن بد امانت بیا
ای رحمت یزدان	ای آیت رحمان	ای مهدی صاحب زمان	ای منجی خلق جهان
ای لیلستان	ای سید و سلطان	هم ابرو هم باران	هم درد هم درمان
ای جان و هم جانان	هم چشمه حیوان	دردت به جان ما بیا	روح و روان ما بیا
جانم بقرابنت بیا	دشمن بد امانت بیا	جانم بقرابنت بیا	دشمن بد امانت بیا
ای خسرو و سلطان	ای باطن مستران	ای دلبر و دلدار ما	ای رهبر بیدار ما
ای عالم احکام دین	ای شاعر شرع مبین	در راه تو رزمندگم	جان بر کفی آماده ام
از پرده غیبت درای	اجرا نما حکم خدای	مشتاق دیدارت منم	از جان خریدارت منم
جانم بقرابنت بیا	دشمن بد امانت بیا	جانم بقرابنت بیا	دشمن بد امانت بیا

به امید پیروزی اسلام و نجات انسانهای در بند در اقصی نقاط جهان. انشاء الله.

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

شعار از سادات

بِنامِ خدا

اَحْمَدُ نَبِيُّ رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا وَسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ عَشْرَةِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الَّتِي يَوْمَ الدِّينِ

مژده بهار می رسد ز کردگار می رسد خوش کن نگار می رسد آن پایدار می رسد  
بوی خوش زلف او ز بهر کنار می رسد نوگل ز بهر سوی ما به کارزار می رسد  
پیام که یار می رسد پیام که یار می رسد

پیام بهار می رسد آن گلزار می رسد نوید چو یار می رسد به لاله زار می رسد  
ز سوسه دادار ما اوبی فتار می رسد دین مبین اسلام به افتخار می رسد  
پیام که یار می رسد پیام که یار می رسد

وہ کہ بہار می رسد مرغ ہنار می رسد

شاد شوید مومنان، وعدہ بہ بار می رسد

سپاس پروردگار جهانیان آن خالق بی بہت اور انگر نموده و دست نیاز بہ سوی بارگاہ بی نیاز او دراز کرده حاجرانہ و ملتتانہ  
از او مسالت می نمایم تا امر ظہور سُر مستضعفان عالم را منجرفہ برمودہ و لیاقت توفیق دیدار کل بوتان احمدی را بہ جمع مؤمنین عجا

فرمایند انشاء اللہ

بِالنَّاسِ خَالِدًا

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مردی که آید ندا	ز هر طرف از خدا	مصدی مایا یا	باستی ابرار ما
ظلم از بین رود	عدل بگردد پایا	بدش آسان شود	چاره هر کار ما
خیرز جاکن سرور	و عده رسد ز ظهور	گریه زاری چرا	بهدل بنویا
دست بن پاکجا	روی بکن سوی نوا	می رسد ز راه لطف	پیک سرور از خدا
خیر جوان حمد و نضر	باردگر عرصه فتد	فصل صبا چون شود	باد صبا چون زد
چون زده لطف حق	روز خوش آید پیر	دیو چو بیرون کنیم	فرشته از ره رسد
خیرز جاکن سرور عده رسد ز ظهور		خیرز جاکن سرور عده رسد ز ظهور	

خیرز حبا یا اورم  
 تو سپنجین خواهم  
 که نیک بعیت کنیم  
 به باقی داورم

چون یاری خدا پیروزی فرزند آید و مردم را بسینی که فوج فوج باین خدا درمی آید پس بتبایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه که او توبه پذیر است \*



## بِناَمِ اللّٰهِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَالصَّلٰوةُ عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ وَعَلٰی اٰلِهِ اٰمَنَّا اللّٰهُ

## شمه زلف یار

هوالمستمنع

وه که نسیم زلف یار	داده بیل صبر قرار	ز ره رسد چو کلف دار	سوی چمن پیسنه ار
چون برود آن شب تا	خوش گذر بر به وزگای	پرده گل رود کنار	مژده حق رسد به با
عطر گل ز کس یار	چون برسد ز بکینا	او چو رسد به لاله زار	بلبل و تسمری و تیرا
نغمه چو سینه به سار	جمع شوند دست و نما	ز نفحه ز شمشیم یار	نغمه زنت شاخا
چون برسد فصل بهار	و عده رسد ز کردگای	گر که رسد سرو نگار	بهر نبرد و کار زار
لیل رود رسد نسا	صبح بگردد آسگار	حمد و سپاس حقیم	سجده گزارم بی شما

به امید رسیدن فروغ ازلی قائم آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم و منور شدن جهان هستی از آن نور و نجات توده های محروم و مستغنی  
از ظلم و اسارت و برقراری عدالت جهانی انشاء الله

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ اَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَّ اٰلَ مُحَمَّدٍ  
 مہندی بیا

ای سہوڑ دیندارا	ای رہبر سیدارما	ہمدی تو ہستی رہنما	ہمدی تو یوںی رنفر بقا
ای نائب ابرار ما	ای صاحب ہیشیارما	ہم ہادی وہم رہ گشا	ہمدی تو یوںی نور خدا
در جمع آن قڈسیان	اندر صف کڈسیان	ای انور و جبل المتین	ای رہبر دنیا و دین
پیکار حق در این جہان	بہر سہرہ دینی امان	آن دل شکیبہ تہا	بہر دل حسنتہ ما
کاخ ستمگری بکن	نعرہ حمیدری زین	ہستی شفا و مرجمی	ہستی طبیب و مرہمی

ای باقی نور خدا، جانابیا جانابیا

ای باقی نور خدا، جانابیا جانابیا

ای کل سردی بیا	ای دم عیسوی بیا	آلالہ حسرای ما	ای نوکل زہرہ ای ما
بہر خدا، تو با وفا	ای جان ما بیا بیا	آیت ز نور احمدی	ای نوکل محمدی
باد صبا، باد صبا	اورا بے اندر صفا	ہم ساقی و پیمانہ ام	نور شب کا شانہ ام
صیغہ زندہ بہر لقا	از زمین بردہ ظلم و جفا	دردت بجان خریدہ ام	درد و تعب کشیدہ ام
خدا، خدا	اورا رسان تو بہر ما	بنمائظنہ تو سوی ما	راہی مناسبہ کوی ما

ای باقی نور خدا، جانابیا جانابیا

ای باقی نور خدا، جانابیا جانابیا

ای بموطن بہر شش شتاب ہر دم فرست تو صلوات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَصَلَّى اللهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ  
 اینجانب سید محمد معصوم نقیبه امامت در وصف حضرت بقیة الله حجت منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف آخر حجرت  
 خداوند دوزخه کشنده جهان هستی سروده ام و تقییم عقد تمدان آن سرود را کرده.

مژده ای دل که یار می آید	سروستان سگوفه و سنبلی
سگوفه یار می آید	مژده یاران که یار می آید
جمله اندر کنار می آید	سیرد و سیرده شکوفه گل
بوی فصل بهار می آید	شاد و خندان شویدی یاران
بهره آن نگار می آید	در غلطان و لاله و سوسن
دعده حق به یار می آید	آن فروغ جمال لم برنی
لولوشاهوار می آید	شعله خواهد گفت در آفاق
از پس ابر تار می آید	می شود روشن از فروغ رخس
در دل شب نهار می آید	رحمت حق ز عالم اسکان
چون که آن گلزار می آید	جگر رخس بود نشان زنبی
مرغ دستان هزار می آید	ابرو باران و رحمت بیار
دارش ذوالفقار می آید	آن مرصع به یازده نورش
بی حد و بی شمار می آید	اسک غم راز دیده پاک کنیم
پنجه و پنج و چار می آید	
صاحب الاخیار می آید	

# خواهد آمد

مرده ای بایران که آن نور خدائی خواهد آمد  
 می کند افلاک را روشن ز انوار خدائی  
 همدی موعود نور دیده زهرای معصوم  
 آن معتمد عالم احکام دین مصطفائی  
 او طیس بالباس حدش ابراهیم و احمد  
 آن جمال ماه رویش بر کواکب خرد گیرد  
 عالم علم نبوت وارث حکم امامت  
 انتقام خون زهرار ایقین خواهد بکسیرد  
 مستمندان را بود امید یاری و نجاتی  
 ماه رخسارش بلال قوس او ادنی نماید  
 خون هر مظلوم را گیرد ز ظالم انتقامش  
 ظالمان را میزند گردن بدست پر توانش  
 درد هر بیمار را بایک نفس درمان نماید

مشکل هر بینوار او کند مشکل گشائی  
 همچو حدش مرضی مشکل گشائی خواهد آمد

بنام چهارده نورانی سروده تید محمد معصوم نسابه

## عَزِيزُ زَهْرَاءَ

مردگانی بدو ای سید شیرین گفتار  
که عزیز دل زهد ای نبی می آید

آفتاب از افق صبح نمی آید باز  
چون ز مغرب شفق نور جلی می آید

دارد انگشتر با قوت سلیمان در دست  
تا بر آفاق کند پادشاهی می آید

جمله عالم شود از این مبارک قدش  
پاک چون مستقیم آل علی می آید

رخ چون نبود جهان بکسره گلشن گردد  
چون به ظلمات جهان نور ولی می آید

چهره از لطف خدای کند از پرده بر  
شود از پرده بدون سر و سهی می آید

عدل و انصاف به هر محکم حاکم گردد

چونکه آن مفتی اسرار خفی می آید

# یا اهدک عجب کلاظهورک

قیمت از پرده برون کن بنارخسار  
 مه رخسار تو گر چرخ به گردون بند  
 شوق دیدار تو دیوانه بازارم کرد  
 این عجب بین که تو در خلوت با ما میام  
 میرسد صوت ملک و گل و گل چین  
 کز بر آن حلقه زندان خرابا سویم  
 خوش در آیم به سر حلقه زندان بیام  
 یسید امروزه در سگوه مکن از بهران  
 می شود شمس و قمر و الا آن انوارت  
 آفتابش بخند صبح به یک دیدارت  
 جستجوی کنم هر روز به هر بازارت  
 و این عجب ترک همه خلوتیان بهارت  
 وقت آنست که بویم گل گلزارت  
 صوت قرآن شنویم از لب شکر بارت  
 اندر آن صوت و سماع دم زخم از کفارت  
 می کند نور خدا وقت سحر بیدارت

شود از پرده برون رخ بنماید چون صبح

تا سر آید شب بهجران و غم دلدارت

۱۳۷۲  
 السلام علی المهدی باریک با قدمش در بر چشمان ما گزاشد مرثوانش را سرانیده یسید محمد معصوم نواب

آرزوی دیدار همیشه

ای باد صبح بوی گل یارم آرزوست	یکدم ستمیم آن گل گلزارم آرزوست
یکدم یار نغمه‌ی از گلستان دوست	زارو که بوئی از گل بی خارم آرزوست
باد صبا یار نسیمی از او دمام	زان بوی جان فرای که بیارم آرزوست
هر وعده صبح و شام بر او میرم نماز	ذکر دعا به حلقه ز نامم آرزوست
یار بجز حق عزت جا بهت قسم نورا	آن پرده پوش پرده اسرارم آرزوست
گراوشی ز ماه رخس پرده افکنند	یک بوسه از لاله می یارم آرزوست
دستم بگیر تا دم آخر برم نماز	چون عاقبت به عاقبت کارم آرزوست
صد بار اگر حکایت زلف دو ما کنم	بوئی از آن چلیپه دلدارم آرزوست
یارب ز کار بسته دنیا شدم ملول	آن دولت خجسته بیدارم آرزوست
گفتی که ماه سر زود و خورشید آید	آن ماه بی قرار به صد بارم آرزوست

«سید» اگر مراقبه با اهل دل کنی

گوئی مدام کان بت عیارم آرزوست

سید معصوم زاده ۱۳۷۲

## کعبه آرزو

امی عطر نفیثه بوی سید  
امی جان به فدای حال یوت  
دیدار تو هست آرزو کم  
سید شده مت رومی ما  
مستم من از آن شراب لعلت  
نادل ندی هه نمی بری دل  
مطرب تو بزین به تارچه  
از طره تو نمی کنم دل  
یارب نظنری بوی مان  
از پرده برون مناجا  
امی کعبه آرزوی سید  
راهی مینا به کوی سید  
بنما نظنری بوی سید  
آبی برسان بوی سید  
پر کن تو از آن بوی سید  
دل داده به گفت کوی سید  
ناچکان زنی به موی سید  
امی نافه مشکبوی سید  
بر جرمیت و آبروی سید  
امی کعبه آرزوی سید



## مهد موعود مهفت آسمان

نایا روی ماه تو کردم جوان شدم  
مشاق رؤیت مهفت آسمان شدم  
دیدم به خواب قامت سرو چمان تو  
منقون و دواله قد سرور روان شدم  
کردم نظاره بر گلستان احمد  
سرخوش زلاله و گلستان آن شدم  
گفتم عیان نمی شوی ای مرغ خوش سخن  
سرگشته از فراق تو ای مهربان شدم  
مستم نماز جامی و پرکن پیاله  
است از پیاله بت شیرین زبان شدم  
از عاشقان و ذاکر آل محمد شدم  
عاشق برو مهدی صاحب زمان شدم  
دست دعا به دامن آل علی زدم  
در سایه عنایت حق کامران شدم

بیدپر از دلشدگان دل نمی بری

از دل مبر آنکه یار تو شد من ز جان شدم

## مهد موعود - مه بی ترا

چه خوش است آنکه روی مه آن بخارین  
 چه خوش است تا بوم لب لعل و درج لبر  
 چه خوش است ماه روی تو بی نظاره کردن  
 زبان سگر نیت سخن خدا شنیدن  
 چه خوش است تا کتم جان بعد اجان جانان  
 بری تو بارسم راز دل شکسته من  
 بجز از تو کی کنم من ز زمانه آرزوی  
 لب تشنه مرا خوش که دهی تو آب حیوان  
 چه خوش است تا بسیم رخ آن گلار دور  
 چون هزار مرغ شیدا به سماع و صوت رفتن  
 چه خوش است تا کند او شراب ناب مستم  
 مه نود آمدی چون رخ آفتاب دیدم  
 چو بر آمدی ز مغرب همه نقش یار بسیم  
 دل اگر تو نکته دانی بودت اشاره ای بس  
 بخدا اگر تو بستید به دعای صبحگاهان

گل عارضش مرا خوش چو گل بهار دیدن  
 ز قرار بی قراران مه بی ترا دیدن  
 رخ خویبر ز ماه تو همسزار بار دیدن  
 به کنار سبزه زاران گل خوش عذار دیدن  
 کدشانه ای ز روی بت پرده دار دیدن  
 به کنار جویباران گل لاله زار دیدن  
 خط و حال تو مرا بس لب جویبار دیدن  
 بدی ز جام لعلت می خوشگوار دیدن  
 به کنار او نشستن خم زلف یار دیدن  
 به طرب ترانه خواندن رخ آن هزار دیدن  
 به کنار خم نشستن همه را خمسار دیدن  
 چه خوش است روی دلبر همه آسگار دیدن  
 گل لاله تو را چون گل مشکبار دیدن  
 که توان به یک اشاره همه در کنار دیدن  
 ز خدا طلب نمائی بتوان شمار دیدن

## حدیث عشق

ساقی از آن شرابم در جام و در سوکن  
 چون میرسد مدت زان باده هر شب و روز  
 گھٹم ز ماہ و خورشید در ہر دو حجبوکن  
 گھٹم کہ شرح عشق ساقی تو موبوکن  
 ای باد بھکائی اور از او نسیمی  
 ساقی اگر تو داری از بار من نشانی  
 یارب عزیز زہرا بابا تورو بردوکن  
 گھٹم چو دبر آید ماہ رخس بوسم  
 دیدار روی مہدی ارد اور از روکن  
 دیدار روی مہدی ارد اور از روکن

بنسبت کے سید و مبارک حضرت مہدی علیہ السلام نے فرمایا ہے کہ جو شخص اس شعر کو پڑھے گا وہ اپنے گناہوں سے بخشا جائے گا۔  
 شعبان المعظم ۱۴۱۴ قمری سید محمد مصوم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
مست صهبای یار

من والد روی توام، ای روضه حسد برین

من مست صهبای توام ای خوب روی مبه حسین

حور و فلک سرگشته از، اسرار پنهان تواند

از ماجد این می کنی، روشکر حق یقین

هر کوزند بردامنت، دست لای یا علی

کردی شفاعت خواه او، مراتب العالمین

جویم تو را هر روز و شب، در پرده اسرار حق

از ما تو پنهانی چپرا، نور خدا اندر زمین

بحری و پنهان کرده ای، اندر صدف آن گوی

برگیر از سر آن نقاب، ای گوهر و در ثمین

هر روز و شب دم می زخم، اندر ولایت یا علی

من در فراق مهدت سردر گریان و غمین

بیدمادم می زند، دست عابد امت

تا پر نیایی دامنش از عطر یاس و یاسین

باید پیروزی حق بر باطل و برافراشته شدن سر بر عدالت در سطح جهان انشاء الله

سید محمد معصوم نساب شیراز ۷۴

## غَمِ هجران

شد غمِ هجران تو، مایه پرمان من  
از غمِ هجرت شده، خون بدک جان من  
ای که تو افروختی آتش غم بر دلم  
آتش غم می زند، شعله به امان من  
جز غمِ هجر تو نیست در دل سرکش مرا  
عشق تو بر هم زده این سرو سامان من  
دل به دعای زخم، رو به خدای کنم  
تا که اثر نکند، اشک چو باران من  
مهدی صاحب زمان سر دل آرای من  
تا بگویم تو ان برده ای از دل نالان من  
شهد سگر زرد از، آن لب خندان تو  
خون جگر می چکد، از سر مرگان من  
سید اگر هجر یار، کرده تو را بی ستار  
دامن زردان بگیر، بر سر پیمان من  
رو به خدا کن بخوان، سوره والعصر و حمد  
تا که خود آسان کنند، مشکل ماران من

به امید پیروزی حق علیه باطل و برافروختن پرچم توحید و یاقین حیاتی دوباره انشاء الله  
سید محمد معصوم نسابه از شیراز  
اردیبهشت ۲۴

# نسیم صبح

وہ چه نسیم زلف تو دل بہ اشارہ می برد

زرکس چشم مست تو، مہ بہ نظارہ می برد

جام عقیق لعل تو، می کندم خراب ست

ہر کہ از آن طلب کند، کوی دوبارہ می برد

یار چرائی دہی، زان می ناب جرعی

بادہ درج لعل تو، می بہ غرارہ می برد

نقحہ گل ندارد آن نکہت طرہ تو را

بوی خوش شمامہ را باد بہارہ می برد

دامن لالہ پرز خون، گشتہ ز ہجر بایر من

دیدہ پرز خون من، آت ستارہ می برد

دست عابزن بر آن، دامن آشنای من

کان مہ آشنای من دل بہ اشارہ می برد

سید از این حکایت لعل و کھر دوبارہ کوی

این زرناب شہرہ از، کوبہر و یازہ می برد

بہ امید پیروزی اسلام ناب محمدی و آزادی انسانہای در بند عالم

سید محمد مصدوم نسا بہ از شیراز

مرداد ۱۳۷۴

آبرو  
ن. طوق طلا

یا مهدی صاحب زمان (ع)

دیوانه رویت منم  
سرگشته کویت منم  
یکدم بیدارم بیا  
نامت دیدارت شوم

یا مهدی صاحب زمان (ع)

دستم بدانانت بیا  
جام بقربانانت بیا  
ای مه خردارت منم  
از جان و دل بارت منم  
از جان تو دل بارت منم  
آتش سجان اندام منم  
باز آگه دلدارت منم  
از جان خردارت منم  
ای طوبه حق گیتی  
پیدا و پنهان گیتی  
هم عروۃ الوثاقی  
سیمانه صباستی  
آلای حمراستی  
در پرده و پیداستی  
از عالم بالاستی  
یکدم بیدارم بیا  
نامت دیدارت شوم

یا مهدی صاحب زمان (ع)

توشا نه طوباستی  
هم سرد و مولاستی  
هم طلعت خدر استی  
با عاشقان هم راستی  
هم درو هم در مان تویی  
هم عاشق جانان تویی  
هم ابرو هم باران تویی  
هم بجزو هم طوفان تویی  
سرو چمان من بیا  
دردت سجان من بیا  
آرام جان من بیا  
روح و روان من بیا  
سید بقربانانت بیا  
دستم بدانانت بیا

میلاد مسعود یگانہ معنی عالم بشریت مهدی موعود ارواحنا لالفداء برہمگان مبارکباد

سید محمد معصوم نسابہ ۳۱۳

## فهرست

- مقدمه ..... ۳
- چرا این مجموعه را تألیف نمودم ..... ۵
- بخش اول
- چگونه بیدار شدم ..... ۹
- بخش دوم
- مختصری از شرح حال حضرت بقیة الله الأعظم (عج) ..... ۱۹
- چگونگی ولادت امام زمان علیه السلام ..... ۲۰
- ویژگیهای حضرت مهدی علیه السلام ..... ۲۳
- نسب شریف حضرت مهدی علیه السلام در احادیث اهل سنت ..... ۲۴
- چهره تابان حضرت مهدی علیه السلام و اندام موزون آن حضرت ..... ۲۵
- بخش سوم
- درد دلی با هموطن عزیز ..... ۲۷
- شکوه از بیداد ظالمان و نوید نابودی آنان ..... ۳۴
- بخش چهارم
- شمه‌ای از مصائب و مشکلات انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام ..... ۳۹
- بخش پنجم
- حضرت بقیة الله الأعظم (عج) از دیدگاه قرآن مجید ..... ۵۵
- حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه دیگران ..... ۵۸
- حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه معصومین علیهم السلام ..... ۶۴
- بخش ششم
- نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) ..... ۷۵



- بیان نشانه‌ها ..... ۷۶
- تحولات موجود در عصر غیبت ..... ۹۳
- صیحه نیمه ماه رمضان ..... ۹۹
- بخش هفتم**
- لزوم شناخت اوصاف امام عصر (عج) ..... ۱۰۵
- اسامی مقدس و شریف دوازدهمین پیشوای آسمانی اسلام حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۱۰
- وظایف شیعه در زمان غیبت ..... ۱۱۲
- بخش هشتم**
- امر ظهور چگونه انجام می‌گیرد ..... ۱۱۷
- چه نیروهایی به وقت ظهور حضرت را یاری می‌کنند ..... ۱۲۷
- آثار و فوائد و ویژگیهای دعا کردن جهت تعجیل در امر فرج ..... ۱۳۱
- چرا صاحب الأمر خود را صدا نمی‌زنیم ..... ۱۳۷
- بخش نهم**
- دورنمای جهان بعد از ظهور ..... ۱۴۱
- بخش دهم**
- از ارمغان مجلسی ..... ۱۴۷
- ده ذکر از اذکار روزانه یک مسلمان از دیدگاه علامه مجلسی ..... ۱۵۰
- هفت برنامه از تعقیبات مشترک نمازهای یومیّه از دیدگاه علامه مجلسی ..... ۱۵۲
- بخش یازدهم**
- خوابهای رحمانی در زمینه ظهور حضرت بقیّة الله (عج) ..... ۱۵۵
- بخش دوازدهم**
- سروده‌های مؤلف ..... ۱۹۵
- سروده‌های سید محمد نسابه (سید) ..... ۲۰۸
- سروده‌های دیگر شعرای پارسی‌گو ..... ۲۱۵